



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

۲

ستارگان حرم



گروهی از نویسندگان ماهنامه کوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستارگان حرم: اختران حریم معصومه (س) - ۲

نویسنده:

ماهنامه کوثر

ناشر چاپی:

زائر - آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	ستارگان حرم: اختران حریم معصومه (س) - ۲
۱۳	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۲۲	محمد بن حسن صفّار (محدث نامدار) / محمد مهدی حرزاده
۲۲	اشاره
۲۳	ولادت
۲۳	عصر صفّار
۲۵	ویژگیهای فردی
۲۷	صفّار از دیدگاه بزرگان علم
۲۸	مقام علمی
۳۱	استادان و شاگردان
۳۲	ستیز با انحراف
۳۳	صفّار در کتب دیگران
۳۴	فصل غروب
۳۸	ابن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق) یک قرن پارسایی و دانش / محمد حسن امانی
۳۸	ابن بابویه قمی صدوق اول
۳۹	منشور حیات طیبه
۴۲	از نگاه سروقامتان
۴۵	منزلت دینی و اجتماعی
۴۶	منزلت علمی
۴۸	شاگردان و راویان
۴۹	استادان حدیث
۴۹	در برابر اندیشه باطل

۵۳	مقام توسل
۵۴	فرزندان
۵۶	وفای به نذر زیارت خانه خدا
۵۸	آرامگاه ابدی
۶۲	قاضی سعید قمی (۱۱۰۳ - ۱۰۴۹ ه.ق) (جوینار حکمت) / غلامرضا گلی زواره
۶۲	دانشوری پر تلاش
۶۴	نام و نسب خانواده
۶۶	دوران شکوفایی
۷۰	در مکتب اصفهان
۷۲	قضات و طبابت
۷۵	از دیگران
۷۷	تراوش اندیشه
۸۲	میوه های معرفت
۸۷	به سوی دار سرور
۹۲	سید ابوالحسن رفیعی قزوینی (ترجمان حکمت) / سید علی رضا سید کباری
۹۲	تبار علم
۹۳	تولد ابوالحسن
۹۴	تربیت فرزند
۹۴	حوزه قزوین
۹۵	حوزه علمیه تهران
۹۷	هجرت به قم
۹۸	زیارت خانه خدا
۹۹	مجتهد قزوین
۹۹	شاگردان حکیم
۱۰۰	سجایای اخلاقی و اسلوب تدریس
۱۰۴	حکیم مثاله

- ۱۰۷ - وفات
- ۱۰۸ - آخرین سفارش
- ۱۱۲ - میرزا علی اکبر مدرس یزدی (حکیم الهی) / احمد محیطی اردکانی
- ۱۱۲ - اشاره
- ۱۱۴ - استادان
- ۱۱۴ - اشاره
- ۱۱۴ - ۱- آقا محمد رضا حکیم قمشه ای
- ۱۱۶ - ۲- جهانگیر خان قشقایی
- ۱۱۷ - ۳- آیه الله آقا علی زنوزی
- ۱۱۸ - ۴- آیه الله آقا میرزا ابوالحسن جلوه
- ۱۱۹ - تألیفات
- ۱۲۰ - شاگردان
- ۱۲۱ - تألیفات
- ۱۲۵ - وفات
- ۱۳۰ - سید محمّد محقق داماد (الگوی اجتهاد) / احمد محیطی اردکانی
- ۱۳۰ - اشاره
- ۱۳۱ - استادان وی در یزد
- ۱۳۱ - ۱- حجه الاسلام حاج سید یحیی واعظ یزدی (متوفای ۱۳۶۲هـ.ق)
- ۱۳۱ - ۲- سید حسین باغ گندمی
- ۱۳۱ - ۳- سید احمد مدرس
- ۱۳۱ - ۴- آیه الله حاج شیخ غلامرضا فقیه یزدی (۱۳۷۸ - ۱۲۹۵هـ.ق)
- ۱۳۳ - مهاجرت به قم
- ۱۳۴ - استادان وی در قم
- ۱۳۵ - تشکیل حوزه درسی
- ۱۳۶ - ویژگیهای اخلاقی
- ۱۳۷ - وفات

- فرزندان ۱۳۸
- آثار ۱۳۸
- مرقد منور ۱۴۰
- حکیم میرزا مهدی الهی قمشه ای (حکیم قرآنی) / غلامرضا گلی زواره ۱۴۶
- مشعل نورانی ۱۴۶
- نیاکان، خاندان و خانواده ۱۴۷
- در محضر اساتید قمشه، اصفهان، مشهد و تهران ۱۴۹
- بر کرسی تدریس ۱۵۵
- آثار و تألیفات ۱۵۸
- سخنور پرهیزگار ۱۶۲
- اخلاق و رفتار ۱۶۵
- حاج شیخ محمد فکور یزدی (فقیه وارسته) / احمد محیطی اردکانی ۱۷۰
- اشاره ۱۷۰
- استادان ۱۷۱
- شاگردان ۱۷۲
- آیهالله فکور از زبان شاگردان و دوستان ۱۷۳
- علاقه زیاد به امام خمینی (ره) ۱۷۳
- سخنرانی و منبر ۱۷۴
- دوستی اباعبدالله و اهل بیت(ع) ۱۷۵
- زهد و تقوا و احتیاط در مصرف بیت المال ۱۷۶
- استخاره ۱۷۸
- سید محمد کاظم قزوینی (۱۳۷۳ - ۱۳۰۷ ش) (پاسدار ارزشها) / غلامرضا گلی زواره ۱۸۲
- تبار پر بار ۱۸۲
- قافله قزوینی ۱۸۳
- پگاه پاگزگی ۱۸۵
- تحصیل کمال ۱۸۷

۱۸۸	قله های فرزانی
۱۸۹	خطیب نکته پرداز
۱۹۱	مؤسسه ای پر ثمر
۱۹۴	کوشش در مراکش
۱۹۵	مسافرت به استرالیا
۱۹۷	دانشمند پر تلاش
۱۹۸	مبارزات مستمر
۲۰۱	اوراق ارادت
۲۰۴	به سوی سرای جاوید
۲۰۸	حاج شیخ مرتضی حائری یزدی (شیدای عترت) / احمد محیطی اردکانی
۲۰۸	اشاره
۲۰۸	تباری پاک
۲۱۱	استادان
۲۱۲	تدریس
۲۱۲	بعضی از شاگردان
۲۱۳	ویژگیهای اخلاقی
۲۱۳	اشاره
۲۱۴	عدالت
۲۱۴	پرهیز از دروغ
۲۱۴	احترام به شخصیت دیگران
۲۱۵	زهد و پرهیز از اسراف
۲۱۶	خدمات اجتماعی و کمک به درماندگان
۲۱۶	تلاوت قرآن
۲۱۷	عشق به علی بن موسی الرضا(ع)
۲۱۷	زیارت حضرت معصومه (س)
۲۱۹	مکاشفات و صفای باطن

۲۱۹	ذوق شعری
۲۲۲	مبارزات
۲۲۴	آثار باقیمانده
۲۲۴	کتابهای چاپ شده
۲۲۴	کتابهای چاپ نشده
۲۲۵	وفات
۲۲۹	میرزا علی آقا غروی علیاری (آموزگار فضیلت) / مجید محبوبی
۲۲۹	ولادت و تحصیل
۲۳۰	عزیمت به نجف اشرف
۲۳۰	مراحل سیر و سلوک
۲۳۱	همدرسان معظم له
۲۳۱	بازگشت به وطن
۲۳۲	فضایل اخلاقی
۲۳۲	اشاره
۲۳۳	عشق وافر به قرآن
۲۳۴	علاقه ویژه به خاندان رسالت و ولایت
۲۳۴	شخصیت علمی
۲۳۵	خاطرات
۲۳۷	تألیفات
۲۳۸	وفات
۲۴۳	حاج شیخ مهدی امامی امیری (فقیه آزاده) / عبدالرحمن باقرزاده آملی
۲۴۳	اشاره
۲۴۴	ولادت
۲۴۴	تحصیلات و اساتید
۲۴۷	هجرتی دیگر
۲۴۸	ارادت علما

۲۵۰	ویژگیها
۲۵۰	اشاره
۲۵۰	صراحت و قاطعیت
۲۵۲	تبعید
۲۵۳	سخنوری
۲۵۵	زهد و اقامه سنتها
۲۵۶	تالیفات
۲۶۱	شیخ محمد رضا طبسی (نگهبان نور) / حسین روحانی نژاد
۲۶۱	اشاره
۲۶۴	طبسی از دیدگاه علما و بزرگان
۲۶۴	اشاره
۲۶۴	۱- مرحوم محقق نایینی
۲۶۴	۲- آقا ضیاء عراقی
۲۶۵	۳- سید ابوالحسن اصفهانی
۲۶۵	۴- شیخ عبدالکریم حائری
۲۶۶	۵- مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی
۲۶۶	۷- محمدباقر بیرجندی خراسانی
۲۶۶	۸- شیخ محمدعلی شاه آبادی
۲۶۶	۶- مرحوم آیت الله سید محسن جیل عاملی
۲۶۷	آثار و کتب محقق طبسی
۲۷۰	همراه با امام، همگام با انقلاب
۲۷۱	عروج به سوی معبود
۲۷۵	عبدالعزیز بن مهتدی قمی (امین روایت) / سید جعفر ربانی
۲۷۵	اشاره
۲۷۵	زمان حیات
۲۷۶	صحابی انوار

۲۷۷	در نگاه قدسیان
۲۷۷	اشاره
۲۷۷	۱- وکالت
۲۷۸	۲ - صحابی خاص
۲۷۹	ویژگی ها
۲۷۹	اشاره
۲۸۰	الف) تسلیم امام(ع)
۲۸۰	ب) صراط مستقیم
۲۸۱	ج) احتیاط در دین
۲۸۱	د) تواضع
۲۸۲	مهر یاران
۲۸۳	دودمان
۲۸۵	دانش
۲۹۴	محمد ابراهیم آیتی (آیت پژوهش) / محمد جواد نورمحمدی
۲۹۴	اشاره
۲۹۴	تولد
۲۹۴	تحصیلات و استادان
۲۹۷	تحصیل و تدریس در دانشگاه
۳۰۰	صفای ضمیر استاد آیتی
۳۰۱	اقدامات اجتماعی و فرهنگی
۳۰۳	تألیفات
۳۰۸	فرازهایی از اندیشه استاد آیتی
۳۰۸	دین داری و دین شناسی
۳۰۹	تدبّر در قرآن
۳۱۰	حکایت رحلت
۳۱۲	درباره مرکز

مشخصات کتاب

عنوان قراردادادی: فرهنگ کوثر (مجله)

عنوان و نام پدیدآور: ستارگان حرم: اختران حریم معصومه (س) / تالیف گروهی از نویسندگان ماهنامه کوثر.

مشخصات نشر: قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۷۷ -

مشخصات ظاهری: ج.: مصور، نمونه، عکس.

شابک: دوره ۹۶۴-۶۴۰۱-۵-۰۱-۵؛ ۵۰۰۰ ریال (ج. ۱)؛ ۶۰۰۰ ریال: ج. ۲. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۰-۶؛ ۵۵۰۰۰ ریال: ج. ۳. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۱-۲؛ ۶۰۰۰ ریال: ج. ۴. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۴-۷؛ ۵۵۰۰ ریال: ج. ۵. ۹۶۴-۶۴۰۱-۱۵-۵؛ ۶۵۰۰۰ ریال: ج. ۶. ۹۶۴-۶۴۰۱-۲۰-۱؛ ۸۵۰۰ ریال (ج. ۱۱)؛ ۸۰۰۰ ریال (ج. ۱۲)؛ ۱۲۰۰۰ ریال: ج. ۱۵. ۹۶۴-۶۴۰۹-۸۷-۲؛ ۱۲۰۰۰ ریال: ج. ۱۷. ۹۶۴-۸۵۶۷-۰۸-۵؛ ۱۷۰۰۰ ریال: ج. ۲۰. ۹۶۴-۸۵۶۷-۹۰-۵؛ ۱۶۰۰۰ ریال: ج. ۲۱. ۹۶۴-۸۵۶۷-۹۵-۶؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۶. ۹۶۴-۹۷۸-۱۸۰-۱۲۲-۱؛ ۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۲۷)؛ ۲۸. ۹۶۴-۹۷۸-۱۸۰-۲۳۵-۸؛ ۲۹. ۹۶۴-۹۷۸-۱۸۰-۴۱۷-۸؛ ج. ۳۰. ۹۶۴-۹۷۸-۱۸۰-۴۴۴-۴:

وضعیت فهرست نویسی: برونسپاری (فاپا)

یادداشت: ج. ۲ و ۳ (چاپ اول: ۱۳۷۷).

یادداشت: ج. ۴ (چاپ اول: ۱۳۷۸).

یادداشت: ج. ۵ (چاپ اول: بهار ۱۳۷۸).

یادداشت: ج. ۶ (چاپ اول: پائیز ۱۳۷۸).

یادداشت: ج. ۸ (چاپ اول: زمستان ۱۳۷۹).

یادداشت: ج. ۱۱ (چاپ اول: ۱۳۸۱).

یادداشت: ج. ۱۲ و ۱۵ (چاپ اول: ۱۳۸۲).

یادداشت: ج. ۱۷ (چاپ اول: ۱۳۸۵).

یادداشت: ج. ۲۰ و ۲۱ (چاپ اول: ۱۳۸۶).

یادداشت : ج. ۲۶ و ۲۷ (چاپ اول: ۱۳۸۹).

یادداشت : ج. ۲۸ (چاپ اول: ۱۳۹۱) (فیپا).

یادداشت : ج. ۲۹ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیپا).

یادداشت : ج. ۳۰ (چاپ اول: ۱۳۹۶) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع : قم -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره : BP۵۵/۲ س ۲۵ ۱۳۷۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۶

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۸-۸۷۸۷

ص: ۱

اشاره

محمد بن حسن صفار (محدث نامدار) / محمد مهدی حرزاده

اشاره

از روزی که اسلام به دیار قم پا گذاشت، مردمش مذهبی جز تشیع را نپذیرفتند. چنان که گویی در طول تاریخ لفظ «قمی» با «شیعه» همواره قرین بوده است. (۱) از دیگر سوی، سرزمین قم طی عصرهای متمادی راویان فراوانی را در خود جای داد. آنان سخنان گهربار ائمه نور را با تلاشی طاقت فرسا برای آیندگان به یادگار گذاشتند. از این روی مطالعه زندگی راویان نور، گوشه‌هایی از زندگی پر تلاش آنها را آشکار می‌سازد. علاوه بر این، حفظ یاد و آثار این بزرگان، پاسداری از پیوند دهندگان بین عصر پیامبر (ص) و ائمه (ع) با نسلهای پس از ایشان است. (۲)

محمد بن الحسن بن فروخ صفار، یکی از راویان نور است که خدمات شایسته‌ای به عالم تشیع تقدیم داشت. به پاس خدمات فراوان وی، پژوهشی فشرده پیرامون زندگی اش به محضر خوانندگان ماهنامه کوثر ارائه می‌شود.

۱- مقدمه رجال قم؛ سید محمد مقدس زاده، صفحه پ.

۲- رجوع کنید به ماهنامه کوثر، شماره ۶ ص ۹ و ۱۰.

ولادت

در کتاب « معجم رجال الحديث » به نقل از « رجال شيخ طوسي » ، محمد بن حسن صفار از اصحاب امام حسن عسکری (ع) به شمار آمده است (۱) و از آنجا که حضرت در سال ۲۶۰ ه.ق. به شهادت رسیده اند (۲) و از طرفی صفار سؤالاتی به صورت نوشته از امام حسن عسکری (ع) جویا شده است، (۳) این کار به طور معمول مستلزم رشد سنی قابل توجهی (در حدود ۲۰ یا ۳۰ سال) است، می توان حدس زد که محمد در حدود سال ۲۲۰ اوایل قرن سوم، پا به جهان گذاشته است.

عصر صفار

در قرن سوم که صفار می زیست آسمان امامت منور به وجود چهار امام همام بود. طبق آنچه مبنای تولد محمد قرار گرفت، او زمان امام هادی (ع) امام حسن عسکری (ع) و امام زمان (عج) را درک کرده است.

در مورد ملاقات حضوری او با یکی از این سه امام (ع) مدرکی به دست نیامد، اما با توجه به بعضی از قرائن می توان گفت چنین ملاقاتی صورت نگرفته است. چون اولاً: با اینکه صفار روایات فراوانی را نقل می کند اما هیچ یک از روایاتش در کتب حدیثی بدون واسطه از

۱- معجم رجال الحديث ؛ آیهالله خویی، طبع نجف، ج ۱۵ ص ۲۷۸.

۲- منتهی الآمال؛ محدث قمی (ره) ، ص ۱۰۳۷.

۳- رجال شيخ طوسي؛ ص ۱۴۳.

امام (ع) نقل نشده است مگر آنچه را که امام حسن عسکری (ع) در جواب نامه های او نگاشته اند.

ثانیا؛ از آنجا که امام حسن عسکری (ع) در بازداشتگاه و تحت نظر بود و ارتباط شیعیان با ایشان به راحتی صورت نمی پذیرفت، این موضوع که صفار امام (ع) را ملاقات نکرده است، تقویت می شود.

در پاسخ به این سؤال که: ملاقات او با امام حسن عسکری (ع) ثابت نشده است، پس چگونه او را از اصحاب آن حضرت می شمارند؟ باید گفت: این، به دلیل سؤالات فراوانی است که او از محضر امام (ع) از طریق نامه پرسیده است و در واقع مصاحبت و معاشرتی مکاتبه ای بین او و حضرت برقرار بوده است.

محمد بن الحسن در زمان حکومت بنی عباس و خلافت متوکل منتصر، مستعین، معتز، معتمد و مکتفی (۱) عباسی می زیست. جالب آنکه در زمان صفار، صفاریان در برخی از مناطق اسلامی دارای قدرت و حکومت بودند (۲) والی اوقاف و صدقات قم در آن زمان احمد بن عبیدالله بن خاقان، از دشمنان اهل بیت (ع)، بود. (۳) سی سال از عصر غیبت صفرای امام زمان (عج) را که همزمان با نیابت عثمان بن سعید عمروی بود، درک کرد (۴) و با روایانی از قم مانند محمد بن اورمه القمی،

۱- تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری - آدام متر؛ ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، ص ۲۱.

۲- این حکومت در منطقه زرننگ یعنی زاهدان کنونی و سیستان و بلوچستان بوده است (لغتنامه دهخدا) .

۳- منتهی الآمال؛ ص ۱۰۳۲.

۴- منتهی الآمال؛ ص ۱۱۴۸.

احمد بن محمد بن عیسی قمی و بسیاری دیگر، معاصر بود. (۱)

ویژگیهای فردی

نامش محمد و پدرش حسن بود. بسیاری نام نیای پدری او را فروخ دانسته اند. لقب اصلی محمد « صفّار » است. (۲) اما به لقب « مموله » نیز معروف بوده است. (۳)

بعضی از عبارات موجب این پندار می شود « سؤالاتی » که صفّار به امام زمان خویش، امام یازدهم (ع) نوشته لقب « مموله » گرفته اند هر چند برخی آشکارا به این پندار معتقدند. (۴) اما رجالی شناس بزرگ « کشی » در شرح زندگی یکی از راویان، به نام ابی بکر حضرمی، آنجا که به مناسبت از محمد بن الحسن صفّار سخن می گوید، به وضوح بیانگر این مطلب است که، خود محمد، معروف به این لقب بود. (۵) نه « مجموعه سؤالات » او. احتمال دارد این نام ابتدا فقط لقبش بوده و سپس مجموعه سؤالات او نیز این نام را به خود گرفته اند و یا بالعکس. چنانکه برخی از اسناد بحار الانوار نشان می دهد احتمال دارد لقب « ابن معافا » نیز یکی از القاب او باشد. (۶)

۱- رجال قم؛ سید محمد مقدس زاده، ص ۱۴۴ و ۹۲.

۲- رجال شیخ طوسی؛ ص ۴۳۶.

۳- معجم رجال الحدیث؛ ص ۲۷۸.

۴- سردالمقال؛ مقدّمه بصائر الدرجات، میرزا محسن کوچه باغی، ص ۱۲.

۵- نقل از معجم رجال الحدیث؛ ص ۲۷۸.

۶- بحار الانوار، ج ۴۲ ص (۵۰ سند روایت).

کنیه محمد را « ابو جعفر الاعرج » گفته اند. (۱)

این پسوند نشان می دهد محمد از ناحیه پا دچار کجی بوده است.

با توجه به اینکه لقب او صفّار، رویگرد، بود (۲) می توان ادعا کرد که وی به رویگری اشتغال داشته است و یا لااقلّ « رویگرزاده » بوده است.

او هم پیمان و « مولای » عیسی بن (موسی بن) طلحه الاشعری می باشد (۳) و با توجه به اینکه کلمه مولا- در علم رجال به معنای « شخص عجم و غیر عربی که خود یا یکی از پدران بنده و غلام یک شخص عرب بوده و سپس آزاد شده است » به کار می رود (۴)، محمد خود یا یکی از پدرانش از غلامان عیسی بن موسی اشعری بوده اند. اما از آنجا که او را از چهره های برجسته و از بزرگان قم معرفی کرده اند، این احتمال در مورد شخص او بعید به نظر می رسد.

وی از اصحاب امام حسن عسکری (ع) بود (۵) و سؤالاتی را خدمت امام حسن عسکری (ع) نگاشته است. (۶) تا آنجا که نگارنده موفق شده در بررسی های خود در کتاب وسائل الشیعه و کتب اربعه ۳۴ مکاتبه او رابیا بد. اگر هر نامه صفّار محتوی یک سؤال باشد، در

۱- رجال نجاشی؛ ابوالعباس احمد بن علی النجاشی، ص ۲۷۴.

۲- فرهنگ عمید و منتهی الارب و ترجمه منجد الطلاب .

۳- رجال نجاشی؛ ص ۲۷۴.

۴- قاموس الرجال؛ علامه محمد تقی شوشتری، ج ۱، ص ۵، توضیحات آیه الله شیرازی زنجانی.

۵- بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۰.

۶- قاموس الرجال؛ ج ۸ ص ۱۳۱.

نتیجه حداقل ۳۴ بار از امام پاسخ دریافت کرده است.

شیخ صدوق در چند موضع از کتاب پر ارج خود « مَنْ لَا يُحْضِرُهُ الْفَقِيه » تصریح می کند که: پاسخهای امام (ع) در جواب صفار که به خط خود حضرت (ع) است نزد او موجود است. (۱) موضوع این نامه ها دین، خیار حیوان (حق به هم زدن معامله در جایی که کالا- حیوان باشد)، اجاره، وقف، وصیت، عده زن، حث قسم (عمل نکردن به سوگند)، ارث، ضمانت امانت، غسل میت، مس میت و روزه قضاء میت.

صفار از دیدگاه بزرگان علم

ابوالعباس نجاشی، درباره وی کلماتی را به کار برده است که دلالت بر عظمت و منزلت رفیع صفار دارند. نجاشی از وی به عنوان چهره شناخته شده شیعیان قم، مورد اطمینان، بلند مرتبه، صاحب برتری، و دارای خطای کم در نقل روایت، یاد می کند. (۲)

علامه مجلسی نیز در آغاز بحار الانوار از او به عنوان، استاد مورد اطمینان و عظیم الشان، یاد می کند. (۳)

برخی دیگر از نویسندگان، روشنفکری و فضلش را مشهورتر از آن

۱- قاموس الرجال؛ ج ۸ ص ۱۳۱.

۲- رجال نجاشی؛ ص ۲۷۴.

۳- بحار الانوار، ج ۱ ص ۷.

دانسته اند که احتیاجی به بحث پیرامون شخصیت او بینند. (۱)

مقام علمی

علمای علم رجال او را فقیهی جامع، محدّثی موثّق و مورد اعتماد دانسته اند. او روایات فراوانی را برای آیندگان بعد از خود در کتابهای شریف حدیث به یادگار گذاشت بگونه ای که فقط به عنوان « محمد بن الحسن الصفّار » در سند ۵۷۲ روایت واقع شده است (۲). و این احتمالاً غیر از ۱۸۸۱ حدیثی است که در کتاب معروف خود بصائر الدرجات به جای گذاشته است (۳). بنابراین مجموعاً ۲۴۵۳ حدیث از وی به یادگار مانده است.

این راوی نامور در فن حدیث صاحب نظر بود به عنوان نمونه در روایت معروف « من جدّه قبرا او مثل مثالا فخرج عن الاسلام » « هر کس قبری را تجدید کند یا تمثالی را (نقاشی یا مجسمه ای را) به وجود آورد در نتیجه (این عمل) از اسلام خارج شده است » که از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است. در بین علما درباره اینکه آیا روایت مذکور مشتمل بر

کلمه « جدد » است؟ یا « حدد »؟ یا « جدث »؟ و یا « خدد »؟ و در هر صورت معنای آن چیست؟ اختلاف نظر وجود دارد.

در همین رابطه یکی از شاگردان صفّار بعد از نقل اینکه فقها در این مورد اختلاف نظر دارند، می گوید: محمد بن الحسن الصفّار

۱- مقدمه بحار الانوار، محمدباقر بهبودی، ص ۸۹.

۲- معجم رجال الحدیث، ج ۱۵ ص ۲۸۶.

۳- بصائر الدرجات، ص ۵۵۷.

می فرمود: عبارت صحیح « جدد » یا جیم می باشد نه غیر آن (۱).

علاوه بر این وی فقیهی صاحب نظر بود چنانکه در لابلای کتب حدیث گاهی نظرات فقهی او به چشم می خورد، مثلاً شیخ صدوق می فرماید: یکی از فقها نظرش این است که دعا کردن به زبان فارسی در قنوت نماز جایز نیست اما محمد بن الحسن الصفار می فرمود: جایز است و فتوای من نیز همین است (۲).

صفار انسانی پر تلاش بود و در زمان خلفای عباسی با تمام فشاری که علیه اهل بیت (ع)، دعا، زیارت، اخلاقیات و اعتقادات است.

این کتب عبارتند از:

۱ - الصّلاه ۲ - الوضوء ۳ - الجنائز (احکام اموات) ۴ - الصّیام ۵ - الحج ۶ - النکاح ۷ - الطّلاق ۸ - العتق (آزاد سازی برده و کنیز) ۹ - التّدبیر (نوعی از آزاد کردن غلام و کنیز) ۱۰ - المکاتبه (نوعی دیگر از آزاد سازی برده و کنیز) ۱۱ - التّجارات ۱۲ - المکاسب (خرید و فروش) ۱۳ - الصّید و الذّبائح ۱۴ - الحدود (پاره ای از مجازاتهای اسلامی)

۱- تهذیب؛ محمد بن حسن طوسی، ج ۱ ص ۴۵۹.

۲- من لا یحضره الفقیه؛ محمد بن بابویه صدوق، ج ۱ ص ۳۱۶.

۱۵ - الدیات (خونبها) ۱۶ - الفرائض (ارث) ۱۷ - الموارث (ارث) ۱۸ - الدعاء ۱۹ - المزار (زیارت) - ۲۰ الرد علی الغلاه ۲۱ - الاشربه (نوشیدنی ها) ۲۲ - المروه ۲۳ - الزهد ۲۴ - الخمس ۲۵ - الزکاه ۲۶ - الشهادات (احکام گواهی دادن) ۲۷ - الملاحم (جنگنامه، فتنه ها) ۲۸ - التقیه ۲۹ - المؤمن ۳۰ - الايمان (و التذور و الکفارات) ۳۱ - المناقب (فضائل) ۳۲ - المثالب (کارهای ننگ آور - معایب دشمنان شیعه خصوصا گروه های خاصی از ایشان) ۳۳ - بصائر الدرجات ۳۴ - ماروی فی اولاد الائمه (ع) ۳۵ - ما روی فی شعبان (روایات ماه شعبان) ۳۶ - الجهاد ۳۷ - فضل القرآن (۱).

معروف ترین کتاب صفار کتاب مشهور بصائر الدرجات فی مقامات و فضائل اهل البیت (ع)، است که کتاب طبق تصیح صاحب « وسائل الشیعه» دارای ۲ نسخه، یکی بصائر الدرجات صغری و دیگری بصائر الدرجات کبری (۲) است. نسخه ای که اکنون در دسترس ما قرار دارد همان نسخه کبری است. گویا بصائر الدرجات، ابتدا کتاب کوچکی بوده و با کتاب موجود تفاوت داشته است و بعد مصنف به آن مطالبی افزوده و به صورت فعلی در آورده است. (۳)

کتاب شامل ۱۰ جزء، هر جزء شامل ابواب متعددی و هر باب شامل احادیثی است که یک دوره « امام شناسی در مکتب ائمه (ع)» را ارائه می کند به استثنای مقداری از آغاز کتاب که پیرامون اهمیت علم

۱- رجال نجاشی، ص ۲۷۴.

۲- وسائل الشیعه، حر عاملی، چاپ مؤسسه آل البیت (ع)، ج ۳ ص ۱۵۵.

۳- سردالمقال، ص ۴.

و شرافت عالم سخن می گوید، مطالب حول محور ائمه (ع) دور می زند (۱).

استادان و شاگردان

تعداد اساتید و کسانی که محمد بن حسن صفار از آنان روایت نقل کرده است به ۱۵۰ نفر می رسد و در مقدمه بصائر الدرجات به نام «سردالمقال» اسامی ۱۴۶ نفر از جمله احمد بن محمد بن عیسی قمی، زعیم قم و احمد بن محمد بن محمد بن خالد برقی ذکر شده است.

آمار راویان از صفار به ۱۰ نفر می رسد که از جمله ایشان ابن بابویه (پدر شیخ صدوق) محمد بن یعقوب کلینی مؤلف اصول و فروع کافی و محمد بن حسن بن ولید هستند (۲).

۱- این کتاب در ایران چندین مرتبه به چاپ رسیده است. شاید اولین بار در سال ۱۲۸۵ در تهران همراه با کتاب «نفس الرحمن فی فضائل سیدنا سلمان (رض)» از آثار محدث نوری چاپ گردید. صاحب الذریعه با اینکه می گوید کتاب مورد شاه، کامل بوده است، ولی می نویسد: مشتمل بر ۴ جزء بوده، در حالی که کتاب موجود شامل ۱۰ جزء است. الذریعه، علامه آقا بزرگ طهرانی، ج ۳، ص ۱۲۵. در هر صورت این چاپ بعد از مدتی نایاب گشت. در حوالی سالهای ۱۳۸۱ قمری میرزا محسن کوچه باغی نسخه ای از بصائر الدرجات را تصحیح و زیرنویسی کرد و سپس به صورت زیبا طبع و در اختیار علاقمندان قرار داد. این کتاب در سال ۱۴۰۴ قمری تجدید چاپ و توسط کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی منتشر شد و اخیرا انتشارات اعلمی تهران به چاپ مجدد آن همت گماشته و در حوالی سال ۱۳۷۱ شمسی به انتشار آن اقدام کرده است. ۶ نسخه خطی نفیس از این کتاب در خزانه کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی (ره) موجود است که قدیمی ترین آن مربوط به سال ۵۹۱ قمری است و شخصی به نام «ابی نصر علی بن محمد» به خط «نسخ معرب» نگاشته است. مایه تاسف اینکه این کتاب تا کنون به فارسی ترجمه نشده است.

۲- سردالمقال، ص ۱۲ و ۱۶.

البته شیخ صدوق در بعضی از احادیث روایت را مستقیماً از صفار نقل می کند حال آنکه صدوق ۲۱ سال بعد از وفات صفار به دنیا آمد لذا به نظر می رسد راوی بین او و صفار در استنساخ یا غیر آن ساقط شده است (۱).

از قم تا کوفه چند تن از اساتید صفار مانند حسن بن احمد بن سلمه الکوفی و حسن بن علی الکوفی و محمد بن حمّاد الکوفی، اهل کوفه بودند. کما این رو احتمال می رود محمّد مسافرت یا مسافرت‌هایی به این شهر داشته است. چنانکه بسیار اتفاق می افتاد یک راوی برای شنیدن روایت به شهرهای زیادی سفر می کرد تا حدیثی از احادیث معصومین (ع) را شنیده و ثبت کند.

ستیز با انحراف

محمد با چند جریان انحرافی خطرناک در درون تشیع روبرو بود، یکی از آنها جریان خطرناک غلو بود، که تشیع را در معرض آلودگی به عقاید شرک آلود قرار داده و زمینه ای مناسب برای ضربه زدن دشمنان دیرینه آن پدید می آورد. از نام کتابهای صفار که یکی از آنان «الرد علی الغلاة» است و همچنین از باب ۹ جزء اول کتاب بصائر الدرجات، چنین بر می آید که صفار در این جریانات بی تفاوت نبوده و به نوبه خود به

مبارزه با تفکر انحرافی برخاسته است.

صفّار در کتب دیگران

علامه مجلسی (ره) در ابتدای کتاب عظیم الشان بحار الانوار آنجا که مصادر کتابش را بر می شمارد، از محمّد بن الحسن به بزرگی یاد می کند (۱). و صاحب وسائل الشیعه او را از مؤلفین مدارک کتاب خود می داند (۲). چه آنکه وی می نویسد: مستقیماً از کتب صفّار استفاده کرده و نیز به واسطه نقل دیگران از کتاب «دعا» او سود جسته است (۳).

در پایان تعدادی از احادیثی که وی در سند آن قرار دارد، ذکر می شود:

- ۱- قال رسول الله - (ص) السکوت ذهب و الکلام فضّه؛ (۴) سکوت طلا است و سخن نقره» .
- ۲- قال الصادق - (ع) شرف المؤمن صلاه اللیل؛ (۵) شرف و برتری مؤمن (به) نماز شب است.
- ۳- قال الصادق - (ع) اف للرجل المسلم لا یفرغ نفسه فی الاسبوع یوم الجمعه لا مرد دینه فیسأل عنه؛ (۶) اف بر مرد مسلمانی که در ایام هفته، روز جمعه، خود را برای امر دینش فارغ و خالی نکند. تا از امر دینش

- ۱- بحار الانوار، ج ۱ ص ۷.
- ۲- وسائل الشیعه، ج ۳۰ ص ۱۵۵.
- ۳- وسائل الشیعه، ج ۳۰ ص ۱۶۴.
- ۴- بحار الانوار، ج ۷۱ باب ۷۸ ص ۲۹۳.
- ۵- بحار الانوار، ج ۸۷ باب ۶ ص ۱۵۲.
- ۶- بحار الانوار، ج ۵۹ باب ۶ ص ۳۸.

پرسش نماید.»

۴- قال الصادق- (ع) تسبیح الزّهر فاطمه فی دبر کلّ صلاه احب الیّ من صلاه الف رکعه

فی کلّ یوم؛(۱) نزد من خواندن تسبیح حضرت فاطمه زهرا(س) بعد از هر نماز، از هزار رکعت

نماز در هر روز، محبوبتر است.» .

۵- قال رسول الله- (ع) الغیره من الایمان و البذاء من النّفاق؛(۲) غیرت (نشانه ای) از ایمان است و ناسزا(گویی) و

جهالت(نشانه ای) از نفاق.

فصل غروب

بر خلاف بسیاری از راویان و مشاهیر که سال وفاتشان ثبت نشده است، سال وفات محمّد کبن الحسن الصفار را ۲۹۰ هجری

قمری(۳)، عصر غیبت صغرای حجّت بن الحسن العسکری ثبت و محلّ وفاتش را قم ذکر کرده اند(۴). با توجه به قَمّی بودن

وی و وجود مرقد پاک حضرت فاطمه معصومه (س) در قم، احتمال می رود او را در قم و در حرم آن حضرت دفن کرده

باشند. رحمت خدا بر روان پاکش باد.

...

۱- بحار الانوار، ج ۸۵ باب ۳۷ ص ۳۳۱.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱ باب ۸۴ ص ۳۴۲.

۳- رجال نجاشی، ص ۲۷۴.

۴- رجال نجاشی، ص ۲۷۴.

ابن بابویه قمی (بدر شیخ صدوق) یک قرن پارسایی و دانش / محمد حسن امانی

ابن بابویه قمی صدوق اول

ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، فقیه روشن ضمیر و محدث فرزانه قم در نیمه دوم قرن سوم و اوائل قرن چهارم هجری قمری یعنی در زمان غیبت صغرای امام زمان ارواحنا فداه زندگانی گرانمایه داشت. گرچه لقب «ابن بابویه» بیشتر به فرزندش ابوجعفر محمد (شیخ صدوق متوفی ۳۸۱ق) گفته می شود ولی پدر و نیز فرزند دیگرش ابو عبدالله حسین بدین لقب شهرت داشته اند و در کتابهای تراجم و نوشته های علم رجال، پدر و دو فرزندش به «ابن بابویه» معروف اند.

بابویه، نام جد بزرگ او یک نام کهن ایرانی است که در روزگار پس از ظهور اسلام نیز افرادی به این نام موسوم بوده اند. برخی این کلمه را منسوب به «بأبو» یعنی بابا، پدر، پیر و مرشد می دانند و در زبان عربی هم به ضم با و فتح واو و سکون یاء تلفظ می شود. بنابراین «ابن بابویه» به معنای پسر بابا می شود و هم اکنون نیز در میان خانواده های ایرانی تعبیر «فرزند بابا» یا «پسر بابا» به فرزند مورد احترام و علاقه پدر بسیار

شهرت دارد. (۱)

علی بن حسین به « صدوق اول » نیز معروف است که هر جا « صدوقین » یا « ابنا بابویه » گفته شود او و فرزندش ابو جعفر محمد در نظر است و تصور اینکه شیخ صدوق و برادرش مراد باشد اشتباه است. (۲)

ابن بابویه قمی این رادمرد بزرگ علم و دین در قم حرم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) چشم به جهان گشود و به حیات پر بار علمی و معنوی خویش ادامه داد.

گرچه تاریخ ولادتش معلوم نیست ولی با توجه به نامه ای که از امام حسن عسکری (ع) دریافت کرد و در آن نوشته از او تجلیل شده است، حاکی از منزلت علمی و فقهی این محدث بزرگ شیعی در عصر امامت امام یازدهم (ع) دارد. بنابراین در سال شهادت امام عسکری (ع) یعنی سال ۲۶۰ق، حداقل بیست بهار از عمر خود را سپری کرده است و سالروز تولد وی ممکن است از سال ۲۳۵ق، به بعد باشد.

منشور حیات طیبه

فقیه بزرگوار ابن بابویه قمی، در جوار بارگاه ملکوتی فاطمه معصومه (س) از فقها و محدثان به نام قم که از قلّه های فرازمند فرهنگ

- ۱- اعیان الشیعه، سید محسن امین، دارالتعارف بیروت، ج ۲ ص ۲۶۱ دائرهالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۳ ص ۶۱ دائرهالمعارف تشیع بنیاد اسلامی طاهر، ج ۱ ص ۳۰۵.
- ۲- اعیان الشیعه، ج ۲ ص ۲۶۱.

تشیع به شمار می آمدند و در فقه، حدیث و دیگر علوم و معارف اهل بیت عصمت و طهارت (ع) سرآمد روزگار بودند بهره برد و به سرعت در حدیث و فقه و دیگر علوم اسلامی و نیز در تقوا و پارسایی و فضائل اخلاقی از چهره های بی نظیر تاریخ اسلام گشت. نامه ای که یازدهمین پیشوای انسانها (ع) برای وی نگاشت جایگاه رفیع ابن بابویه قمی را در بین دیگر دانشمندان و فقهای قم و نیز موقعیت خاص و احترامی که در نزد ائمه معصومین (ع) داشت آشکار می سازد.

امام عسکری (ع) پس از حمد و ثنای ربوبی و صلوات و سلام بر پیامبر (ص) و عترت طاهرینش خطاب به او می نویسد:

« یا شیخی و معتمدی و فقیهی ابا الحسن علی بن الحسین القمی و فقیک الله لمرضاته و جعل من صلبک اولادا صالحین برحمته»

ای فقیه بزرگوار و مورد اعتمادم ابوالحسن علی بن حسین قمی! خداوند تو را بر انجام افعال پسندیده حق توفیق دهد و از نسلت به رحمت و کرمش فرزندان شایسته ای به وجود آورد.

امام (ع) در ادامه این پیام که به حق منشور عبادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی برای یک زندگانی شرافتمندانه انسانی است، در روزگار پر از مخاطره و گردابهای جهالت و هوسها چنین وصیت می کند:

تو را وصیت می کنم به تقوای الهی، بپا داشتن نماز و پرداخت زکات زیرا نماز کسانی که زکات نمی دهند پذیرفته نمی شود، و تو را وصیت می کنم به گذشت از گناه دیگران، فرو بردن خشم، صله رحم، همدردی با برادران و کوشش در انجام نیازمندیهای آنان در هنگامه

کارها، هم پیمانی با قرآن، خوش خلقی و امر به معروف و نهی از منکر چرا که خداوند متعال می فرماید:

« لا خیر فی کثیر من نجویمہم الا من امر بصدقه او معروف او اصلاح بین الناس ». (۱)

در بسیاری از گفتگوهای درگوشی آنان خیری نیست جز آن کس که به صدقه یا معرفی امر کند و یا میان مردم اصلاح نماید.

و دوری از تمام پلیدیها و زشتیها.

و بر تو باد به نماز شب خواندن! زیرا پیامبر اکرم (ص) به امام علی (ع) چنین سفارش کرد و فرمود:

ای علی! بر تو باد به نماز شب خواندن - و این جمله را سه بار تکرار نمود - و هر کس نماز شب را سبک بشمارد از ما نیست. پس توصیه مرا بکار بند و شیعیانم را بر انجام آن فرمان ده تا عمل کنند. و بر تو باد به صبر و انتظار فرج زیرا پیامبر اسلام (ص) فرمود: برترین اعمال امت من انتظار فرج است. امت من و شیعیان ما همواره اندوهگین خواهند بود تا فرزندم که پیامبر (ص) بشارت ظهور او را داده است قیام کند؛ او زمین را پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده است سرشار از عدالت و برابری خواهد بود.

ای شخصیت بزرگ من! (ابن بابویه قمی) پس صبر کن و شیعیانم را به صبر دستور ده، زیرا زمین از آن خداوند است به هر کس از بندگانش که بخواهد واگذار می کند و فرجام نیک از متقین خواهد بود.

« والسلام عليك و علي جميع شيعتنا و رحمه الله و برکاته ». (۱).

باری نامه رهبری دینی و معنوی و پیشوای به حق در روی زمین که بدست ابن بابویه قمی رسید، آن را بوسید و بر چشمانش گذارد و فرامین و سفارشات مولایش آب حیات و سرچشمه جوشانی در روزگار طلایی اش شد.

از نگاه سروقامتان

در فضل و بزرگواری و مراتب دانش و تقوای ابن بابویه قمی، همین بس که امام معصوم (ع) با تعابیر زیبا و افتخارآمیز تصریح به وثاقت و پاک سرشتی این ستاره شیعی بنماید و یادکردی ارزشمند از این محدث داشته باشد. این ستایشها از جانب امام که خشنودی و رضایت قلبی ایشان را از عالمان دین آشکار می سازد، در سایه اخلاص و معنویت فقیهان و راویان در راه خدا بدست آمده و مشعل دار هدایت انسانها بر راه مستقیم و استواری که ائمه اطهار (ع) ترسیم کردند می باشد.

صفحات زرین زندگانی این مرد الهی، نگاه تحسین برانگیز تذکره نویسان را نیز به خود مجذوب ساخته، با جملات برخاسته از اندیشه و فکر و بدون اغراق او را ستودند.

۱- قاموس الرجال، ج ۷ ص ۴۳۹ مجالس المؤمنین، ج ۱ ص ۴۳۵ وروضات الجنات، ج ۴ ص ۲۷۴ لؤلؤها لبحرین، ص ۳۸۴ زندگانی امام حسن عسکری (ع) باقر شریف قرشی، جامعه مدرسین، ص ۸۴ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴ ص ۴۲۵.

نجاشی می نویسد: ابوالحسن علی بن حسین بن موسی (رضوان خدا بر او باد) در روزگار خویش بزرگ، پیشوا و پیشرو، فقیه و مورد اعتماد قمی ها بود، آنگاه هیجده اثر از آثار این محدث را می شمارد. (۱)

شیخ طوسی می نویسد: ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (رضوان خدا بر او باد) فقیه بزرگوار و شخصیت مورد اعتمادی بود. آنگاه بیست کتاب از آثارش را نام برد و طرق روایی خویش را از کتابهای این محدث یادآور می شود. (۲)

علامه حلّی و علامه مامقانی دو رجالی سرشناس نیز با عباراتی نظیر نجاشی و شیخ به ستایش این محدث و فقیه برآمده اند. (۳)

محقق خوانساری می نویسد: ابوالحسن علی بن حسین، استاد و پدر شیخ صدوق، صاحب همان رساله معروفی است که شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه از آن حدیث نقل کرده است. وی از فقهای بزرگ شیعی و پویندگان ثابت و استوار راه نبوت و خاندان عصمت و طهارت (ع) بود و مشعل دار هدایت انسانها بر همان راه؛ غیرت دینی داشت و در برابر تهاجمات نا اهلان، مرزبان مرزهای اعتقادی شیعه بود. از استادان بزرگوار شیعی و از ارکان و اساطین شریعت بشمار می رفت. دارای کرامات و مقامات بلند اخلاقی و در خویشتن داری و حفظ نفس بسیار کوشا بود. در نهایت بزرگ منشی این

۱- رجال النجاشی؛ ج ۲ ص ۸۹.

۲- الفهرست، شیخ طوسی، ص ۹۳ رجال طوسی، جامعه مدرسین، ص ۴۳۲ رقم ۶۱۹۱.

۳- خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، علامه حلّی، نشر فقاہت، ص ۱۷۸ تنقیح المقال، علامه مامقانی، ج ۲ ص ۲۸۳.

عسکری (ع) بدست مبارکش رسید. (۱)

شیخ عباس قمی محدث بزرگ از او چنین یاد کرده است: ابوالحسن علی بن حسین، از استوانه های بزرگ محدثین، دانشمند و فقیه بلندمرتبه که در روزگار خویش بزرگ قمی ها، فقیه دین شناس و مورد اعتمادشان بوده است. فضل و بزرگواری از او می درخشید و نامه شریف امام عسکری (ع) شاهد صادقی است بر قله های فرازمند کرامت و عظمت او که در نوشته اش خطاب کرده است: یا شیخی و معتمدی و فقیهی یا ابا الحسن! (۲)

سید حسن صدر در شمار دانشمندان و مفسرانی که در تفسیر قرآن از آنان اثری به یادگار مانده است می نویسد: از زمره دانشورانی که در تفسیر قرآن از آنان اثری به یادگار مانده علی بن بابویه پدر شیخ صدوق است. وی بزرگ شیعیان در قم و از شخصیتهایی بود که مولای ما امام حسن عسکری (ع) با او مکاتبه داشت. زندگانی اش مشحون از کرامات و حکایات ارزنده و یکی از آثارش کتاب «التفسیر» است. (۳)

و ثاقت ابن بابویه قمی تا بدانجا رسید که مورد اطمینان تمامی فقهای شیعه قرار گرفت که از یک سو برخی از فقهای شیعی با توجه به سخن معصوم در حق این شخصیت قلمشان توانای نوشتن نداشت و از سوی دیگر، دانشمندان اهل سنت چون ابن ندیم را واداشت که قلم به ستایش از او بردارد و بنویسد: علی، ابن بابویه قمی، از فقهای

۱- روضات الجنات، محمدباقر موسوی خوانساری، ج ۴ ص ۲۷۳.

۲- الکنی و الالقاب، شیخ عباس قمی، ج ۱ ص ۲۲۲ فوائد الرضویه، ص ۲۸۰.

۳- تأسیس الشیعه، سید حسن صدر، ص ۳۳۱.

شیعه و شخصیت مورد اطمینای است. (۱)

منزلت دینی و اجتماعی

ابن بابویه قمی، در بین مردم قم از موقعیت خاصی برخوردار بود و تعبیر دو رجالی معروف شیعی نجاشی و علامه حلی از او به « شیخ القمیین فی عصره »، « متقدمهم » و « فقیههم » (۲) آشکار می سازد که او منصب مرجعیت و پیشوایی شیعیان قم و اطراف آن را در روزگار خویش داشته است. به سبب همین مقام و منزلت دین و اجتماعی ارزشمند و بس خطیر این فقیه است که امام عسکری (ع) از سامرا برای شخص ایشان پیام می فرستد و به او وصایایی دارد که در ابتدا خود عمل کند و آنگاه شیعیان و پیروان راستین اش را برانجام آنها فرمان دهد.

او علاوه بر این مسؤولیت بزرگ دینی که پاسخگوی مسائل شرعی مؤمنان بود و پرچم هدایت و ارشاد شیعیان را بر دوش داشت؛ به کار تجارت نیز مشغول بود. از آغاز تحصیل که در شهر قم فقه می آموخت دارای مغازه ای بود و در آنجا به تجارت اشتغال داشت. صاحب ثروت و مال بود و از این راه زندگی روز مره اش را می گذراند. آن طور که فرزندش ابو عبدالله حسین نقل کرده است، این شغل را تا اواخر عمر پربارش و نیز در زمان تصدی مرجعیت داشته است. (۳)

۱- الفهرست، محمد بن اسحاق ندیم، ترجمه مرضا تجدد، ص ۳۶۳.

۲- رجال النجاشی، ج ۲ ص ۸۹ خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، ص ۱۷۸.

۳- کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۰۳ نامه دانشوران، ج ۱ ص ۲.

گر چه از چگونگی شغل شریف اش اطلاعی در دست نیست ولی این کار را برای اینکه در بیت المال تصرف نکند انتخاب کرد تا با امکانات بیشتر و دست بازتری به نیازمندیهای شیعیان و دوستان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) اهتمام ورزد.

منزلت علمی

ابن بابویه قمی را در زمره پرکارترین محدثان در فرهنگ تشیع شمرده اند و فقهای بزرگ برای نظریات اجتهادی و فقهی او ارزش زیادی قائلند. او در فقه، حدیث و دیگر علوم اسلامی آثار بسیاری از خویش به یادگار گذارد که ابن ندیم چنین اعتراف می کند: من به خط ابو جعفر محمد بن علی (شیخ صدوق) پسر ابن بابویه قمی، بر پشت کتابی خواندم که نوشته بود: به فلانی اجازه کتابهای پدرم علی بن حسین را که دوست کتاب و نیز کتابهای خود را که هیجده اثر است، دادم. (۱)

گر چه در نقل این سخن ممکن است اشتباهی رخ داده و جابجا شده است، زیرا نجاشی وقتی آثار علمی ابن بابویه قمی را یادآور می شود تنها هیجده اثر از آثار او را نام می برد، ولی جایگاه رفیع و دست به قلم بودن این دانشور را آشکار می سازد. یکی از آثار ارزشمندش «الشرائع» همان رساله معروفی است که برای فرزندش نوشته و شیخ صدوق در کتابهایش از آن بهره زیادی

برده است. دانشمندان و فقهای بزرگ هر وقت به حدیث و روایتی از امامن معصوم (ع) دسترسی پیدا نمی کردند به فتاوی و نظریاتی که در این رساله ارائه شده مراجعه می کردند و آراء مطرح شده در آن را به مثابه متن حدیث می دانستند و این به سبب سخن نویسنده در آغاز کتاب است که فرموده:

آنچه در این کتاب موجود است از ائمه طاهرین (ع) گرفته شده است. (۱)

دانشمندان و فرهیختگان حوزه علوم اسلامی، شیوه ابن بابویه قمی را در رساله الشرائع ستوده اند چرا که وی اولین شخصیتی است که در این رساله مبتکر جمع روایات شبیه به هم بود و اصل حدیث را با قرائن آن یادآور گردید. (۲)

از آثار او می توان از الامامه من الحیره، الاملاء و النطق، الأخوان، التسليم، التوحيد، التفسیر، الجنائز، الصلاة، الطّب، قرب الاسناد، المعراج، مناسک الحج، المنطق، الموارث، النکاح، النساء و الولدان، الوضوء، الحج که کامل نیست والنوادر نام برد. (۳)

۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱۳ ص ۴۶ رقم ۵۷.

۲- روضات الجنات، ج ۴ ص ۲۷۴.

۳- رجال النجاشی، ج ۲ ص ۸۹ و ۹۰ الفهرست، شیخ طوسی، ص ۹۳ معالم العلماء، محمد بن علی بن شهر آشوب، چاپ نجف، ص ۶۵.

شاگردان و راویان

جمعی از محدثان و استادان اندیشمند از ابن بابویه قمی حدیث نقل کرده اند که از جمله آنها عبارتند از:

- ۱- قرزندش ابو جعفر محمد (شیخ صدوق، متوفی ۳۸۱ق) که بیشترین روایت را در کتابهایش از پدرش دارد.
- ۲- فرزند دیگرش ابو عبدالله حسین (متوفی ۳۸۱ به بعد) .
- ۳- ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی (متوفی ۳۶۸ق) که در کامل الزیارات این محدث بزرگوار احادیث زیادی را از این استادش نقل کرده است. (۱)
- ۴- احمد بن داوود بن علی قمی.
- ۵- فرزند خواهرش ابو عبدالله حسین بن حسن بن محمد.
- ۶- هارون بن موسی تلعبکری. (۲)
- ۷- محمد بن حسن بن بندار قمی. (۳)
- ۸- ابوالحسن عباس بن عمر بن عباس کلوزاتی که خود می گوید: زمانی که علی بن حسین (ابن بابویه قمی) وارد بغداد شد به من اجازه تمام کتابهایش را داد. (۴)

-
- ۱- مقدمه کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، نشر الفقاهه، ص ۱۱ و اساتید آن در صفحات متعدد .
 - ۲- رجال طوسی، ص ۴۳۲ طبقات اعلام الشیعه، آقای بزرگ تهرانی، اسماعیلیان، ج ۱ ص ۱۸۵ بحار الانوار، ج ۵ ص ۷۹.
 - ۳- اختیار معرفه الرجال، ص ۲۲۲ رقم ۳۹۷.
 - ۴- رجال نجاشی، ص ۹۰.

استادان حدیث

ابن بابویه قمی، در محضر بسیاری از بزرگان و استادان فقه و حدیث شاگردی نمود و از دریای دانش و تقوای آنها عطش درونی اش را سیراب کرد و به مقام نقل حدیث از آنان نایل گشت. وی بیشترین حدیث را از این محدثان و راویان شیعی نقل کرده که عبارتند از:

ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعری قمی (متوفی ۳۰۱ق)؛ ابوالعباس عبدالله بن جعفر حمیری؛ علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (۳۰۷)؛ احمد بن ادريس قمی؛ محمد بن یحیی العطار؛ محمد بن حسن صفّار قمی (متوفی ۲۹۰ق)؛ محمد بن ابی القاسم ما جیلویه؛ علی بن موسی بن جعفر کمندانی؛ حسین بن احمد مالکی؛ عبدالله بن حسن مؤدب؛ حسین بن محمد بن عامر؛ علی بن محمد بن قتیبه؛ علی بن حسن بن علی کوفی؛ علی بن حسین سعد آبادی. (۱)

در برابر اندیشه باطل

محدثان فقیه و آگاهان به احکام شرع و حلال و حرام، مرزبانی از مرزهای اعتقادی شیعی و اسلام ناب را بر عهده دارند. سلامت دین و باورهای اعتقادی راستین از تهاجمات ناهلان و عنادورزان مغرض در سایه تلاش و زحمتهای طاقت فرسای شخصیتها و فقههای تیزبین و

۱- رک: اسانید کامل الزیارات در صفحات متعدد؛ اسانید کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق؛ صفحات متعدد؛ اسانید التوحید، معانی الاخبار، من لا یحضره الفقیه در صفحات متعدد آنها؛ شرح مشیخه من لا یحضره الفقیه، ج ۴ صفحات ۱۰۷، ۴۰، ۱۱۰، ۳۱، ۲۷، ۸۱ و ۱۳۶ در بحار نام ۳۲ نفر از استادان او ذکر شده است، ج ۵ ص ۷۶ به بعد.

آگاه همچون ابن بابویه قمی پدر شیخ صدوق، ماندگار مانده است. او با تدبیر، بصیرت و موقعیت شناسی تحسین برانگیزی که داشت در هنگامه خطر با قاطعیت و صلابت در برابر اندیشه های باطل می ایستاد و مدعیان دروغین را طرد می کرد.

حسین بن منصور حلاج، ادعای وکالت از جانب صاحب الزمان (عج) را داشت؛ از یک سو به سراغ افراد ضعیف الایمان می رفت و با نیرنگها و معرکه گیریهای خود آنان را می فریفت و به پیروی از خویش دعوت می کرد و گاهی نیز به سراغ شخصیت های علمی که در میان مردم مشهور بودند و موقعیت خاصی داشتند می رفت! از این روی در بغداد نزد ابو سهل بن اسماعیل نوبختی که از متکلمان بزرگ شیعی بود و در دانش و ادب شهرت فراوان داشت رفت به تصور اینکه شاید نیرنگهای شیطانی اش در او مؤثر واقع شود ولی سرش به سنگ خورد و با رسوایی بغداد را به قصد قم ترک کرد.

در قم اطلاع پیدا کرد که خاندان ابن بابویه قمی و بویژه ابوالحسن علی بن حسین، بنیانگذار و شخصیت بزرگ علمی این خاندان، بیشترین موقعیت را در میان فقها و شیعیان قم دارند، لذا دام شیطانی اش را به سمت ابن بابویه قمی گستراند! جریان را از زبان ابو عبدالله حسین، فرزند ابن بابویه قمی، پی می گیریم او می گوید:

حسین بن منصور حلاج به قم آمد و نامه ای به پدرم نوشت و در آن ادعا کرد: من فرستاده امام زمان (عج) و وکیل او هستم از من پیروی کنید! نامه رسان نوشته او را به دست پدرم داد و به محض

اینکه از مضمون نامه آگاه شد آن را پاره کرد و به نامه رسان گفت: چه می پنداری درباره انسانهای نادان؟ قاصد مطالبی بر زبان جاری کرد و به پاره کردن نامه اعتراض کرد که حاضران بر سخنان او خندیدند و به مسخره گرفتند. سپس پدرم برخاست و با جمعی از یاران و دست اندرکارانش به مکان تجارت خود رفت؛ وقتی از در وارد شد کسانی که در آنجا نشسته بودند به احترام پدرم برخاستند، جز مرد ناشناسی که از جای خود بلند نشد و شیوه ادب را رعایت نکرد، البته پدرم نیز او را نمی شناخت. پدرم نشست و دفتر حساب و قلم و دواتش را چنانکه معمول بازرگانان است در آورد و از یکی از افراد پرسید این مرد ناشناس کیست؟ آن شخص پاسخ پدرم را داد ولی آن مرد ناشناس وقتی متوجه شد درباره او جستجو می شود برخاست و نزدیک آمد و به حالت اعتراض گفت: با اینکه حاضرم چرا از دیگری درباره من می پرسی؟! پدرم گفت: ای مرد! احترام تو را نگه داشتم و تو را بزرگ شمردم که از خودت نپرسیدم. آن مرد گفت: نامه مرا پاره می کنی! من خودم دیدم که شما نامه مرا پاره کردی! پدرم گفت: تو همان شخص یعنی حسین بن منصور حلاج هستی! پدرم ناراحت شد و بلافاصله به شاگردش دستور داد: دشمن خدا و رسولش را از اینجا بیرون کن! و خطاب به حسین بن منصور حلاج گفت: اتدعی المعجزات؟ علیک لعنه الله! ادعای معجزه ای داری؟ لعنت خدا بر تو باد!

همانطور که فرمان داده بود از پشت گردن حسین بن منصور حلاج گرفتند و او را از آنجا بیرون انداختند که پس از این جریان دیگر ما او

را در قم ندیدیم. (۱)

مقام زیارت و دیدار یار

ابن بابویه قمی، از زمان ولادتش تا پایان دوره نیابت ابو جعفر محمد بن عثمان عمری، دومین سفیر امام زمان (عج)، در شهر قم ماند و به جایی مسافرت نکرد. در آغاز عصر نیابت ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی یعنی سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ ق، به منظور زیارت امامان معصوم (ع) و دیدار سومین نایب خاص صاحب الزمان (عج) وارد عراق شد.

او پس از زیارت چهار امام معصوم (ع) و بهره روحی و معنوی از آستان مقدس آنان به بغداد رفت و به دیدار ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (سومین نایب خاص امام زمان «عج») شتافت. احترام کرد و بین دو چشمانش را بوسید و در محضرش نشست و با مطرح کردن چندین سؤال، از مقام دانش و تقوا و انفاست قدسیه اش بهره ها برد.

نجاشی می نویسد: (علی بن حسین) به عراق مسافرت کرد و به محضر ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (رضوان خدا بر او باد) رسید. از مسائلی پرسید و پس از این دیدار به وسیله نامه با او در ارتباط بود. (۲)

علامه حلّی نیز نظیر گفته نجاشی را نقل می کند. (۳)

۱- کتاب الغیبه، ص ۴۰۳ نامه دانشوران؛ ج ۱ ص ۳.

۲- رجال النجاشی، ج ۲ ص ۸۹.

۳- رک، خلاصه الاقوال، ص ۱۷۸.

از سخنان این دو رجالی سرشناس شیعی استفاده می شود که این سفر اولین مسافرت این محدث به عراق و بغداد بوده است زیرا اگر در عصر نیابت دومین نایب امام (ع) مسافرت داشت قطعاً "چنین دیداری را با او انجام می داد و چنین چیزی نقل نشده است و نیز نامه هایی که ابن بابویه قمی از قم به جناب حسین بن روح نوشت پس از این ملاقات حضوری بوده است. (۱)

مقام توسل

بیش از ۶۰۰ سال از عمر پربار ابن بابویه قمی گذشت ولی هنوز از همسرش که دختر عمویش بود دارای فرزند نشد. گرچه به واسطه بشارتی که امام یازدهم (ع) در حدود پنجاه سال پیش به او داد و در حقش چنین دعایی داشت که: خداوند به لطف و کرمش از نسلت فرزندان شایسته ای بوجود آورد! آرامشی داشت و در انتظار تحقق این بشارت بود ولی آن ارتباط ویژه با اولیاء خدا را قطع نکرد و اندیشه اینکه تنها امام زمان (عج) وسیله فیض است و این خواسته به توسط اوست که به اجابت خواهد رسید. لذا نامه ای به جناب حسین بن روح نوبختی نوشت و از نایب خاص امام (ع) استدعا کرد که از صاحب الزمان (عج) تقاضا نماید دعا بفرماید خداوند فرزندان فقیه و آگاه به احکام شرع به او عنایت کند.

۱- رابط میان ابن بابویه قمی و حسین بن روح نوبختی که نامه ها را به دست سومین سفیر می رساند، محدث بزرگ شیعی ابو جعفر محمد بن علی اسود بوده است (کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۰۲ کتاب الغیبه، ص ۳۲۰).

پس از مدتی در جواب نامه او چنین آمد: «اَنَّكَ لَا تَرْزُقُ مِنْ هَذِهِ وَ سَتَمَلِكُ جَارِيَةَ دَيْلِمِيَّةَ وَ تَرْزُقُ مِنْهَا وَلَدَيْنَ فُقَيْهَيْنِ»^(۱).

از همسر فعلی خود فرزندی نخواهی داشت ولی به زودی کنیزی ديلمی را مالک می شوی و دو پسر فقیه و دین شناس او نصیب تو خواهد شد.

فرزندان

دعای حجت خدا در روی زمین در حق ابن بابویه قمی به اجابت رسید و خداوند متعال به او از کنیز ديلمی که به همسری برگزید سه پسر عنایت کرد.

۱- ابو جعفر محمد معروف به شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ق)؛ از اندیشمندان و فقهای بزرگ شیعی و دارای تألیفات و آثار بسیار ارزشمند که از گنجینه های غنی فرهنگ تشیع و اسلام است.

۲- حسین بن علی؛ فرزند دوم ابن بابویه قمی که شیوه پارسایی و عبادت را گرفت و با مردم کم ارتباط داشت و از فقه بهره ای نداشت.^(۲)

۳- ابو عبدالله حسین بن علی؛ فرزند سوم او که از فقهای بزرگ امامیه و از محدثان مورد اعتمادی که روایت بسیاری از روایان شیعی و نیز از پدر و برادرش شیخ صدوق نقل کرده است.

شیخ طوسی، سید مرتضی علم الهدی، ابو جعفر محمد بن علی

۱- کتاب الغیبه، ص ۳۰۸، ک، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۰۲ کتاب الغیبه، ص ۳۲۰ رجال النجاشی، ج ۲ ص ۸۹.

۲- بحار الانوار، ج ۵ ص ۸۰ ریحانها لادب، ج ۷ ص ۴۰۰.

اسود، ابو هاشم محمد بن حمزه که با شش واسطه به امام موسی کاظم (ع) نسب می رسانند از زمره شاگردان او هستند و دو کتاب « التوحید و نفی التثبیه » و « الرد علی الواقفه » به خامه قلم او نگاشته شده است. (۱)

شیخ صدوق و ابو عبدالله حسین، همان دو فقیهی اند که به دعای صاحب الزمان (عج) نصیب ابن بابویه قمی شدند. دو فقیه ماهر و خوش حافظه و مطالبی را در ذهن با استعداد خود داشتند که هیچ کس از اهل قم آن را حفظ نبود تا جایی که دانشمندان از حافظه قوی این دو فرزند در نقل روایات و احادیث تعجب می کردند و می گفتند: این مقام و جایگاه رفیع به دعای امام زمان (ع) نصیب شما شده است و این کرامت و سرچشمه جوشان معنوی بر اهل قم پیوسته سرازیر است.

علی بن حسین، پدر شیخ صدوق، مؤسس و سلسله جنبان خاندان ابن بابویه قمی است که از نسل پاک او مردان دانشور و پارسایی تا اواخر قرن ششم هجری قمری، یکی پس از دیگری قامت برافراشتند. البته معرفی چهره های علمی و عملی این خاندان بزرگ مقاله مستقلی را می طلبد که در جای خود ضروری است. (۲)

- ۱- بحار الانوار، ج ۵ ص ۸۰ ریحانها الادب، ج ۷ ص ۴۰۰. اعیان الشیعه، ج ۶ ص ۱۱۶ خلاصها لاقوال، ص ۱۱۵.
- ۲- علامه بحرانی رساله ای درباره این خاندان دارد که در دسترس نیست ولی جهت آگاهی مراجعه کنید به بحار الانوار، ج ۵ ص ۷۹ به بعد و مقدمه کتاب آیین دوستی و برادری در مکتب اسلام که ترجمه کتاب مصادقه الاخوان است البته در « مصادقه الاخوان » به اشتباه به شیخ صدوق نسبت داده شده و این همان کتاب « الاخوان » از ابن بابویه قمی پدر شیخ صدوق است سند روایات در این کتاب ذکر نشده که این با شیوه ای که پدر شیخ صدوق در . نقل احادیث داشته سازگاری دارند نه با شیوه شیخ صدوق و نیز در چند پدر شیخ صدوق است سند روایات در این کتاب ذکر نشده که این با شیوه ای که پدر شیخ صدوق در نقل احادیث داشته سازگاری دارد نه با شیوه شیخ صدوق و نیز در چند حدیث که راوی ذکر شده، محمد بن یحیی العطار، علی بن ابراهیم بن هاشم و سعد بن عبدالله اشعری قمی است که این سه محدث بزرگوار از استادان حدیث ابوالحسن علی بن حسین اند نه شیخ صدوق و صدوق از اینان به واسطه پدرش حدیث نقل کرده و نه بدون واسطه (رک، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱ ص ۳۸۲ رقم) ۱۹۷۹.

وفای به نذر زیارت خانه خدا

چشم ابن بابویه قمی در سنین حدود هفتاد سالگی به ولادت فرزندانش روشن گردید و دعای دو امام معصوم امام حسن عسکری و امام زمان (ع) در حقیقت و نیز نذری که در پیشگاه خداوند متعال کرده بود به اجابت رسید. او منتظر زمان مناسبی بود که شکر این همه لطف و خیر کثیر از جانب پروردگار را انجام دهد و در آستان ربوبی بر خود عهد بسته بود که حق سپاس و شکر در خانه خدا انجام پذیرد. از این رو مقدسات سفر معنوی و روحانی بیت الله الحرام را فراهم کرد.

علی بن حسین، گرچه مقام بزرگ مرجعیت شیعیان را در قم داشت و در فقه، حدیث، تفسیر و دیگر معارف و تهذیب نفس و اخلاق سرآمد بود ولی با نیز بینی و بصیرت به خوبی واقف بود که در روزگاری دارد نفس می کشد که عصر عیبت صغرای امام زمان (ع) است و نایبان خاص آن حضرت در اوج دانشها و فضیلتهای اخلاقی و انسانی حضور دارند و احدی با مقام بلند آنان قابل قیاس نیست چرا که این چهار ستاره واسطه فیض و سرچشمه سرچشمه آب حیات از ناحیه صاحب الزمان (عج) به جهان آفرینش اند و اعمال و رفتار دیگران با اجازه و رضایت آنها که خشنودی و اذن مقام ولایت است مشروعیت

دارد. لذا پیش از آهنگ زیارت خانه خدا از حرم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) از صاحبان حرم، اذن دخول به حرم امن الهی را تقاضا مند است.

فرزندش ابو عبدالله حسین می فرماید: جمعی از محدثان شیعی قم که در بغداد ساکن بودند برایم نقل کردند در سالی که فرقه قرامطه به زائران خانه خدا حمله کردند، یعنی همان سالی که شهابهای آسمانی فرو ریختند، پدرم - رضوان خدا بر او باد - به محضر ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی قدس سرّه نامه نوشت و از او اجازه خواست که به مکه مکرمه مشرف شود.

در پاسخ آمد: امسال به زیارت خانه خدا حرکت نکن!

نامه دیگری نوشت و عرض کرد: نذر واجبی داشتم که همین امسال به مکه روم آیا چنین اجازه می دهید از زیارت صرف نظر کنم و تشریف نبرم؟

در پاسخ آمد: چنانچه از رفتن به زیارت خانه خدا ناگزیر هستی، پس لازم است هنگام حرکت همراه آخرین کاروان باشی!

همانطور که آن حضرت دستور داده بود پدرم در آن سال با آخرین کاروان حرکت کرد و به سلامتی برگشت ولی زائرانی که با کاروانهای پیش از آن حرکت کرده بودند جانشان را در حمله قرامطه از دست دادند. (۱)

دو حادثه کشتار زائران خانه خدا توسط قرامطه و سقوط شهابهای

آسمانی که به «تناثر نجوم» معروف است سرآغاز واقع شد و ابن اثیر، مسعودی و مذهبی سه مورخ شهیر وقوع این دو حادثه را در سال ۳۲۳ق، می دانند. (۱)

بنابراین مسافرت ابن بابویه قمی به زیارت خانه خدا در سال ۳۲۳ق بود که در همین سال برای بار دوم به بغداد وارد شد و مطابق نقل شیخ طوسی، هارون بن موسی تلعبکری از او حدیث نقل کرد و فرمود: در سالی که ستارگان فرو ریخت از وی (ابن بابویه قمی) احادیثی را شنیدم که در همان سال وارد بغداد شد و تمام کتابها و احادیثی را که روایت می کرد به من اجازه داد.

آرامگاه ابدی

صدوق اول، ابن بابویه قمی، در دانش و کرامتها و صداقت و راستیها مورد احترام و اطمینان نایبان خاص صاحب الزمان (عج) بود. ابوالحسن علی بن محمد سمري - چهارمین نایب امام زمان (عج) - پیوسته از فقها و راویانی که به دیدارش می رفتند از سلامتی او می پرسید و آنها از تندرستی و زندگی پربارش خبر می دادند و از اینکه می شنیدند صدوق اول مرد راستیها حیات دارد و همچنان نور افشانی می کنند، خوشحالی در سیمای مبارکش آشکار می گشت.

در سال ۳۲۹ق، پیش از آنکه علی بن محمد سمري از زندگانی دنیا

۱- ر، ک، الکامل فی التاریخ، ج ۷ ص ۱۷۶ و ۱۷۷ مروج الذهب، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲ ص ۵۱۲ تاریخ الاسلام، محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، ج ۲۴ ص ۳۳.

رخت بریندد و عصر غیبت صغری به پایان رسد، جمعی از استادان بزرگ و ستارگان آسمان حدیث در محضرش بودند که ناگاه فرمود:

رحم الله علی بن الحسین بن بابویه القمّی! خدای تبارک و تعالی علی بن حسین بن بابویه قمی را بیامرزد! به نقلی چنین فرمود: آجر کم الله فی علی بن الحسین فقد قبض فی هذه الساعة. خداوند به شما مصیبت علی بن حسین (ابن بابویه قمی) اجر عنایت فرماید، او در این ساعت از دنیا رفت.

حاضران با شگفتی تاریخ آن روز را یادداشت کردند که پس از ۱۷ یا ۱۸ روز، از قم خبر آمد که علی بن حسین، صدوق اول در همان ساعت و روزی که علی بن محمد سمری آن جملات را فرمود چشم از این جهان فرو بست .

فقها و شیعیان قم پیکر مطهرش را تشییع کردند و در جوار بارگاه ملکوتی فاطمه معصومه (س) به خاک سپردند، هم اکنون آرامگاه این ستاره آسمان معرفت در مکانی که در ابتدای خیابان چهار مردان قم واقع است، زیارتگاهی است و دانشمندان و شیعیان به زیارتش می روند و از روح ملکوتی و فضای سرشار از معنویت گنبد و بارگاهش بهره می برند.

رحمت خدا بر روانش باد!

قاضی سعید قمی (۱۱۰۳ - ۱۰۴۹ه.ق) (جویبار حکمت) / غلامرضا گلی زواره

دانشوری پر تلاش

یکی از چهره هایی که در آسمان اندیشه شهر مقدّس قم طلوع نمود و در معرفی و نشر فرهنگ اسلامی و صیانت از دژ استوار قرآن و عترت از خود اهمّی ارزشمند بروز داد، فاضل فرزانه « قاضی سعید قمی » می باشد. وی در عصر صفویه که شیعیان از اقتدار نسبتاً خوبی برخوردار بودند جرعه هایی از جویبار با طراوت حکمت را به کام تشنگان معنویت ریخت و سرچشمه های فضیلت را به سوی جامعه سرازیر ساخت و از این رهگذر در حد توان به انسانها حیات معنوی اعطا کرد.

حکیم قاضی سعید قمی از تبار متألّه شیعه است. آنهایی که به جمع آوری مجموعه روایات منقول از ائمه (ع) و ضبط آنها در کتابها و تعیین قواعدی که اعتبار سلسله نقل روایات را تضمین کند، اهتمام ورزیده اند.

اگر بخواهیم این تلاش علمی را به چهار دوره تقسیم کنیم، دوره

اول به عصر امامان شیعه و اصحاب و پیروان آنان مربوط می شود و دوره دوم از زمان غیبت کبری تا زمان خواجه نصیرالدین طوسی به طول می انجامد و دوره سوم از زمان این دانشمند تا پدید آمدن مکتب اصفهان توسط میرداماد و شاگردانش می باشد. در دوران چهارم ملاصدرا و شاگردانش وی پدیدار گشتند. متفکرانی که قاضی سعید و اساتیدش در تکوین آن دخالت عمده ای داشته اند. این متفکران بر اساس منابع قرآنی و روایی و تعقل فلسفی، معنای باطن را از طریق تعمق در وحی نبوی در گنجینه ضمیر و معرفت و جدایی شیعه ادراک کرده و عرضه نمودند،^(۱) دانشمندان شیعه در این دوره اساس فلسفه و حکمت را از کلمات معجزه آسا و مضامین بسیار عالی نهج البلاغه اتخاذ کردند و از کلام نخستین امام شیعیان حکمت الهی را استخراج نمودند.

« منوچهر صدوقی سها» - که از پژوهشگران اندیشه های فلسفی است - سیر تاریخی حکمت اسلامی را به هشت دوره تقسیم نموده، دوران هشتم را روزگار اساتید واسطه میان صدرالمتألهین و آخوند ملاعلی نوری می داند،^(۲) سید جلال الدین آشتیانی در وصف خردمندان این عصر از شاگردان ملاصدرا سخن گفته که یکی از آنان استاد قاضی سعید قمی بوده است. در طبقه بعد از این حکیمان از

۱- در این مورد بنگرید به تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه اسدالله مبشری، ص ۵۵ - ۵۴.

۲- تاریخ حکماء و عرفاء متأخرین صدرالمتألهین، منوچهر صدوقی سها، ص ۲۶.

« قاضی سعید قمی » نام می برد. (۱)

استاد شهید مرتضی مطهری برای روشن شدن سیر فلسفه در جهان اسلام از نظر زمانی، رابطه شاگرد و استادی حکیمان مسلمان را در طبقاتی قرار داده، ذیل معرفی فیلسوفان در طبقه بیست و چهارم نخست از قاضی سعید قمی نام می برد و اجمالا^۱ نامبرده را استناد کتب تراجم معرفی می کند. (۲)

نام و نسب خانواده

در آثاری که توسط این دانشمندان به رشته نگارش در آمده عموماً نامی از پدرش دیده نمی شود و تنها در مجلد اول کتاب گرانسنگ « شرح توحید صدوق » خود را « محمد » فرزند « محمد مفید » دانسته و در مجلد دوم مصنف، خویش را محمد فرزند مفید معرفی کرده است. از برخی کتب تراجم بر می آید که مفید لقب پدرش بوده و نام والد وی محمد باقر است، صاحب کتاب « طرائق الحقایق » نام پدر قاضی سعید را محمد نوشته (۳) و نصرآبادی و به تبع وی صاحب سفینه خوشگو، پدر وی را محمد باقر معرفی کرده اند. (۴)

محمد باقر در زهد و وارستگی مشهور بود و در شهر مقدس قم به شغل طبابت اشتغال داشت و با نهایت دلسوزی و رعایت موازین علمی

۱- نک: شرح مشاعر لنگرودی، مقدمه، ص ۲۶ - ۲۵.

۲- خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد شهید آیةالله مرتضی مطهری، ص ۵۹۱.

۳- طرائق الحقایق، ج ۳ ص ۷۲.

۴- تذکره نصرآبادی، ص ۱۶۷.

و شرعی از این طریق روزگار می گذرانید.

قاضی سعید قمی در چنین بوستان معطری در ذی‌عقده سال ۱۰۴۹ ه.ق دیده به جهان گشود^(۱) و خانواده خویش را سرشار از شادی و شغف نمود، البته هانری کرین تاریخ تولد وی را به سال ۱۰۴۳ ه.ق در شهر قم درج نموده است.^(۲)

این عالم شیعی در برخی نوشته‌ها خود را محمد معروف به «سعید» معرفی کرده است^(۳) و شرح حال نویسان از وی تحت عناوین «قاضی سعید قمی»، «میرزا محمد سعید»، «ملا سعید» و «حکیم کوچک» نام برده‌اند.^(۴)

برادر بزرگتر وی میرزا محمد حسین نام دارد که از شاگردان ملا رجب علی تبریزی است و نزد شاه عباس دوم صفوی (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ ه.ق) در ردیف طبیبان حاذق بود.

می‌گویند محمد حسین ریاست طبای آن روزگار را عهده دار بود و نزد حاکمان صفوی از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده است، وی بعد از مرگ شاه عباس از سرپرستی طبیبان معزول گشت و موظف گردید در قم زندگی کند؛ بعد از آن بار دیگر به اصفهان

۱- الذریعه، الی تصانیف الشیعه، ج ۴ ص ۴۷۹ و نیز روضات الجنات، ج ۴ ص ۱۰ - ۹.

۲- تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کرین، ترجمه جواد طباطبایی، ص ۴۸۸.

۳- گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۱ ص ۱۱۹.

۴- فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، آذر تفضلی، مهین فضائی جوان، ص ۵۱۱.

فراخوانده شد و پس از گذشت چند سال اعتباری کسب کرد و به سمت طبیب دربار شاه سلیمان صفوی منصوب گردید و بدان سمت باقی بود تا آن که رخ در نقاب خاک کشید و در اصفهان رحلت نمود. (۱)

حکیم محمد حسین بن محمد مفید قمی همچون اساتیدش به حکمت و عرفان گرایش داشت و در این راستا به پژوهشهایی دست زد. دیگر تلاشهای این فرزانه اندیشمند تفسیری است بر قرآن کریم به زبان فارسی که نزدیک به چهل هزار سطر می باشد. (۲) مدرس تبریزی نامبرده را از اکابر علمای امامیه معرفی کرده است. (۳)

قاضی سعید قمی را نباید با ملامحمد سعید کاشانی متخلص به سرمد (۴) و نیز محمد سعید مازندرانی و همچنین با محمد سعید بن قاسم بن محمد طباطبایی (۵) یکی گرفت.

دوران شکوفایی

قاضی سعید قمی پس از فراگیری علوم مقدماتی و طب نزد پدر و برادر بزرگترش به حکمت و عرفان روی آورد و به حوزه درسی ملا محسن فیض کاشانی وارد گردید. (۶) فیض کاشانی در تکوین اندیشه های این دانشور تأثیر فراوانی داشت، وی از مشاهیر عرفان و

۱- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ج ۲ ص ۳۱۸.

۲- الکنی و الالقاب، ج ۳ ص ۵۳ فوائد الرضویه، ص ۶۲۷.

۳- ریحانه الادب، مدرس تبریزی، ج ۴ ص ۴۱۳.

۴- درباره وی بنگرید به کتاب قصص الخاقانی، ولی قلی بن داود قلی شاملو، ج ۲ ص ۱۷۸.

۵- بنگرید به فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۵۱۱ و نیز تذکره پیمان، ص ۹۱ تا ۹۳.

۶- کلید بهشت، میرزا محمد سعید قمی، مقدمه سیدمحمد مشکوه، ص ۸.

حکمت الهی و حدیث است و در فلسفه شاگرد ملاصدرا و در فقه شاگرد سید ماجد بحرینی بوده است، صاحب کتاب روضات الجنات از وی به شدت دفاع کرده، تمامی اتهاماتی را که به نامبرده نسبت داده اند، رد کرده، بخشی از اظهاراتش را در مذمت صوفیان نقل نموده است. ملا محسن فیض از رجال برجسته در علوم اسلامی است و تمام عمر خود را در راه علم و معرفت صرف کرده، تألیفات متعددی دارد که به هشتاد جلد بالغ می‌گردد و بعضی از آنها در چند جلد تدوین شده است. (۱)

فیض کاشانی در سرودن شعر توانایی داشت و در سروده های خود، به « فیض » تخلص می‌کرد، عده ای وی را صوفی می‌نامیدند اما او در کتابی تحت عنوان « الکلمات الطریفه فی ذکر منشأ اختلاف الایمه المرحومه » این نسبت را نفی و انکار نمود. (۲) مخفی نماند در مدتی که فیض کاشانی در شهر مقدس قم به سر می‌برد، قاضی سعید از محضرت بهره مند گشته، نزد وی اندیشه های عرفانی خود را غنا بخشیده و شکوفایی او در قلمرو شعر و سروده های عرفانی ماحصل ارتباط وی با فیض کاشانی بوده است.

قاضی سعید به عربی و فارسی شعر می‌گفت و تخلص وی « تنها » می‌باشد و دیوان شعر پارسی او معروف است.

میرزا صائب (متوفی به سال ۱۰۸۱ ه.ق) تقریظی به صورت یک

۱- فلاسفه شیعه، عبدالله نعمه، ترجمه سید جعفر غضبان، ص ۴۹۹ - ۴۹۸.

۲- ریحانه الادب، ج ۴ ص ۳۶۹ تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون، ج ۴ ص ۲۸۲.

رباعی بر دیوان وی نوشته که بیت آخرش این است:

هر نسخه مناسبت به دردی دارد *** این نسخه هزار درد را درمانست

از دیوانش اطلاعی در دست نیست، اما از اشعارش چند بیت در آتشکده آذر، نه بیت در تذکره نصرآبادی، بیست و هفت بیت در سفینه خوشگوی هندی و متجاوز از سیصد بیت در تذکره محمد نصیر نصرت مسطور است. (۱)

در شعری، از صوفیان مردم فریب انتقاد کرده و می گوید:

مخور فریب کرامات این تهی مغزان *** که گر بر آب روند از هواست همچو حباب

در مذمت افراد مغرور گفته است:

مرد رفعت جوی را ناراست بودن لازم است *** خم شود هر کس که از پستی به بالا می رود

و در شعری افراد پاک سرشت را چنین ستوده است:

پاک طینت را کمالی نیست دانشور شدن *** هیچ حاجت نیست خاک کربلا را زر شدن

شیشه نه چرخ را بر طاق نیسان چیده ام *** این چنین آذین کنند آزادمردان خانه را

در گرایش های عرفانی می گوید:

عندلیبان چون طواف گلشن آن کو کنند *** دست گلچین تو را چون دسته گل بو کنند

نرگسی پنداشتم می چینم از گلزار غیب *** از تماشان جهان چشمی که بر می داشتم (۱)

مؤلفانی چون میرزا عبدالله افندی (۲)، محدث قمی (۳)، خوانساری (۴) و شهید مطهری (۵) اظهار داشته اند: قاضی سعید قمی حکمت و عرفان را نزد ملا عبدالرزاق لاهیجی آموخته است.

چنین ادعایی بعید می نماید زیرا اگر تولد قاضی سعید در سال ۱۰۴۹ ه.ق اتفاق افتاده باشد همانها که وی را شاگرد ملا عبدالرزاق لاهیجی دانسته اند، بخصوص صاحب طرائق الحقایق و خوانساری مؤلف روضات الجنات و حاج شیخ عباس قمی در هدیه الاحباب، زمان رحلت لاهیجی را در شهر قم به سال ۱۰۵۱ ه.ق نوشته اند، پس در این صورت قاضی سعید هنگام فوت نامبرده طفلی دو ساله بوده است و بدین لحاظ امکان ندارد که درس فیاض را در این سن درک کرده، از او مستفید شده باشد. قاضی سعید را رسم بود که همچون دیگر دانشوران به رسم تشکر نامی از اساتید خویش در تألیفات خود بیاورد. اما از مطاوی تصانیف قاضی سعید قرینه صحت این مطلب بدست نیامد، چنانکه به نام دیگر اساتیدش اشاراتی آشکار دارد و ما نمونه هایی را خواهیم آورد.

۱- تذکره نصرآبادی، ص ۱۶۸.

۲- ریاض العلماء، ج ۲ ص ۳۱۹ و در مورد دیگر سروده هایش بنگرید به کتاب در محفل روحانیان، محمد علی مجاهدی، ص ۱۵۳.

۳- روضات الجنات، ج ۴ ص ۱۰.

۴- نک: الکنی و الالقاب، ج ۳ ص ۵۲ فوائد الرضویه، ص ۶۲۷.

۵- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۹۱.

در مکتب اصفهان

قاضی سعید قمی برای استفاده از اندیشه های عرفانی حکیمان اصفهان، شهر مقدس قم را به قصد آن دیار ترک نمود. در این زمان اصفهان یکی از مهمترین کانونهای فرهنگی و علوم اسلامی محسوب می شد. اقتدار تشیع و روی کار آمدن دولت شیعی صفوی زمینه را برای شکوفایی تفکرات علمای شیعه فراهم ساخت و نوشته ها و آثاری پدید آمد که در آنها اندیشه های حکیمان از بوستان خاندان عصمت بهره می گرفت و از میوه های باغ احادیث و روایات سود می جست.

در زمانی که این جوان تشنه دانش به مکتب حکیمان اصفهان پا نهاد، رجبعلی تبریزی حوزه درسی تشکیل داده مشغول تربیت شاگرد وی همین قاضی سعید قمی بود (۱) که از افکار استاد خویش ملهم گردید و نامبرده برخی آثار خود را به این استاد تقدیم کرده و یک یا دو اثرش را ترجمه نموده است.

رجبعلی تبریزی، معاصر شاه عباس دوم بود که وی طی ملاقاتی با این دانشمند چندین بار او را نواخت، او به افکار قدما و متأخران احاطه داشت و از آثارش این معنا هویدا است.

وی پس از تحصیل در علوم دینی، در شهر بغداد مدتی گوشه عزلت برگزیده و به تزکیه نفس سرکش پرداخت، وی در میدان فضیلت، گوی دانش را به زور بازوی معرفت و چوگان همت از اقران و

امثال ربود و شهره آفاق گردید و سپس به اصفهان انتقال یافت و به مقتضای خواهش طبع بلند همت خویش، اکثر اوقات بعد از عبادت حضرت باری تعالی و ذکر و دعا و تهجد به افاده نکات حکمت پرداخته، گروهی از شیفتگان معرفت را از معقولات خویش بهره مند می نمود. (۱)

ملا- رجبعلی در منطق، علوم طبیعی و الهیات تبحر داشت و در این زمینه ها صاحب نظر بود و البته به برخی اندیشه های ملاصدرا انتقاد می نمود.

محمد رفیع پیرزاده که سال تولد و وفاتش به دست نیامده همراه با قاضی سعید قمی از نزدیکان این استاد بوده است که به توصیه ملا- رجبعلی اثری مفصل با عنوان « معارف الالهیه » نگاشت که در آن تعلیمات استاد خود را بیان کرده و بسط می دهد. (۲)

میرزا عبدالله افندی اصفهانی که تقریباً با وی و شاگردش قاضی سعید معاصر بوده می گوید: رجبعلی تبریزی انسانی زاهد، فاضلی حکیم و عارفی ماهر بوده و نزدیک به روزگار ما در گذشته است. (فوت رجبعلی در سال ۱۰۸۰ ه. ق اتفاق افتاده است) از آثار ملا رجبعلی رساله ای به زبان فارسی تحت عنوان « اشتراک لفظی وجود میان ذات و صفت باری » (۳) و رساله « اثبات واجب » وی که با مقدمه ای در شرح

۱- قصص الخاقانی، ولی قلی بن داوود قلی شاملو، ج ۲ ص ۴۸ - ۴۷.

۲- تاریخ فلسفه اسلامی، کربن، ص ۴۸۷.

۳- ریاض العلماء، ج ۲ ص ۳۱۷.

حال و ذکر آثار او به اهتمام عبدالله نورانی چاپ شده است. (۱)

قضاوت و طبابت

ملا رجبعلی تبریزی در تکوین شخصیت علمی و فکری شاگرد خود قاضی سعید قمی دخالت عمده ای داشت و پس از رحلت استاد، قاضی سعید اندیشه های وی را پی گرفت و مانند مرئی و معلم خود، نزد شاه عباس دوم اعتباری کسب کرد و در حدود سال ۱۰۶۸.ق که تکیه فیض را در شهر اصفهان بنا می نمودند، بنا بر مأموریتی که از سوی شاه عباس دوم به وی واگذار شد؛ از جوهری که به طریق حلال تهیه شده بود املاک و مزارعی حاصلخیز و مرغوب خریداری کرده بر تکیه مزبور وقف نمود. (۲)

بنا به قول مورخان حکیم قاضی سعید از سوی شاه به قضاوت در قم منصوب گردید و از آن تاریخ به قاضی سعید عروف شد وی در برخی آثار خویش به لقب قاضی اشاره دارد و این سمت تسلط وی را بر منابع فقهی و شرعی نشان می دهد زیرا در عصری که علمای زیادی در شهر قم بودند ریاست امور شرعی و قضایی به وی محول گردید و این مسأله از توان علمی و نفوذ اجتماعی قاضی سعید حکایت می کند. منابع دیگر خاطر نشان نموده اند که وی تا آخر عمر به طبابت هم اشتغال داشته و به درمان بیماران در زمان شاه سلیمان صفوی

۱- نامه آستان قدس، شماره ۶ سال ۱۳۳۴.

۲- نک: 'روضه الصفای ناصری، ج ۸ ص ۱۰۰.

مبادرت ورزیده است.

روشن است که او منصب قضاوت را تنها بدین خاطر پذیرفت که حقوق تضييع شده را بازستاند و در اجرای عدالت و گسترش امنیت اجتماعی بکوشد، بلکه او لازم دید که برای تحصیل قدرتی دینی ضامن اجرای احکام حق و عدل باشد تا از این رهگذر بتواند وظیفه دینی و شرعی خود را انجام دهد.

همانطور که در سخنرانی معروف حضرت امام حسین (ع) آمده است:

« مجاری الامور و الاحکام علی ایدی العلماء بالله،^(۱) علمای ربانی کارگزاران و حکمرانان جامعه هستند.»

قاضی سعید ریاست امور شرعی و قضاوت را پذیرفت تا با این مقام به محرومان مدد برساند و آنان را از ناداری و استضعاف نجات داده و حقشان را از چنگ تکاثر طلبان و مرفهین بی درد بیرون آورد و نقش کاذب سرمایه داران و زورگویان را بی اثر نموده، مردم را به رهنمودهای قرآن و عترت علاقه مند نماید.

روش قاضی سعید در اجرای احکام شرعی و تلاشهای علمی وی در قلمرو حکمت و عرفان بر برخی تنگ نظران و کوتاه فکران، ناپسند آمد و این نامدار عرصه اندیشه محسود اقران قرار گرفت و هنگام روی کار آمدن شاه سلیمان صفوی (سال ۱۰۷۷ه.ق) حاسدان نزد وی و درباریان، زبان به مذمت گشوده و مفسدین سعایت آن عالم سعید را

پیشه خود نمودند و نظر حاکمان وقت را نسبت به او مکدر ساختند و با امواج بدبینی و توفان تهمت زمینه های تعطیل فعالیت های او را فراهم کردند. سرانجام قاضی سعید از خدمت در شغل قضاوت و تصدی امور شرعی اخراج و از شهر قم تبعید و در قلعه الموت محبوس گردید؛ اما چون صداقت، صفای نفس و درستی وی بر آنان معلوم شد مورد عفو قرار گرفت و قبل از سال ۱۰۸۴.ق. به شهر مقدس قم رفت و تا سال ۱۰۸۸.ق. به پژوهشهای علمی در زمینه قرآن، حدیث و علوم دینی مشغول بود تا اینکه در سال ۱۰۸۹ به اصفهان آمد و تا سال ۱۱۰۲ در این شهر به تحقیق در حکمت و عرفان مبادرت نمود.

مورخان می گویند: قاضی سعید تا سن سی سالگی مشغول بحث و بررسی در احادیث و روایت نبود و ظاهراً در این سن پس از رؤیای صادقه ای، در صدد برآمد که در اخبار اهل بیت تفحص کند و او در کتاب «الاربعینیات» به این خواب راستین و روی آوردن به پژوهشهای کلامی - اعتقادی، اشاره نموده است.

از برخی نوشته های وی چنین بر می آید که در هنگام تألیف آنها در مشقت بوده و در دوران تبعید روزگار را به سختی سپری می کرده است و از شر اعدا به رشته الهی تمسک می جست و از خداوند رهایی خود را می خواهد.

از دیگران

میرزا عبدالله افندی که از معاصرین قاضی سعید به شمار می آید وی را به عنوان حکیمی عارف و شاعری منشی و نیکو گفتار معرفی کرده و از موقعیت ویژه وی نزد حاکمان صفوی سخن گفته است. (۱)

نصرآبادی در تذکره اش می نویسد:

« نیکو اخلاق و پسندیده صفاتند، طبعش در اکثر علوم خصوصا حکمت نظری متین و خامه تقریرش در ترتیب نظم نمکین، رجوعش به خلوت تقدس ذاتی و طلوعش از مشرق تنزه طبیعی از حرکت نبض به اندیشه قلبی مطلع و به مجرد پرسش، امراض مهلک را دفع می کند. » (۲)

حاج شیخ عباس قمی از قاضی سعید به عنوان عالم فاضل، حکیم متشرع، محقق صمدانی و عارف ربانی نام می برد و می افزاید وی در مراتب عرفانی وسعت نظر داشته، اهل معرفت، ادب و حدیث است. (۳)

حضرت امام خمینی (قدس سره) در کتاب « مصباح الهدایه » از وی به عنوان عارف کامل قاضی سعید شریف قمی سخن می گویند و در ادامه می افزایند:

« قاضی سعید در عرفان مقام والایی دارد و در راه سلوک قدمی استوار و کتاب شرح توحید صدوق این فاضل فرزانه زائری عزیز و نفیس معرفی می کنند و در موضوع خود بی نظیر است » (۴).

۱- ریاض العلماء، ج ۲ ص ۳۱۹ - ۳۱۸.

۲- تذکره نصرآبادی، ص ۱۶۸.

۳- هدیها لاجاب، ص ۲۳۶ الکنی و الالقاب، ج ۳ ص ۵۲ فوائد الهنویه، ص ۲۶۲۷.

۴- مصباح الهدایه، امام خمینی (ره) ترجمه سید احمد فهری، ص ۱۹۸ ۱۵۳ ۷۶ ۴۵ ۴۳ ۴۰ - ۳۸.

در کتاب « اسرار الصلوه » ضمن آنکه امام خمینی (قدس سره) قاضی سعید را یکی از اهل معرفت معرفی می فرماید در جای جای کتاب از « اسرار العبادات و حقیقه الصلوه » وی مطالبی را نقل می فرمایند. (۱)

سید محمد مشکوه - استاد فقید دانشگاه تهران - که کتاب « کلید بهشت » قاضی سعید را پس از تصحیح و مقدمه نویسی به چاپ رسانیده است درباره این دانشمند جهان تشیع می گوید:

« ... تصانیف وی با سلیقه و ذوق و روح تصوف در قالب فلسفی مدون گردیده و شاید به همین جهت همه وقت نسخ آنها کمیاب و عزیزالوجود بوده و کمتر از حدود قم و اصفهان تجاوز می کرده است، غالباً مورخین از غالب تصانیف وی بی اطلاع مانده اند و حتی سید اعجاز حسین کنتوری در کتاب خود - کشف الحجب و الاستار - (۲) که جامعترین فهرست تصانیف شیعه است به هیچ اسم و رسمی از قاضی سعید و تصانیف او نامی به میان نیاورده و گویا از وی اطلاعی نداشته است...» (۳)

هانری کربن - پروفیسور اهل فرانسه - که در بین مذاهب مختلف به عقاید شیعه، علاقه کامل پیدا نموده و این تمایل وی از تتبع و بررسی در مبانی تشیع حاصل شده (۴)، می گوید:

۱- اسرار الصلوه، امام خمینی (ره) ترجمه سید احمد فهری، ج ۱ ص ۱۶۵ ۱۴۷ ۱۴۶ و ۲۴۰ ج ۲ ص ۲۷.

۲- این کتاب در کلکته چاپ شده است .

۳- کلید بهشت، مقدمه مصحح، ص ۱۲.

۴- درباره وی بنگرید به شرح مقدمه قیصری، سید جلال الدین آشتیانی، ص ۸۴ و ۸۵ نیز مجموعه مقالات انجمن واره بررسی مسائل ایران شناسی، به کوشش علی موسوی گرمارودی، مقاله نگاهی به ایران شناسی و شیعه شناسی هانری کربن و نیز مقاله ملاحظاتی درباره نقادی هانری کربن از ایران شناسی .

« ... این اندیشمند و حکیم معنوی (قاضی سعید) دارای چنان اهمیتی است که باید فصلی ویژه به وی اختصاص داد... قاضی سعید از برجسته ترین نمایندگان عرفان شیعی امامی است...» (۱)

و نیز محمد شریف رازی درباره اش می نویسد:

« عصر شاه صفی صفوی ریاست روحانیت و علمیت شهرستان قم با وی بوده و در بین مردم قضاوت و داوری می نموده و در شرعیات نهایت تسلط را داشته است...» (۲)

تراوش اندیشه

در نسخه ای خطی از کتاب « کلید بهشت » که کاتب، آن را در تاریخ ذیحجه سال ۱۰۸۵ ه.ق در زمان حیات مؤلف به پایان برده، از قاضی سعید به عنوان جالینوس زمان یاد کرده است. این عبارت محکم ترین و قدیمی ترین مأخذی است که از طبابت و رشته تخصصی قاضی سعید در طب سخن گفته و عباراتی با این صراحت جز بر قاضی سعید در آن عصر منطبق نمی گردد.

اما علاوه بر طبابت، وی در توضیح، تفسیر و تبیین احادیث و روایات و استخراج حکمت و عرفان از منابع روایی نیز تبحر داشت و در آثارش چنین تسلط و مهارتی کاملاً مشهود است.

قبل از دوران شیخ صدوق، شیعه نه تنها از لحاظ سیاسی مظلوم بود بلکه از لحاظ عقاید نیز برای مردم ناشناخته بود. علمای دربار

۱- تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۴۸۸ - ۴۸۷.

۲- گنجینه دانشمندان، محمدشریف رازی - ج ۱ ص ۱۱۹.

خلفای عباسی، بسیاری از اندیشه های موهوم را به شیعیان نسبت می دادند که در واقع از تفکرات شیعی نبود. به دلیل همین اتهامات شیخ صدوق با تألیف کتاب « اعتقادات » و « التوحید » حقیقت تشیع را آشکار کرد و عقیده شیعه را درباره خداوند سبحان و صفات جمال و جلال او بر اساس روایات اهل بیت (ع) بیان نمود و قاضی سعید نیز به بسط و شرح این احادیث پرداخت.

این دانشمند شیعه بر طبق آیات قرآن و روایات گوناگون که لفظ عرش الهی در آنها بکار رفته است، مصادیق مختلف را ذکر کرده و بر این باور است که نفس انسان بر اثر تابش نور حق بیدار شده، رفته رفته نور معنوی بر قوای حیوانی غلبه می کند و بر اثر آن حالت اطمینانی به نفس دست می دهد و به دلیل اعراض از آثار قوای حیوانی، مطمئن می گردد، استعدادش به کمالات لایق کامل می شود و چنین صفایی موجب ظهور انوار الهی و تجلی کمالات ربانی شده، حق در قلب، منزل می نماید. به همین گفته شده است: « قلب المؤمن عرش الله الاعظم » .

همه حرکات و ظهورات منبعث از تجلی حق به اسماء جلال و جمال در قلب کامل، حقیقت کلیه انسان است لذا امام به حق را، قلب عالم امکان و موجب آرامش جهان دانسته اند. .

عرش است محیط و مرکزش دل *** گر دل نبود ز گل چه حاصل

گر دیدن عرش و جمله افلاک *** گرد دل ماست نه بر این خاک

عرش از پی دل بر روان است *** خاک است بهانه، اصل آن است

کمالات رحمانی و ظهور حق در دل مؤمن به اعتبار آن که برزخ، بین

غیب و شهادت است از ظهور حق در عرش عالم آفاق، تنوع افزونتری دارد.

قاضی سعید از ساختار کعبه، اساس امامت دوازده امام را استخراج می کند؛ کعبه سنگی به رمز حیات انسانی و قبله حجتی تبدیل می شود که با مراحل حیات تطابق دارد. حدیث مربوط به دوازده حجاب نورانی با توصیف رمزی، مراتب نور محمدی در عالم و سپس نزول آن از عالمی به عالم دیگر از مجرای هفتاد هزار حجاب تا جهان ناسوت، اما مشناسی را با نظریه مربوط به تکوین عالم و حکمت تاریخ را با فراتاریخ پیوند می دهد. (۱)

حضرت امام رضا (ع) پس از مناظره با رؤسای ادیان و سران فرقه ها در اثبات خداوند و مقام نبوت پیامبران رو به حاضران نمود و فرمود هر کدام پرسشی دارید مطرح کنید؛ همه به دلیل ارائه براهین محکم و مستدل از سوی امام سکوت اختیار نمودند. در این میان عمران صابی که از بزرگترین متکلمان زمان خود بود از چگونگی اثبات خداوند سؤال کرد. دامنه گفتگو میان فروغ هشتم امامت و عمران در این باره به باریکترین و پیچیده ترین مسایل مربوط کشید و امام با روشی ساده و جالب و با استدلال به حقایق روش علمی که در عیون اخبار الرضا و احتجاج طبرسی درج شده به او پاسخ داد.

این احتجاج از مشکلات کلمات ائمه (ع) است که بر آن شرحی نوشته اند و عارف محقق قاضی سعید قمی به تشریح و تبیین آن

پرداخته است و از این شرح احاطه وی بر منابع روایی و حکمت و عرفان هویداست. (۱)

قاضی سعید محبت به ساحت قدس اهل بیت را از طریق معرفت به دست آورد و در این راه به پژوهشهای گسترده ای دست زد. او عقیده داشت امامان قلب مؤمنان را بر می افروزند و آنان که از این نور محرومند، قلب تیره ای دارند. ائمه (ع) حکمت لدنی دارند و مهبط وحی، موضع رسالت، معدن عرفان و شجره نبوتند و اسم اعظم خداوند نزد این وجودهای مطهر است و منظور از حدیث شریف « من عرف نفسه فقد عرف ربه » این است که مؤمن باید وجه الله را بشناسد و این وجه الهی امام می باشد. تفسیر مزبور را قاضی سعید از سخن منسوب به حضرت علی (ع) که به نام خطبهالبیان مشهور است استخراج نموده است، زیرا در این کلام حضرت می فرماید: من آیت قادر مطلق هستم، عرفان اسرارم، محرم انوار جلال خداوندم و صاحب سر رسول خدایم و به نحوی پر صلابت هفتاد مورد را به همین نحو فوق العاده بیان می فرماید. قاضی سعید قمی بنا به شرحی که بر این خطبه نوشته، آن را مستفیض دانسته است. برخی مؤلفان، انتساب این کلام را به حضرت علی (ع) ضعیف شمرده اند ولی شیخ حافظ رجب بُرسی (۲)

دانشمند معروف شیعه در قرن هشتم این بیان را در کتاب مشارق الانوار ذکر نموده است.

۱- این شرح نفیس به همت مرحوم آقامیرزا عیسی خان علی آبادی به مقدمه ای از مرحوم میرزا علی بامداد به خط آقا میرزا محمدعلی عبرت نائینی به چاپ سنگی رسیده است .

۲- آرامگاه وی در دوازده کیلومتری شمال شهر زواره می باشد .

از نوشته های شرح حال نگاران چنین بر می آید که قاضی سعید قمی در دست یافتن به استنباط دقایق و نکات پیچیده حکمت اسلامی مورد حمایت غیبی بوده، از لطف الهی و تفضلاتی ائمه (ع) برخوردار گشته است. وی چنین فضیلتی را از طریق اخلاص، عبادت و مقید بودن به شب زنده داری کسب کرده است. (۱)

قاضی سعید ضمن تحقیق در آثار روایی و حکمت شیعی از مطالعه در آثار علمای دیگر غافل نبود و به تفکرات فلاسفه یونانی نیز توجه داشت؛ کتابی است به نام «اثولوجیا» که توسط افلاطون نوشته شده و عالمان اسلامی از آن به عنوان «الربوبیه» و «الهیات» سخن گفته اند که ده مبحث را در بر می گیرد و قاضی سعید بر چهار فصل آن تعلیقاتی نگاشته است. علت توجه وی به این اثر غیر از علاقه درونی رواج و ارزشی است که کتاب مزبور در حوزه عقلی استادانش داشت. زیرا آنان بارها «اثولوجیا» را مطالعه کرده، در معانی آن اندیشه نموده و به تشریح مطالب آن پرداخته اند. (۲)

قاضی سعید از اندیشه های میرابوالقاسم فندرسکی - دانشمند عصر صفوی (متوفی ۱۰۵۰ه.ق) در تألیفات خویش استفاده کرده و خود بدین نکته اشاره دارد. کتاب اسرار الصنایع او الهام گرفته از رساله صناعیه میرفندرسکی (۳) می باشد. وی در آثار خود غالباً به آنچه از دیگر دانشوران نقل کرده به دیده نقد نگاه کرده و با استقلال اندیشه

۱- فوائد الرضویه، ص ۶۲۷.

۲- تاریخ ادبیات ایران، ذبیح الله صفا، ج ۵ ص ۳۳۹.

۳- الذریعه، ج ۱ ص ۴۱۷.

و وسعت آگاهی و توان علمی به بررسی آراء و افکار دیگران پرداخته است.

میوه های معرفت

قاضی سعید قمی به لطف خداوند و بر اثر اهتمامی که از خویش بروز داد توانست آثاری ارزشمند را به رشته تحریر در آورد که به آنها اشاره می گردد:

۱- شرح توحید صدوق که قاضی سعید در کتاب شرح اربعین - چهار مورد - و در شرح حدیث الغمامه - دو مورد - و در اسرار عبادات - دو مورد - و در کتاب اربعینیات بدان اشاره کرده و خواننده را به این کتاب ارجاع داده است. این کتاب مفصل ترین تصنیف قاضی سعید و در چند مجلد است و در سال ۱۰۷۹ ه.ق تألیف آن آغاز گشته و تا چندین سال بعد تحریر آن به درازا کشیده است. (۱)

۲- شرح الاربعین، قاضی سعید در این اثر برخی احادیث مشکل را تدوین کرده و به شرح آنان پرداخته است. وی در رساله شرح حدیث الغمامه به عنوان این کتاب اشاره دارد و مدرس تبریزی از آن به عنوان « الاربعون حدیثا » نام برده و می افزاید مؤلف، آن را در سن سی سالگی نوشته است و شرح چهل حدیث در معارف می باشد که مشحون از تحقیقات علمی است. شیخ آقا بزرگ تهرانی سه نسخه از

۱- استاد سید محمد مشکوه در نسخه خطی دو مجلد از این اثر را نزد سید فاضل حاج سید نصرالله تقوی دیده است که شرح ۲۶ باب از توحید صدوق را شامل می شود .

آن را ملاحظه کرده است. (۱) ناگفته نماند که اثر مزبور در ده هزار سطر تدوین شده، با مقدمه سید نصرالله تقوی در سال ۱۳۵۵ ه. ق در تهران به چاپ رسیده است. چون در این کتاب قاضی سعید در شش مورد از کتاب « وافی » نقل کلام نموده؛ مؤلف آن را که استادش بوده و فیض کاشانی نام داشت با جمله « ادام الله فیضه » دعا کرده و در زمان تصنیف آن، فیض کاشانی در قید حیات بوده است. (۲)

۳- الاربعینیات للكشف انوار القدسیات» ، این اثر از مصنفات ممتاز قاضی سعید است. وی می خواست چهل رساله از خلاصه مطالعات خویش در اسرار حکمت را به رشته نگارش در آورد که تنها به تدوین ده رساله توفیق یافته که در این مجموعه قرار گرفته و تحت عناوین زیر تنظیم شده اند:

الف: « رساله روح الصلوه » که در آن درباره اسرار اوضاع و حقیقت اذکار و تفسیر آنچه در نماز خوانده می شود بحث کرده است. او این اثر را به استاد خود فیض کاشانی اهدا نموده است. (۳)

ب: « الکشف عن القراءات السبع » تصنیف آن در قم دو شب گذشته از جمادی الثانی سال ۱۰۸۹ ه. ق شروع شده و دو شب به آخر همان ماه

۱- الذریعه، ج ۱ ص ۴۱۷ ضمننا نجفقلی حبیبی دامن همت بر کمر ارادت زده تا مجموعه آثار این عارف بزرگ را با چاپی منقح و تصحیح شده در اختیار علاقمندان بگذارد که جلد اول شرح توحید صدوق با این مشخصات و به اهتمام وی چاپ شده است (آینه پژوهش، سال دوم، شماره مسلسل ۸ ص ۴۱).

۲- کلید بهشت، مقدمه مصحح، ص ۱۸ - ۱۷.

۳- این رساله در حاشیه شرح هدایه ملاصدرا چاپ شده است (ریحانه الادب، ج ۴ ص ۴۱۲).

خاتمه یافته است، وی در اثر مذکور موضوع اختلاف در خواندن قرآن را با بحث های فلسفی و اشراقی حل کرده است.

ج: « الفوائد الرضویه » که تفسیری است با دید فلسفی در خصوص حدیث رأس الجالوت یعنی احتجاج حضرت امام رضا (ع) با رهبران یهودی. در مقدمه گفته است: حکمت آن می باشد که در قرآن، سنت و علمی که از مدینه العلم حضرت علی (ع) برخاسته، مندرج باشد و در خبرهای امامان حقایق بسیاری برای عابدان و عالمان نهفته است. (۱) البته این رساله غیر از شرح حدیث دوازدهم اربعین اوست که مفصل می باشد. گر چه در آن هم به نام رأس الجالوت اشاره شده است (تاریخ تدوین ۱۰۸۴.ه.ق)

د: « مرقاه الاسرار »، این رساله را قاضی سعید در سن سی و پنج سالگی و در دهم ذی القعدة سال ۱۰۸۴.ه.ق در شهر قم نوشته است. (۲) در این وجیزه، مؤلف به موضوع ربط حادث به قدیم و حدوث زمانی عالم و بحث ماهیت و وجود پرداخته و به موضوع اصالت وجود انتقاد کرده است. (۳)

ه: « النفحات الالهیه و الخواطر الالهامیه »، وی این رساله را در اصفهان و در سال ۱۰۸۴.ه.ق نوشته و در آغاز خداوند را به خاطر آنکه به وی عقل و علم عطا نموده شکر کرده است.

و: « المقصد الاسنی »، در تحقیق ماهیت و وجود و حرکت که این کتاب

۱- تاریخ ادبیات ایران، ج ۵ ص ۳۴۰.

۲- کلید بهشت، مقدمه مصحح، ص ۲۷.

۳- تاریخ ادبیات ایران، ج ۵، ص ۳۴۰.

را قاضی سعید در سال ۱۰۸۸ در قم تحریر نموده و آن را با حمد پروردگار جهانیان آغاز کرده و با درود بر رسول اکرم (ص) و آل او به پایان برده است.

ز: «الانوار القدسیه» در تحقیق هیولی، نفس و فوائد دیگر که به سال ۱۰۵۸ در قم نوشته است، وی می گوید: انوار قدسی شامل سه نور است که هیولی، صورت و نفس از عناصر آن می باشد و در مقدمه از منتقدین به مباحث عرفانی و فلسفی مذمت کرده و تهمت زدن آنان بر اهل دانش را محکوم نموده است. (۱)

ح: «الحدیقه الوردیه فی السوانح المراجیه»، در رساله مذکور نگارنده موضوع معراج را مورد تأویل فلسفی و عرفانی قرار داده است.

ط: «البرهان القاطع»، که ترجمه رساله فارسی برهان قاطع و نور ساطع استادش حکیم الهی رجبعلی تبریزی است.

ی: «الطلایح و البوارق» یا «البوارق الملکوتیه» رساله ای مفصل در یک مقدمه و شش طلیعه و هر طلیعه چندین بارقه دارد و در آن، مباحث حکمی و فلسفی و دیدگاههای عرفانی مطرح شده است. (۲)

به تصریح مؤلف، مقدمه این نوشتار در سال ۱۰۹۵ ه. ق آغاز شده و به سال ۱۱۰۲ به مجموعه اربعینات منتقل شده است. (۳)

یادآوری می شود هر یک از این رساله ها عموماً دارای مقدمه و

۱- تاریخ ادبیات ایران، ج ۵، ص ۳۴۰.

۲- این رساله در فهرست کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۳ ص ۲۱۲۵ - ۲۱۲۴ معرفی شده است .

۳- کلید بهشت، مقدمه سید محمد مشکوه، ص ۲۹.

خاتمه است و غالباً دو تاریخ دارد، زمان به پایان رسیدن تصنیف و دیگری تاریخ الحاق به کل مجموعه اربعینیات؛ این کتاب آخرین و مفیدترین آثار قاضی سعید است.

۴- حاشیه بر اثولوجیا» یا حکمت ارسطو؛ اثو به معنای ماوراء الطبیعه و لوژی به معنای دانش می باشد. قاضی سعید بر چهار بخش این اثر حاشیه نوشته است. (۱) وی در سال ۱۰۷۷ه.ق از تحریر این رساله فارغ شده است.

۵- کلید بهشت» که رساله ای است در اشتراک لفظی اسماء الله؛ این نوشتار که به زبان فارسی می باشد به تصحیح سید محمد مشکوه در تهران چاپ شده است. (۲)

۶- اسرار الصنایع در صناعات خمسہ منطوق، برهان، جدل، شعر، مغالطه و خطابه. (۳)

۷- شرح حدیث بساط که قاضی سعید در سال ۱۰۹۹ در اصفهان از آن فارغ گردیده است. (۴)

۸- شرح حدیث غمام که به سال ۱۰۹۹ در اصفهان نوشته است. (۵)

۹- قیقه الصلوه یا مقاله توحید در بیان این که حقیقت و روح

۱- الذریعه، ج ۶ ص ۱۲.

۲- نخستین بار در سال ۱۳۱۵هش و برای بار دوم در سال ۱۳۶۲ توسط انتشارات الزهرا به طبع رسیده است.

۳- الذریعه، ج ۲ ص ۵۱.

۴- الذریعه، ج ۲ ص ۵۱.

۵- نسخه ای از آن به صورت مخطوط به شماره ۱۸۴۹ در کتابخانه شهید مطهری نگاهداری می شود.

نماز عبارت است از توحید ذات، توحید اسماء و صفات و توحید افعالی، این رساله در ۱۵۰ سطر نوشته شده است. (۱)

۱۰- اسرار عبادات، که ده هزار سطر است و استاد سید محمد مشکوه نسخه ای از آن را به خط مرحوم شیخ محمد علی (از طلاب سابق مدرسه سپه سالار) در اختیار داشته است.

۱۱- حاشیه بر شرح الاشارات خواجه نصیرالدین طوسی، که صاحب ریاض العلماء از آن نام برده است.

به سوی دار سرور

سرانجام این عارف شیفته اهل بیت عصمت و طهارت (ع) پس از جهدی وافر و به یادگار نهادن آثار علمی فراوان و تربیت شاگردانی دانشور، به سال ۱۱۰۳ ه.ق دار فانی را وداع گفت (۲) و به سرای باقی شتافت، پیکر مطهرش در شهر مقدس قم نزدیک مقبره شیخ ابوالحسن علی بن بابویه، در کنار خیابان ارم مدفون گردید. (۳)

از قاضی سعید فرزند فاضل متکلمی باقی ماند که راه پدر را در طریق کاوشهای علمی ادامه داد، نامش مولی صدرالدین می باشد که در حرم حضرت معصومه (س) اصول کافی درس می داد، بعدها همچون

۱- کلید بهشت، مقدمه مصحح الذریعه، ج ۴ ص ۴۷۹.

۲- بنا به نقل شرح حال نگاران تا سال ۱۱۰۲ ه.ق در اصفهان در قید حیات بوده و شیخ آقا بزرگ تهرانی در جایی (الذریعه، ج ۶ ص ۱۲) فوت وی را در سال ۱۱۰۳ ه.ق نوشته ولی در جای دیگر اظهار داشته وفات قاضی سعید بعد از سال ۱۱۰۳ ه.ق بوده است (ج ۴ ص ۴۷۹).

۳- گنجینه دانشمندان، ج ۱ ص ۱۱۹.

والدش به منصب قضاوت در آذربایجان منصوب گردید. (۱)

کاظم بن آقا صادق که از شاعران و نجبای قم بوده و ابیاتی از او در آتشکده آذر مسطور است از شاگردان قاضی سعید می باشد. مهدی نامی شرح توحید صدوق را بر استادش (قاضی سعید) قرائت کرده است. (۲) محمد کریم از دیگر شاگردان وی است که قاضی سعید به او اجازه داده در اول کتاب اربعون حدیث نام استاد خود را تحت عنوان محمد المدعو به سعید شریف ذکر کند. (۳) قاضی سعید فرزند خواهری به نام نورالدین داشت که چون پیراهن وی در حکمت بود و حافظ اسرار او در نهان و آشکار به شمار می رفت. (۴)

...

۱- الکنی و الالقاب، ج ۳ ص ۵۳ و روضات الجنات، ج ۴ ص ۱۱ فواید الرضویه، ص ۶۲۸.

۲- کلید بهشت، مقدمه صحیح .

۳- الذریعه، ج ۱ ص ۴۱۷.

۴- روضات الجنات، ج ۴ ص ۹.

سید ابوالحسن رفیعی قزوینی (ترجمان حکمت) / سید علی رضا سید کباری

تبار علم

تبار آیه الله رفیعی قزوینی از خاندانهای علمی شیعه در قزوین است. آنان از سادات حسینی به شمار می آیند و از ذریه سید میرزا محمد زمان طالقانی قزوینی، از اکابر علمای عصر خویش و از شاگردان ملا خلیلا قزوینی اند. (۱)

سید میرزا رفیع (متوفی ۱۲۷۲ ه.ق) از فرزندان سید محمد باقر، از مجتهدان و حکمای الهی عصر خویش بود که نامش عنوان این خاندان جلیل گشت. بدین ترتیب این سلسله به «آل رفیعی» شهرت یافتند.

نسب آیه الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی با یک واسطه به سید میرزا رفیع می رسد و سیادت و علم را از این تبار پاک به ارث برده است.

۱- درباره علمای این خاندان، رک به: دایره المعارف تشیع؛ ج ۱ ص ۱۷۳ مینودر؛ ص ۳۲۵ - ۳۲۴ تقریرات «آیه الله رفیعی».

« سید میرزا رفیع - سید ابراهیم - سید ابوالحسن رفیعی قزوینی. »

نسب مادریش نیز به واسطه آیه الله حاج سید علی مجتهد قزوینی به « آیه الله سید ابراهیم » می رسد. (۱)

تولد ابوالحسن

واژه خجسته ابوالحسن، کنیه پنج تن از امامان شیعه (ع) است که به ترتیب عبارتند از: ۱- امام علی ۲- (ع) امام سجاد ۳- (ع) امام کاظم ۴- (ع) امام رضا ۶- (ع) امام هادی. (ع) (۲)

لذا وقتی خانواده ای نام « ابوالحسن » را بر فرزند خویش می نهد، به یاد کرد پنج تن از ائمه (ع) این نام را انتخاب می کند. آل رفیعی نیز که از سادات پاک سرشت قزوین هستند، پس از تولد « سید ابوالحسن » در سال ۱۳۱۰ ه. ق برابر ۱۲۶۸ ه. ش با انتخاب این نام، یاد پیشوایان علم و تقوا را پاس می دارند.

- ۱- آیه الله سید ابراهیم معروف به «صاحب ضوابط الاصول» و «دلایل الاحکام» است و فرزند او «آیه الله سید علی مجتهد قزوینی» که پدر مادر آیه الله رفیعی و صاحب حاشیه بر «قوانین اصول» است شاگرد مبرز شیخ انصاری قدس سره است آرامگاه این دو جد مادری در صحن بزرگ حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در کربلا واقع است «رسائل فلسفی»، ص ۵.
- ۲- در کتب رجال شیعه و زندگینامه های ائمه (ع) هرگاه ابوالحسن مطلق یا با صفت «اول» بیاید مقصود امام موسی کاظم (ع) و با صفات «ثانی» مقصود امام رضا (ع) و با صفت «ثالث» مراد امام هادی (ع) است .

تربیت فرزند

پدر سید ابوالحسن که از خاندان علم و از پارسایان عصر خویش است، تربیت آغازین فرزند را خود بر عهده می‌گیرد و با نام خدا «گوهر معرفت» را به وی می‌آموزد و جان ابوالحسن را با خالق هستی بخش آشنا می‌سازد.

آقا سید ابراهیم تصمیم می‌گیرد تا فرزند را پیش از آموزش الفبای نگارشی و علم آموزی از طریق کتاب و کتابخوانی، با پدیده‌های جهان خلقت آشنا سازد و او را به پدیدآورنده بزرگ آنها رهنمون باشد. (۱)

حوزه قزوین

حوزه علمیه قزوین که سابقه تاریخی آن به قرن سوم هجری می‌رسد از باشکوه‌ترین حوزه‌های جهان تشیع که با تربیت فرزندان نامدار چون؛ احمد بن ابراهیم قزوینی و حسین بن ابراهیم قزوینی (۲) بر تارک جهان علم می‌رخشد و در طول تاریخ صدها

۱- آیه‌الله حسن زاده آملی فرماید: وقتی پیرمردی هم سن و سال استاد بزرگوار جناب آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی (رفع الله درجاته) حکایت می‌کرد که ما در اوان خردسالی در قزوین همین آقا سید ابوالحسن رفیعی را صدا می‌زدیم که بیا بازی، ایشان تا میدان با ما همراهی می‌کرد، ولی با ما بازی نمی‌کرد، در گوشه‌ای می‌ایستاد، یا به نبش دیواری تکیه می‌داد و دلنشین پیرمرد به یاد حضرت یحیی پیامبر (ع) افتادم که خدای سبحان در آیه سیزدهم سوره مریم قرآن فرموده است: «یا یحیی خذ الكتاب بقوة و آتیناه الحکم صبیّا» حکم، امر حکیم محکم و متین و رصین است که بر اساس استوار حق و حقیقت قرار گرفته است و ریشه دوانده و پایدار است «یس و القرآن الحکیم» آسمان معرفت؛ ص ۳۸۳.

۲- طبقات اعلام الشیعه، ج ۲ ص ۱۳ و ۵۷.

دانشمند را در خود جای داده و به تربیت دانش پژوهان و دانشجویان پرداخته است.

سید ابوالحسن با راهنمایی پدر به تحصیل دانشهای رایج می پردازد. دانش پژوه آل رفیعی درصدد است تا با فراگیری آنها جامع علوم عقلی و نقلی شود. از این رو در مکتب درسی فقیهان، اصولیان، ریاضیدانان، حکیمان و عارفان حاضر می آید.

وی پس از تحصیل کتب ادبی و بلاغی در مدرسه صالحیه قزوین سطوح علمی و کتب فقهی و اصولی را نزد فرزندان قزوین، حاج ملا علی طارمی و آیه الله ملا علی اکبر تاکستانی آغاز نمود. (۱) لیکن تشنه معارف الهی بر آن است تا علوم عقلی را نیز بیاموزد.

حوزه علمیه تهران

حوزه علمیه تهران یکی از پربارترین حوزه های فلسفی جهان اسلام است و سابقه درخشانی دارد. سید ابوالحسن قزوینی در سال ۱۳۳۳ هجری قمری به مجلس درس آیه الله حاج شیخ عبدالنبی نوری راه می یابد و علوم عقلی و عرفانی را از او فرا می گیرد. البته وجود فرزندان دیگری چون؛ حاج میرزا مسیح طالقانی، آیه الله سید محمد تنکابنی و آیه الله شیخ محمد رضا نوری را هم مغتنم شمرده و دانش فقهی و اصولی خویش را تکمیل می کند.

دانشجوی حکمت و عرفان و ریاضیات در حوزه تهران حکیمان

۱- آئینه دانشوران، ص ۱۸۳ و رسائل فلسفی، ص ۶.

دیگری را می یابد و با حضور در مکتب حکیم متأله میرزا حسن کرمانشاهی، حاج فاضل تهرانی شمیرانی، میرزا محمود رضوان قمی، حکیم محمد هیدجی زنجانی، حاج شیخ محمد رضا مسجدشاهی اصفهانی و آقای میرزا هاشم اشکوری در فلسفه و عرفان بهره های فراوان می برد و علوم ریاضی را از میرزا ابراهیم زنجانی و شیخ علی رشتی می آموزد. (۱)

آیه الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی در طی آموزش علوم عقلی در حوزه علمیه تهران، در مدرسه صدر ساکن و پس از فراغت از تحصیل به قزوین باز می گردد و مدت یک سال در زادگاه خود توقف می کند.

معظم له پس از بازگشت به حوزه تهران در مدرسه عبدالله خان به تدریس کتب فقهی و اصولی چون شرح لمعه و قوانین می پردازد و از تدریس کتب فلسفی غفلت نمی ورزد و شرح منظومه حکیم سبزواری و اشارات شیخ الرئیس ابو علی سینا را تدریس می کند. حوزه درسی وی چنان شهرت می یابد که شاگردان مدارس دیگر نیز در درس آیه الله رفیعی حاضر می شوند. (۲)

۱- استاد سید جلال الدین آشتیانی در خصوص اساتید آیه الله رفیعی گوید: ایشان «سفر نفس اسفار» و «الهیات شفا» را نزد آقا میرزا حسن کرمانشاهی آموخته بود و «منظومه» را نزد حاج فاضل تهرانی و «مقدمه قیصری» و قسمتی از «فص آدمی» را نزد آقا میرزا محمود قمی فرا گرفته بود. احاطه او بر آثار ملاصدرا ظاهر و بارز بود کتاب اسفار و حواشی ملاصدرا و مفاتیح الغیب و حواشی ملاصدرا بر حکمت الاشراق را در حافظه داشت و خداوند گویا او را برای تدریس اسفار خلق کرده بود کیهان فرهنگی؛ سال دوم، شهریور ۱۳۶۴ ش ۶ ص ۱۷.

۲- رسائل فلسفی؛ ص ۶ و ۷.

هجرت به قم

در سال ۱۳۴۰ هجری قمری، حضرت آیه الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم آمد و حوزه قم را رونق دوباره بخشید. آیه الله رفیعی با هجرت به قم قصد دارد تا هم دانش فقهی و اصولی خویش را در مکتب آیه الله حائری به کمال رساند و هم علوم عقلی را در حوزه علمیه قم رواج دهد. لذا به دارالعلم قم هجرت می کند و به تدریس کفایه الاصول، رسائل، مکاسب شیخ انصاری، اسفار اربعه و شرح منظومه می پردازد و در محضر فقیه و

اصولی فرهیخته آیه الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آیه الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی حاضر می گردد.

آن جناب مورد عنایت مؤسس حوزه علمیه قم قرار می گیرد و به امر ایشان در ماه رمضان ۱۳۴۴ هجری قمری در مسجد بالاسر بر کرسی تدریس می نشیند و همزمان با تدریس، به تحریر تعلیقاتی بر شرح منظومه و رسائل همت می گمارد.

آیه الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی در سال ۱۳۴۸ هجری قمری با اجازه صریح مراجع تقلید به مقام اجتهاد نایل می آید. علاوه بر آیه الله العظمی حائری یزدی در قم، آیه الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی از نجف اشرف و آیه الله شیخ محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی هم به ایشان اجازه اجتهاد و نقل روایت می دهند. (۱)

زیارت خانه خدا

علامه رفیعی قزوینی پس از اخذ درجه اجتهاد در سال ۱۳۴۸ هجری قمری، در همان سال به زیارت خانه خدا می شتابد تا شکر گزار نعمت حق باشد. او، تاریخ سفر حج را بر پشت جلد کتاب منظومه سبزواری (ره) چنین یادداشت کرده است:

« یوم حرکت عصر از قزوین به عزم زیارت مکه معظمه زاده‌ها الله شرفا یکشنبه بیست و یکم شهر شوال هزار و سیصد و چهل و هشت ۱۳۴۸ هجری، دوم برج حمل ۱۳۰۹ شمسی. مراجعت از مکه معظمه و ورود به قزوین، عصر یوم سه شنبه دهم شهر صفر من شهور ۱۳۴۹ تقریباً چهار ماه طول مسافرت بوده است...»^(۱)

ایشان پس از مراجعت از قم و زیارت خانه خدا در قزوین اقامت می‌گزینند.

مجتهد قزوین

آیه الله رفیعی با اخذ درجه اجتهاد به حوزه علمیه قزوین بازگشته و با تدریس متون فقهی و حکمی و سطوح عالی فقه و اصول به عنوان مجتهد قزوین، مرجع خاص و عام در عقد و حلّ امور و علوم و معارف الهی شناخته می شود و در مسجد سلطانی قزوین به اقامه نماز جماعت پرداخت و بر فعالیت اجتماعی مردم نظارت می کند.

در ایام اقامت سی و دو ساله اش در قزوین، گروهی از طلاب علوم عقلی و پژوهندگان حکمت به قزوین مهاجرت کرده و از مکتب فلسفی وی بهره می برند، تا اینکه در سال ۱۳۸۰ قمری حکیم متألّه به قم رفته و با برپایی حوزه درسی در علوم فقه، اصول و فلسفه به رونق حوزه قم می افزایند؛ لیکن این اقامت بیشتر از دو ماه به طول نمی انجامد و در مراجعت به قزوین با اصرار مشتاقان معارف، در حوزه تهران به تدریس می پردازد.

شاگردان حکیم

آیه الله رفیعی قزوینی، ترجمان حکمت و علوم الهی است و چون نسیم سحرگاهان اهل معرفت را به وادی عرفان هدایت می کند و با معارف حقه الهی و لطایف قرآنی آشنا می سازد، او چون دریایی پر جنب و جوش در حرکت از شهری به شهری و تدریس در حوزه های گوناگون است از این شاگردان مکتب آیه الله رفیعی در حوزه های قزوین، قم و تهران پراکنده اند، از آن جمله:

امام خمینی (ره) حسن زاده آملی، محی الدین انواری، سید رضی شیرازی، شاهچراغی، مصطفی امام جمعه ای، حکیم ذهبی شیرازی، مهدوی کنی، میرزا عبدالحسین ابن الدین، سید مهدی کشفی، شیخ شعبان لنگرودی، سید جلال الدین آشتیانی، سید محمد یزدی، سید مصطفی خوانساری، شیخ محمد ابن الشیخ قمی، سید مرتضی مبرقعی، علاء الدین کرمانشاهی، سید احمد قمی، حاج میرزا محمد ثقفی تهرانی، میرزا حسین نوری، سید محمد رضایی، محمدرضا ربانی تربتی، شیخ محمد حسین اویسی، میرزا ابوالقاسم خرمشاهی، مهدی باقری کنی، دکتر غلامحسین دینانی، امامی کاشانی، شیخ محمد تقی شریعتمداری، نجم الدین اعتمادزاده، نظام الدین قمشه ای، دکتر سید حسین نصر، سید محمد مهدی تقوی، شیخ هادی سلمانی، غلامرضا رضانژاد، سید محسن رفیعی (فرزند آیهالله رفیعی)، ذوالمجد طباطبایی، حاج احمد سیاح، سید ابوتراب ابوترابی قزوینی.

سجایای اخلاقی و اسلوب تدریس

شاگردان حکیم الهی حضرت آیهالله رفیعی قزوینی که سالها با وی معاشرت داشتند، او را در عین کمال و فضیلت به فروتنی و بزرگداشت اهل علم یاد می کنند.

آیهالله حسن زاده آملی که با رشادات آیهالله شعرانی، در درس آیهالله رفیعی حاضر می شود، می فرماید:

« ... در جلسه درس آن جناب شرکت کردم، دو درس می فرمود یکی معقول که کتاب اسفار بود و دیگری درس خارج فقه. چون شروع به تقریر درس فرمود،

گویی دریای متلاطم و بحر زخاری به حرف آمد. در اثنای تقریر چه کلیدها و مفاتیح علمی که امهات معارف اصیل انسانی و قرآنی اند از بیانات و ارشادات او استفاده می کردیم، و همچنین از دقت و باریک بینی و نازک بینی ایشان در مسائل فقهی.

در این اندیشه افتادم که این بزرگمرد چرا قبلا در قزوین بسر می برده - « نهنگ آن به که با دریا ستیزد» - باید در آنجا چه شاگردانی داشته باشد و چه کسانی را تربیت کرده باشد که از این شخصیت جهانی بهره ها برده اند.

جلسه درس آن روز به پایان رسید و به مدرسه مروی برگشتیم و درسها را نوشتیم و یادداشت کردیم. روز بعد که به محضر استاد علامه شعرانی رسیدیم، پرسیدند: به درس آقای قزوینی شرکت کردید؟ عرض کردم در کنار دریای دیگری نشسته ام. فرمودند: آن محضر را مغتنم بدار.

هفته ای به سر نیامد که بعد از درس به من (آیهالله رفیعی) اشاره فرمود: شما باشید، آقایان همدرس رفتند و بنده برخاستم به نزدیکش آمدم و خم شدم و زانویش را بوسیدم و گفتم آقا جان امری دارید؟

فرمود: خواستم از شما حال بیرسم و از درسها و اساتید شما با خبر باشم...

هفته دوم آمد و یک دو روزی بگذشت و باز بعد از درس به من اشاره کرد که شما باشید، من نشستم و رفقا رفتند. فرمود: شما اظهار داشتید که شرح قیصری بر فصوص الحکم را محضر آقای فاضل تونی درس خوانده اید، گفتم آری، فرمود: مصباح الانس را درس خوانده اید؟ گفتم: خیر. فرمود: حاضر هستید که مصباح الانس را با هم - مشروط به اینکه دو به دو من و شما باشیم، مباحثه کنیم؟ دو زانویش را بوسیدم و اشک شوق در چشمم حلقه زد و عرض کردم:

من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم *** لطفها می کنی ای خاک درت، تاج سرم

خود آن جناب مصباح الانس را در محضر آقامیرزا هاشم اشکوری که محشی مصباح الانس است تلمذ کرده بود... ببینید آیهالله رفیعی (رفع الله درجاته) از تعلیم و تعلم و مقام معلم چه خبرها دارد که با طلبه ای از آمل برای تحصیل علم به تهران آمده و هیچ آشنایی و خویشاوندی با او ندارد، اینگونه رفتار می کند، این اولیای الهی چه دیده اند و چه چشیده اند؟» (۱)

آیه الله حسن زاده آملی در ادامه سخن می فرماید:

« حضرت آیهالله رفیعی کسی بوده است که پیش از ما مرحوم امام خمینی (ره) در محضر انورش زانو زده است و معارف اندوخته است. یک روز در درس مصباح الانس به مناسبتی سخن از آن جناب به میان آورد و فرمود: آقای خمینی خیلی باهوش بود.»

باری حضرت آیهالله رفیعی نابغه ای جامع معقول و منقول بود و حقیقت امر در وصف و تعریفش چنان است که عارف رومی گفته است:

در نیابد حال پخته هیچ خام *** پس سخن کوتاه باید والسلام (۲)

آقای غلامحسین رضانژاد می نویسد:

« در این اواخر که علی الاصول استاد بی همتای حکمت اسلامی، به تدریس فقه و اصول اشتغال داشت، در حوزه درس وی در مسجد جامع تهران، یکی از پربرکت ترین و بارآورترین حوزه های علمی در شمار می آمد.

۱- آسمان معرفت؛ ص ۲۸۹ - ۲۸۷.

۲- آسمان معرفت؛ ص ۲۹۱.

این بی بضاعت، چون ابتهاج ایشان را در تدریس فقه و پاسخ به پرسشهای فقهی می دانستم با چند سؤال فقهی، یکی از مباحث حکمی را می آمیختم تا از پاسخ دادن بدان سؤال فلسفی طفر نروند، و هرگاه ایراد به نظر می رسید و آن را بیان می کردم، با جمله «چقدر فطن!» مرا در پرسش و تعلم تشویق و تفقد می کرد.

از بر عکس ظواهرش از بهجت علمی خاصی برخوردار بود و قدر علوم الهی را خیلی خوب می دانست و از تعلیم آن به نااهل برحسب وصیت بوعلی سینا و تکرار خواجه طوسی، خودداری می کرد و آن را به هر کسی تعلیم نمی داد.

به خاطر دارم، آنگاه که در بیماری سخته مغزی که او را تقریباً زمین گیر کرده بود، احوال ایشان را پرسیدم، با دو کلمه «فی الجملة بد نیستم» پاسخ گفت و من قصیده ای که در تجلیل و بزرگداشت او سروده بودم، برایش قرائت کردم، وقتی بدین ابیات رسیدم:

سلمان روزگارا، پرهیزت *** بخشید روح، قالب تقوا را

بنشین یکی به مسند و فتوا ده *** کامروز نیست، غیر تو فتوا را

به بنده فرمودند: «چرا هست، دیگران هم هستند» و سپس اضافه نمود: «من شصت و پنج سال عمر خود را در فقه و اصول و حکمت و کلام و عرفان گذراندم، و امروز که به خود نگاه می کنم، می بینم که نه مرا فقیه و اصولی می توان گفت و نه حکیم و عارف» و یاللعجب از این همه فروتنی و خضوع. (۱)

این فروتنی موجب شد تا حکیم قزوینی در شبهای جمعه خطاب به عامه مردم و بازاریان سخن به موعظه گشاید و لطایف عرفانی و براهین عقلی را به زبانی ساده بیان دارد و آیات قرآنی و احادیث

معصومین را به مردم القاء نماید و رابطه قرآن و برهان و عرفان را در سلوک علمی خویش بنمایاند.

حکیم متأله

استاد علامه حضرت آیه‌الله رفیعی از افراد نادری است که علوم عقلی و نقلی اعم از فقه و اصول و فلسفه و حکمت را به خوبی فرا گرفته، مدارج عالی کمال را می‌پیماید. لذا وقتی کتاب نفیس حضرت آیه‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری چاپ می‌شود، آن فقیه بزرگ و حکیم متأله بر «دُرر الاصول» وی مقدمه ای وزین در و در خور می‌نگارد. لیکن او بیش از هر علمی با حکمت متعالیه مأنوس بود و به راستی وی را باید ترجمان حکمت متعالیه خواند.

ایشان در مورد کتاب «اسفار اربعه» صدرالمألهین می‌فرمود:

«این کتاب اسفار (حکمت متعالی) به لحاظ حجمش، لفظش، متنش، یک جایش، قضائیش، حکمت متعالیه است و به لحاظ تفسیرش، شرحش، بسطش، اسفار است، چنانکه لفظ اسفار هم مؤید این گفتار است» (۱).

علامه رفیعی بر این باور بود که عرفان و قرآن و حدیث و حکمت از یکدیگر جدایی ندارند و اگر کتب حکمی و عرفانی به دست انسان زبان فهم بیفتد، آن را تفسیر انفسی قرآن مجید می‌بیند. (۲) لذا وقتی شاگردان فرزانه مکتب فلسفی و عرفانی خویش را می‌بیند که به سبب علاقه به علوم ریاضی به استخراج تقویم همت گمارده، می‌فرماید:

۱- آسمان معرفت؛ ص ۶۱.

۲- آسمان معرفت؛ ص ۵۶.

« از این که رشته های ریاضی را تحصیل کرده اید بسیار کار خوبی کرده اید، و لکن شما در علوم دیگر هم زحمت کشیده اید و این عمل شما سبب می شود که در عرف عام به سمت یک منجم شناخته شوید و همه کمالات دیگر شما نادیده گرفته شوند». (۱)

او همانند بنیانگذار این مکتب فلسفی صدرالمتألهین شیرازی سیر علمی را با سلوک عملی هماهنگ ساخته بود. چنانکه بر پشت جلد دوم اسفار طبع قدیم خود، تحت عنوان فائده علویه، اشاره می کند که در مبحث، لذت کتاب اسفار، و تعریف آن که آیا « لذت عین ادراک ملایم است یا امر دیگر بر آن مترتب است؟» اشکال کردم و نفس خویش را مضطرب یافتم آنگاه به سوی امام و مولایم سید الحکما الراسخین، امیرالاولیاء الموحدین امیرالمؤمنین (ع) توجه تام کردم که با افاضه ربانی به درستی کلام صدرالمتألهین یقین پیدا کردم. (۲)

آیه الله رفیعی به موجز نویسی شهره است. با این حال ایجاز به اتقان بحث لطمه ای وارد نمی سازد. وی در مسائل کلامی، فلسفی و اثبات عقاید شیعه و معارف اهل بیت (ع) آثاری را از خود به ارث نهاده که مورد توجه اهل معرفت است.

این رسائل و حواشی عبارتند از:

- ۱ - شرح دعای سحر ۲ - رساله معراج ۳ - رساله اسفار اربعه ۴ - رساله در بیان قوه مولده ۵ - رجعت ۶ - تخلیه و تجلیه و تخلیه ۷ - حرکت جوهریه ۸ - اتحاد عاقل و معقول (فارسی) ۹ - اتحاد عاقل

۱- آسمان معرفت؛ ص ۳۹۸.

۲- رسائل فلسفی، ص ۱۹.

و معقول (عربی) ۱۰ - رساله در وحدت وجود ۱۱ - رساله در حقیقت عقل ۱۲ - رساله در شب قدر ۱۳ - سخن در معاد ۱۴ - مقاله در وجود ۱۵ - تفسیری در دو آیه از سوره یونس ۱۶ - مقاله در تشریح اجزاء حملیه و اجزاء حدیه ۱۷ - مقاله در قضایای ضروریّه ازلیه ۱۸ - رساله در حدوث دهری ۱۹ - مقاله در اراده و مشیت ۲۰ - مقاله در مسح رأس و وضوء ۲۱ - مقاله در شرح زندگی ملاصدرا ۲۲ - بحث شریف معاد ۲۳ - حاشیه بر شرح منظومه حکیم

سبزواری ۲۴ - حواشی بر اسرار الحکم سبزواری ۲۵ - حواشی بر شرح الاسماء الحسنی، سبزواری ۲۶ - حواشی بر کتاب اسفار الاربعه صدرالمتألهین شیرازی ۲۷ - حواشی بر مشاعر ۲۸ - حواشی بر عرشیه ملاصدرا ۲۹ - حواشی بر تعلیقات ملاصدرا بر کتاب شفای بوعلی سینا ۳۰ - حواشی بر شرح اصول کافی ملاصدرا ۳۱ - حواشی بر مفاتیح الغیب ملاصدرا ۳۲ - حواشی بر کتاب شفای ابن سینا ۳۳ - حواشی بر کتاب شرح الاشارات و التنبیها ۳۴ - حواشی بر شوارق الالهام فیاض لاهیجی ۳۵ - حواشی بر گوهر مراد عبدالرزاق لاهیجی ۳۶ - حواشی بر قبسات میرداماد ۳۷ - حواشی بر شرح حکمهالاشراق قطب الدین شیرازی ۳۸ - حواشی بر مقدمه

فصوص الحکم قیصری ۳۹ - تعلیقات بر الشواهد الربوبیه صدر المتألهین ۴۰ - تعلیقات بر اسرارالآیات صدرالمتألهین ۴۱ - حواشی بر شرح مطالع در منطق ۴۲ - حواشی بر شرح تجرید قوشچی در کلام ۴۳ - تعلیقات بر مصباح الانس ابن فناری در عرفان ۴۴ - کتابی در حول عقاید امامیه در ردّ «جَبّانی» از نویسندگان کویت ۴۵ - تقریرات درسی

معظم له در فقه استدلالی نیز تألیفاتی داشته اند که عبارتند از:

- ۱- کتاب صلوه ۲- کتاب خمس ۳- کتاب حج ۴- کتاب میراث ۵- کتاب نکاح ۶- کتاب طلاق ۷- کتاب مکاسب و بیع و تجارت ۸- در قاعده لا ضرر ۹- توضیح المسائل ۱۰- هدایه الانام ۱۱- حواشی بر عروه الوثقی ۱۲- رساله مناسک حج ۱۳- اسرار حج ۱۴- حواشی بر کفایه الاصول ۱۵- تعلیقات بر رسائل شیخ انصاری ۱۶- حاشیه بر وسیله النجاه آقا سید ابوالحسن اصفهانی. (۱)

وفات

علامه سید ابوالحسن رفیعی قزوینی پس از سالها مجاهدت، نیمه شب سه شنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۵۳ شمسی، برابر اول محرم ۱۳۹۵ قمری در سن ۸۵ سالگی در تهران به لقاء الله شتافت و در مسجد بالاسر آستان قدس فاطمی، کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد. (۲)

عبارت زیر بر روی سنگی تحریر و حک شده و بر دیوار روبروی قبر آن حکیم نصب گردیده است:

۱- در آسمان معرفت؛ ص ۲۸۴ - ۲۸۲ و رسائل فلسفی، ص ۲۵ و ۲۶.

۲- معظم له چهارده فرزند دارند؛ اولاد ذکور آنها عبارتند از: ۱- شهاب الدین ۲- ضیاءالدین ۳- محسن ۴- حسن ۵- کاظم ۶- رضا ۷- عبدالله ۸- مهدی ۹- مصطفی ۱۰- صادق جناب آقای محسن رفیعی قزوینی روحانی و مدرس سطوح عالی فقهی است «رسائل فلسفی» ص ۶۳.

«قد لُبِّي رَبِّهِ الْجَلِيلِ، سَيِّدِ الْعُلَمَاءِ الْمُجْتَهِدِينَ، جَامِعِ الْمَعْقُولِ وَالْمُنْقُولِ اسْتِادِ الْفُقَهَاءِ وَالْمُحَقِّقِينَ وَالْحُكَمَاءَ الْمُتَأَلِّهِينَ، مَرْجِعِ الْعَوَامِ وَالْخَوَاصِّ، عَلَّامِهِ الزَّمَانِ، آيَهَائِهِ الْعَظْمَى الْحَاجِّ سَيِّدِ ابِوَالْحَسَنِ الْحُسَيْنِيِّ، الْمَشْتَهَرَ بِالرَّفِيعِيِّ الْقَزْوِينِيِّ - اَعْلَى اللَّهِ مَقَامَهُ الشَّرِيفِ - فِي عَاصِمَةِ تَهْرَانَ، عَزَّهٗ مَحْرَمِ الْحَرَامِ فِي سَنَةِ ۱۳۹۶ (۱) مِنْ الْهَجْرَةِ النَّبَوِيَّةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» .

آخرین سفارش

آن جناب پس از ارتحال با چهره ای نورانی و مسرور از لذات معنوی به خواب برخی از شاگردانش آمده و اهتمام به قرآن کریم و نماز اول وقت را سفارش کرده است.

...

۱- سال وفات که روی سنگ قبر حک شده اشتباه است .

میرزا علی اکبر مدرس یزدی (حکیم الهی) / احمد محیطی اردکانی

اشاره

استاد و فیلسوف بزرگ، مرحوم آیه الله ابو محمد، میرزا علی اکبر مدرس، متخلص به «تجلی» و معروف به «حکیم الهی»، فرزند حاج میرزا ابوالحسن تاجر اردکانی است که پدرش از اردکان به یزد مهاجرت نمود و او در حدود سال ۱۲۶۴هـ ق (۱) در شهر یزد متولد گردید.

تحصیلات مقدماتی، چون فارسی، صرف و نحو عربی و فقه را نزد استادان یزد فرا گرفت، سپس راهی شهر اصفهان شد در آن زمان اصفهان دارالعلم بود، و مدرس یزدی مدت چهار سال در آن شهر به تحصیل و تدریس پرداخت و در علوم مختلف چون فقه و اصول، فلسفه و عرفان، کلام و ریاضیات سرآمد عصر خویش گردید.

یکی از شاگردانش از وی چنین نقل کرده است:

« مدت چهار سال در اصفهان به تحصیل اشتغال داشتم که جز مدرسه و راه حمام، جای دیگر را در اصفهان بلد نبودم.»

۱- آنگونه که خواهد آمد، سال وفات وی را ۱۳۴۴هـ ق و سن شریف او را ۸۰ سال ذکر نموده اند، پس سال تولد وی حدود سال ۱۲۶۴هـ ق خواهد بود رک: رسائل حکیمه میرزا علی اکبر مدرس یزدی، ص ۱۸.

این مطلب می‌رساند، علاقه ایشان به تحصیل علم چنان بوده است که حتی اجازه گردش و دیدن شهر اصفهان را در مدت چهل سال به خود نمی‌داد. (۱) پس از خاتمه دوران تحصیل در اصفهان، به تهران عزیمت نمود و در مدرسه شیخ عبدالحسین اقامت گزید.

نظر به اینکه خواهرش ساکن قم بود و با وساطت وی از قم همسر اختیار نموده بود، در سال ۱۳۲۷ هـ ق به قم مهاجرت نمود و قبل از ورود حضرت آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم، در مدرسه خان «آیه الله بروجردی» حوزه درس وسیعی را تشکیل داد.

رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی قدس سره در این باره چنین فرمودند:

«ما که آمدیم قم، مرحوم آقا میرزا علی اکبر حکیم - خدا رحمتش کند - در قم بودند، وقتی که حوزه علمیه قم تأسیس شد علما می‌رفتند آنجا در محضر آقای میرزا علی اکبر حکیم درس می‌خواندند. مرحوم آقای خوانساری، مرحوم آقای اشراقی و مرحوم آیه الله العظمی حاج سید احمد خوانساری می‌رفتند پیش آقای میرزا علی اکبر درس می‌خواندند». (۲)

آیه الله حاج میرزا خلیل کمره ای یکی از شاگردان وی - درباره

۱- رسائل حکمیه، ص ۱۱ توضیح آنکه وی گرچه در ایام طولانی تحصیل برای تمرکز بیشتر در به آموزشی علوم حتی اجازه گردش در اصفهان به خود نمی‌دهد، لکن پس از آن برای اتمام رسالتش به تهران و قم مسافرت می‌نماید و بر کرسی تدریس نشسته، شاگردان زیادی تربیت می‌کند.

۲- تفسیر امام خمینی (ره) از سوره حمد و قسمتی از سوره علق، ۱ - ۵ حزب جمهوری اسلامی، ص ۹۷.

تدریس استادش در قم می گوید:

« درس استاد فیلسوف بزرگ آقای میرزا علی اکبر مدرس یزدی در مدرسه خان واقع در میدان آستانه بود و طلاب دور ایشان را گرفته بودند و حتی میرزا هدایت گلپایگانی که مرد موقری بود به آنجا می آمد...»

شنیدم بعضی دیگر مانند آیه الله حاج میرزا سید علی یربلی و آیه الله کبیر قمی هم بطور خصوصی در درس استاد شرکت می کردند». (۱)

استادان

اشاره

آن حکیم الهی در ایام تحصیل در اصفهان و تهران از محضر استادان بزرگواری که بسیاری از آنها به حق از اعظام و حکما و اساطین عرفا بودند، کسب فیض نموده و قلب تشنه معارفش را، لبریز از آب حیات حکمت و معرفت نمود، اسامی برخی از آن فرزندگان از این قرار است:

۱- آقا محمد رضا حکیم قمشه ای

وی مردی به تمام معنا وارسته و عارف مشرب بود، با خلوت و تنهایی مأنوس بود و از جمع تا حدودی (۲) گریزان.

در جوانی ثروتمند بود، در خشکسالی ۱۲۸۸ه ق تمام آنچه مالک بود از منقول و غیر منقول خود را صرف نیازمندان کرد و تا پایان عمر درویشانه زیست.

حکیم قمشه ای هرگز جامه روستایی را از تن دور نکرد و درزی و

۱- رسائل حکمیه، ص ۱۴ و ۱۶ ماهنامه سیمای اردکان، ش ۲۹ ص ۳.

۲- خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مطهری، چ ۱۳۷۲ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۵۴۳ - ۵۴۲.

جامه علما در نیامد. مرحوم جهانگیرخان قشقایی که سالها شاگرد او بوده است نقل کرده که به شوق استفاده از محضر حکیم قمشه ای به تهران رفتم. همان شب اول خود را به محضر او رساندم وضع لباسهای او علمایی نبود به کرباس فروشهای سده می مانست.

حکیم قمشه ای از ذوق شعری عالی برخوردار بود و به « صهبا » تخلص می کرد. (۱)

او کتب حکمت و مصنفات عرفا خصوصاً کتب محیی الدین عربی و شروح آن را تدریس می نمود و شاگردان بسیاری تربیت کرد.

از تالیفات اوست:

۱- الاسفار الاربعه و تحقیقها. رساله ای است بسیار مختصر که در حاشیه شرح هدایه ملاصدرا (ره) در تهران چاپ سنگی شده است.

۲- حاشیه اسفار ملاصدرا.

۳- حاشیه تمهید القواعد ابن ترکه.

۴- حاشیه شرح قیصری بر فصوص الحکم.

۵- الخلافه الکبری.

۶- رساله ای در وحدت وجود.

۷- موضوع العلم. (۲)

حکیم قمشه ای در سال ۱۳۰۶ در کنج حجره مدرسه، در تنهایی و

۱- ریحانها لادب، محمد علی مدرس تبریزی، ج ۴ ص ۴۹۷ تاریخ حکما و عرفا متأخر بر صدر المتألهین، منوچهر صدوقی، سنها، ص ۴۵.

۲- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۴۳.

خلوت و سکوتی عارفانه از دنیا رفت و در جوار ابن بابویه (شیخ صدوق) نزدیک قبر حاج آخوند محلاتی در شهر ری دفن شد. او آنچنان مرد که زیست و آن چنان زیست که خود در بیتی از یک غزل سروده و آرزو کرده بود:

همه آفاق بگشتم چو تو در عالم نیست *** یا اگر هست، به حسن تو بنی آدم نیست

شاید از زیر نگین، ملک سلیمان آری *** حسن هر جا که زند خیمه کم از خاتم نیست

فکری ای شیخ به روز سیه خود میکن *** که تو را دست در آن زلف خم اندر خم نیست

کاخ زرین به شهان خوش که من دیوانه *** گوشه ای خواهم و ویرانه به عالم کم نیست

۲- جهانگیر خان قشقای

وی در بزرگی عشق تحصیل پیدا کرده و دنبال علم را گرفت تا آنجا که استاد مسلم فلسفه در اصفهان گردید. آن مرحوم علاوه بر مقام علمی و فلسفی، در متانت و وقار و انضباط اخلاقی و تقوا نمونه بود. تا آخر عمر در همان لباس عادی اولی خود باقی بود و فوق العاده مورد ارادت شاگردان و آشنایان بوده است. (۱)

« جهانگیرخان در اثر شخصیت بارز علمی و تسلیم مقام قدس و تقوا و نزاهت اخلاقی و حسن تدبیر حکیمانه که همه در وجود او مجتمع

بود تحصیل فلسفه را که ما بین علما و طلاب قدیم سخت موهون و با کفر و الحاد مقرون بود از آن بدنامی به کلی نجات داد...

وی معمولاً یکی دو ساعت از آفتاب برآمده در مسجد جارچی، سه درس پشت سر هم می گفت که درس اولش شرح لمعه « تألیف شهید ثانی در فقه) و بعد از آن شرح منظومه حکمت و سپس درس اخلاق بود و بدین ترتیب فلسفه را در حشو جوزقند و لوزینه فقه و اخلاق به خورد طلاب می داد». (۱)

وی در سال ۱۲۳۴ه ق در دهقان اصفهان متولد شد و در سال ۱۳۲۸ه ق در اصفهان در گذشت و قبرش در تخته فولاد اصفهان معروف است. (۲)

۳- آیه الله آقا علی زنوزی

آیه الله آقا علی زنوزی (۳)

معروف به آقا علی حکیم و آقا علی مدرس. وی فرزند ملا عبدالله و از اساتید کم نظیر قرن اخیر است.

او در سال ۱۲۳۴ه ق در اصفهان متولد شد و از محضر پدر بزرگوارش علوم منقول و معقول را فرا گرفت، و برای تکمیل دروس فقه و حکمت به عتبات عالیات و قزوین مسافرت نمود و از محضر اساتید بزرگوارش چون آیه الله میرزا حسن نوری، فرزند ملا علی نوری در

۱- تاریخ حکما و عرفا متأخر بر صدر المتألهین، ص ۸۵ به نقل از استاد جلال الدین سنا، در مقدمه دیوان طرب، ص ۷۰.

۲- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۴۶.

۳- زنوزی، منتسب به زنوز، از روستاهای حومه تبریز است در ۱۸ کیلومتری شمال مزند می باشد .

اصفهان و ملا آقای قزوینی، در قزوین بهره مند گردید. سپس به تهران رفت و سالها در مدرسه سپهسالار قدیم مدرس رسمی گردید. (۱) و غالب کتب کلام و حکمت در ریاضیات را استادانه تدریس می کرد.

آن حکیم فرزانه علاوه بر مراتب علمی، در صفای باطن و تهذیب اخلاق نیز ممتاز بود.

از تألیفات وی است:

۱- بدایع الحکم، ۲- حاشیه اسفار ملاصدرا، ۳- رساله ای در اینکه منطلق از علوم حکیمه است، ۴- سیل الرشاد، فی الاحوال المعاد، ۵- النفس کل القوی، ۶- وجود رابطی.

وی در شب شنبه ۱۷ ذی القعدة الحرام سال ۱۳۰۷ در تهران از دنیا رفت و در جوار عبدالعزیم حسنی مدفون گردید. (۲)

۴- آیه الله آقا میرزا ابوالحسن جلوه

وی فرزند سید محمد طباطبایی اصفهانی زواره ای، یکی از مشاهیر فلاسفه اسلامی و از احفاد سید الحکماء و المتألهین میرزا رفیع الدین نائینی، استاد علامه مجلسی است.

او در ذی القعدة ۱۲۳۸ در احمد آباد گجرات هند متولد گردید و در هفت سالگی همراه پدر بزرگوارش به اصفهان آمد و در آنجا به تحصیل پرداخت و از محضر آیه الله میرزا حسن نوری و میرزا حسن چینی بهره مند گردید. سپس عازم تهران گردید و بیشتر اوقات خود را

۱- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۴۲ - ۵۴۱ و تاریخ حکما و عرفا، ص ۱۵۶ - ۱۵۵.

۲- همان و ریحانه الادب، محمد علی مدرس، ج ۲ ص ۳۹۲.

در علم معقول صرف نمود.

چهل و یک سال در مدرسه دارالشفاء تهران به تدریس فنون حکمتیه به ویژه کتابهای شیخ ابو علی سینا و ملاًصدرا پرداخت.

وی با حکیم قمشه ای و آقای علی مدرّس، سه مدرّس نامداری بودند که حوزه تهران در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم بر محور وجود آنها می گردید.

وفات آن حکیم فرزانه در شب جمعه ۶ ذی القعدة، ۱۳۱۴ در تهران اتفاق افتاد و با احترام زیاد در جوار شیخ صدوق محمد بن بابویه قمی مدفون گردید. (۱)

تألیفات

۱- حواشی بر «مشاعر» (تألیف صدر المتألهین در علم عرفان)

۲- رساله در ربط حادث به قدیم

۳- حواشی بر «شرح الهدایه» (تألیف صدر المتألهین که شرحی بر کتاب الهدایه حکیم اثیرالدین مفضل ابهری از فضلالی قرن هفتم هجری می باشد).

۴- رساله در حرکت جوهریه.

۵- حواشی بر مبدأ و معاد (تألیف صدر المتألهین).

۶- حواشی بر شفا (کتاب فلسفی است در علم منطق، الهیات

۱- به کتاب میرزا ابوالحسن جلوه، حکیم فروتن، غلامرضا گلی زواره از مجموعه دیدار با ابرار رجوع کنید .

طبیعیات، تألیف ابن سینا)

- ۷- حواشی بر اسفار (از مهمترین کتب فلسفی شیعه، تألیف صدر المتألهین که در آن شرح چهار سفر روحانی آمده است) .
- ۸- حواشی بر شرح ملخص چغمینی « المخلص » ، تألیف محمود بن محمد بن عمر، از اکابر علمای قرن نهم هجری، در علم هیئت است و شرح معروف آن از فاضل رومی است که از کتب درسی معمول بوده است و چغمین نام یکی از قریه های خوارزم است» .
- ۹- رساله در ترکیب و احکام آن
- ۱۰- تصحیح مثنوی شریف
- ۱۱- تعلیقات بر مقدمه قیصری (۱) تألیف داود بن محمود بن محمد قیصری، رومی الاصل (۲) نزیل مصر، عالم محقق از اکابر عرفای اواسط قرن هشتم هجری می باشد که در تمهید مقدمات تصوّف است.

شاگردان

- آیه الله میرزا علی اکبر مدرّس شاگردان زیادی تربیت نمود که بسیار از آنان استادان بزرگ درس حکمت در حوزه های علمیه بودند. نام بعضی از آنها بدین قرار است:
- ۱- آیه الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی.
- ۲- آیه الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی.

-
- ۱- ر ک، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۴۴ و تاریخ حکما و عرفا متأخر بر صدر المتألهین ص ۱۷۲ - ۱۵۹ و ریحانها الادب، ج ۱ ص ۴۲۰ - ۴۱۹.
- ۲- ر ک: ریحانه الادب، ج ۱ ص ۴۴۹ ج ۴ ص ۵۰۱.

۳- بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیه الله حاج آقا روح الله موسوی خمینی (ره).

۴- آیه الله حسن فرید گلپایگانی .

۵- آیه الله میر سید علی برقی .

۶- آیه الله آقا سید علی اکبر برقی .

۷- آقا سید کاظم عصّار تهرانی که ریاضیات قدیم را نزد وی فرا گرفته است.

۸- آیه الله حاج آقا حسین قمی طباطبایی.

۹- آیه الله آقا میرزا احمد آشتیانی.

۱۰- آیه الله شهاب الدین مرعشی نجفی (ره).

۱۱- آیه الله آقا میرزا محمد علی شاه آبادی.

۱۲- حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی، فرزند محمود واعظ، و جمعی دیگر از بزرگانی که نام بعضی از آنها در صفحات قبل آمده است، در محضر این حکیم الهی کسب فیض نمودند. (۱)

تألیفات

تألیفات آیه الله مَدْرَس یزدی، بیشتر در زمینه فلسفه است.

۱- رسائل حکمیّه» در سال ۱۳۶۵ه ق توسط وزارت ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

۱- رک: آینه دانشوران، ص ۲۱۱ - ۲۰۹ و ص ۷۱۸ رسائل حکمیّه، ص ۲۳ مجله نور علم، ص ۷۵ تا ۱۰۲.

۲- رساله عمادیه یا حکمت عمادیه.

وی بنا به خواهش شاهزاده بدیع الملک میرزا ملقب به عمادالدوله حکمران یزد، رساله ای به فارسی مشتمل بر مسائل مهم حکمت الهی نوشت که به رساله عمادیه (۱) یا حکمت عمادیه موسوم است.

نکته قابل ذکر اینکه، رساله مذکور شرحی ملخص از حکمت اشراق است که با بیان ساده نگارش یافته، این موضوع نمایانگر این است که مرحوم حکیم یزدی در حکمت اشراق نیز تبخّر داشته است.

دکتر موسوی بهبهانی این کتاب را از تقریرات دروس آن حکیم شمرده که توسط بدیع الملک به رشته تحریر در آمده است. (۲)

۳- حاشیه بر اسفار صدر المتألهین (ره).

۴- حاشیه بر فصوص الحکم محی الدین بن عربی.

۵- حاشیه بر قوانین مرحوم میرزای قمی.

بعضی از شاگردان وی نیز تقریرات درس استاد خود را به رشته تحریر در آورده به چاپ

رسانده اند که معروفترین آنها عبارت است از:

۱- شرح «الدره الفاخره، تالیف ملاعبدالرحمان جامی»

دکتر علی موسوی بهبهانی، استاد دانشگاه تهران در مقدمه آن چنین نگاه داشته است:

« شرح و ترجمه کتاب الدرہ الفاخره به قلم عمادالملک است ولی به واقع وی بیانات استاد خود یعنی فیلسوف متأخر حوزه علمیه قم، مرحوم آقای میرزا علی اکبر یزدی معروف به «حکیم» را تحریر کرده است... قدر مسلم آن است که

۱- آینه دانشوران، ص ۷۱۸.

۲- رسائل حکمیه، ص ۲۲.

وی از بزرگترین اساتید فلسفه اسلامی در قرن اخیر در حوزه علمیه قم بوده است.»

از مطالعه شرح الدرہ الفاخرہ جامعیت استاد در شعب علوم عقلی یعنی کلام و فلسفه و تصوّف روشن و آشکار می شود.

بدیع الملک میرزا، مقرر و نویسنده در مقدمه آن چنین آورده است:

«... این بنده محتاج به فضل ربّه الکریم را موجب اجری، و در عالم یادگار باشد تا در سنه ۱۳۰۷ هجری موفق شد که رساله موسومه به درّه الفاخره را که تألیف مولانا المحقق المدقّق

العارف الکامل، ملاعبدالرحمان جامی - علیه الرحمه - می باشد و جامع اصول مطالب و عمد مقاصد در این علم است، در خدمت جناب عمده الحکماء الالهیین و قدوه الفضلاء المتألهیین الوحید الموحّد و الفرید المتفوّد المدرّس فی المعقول و المنقول و الفروع و الاصول، آقای میرزا علی اکبر یزدی - دامت افاداته - استفاده نمود و شرح بر آن رساله مقوّر داشتند، و به ملاحظه صحّت استاد رسانیده و در خاتمه کتاب افاده مختصری در مسأله وجود از عبدالرحمان جامی قدس سره به نظر رسید و شرحی بر آن نوشته اضافه نمودند...» (۱)

۲- عماد الحکمه در شرح «المشاعر»، تالیف مرحوم صدر المتألهیین» .

این کتاب نیز از تقریر دروس آن حکیم الهی است که توسط بدیع الملک به رشته تحریر در آمده است. وی در مقدمه آن نوشته است: «این بنده کتاب المشاعر را در خدمت استاد جناب مستطاب عمده الحکماء و المتألهیین و زبده العلماء المتشرعیین، المحقق الکامل و العارف الواصل آقای آقا میرزا علی اکبر یزدی المدرّس - دامت افاداته - استفاده نمودم و بیانات معظم له را جمع و به رشته تحریر در آوردم و به نظر استاد رسانده و آن را کتابی نمود موسوم به عماد الحکمه» .

از این شرح نیز احاطه علمی و تبحر استاد در مشرب فلسفی ملاصدرا به خوبی استفاده می شود.

کتاب مشاعر با مقدمه به همراه ترجمه عمادالدوله که تقریر درس مرحوم آقا میرزا علی اکبر مدرّس یزدی است به سعی و اهتمام مستشرق ایران دوست، استاد دانشگاه سربین فرانسه، پرفسور هانری کرین، توسط انجمن ایران و فرانسه به زبان فرانسه به طبع رسیده است. (۲)

وی دارای خطی بسیار زیبا و ذوق شعر نیز بوده است. نمونه ای از اشعار وی چنین است:

ای دل افسرده تا کی در قفس مانی خموش *** در گلستان اندرآ، چون بلبلان با صد خروش

گر چه سرّ عشق نتوان فاش کردن در جهان *** می توان در پرده گفتن رازها با اهل هوش

پخته گردانید این دل‌های خام از تاب عشق *** کز فروزان آتش او سنگ می آید به جوش

جام می لبریز کن از می که ناگه بشنوی *** هاتف غیبی که می گوید گوارایت بنوش

۱- رسائل حکمیّه، ص ۲۰.

۲- رک: رسائل حکمیّه، مقدمه .

کی به کوشش وصل یابی گر نباشد لطف دوست *** لیک بشتاب اندر این ره تا توانی و بکوش

پس به چشم یار بینی این زمان اغیار را *** وز درون پرده بینی پرده دار پرده پوش

گر غریق بحر غیبی ای دریغا غم مخور *** کو رحیم است و کریم است و غفور و عیب پوش

گر می وحدت « تجلی » نوشی از دست حبیب *** تا ابد مدهوش مانی و نمی آیی به هوش (۱)

وفات

فیلسوف بزرگ حکیم عالیقدر سرانجام پس از ۸۰ سال عمر با برکت و تربیت شاگردانی ارزشمند در اواخر سال ۱۳۴۴ ق دار فانی را وداع گفت و در مزار شیخان قم در جوار زکریا بن آدم، مدفون گردید.

این عبارت روی سنگ قبر ایشان ثبت است:

« هذا مرقد شریف العالم النبیل الفاضل الجلیل و الفضیل جامع المعقول و المنقول حاوی الاصول و الفروع وحید العصر فرید الدهر العالم الربانی و البحر الصمدانی الحکیم الالهی استاد الكل فی الكل اعلم العلماء العالمین و افضل الفقهاء و المجتهدین آیه الله العظمی آقای میرزا علی اکبر مدرّس الیزدی طاب ثراه و جعل الجنّه مکانه و مثواه و حشره مع تولّاه بحق محمّد و آله، به

تاریخ ۱۳۴۴ من الهجره النبویه»

فرزند ارشد وی آقای محمود حکیمی یزدی در زمان وفات پدر طفل بود، سپس با کسب معلومات و دانش و آشنایی با زبانهای انگلیسی و فرانسه، و علاقه به علوم اسلامی، در صدد جمع آوری آثار پدر بزرگوارش بر آمد و سرانجام در تاریخ ۱۳۷۶ هـ ش وفات کرد و در مزار شیخان قم مدفون گردید. (۱)

...

۱- رک: مقدمه رسائل حکمیه .

سید محمد محقق داماد (الگوی اجتهاد) / احمد محیطی اردکانی

اشاره

مرحوم آیه الله حاج سید محمد محقق داماد به سال ۱۳۲۵ه.ق (۱) در خانواده ای روحانی - که به تقوا اشتهار داشتند - در احمد آباد اردکان به دنیا آمد.

آن مرحوم مانند جدّ خود پیامبر اکرم (ص) قبل از ولادت پدر را از دست داد و در شش سالگی مادرش از دنیا رفت.

پدر بزرگوارش روحانی مخلص به نام سید جعفر موسوی از علاقمندان واقعی خاندان پیامبر (ص) بود. او قبل از تولد فرزند به شوق زیارت عتبات عالیات با پای پیاده از وطن خود خارج شد و در همین سفر روح پاکش به ملکوت اعلی پیوست. (۲)

حاج سید محمد پس از تحصیل علوم مقدماتی در اردکان راهی

۱- در گنجینه دانشمندان، تألیف شیخ محمد رازی، ج ۱۴۲ تاریخ تولد را ۱۳۲۱هق ذکر کرده است اما در زیرنویس ص ۹۷ مجلد نور علم (ش مسلسل) ۱۷ آمده است: بنابر اظهارات یکی از نویسندگان آن مرحوم تاریخ تولد ایشان روشن نبوده و خود آن مرحوم با مقایسه به معاصرین خود بین سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ را حدس می زند.

۲- مجله نور علم، نشریه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ش مسلسل ۱۷ شهریور ۱۳۶۵ ص ۹۷.

شهر یزد شد و از محضر استادان بزرگ آن زمان در یزد کسب فیض نمود.

استادان وی در یزد

۱- حجه الاسلام حاج سید یحیی واعظ یزدی (متوفای ۱۳۶۲هـ.ق)

وی از وعاظ بزرگ در احمد آباد اردکان متولد گردید و در شهر یزد به تحصیل و تدریس پرداخت سپس به اصفهان رفت و از علمای اعلام، آقای سید مهدی درچه ای، شیخ اسدالله قمشه ای، میرزا جهانگیر خان قشقایی و آقا میرزا احمد مدرّس بهره مند گردید. (۱)

۲- سید حسین باغ گندمی

وی از شاگردان برجسته آیت الله العظمی حاج سید محمد کاظم طباطبایی یزدی بود که سالها در عتبات از محضر علما کسب فیض نمود و سپس به وطن خود یزد بازگشته به امر تدریس مشغول گردید. (۲)

۳- سید احمد مدرّس

وی از مدرّسین ماهر و معروف یزد بوده و حجه الاسلام ریحان یزدی نیز از شاگردان او محسوب می شود. (۳)

۴- آیه الله حاج شیخ غلامرضا فقیه یزدی (۱۳۷۸ - ۱۴۲۹هـ.ق)

۱- آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، با مقدمه و تعلیقات ناصر باقری بیدهندی، ص ۳۷۸ - ۳۷۹ گنجینه دانشمندان، ج ۷ ص ۴۶۲.

۲- آینه دانشوران، ص ۲۲۴ و ۲۲۵.

۳- آینه دانشوران، ص ۷۳۴.

وی فرزند حاج ابراهیم یزدی (کوچه پیکی) است که در سال ۱۳۰۹ ه.ق وارد حوزه علمیه مشهد گردید و بعد از تحصیل علوم ادبی و اندکی فقه و اصول و کلام همراه آقا سید حسن قوچانی معروف به آقا نجفی با پای پیاده و رنج فراوان از مشهد به یزد و سپس به اصفهان رفت. (۱)

وی پس از پنج سال اقامت در اصفهان و تحمل زحمت و تنگدستی زیاد در سال ۱۳۱۹ ه.ق عازم نجف شد و از محضر علمای بزرگواری چون حاج میرزا حسین فرزند حاج میرزا خلیل، و آیت الله آسید محمد کاظم یزدی، و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آشیخ هادی محقق تهرانی و آشیخ محمدباقر شیرازی اصطهباناتی بهره مند شد، و به وطن خود یزد مراجعت و در آنجا مقیم گردید.

او، علاوه بر تدریس در حوزه علمیه، اهتمام زیاد، به امر تبلیغ و ارشاد مردم داشت و چون سخنانش از دل بر می خواست ناچار بر دل می نشست.

نفوذ کلام و نیکویی اخلاقش زبانزد خاص و عام بود. بسیاری از اهالی یزد معتقدند که وی اهل کرامت بود.

آیه الله حاج شیخ غلامرضا از آیه الله حائری مؤسس حوزه علمیه قم و حاج میرزا سید علی مدرس لب خندقی اجازه اجتهاد داشت. با اینکه در آن زمان گاهی بیش از صد هزار تومان در سال از سهم

مبارک امام (ع) به دستش می رسید هیچ از آنها استفاده نمی کرد و از راه هدایای ناچیزی که مردم در پی تبلیغ و ارشاد به او می دادند، به زندگی ساده خویش ادامه می داد.

وی در روز جمعه ذیحجه (۱۱ تیر) ۱۳۳۸ در سن هشتاد و سه سالگی رحلت نمود و در مقبره ای کنار مزار امامزاده جعفر یزد به خاک سپرده شد. (۱)

مهاجرت به قم

مرحوم آقای داماد در سال ۱۳۴۱ ه. ق در سن ۱۶ سالگی درست یک سال پس از تأسی حوزه علمیه قم به دست مبارک آیهالله حائری یزدی، با راهنمایی استاد به قم مهاجرت نمود. (۲)

عنایت خاصی که مرحوم حاج شیخ غلامرضا، موقع بدرقه شاگردش مبذول داشت به اندازه ای جالب بود که نظیرش کمتر دیده شده است. آنگونه که استاد معظم حاج آقا موسی شبیری زنجانی دامهافاضاته نقل می فرمود: مرحوم آقای داماد وقتی کیفیت آمدن استادش به گاراژ برای بدرقه و کندن لباس و جوراب و پوشاندن آنها بر وی را متذکر می شد اشک در چشمانش حلقه می زد. (۳)

- ۱- النجوم المسرد فی الصرح الممرد، زیراکس از نسخه خطی، تألیف سید جواد مدرسی یزدی ص ۱۲۵.
- ۲- ماهنامه سیمای اردکان، ش ۲۷ ص ۳ و مجله درسهای از مکتب اسلام سال دهم شماره ۴ × ص ۲۲۵ تا ۲۲۶.
- ۳- مجله نور علم، ش ۱۷ ص ۹۷ تا ۹۸.

استادان وی در قم

آیه‌الله محقق، در قم نیز از محضر استاتید و آیات عظام کسب فیض نمود که نام تعدادی از آنها از این قرار است:

۱- آیه‌الله میر سید علی یثربی کاشانی (متوفای ۱۳۸۰ه.ق)

۲- آیه‌الله سید محمد تقی خوانساری (متوفای ۱۳۷۱)

۳- آیه‌الله میرزا محمد همدانی (متوفای ۱۳۶۵ه.ق)

۴- آیت الله سید ابولحسن رفیعی قزوینی

۵- آیه‌الله حاج سید محمد حجّت کوه کمری (متوفای ۱۳۷۲)

۶- آیه‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (متوفای ۱۳۵۵)

آیه‌الله مؤسس به این شاگرد عنایت خاص داشت و با داشتن چنین شاگردانی به آینده حوزه علمیه قم دلگرم و امیدوار بود.

همین عنایت استاد و موقعیت ممتاز علمی و تقوایی وی سبب شد که مرحوم آیه‌الله حائری وی را به دامادی خود بپذیرد و از آن روز به لقب داماد مشهور و معروف گردید. (۱)

۱- مجله نور علم، ش ۱۷ ص ۹۸ و ماهنامه سیمای اردکان، ص ۳ و مجله درس‌هایی از مکتب اسلام سال دهم شماره ۴ ص ۲۲۶.

تشکیل حوزه درسی

او پس از ارتحال استادش آیهالله حائری، رسماً تدریس در حوزه علمیه قم را شروع کرد و در مدت کوتاهی محضر درسش محل تجمع فضلالی بنام حوزه گردید.

وی به قدری به امر تدریس اهمیت می داد که در ایام تعطیل دروس حوزه نیز به تدریس و تربیت طلاب می پرداخت در محضر محقق داماد دانشوران بزرگی تربیت شدند که نام برخی از آنان را زینت بخش این مقاله می آوریم.

۱ - شهید حاج شیخ مرتضی مطهری

۲- شهید سید محمد حسین حسینی بهشتی

۳ - شهید حاج شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی

۴ - امام موسی صدر

۵ - شهید دکتر محمد مفتاح همدانی

۶ - شهید حاج شیخ علی قدوسی

۷ - شهید حاج آقا مصطفی خمینی فرزند رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران

۸ - حاج شیخ مرتضی حائری یزدی

۹ - حاج شیخ احمد پایانی

...

و تعداد کثیری از استادان بزرگوار حوزه علمیه که هم اکنون بر کرسی تدریس اندوخته های علمی و عملی خویش را در اختیار

شاگردان قرار می دهند و چون استاد خویش آیهالله محقق داماد به تعلیم و تربیت شاگردان مشغولند بعضی از آنها عبارتند از:

- ۱ - عبدالله جوادی آملی.
- ۲ - حاج آقا موسی زنجانی.
- ۳ - میرزا علی احمد میانجی.
- ۴ - رسید حسن طاهری.
- ۵ - حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی.
- ۶ - حاج شیخ حسین مظاهری اصفهانی.
- ۷ - حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی.
- ۸ - حاج سید علی محقق (فرزند آن مرحوم).
- ۹ - حاج شیخ حسین نوری همدانی.
- ۱۰ - محمد مؤمن قمی.
- ۱۱ - سید جلال طاهری اصفهانی. (۱)

ویژگیهای اخلاقی

این فقیه فرزانه، به تدریس فقه و اصول و پرورش فضلاء، علاقه فراوانی داشت و از برجسته ترین استادان حوزه محسوب می شد.

روزهای آخر عمر از عارضه سکته قلبی رنج می برد از ماه مبارک رمضان به بعد در منزل بستری گردید وقتی همه طبقات مخصوصا شاگردانش به دیدار وی می رفتند، گاهی اوقات که ساعت درسشان فرا

می رسید و خود را از شرکت در جلسه درس محروم می دید. اشک می ریخت و این جملات پر ارزش را می فرمود:

« من از مرگ نمی ترسم ولی از این می ترسم که وجود عاطل و باطلی باشم و نتوانم انجام وظیفه شرعی کنم». (۱)

حضرت آیهالله مؤسس در حق ایشان می فرمود:

« آقای داماد از خوش فکرتترین شاگردان من است».

او بسیار خوش مجلس، شوخ و شیرین سخن بود، به مقامات ظاهری دنیا اهمیت نمی داد. بسیار متواضع، بی اعتنا به جاه و

جلال ظاهری و با زهد و پارسایی زندگی را سپری کرد. (۲)

گاهی که به مناسبت خاص در مسند ارشاد و وعظ قرار می گرفت سخنانش در دل‌های شنوندگان اثر بسیار عمیقی داشت و به

هنگام دعا و مناجات و مراسم سوگواری هر بیننده ای تحت تأثیر حالت روحانی و چشم اشکباری وی قرار می گرفت. (۳)

وفات

این عارف عظیم الشان در چهارشنبه ۲ ذی حجه ۱۳۸۸ بر اثر سکته قلبی پس از ۷۵ روز بیماری دار فانی را وداع و به معبود خویش پیوست. اهالی قم بعد از ظهر همان روز پیکر پاک ایشان را با اندوه فراوان و چشمان گریان تشییع نموده در مقبره ای از

مقابر شرقی

۱- مجله نور علم، ش ۱۷ ص ۹۸.

۲- مجله نور علم، ش ۱۷ ص ۹۸.

۳- مجله نور علم، ش ۱۷ ص ۹۸.

صحن مطهر حضرت معصومه (ره) مقابل ایوان آینه به خاک سپردند.

سپس به پاس تجلیل از مقام علمی و زهد و تقوای ایشان از طرف مراجع عالیقدر و اساتید حوزه و شاگردان آن مرحوم و مردم متدین شهرها مراسم فاتحه برگزار گردید. (۱)

فرزندان

از وی فرزندان لایق و شایسته ای باقی مانده است که از میان آنها حضرت حجهالاسلام و المسلمین حاج سید علی محقق، از اساتید محترم حوزه علمیه قم و عضو جامعه مدرسین و از ائمه جماعت مسجد بازار قم می باشند که به جای مرحوم پدر بزرگوارشان اقامه جماعت می نمایند و حضرت حجهالاسلام و المسلمین حاج سید مصطفی محقق که از فضلا و مدرسین حوزه بوده مدت طولانی ریاست سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران را بر عهده داشتند و در موضوعات مختلفی صاحب تألیف می باشند. (۲)

آثار

آثار علمی چندی از آیهالله محقق داماد باقی مانده است که از جمله حواشی بر عروهاالوثقی است که به قلم خود آن مرحوم نگارش

۱- مجله نور علم، ش ۱۷ ص ۹۸.

۲- مجله نور علم، ش ۱۷ ص ۱۰۲.

یافته است.

بعضی از شاگردان آن مرحوم نیز دروس استاد را تقریر و به رشته تحریر در آورده اند که برخی از آنها به زیور طبع آراسته گردیده است.

از میان آن شاگردان که تقریر بحث های استاد را نگاشته اند، چند نفر را نام می بریم:

۱ - استاد حاج شیخ عبدالله جوادی آملی که مباحث حج، صلوه، صوم، اعتکاف، خمس، و قسمت عمدۀ زکات را تقریر و به رشته تحریر در آورده اند، دوره « کتاب الحج » در سه جلد طبع و نشر گردیده و کتاب صلوه نیز زیر چاپ است.

۲ - استاد ناصر مکارم شیرازی، دوره اصول ایشان را نوشتند.

۳ - حاج سید جلال الدین طاهری اصفهانی، مبحث طهارت و دوره اصول را تقریر نمودند.

۴ - حاج شیخ محمد مؤمن، بحث صلوه را نوشته اند. (۱)

در این اواخر برای زنده نگهداشتن یاد آن فقید سعید، کمیسیون نامگذاری اماکن اردکان، خیابانی را در انتهای خیابان آیهالله خامنه ای اردکان به نام آیهالله داماد نامگذاری نموده است. (۲)

۱- مجله نور علم، ش ۱۷ ص ۱۰۲ .

۲- ماهنامه سیمای اردکان، ش ۲۷ ص ۳.

مرقد منور

مقبره ای که مرحوم آیه‌الله داماد در آن به خاک سپرده شده، اتاقی در حدود ۱۲ متر مربع می باشد، که مرقد آن بزرگوار در وسط آن و روی قبر، سنگ برجسته ای در حدود ۷۰ * ۱۱۰ سانتی متر قرار دارد که بر روی آن چنین حجاری شده است:

لقد لبی ربّه الکریم

مزار عالم ربانی فقیه اهل البیت مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد تقی داماد یزدی قدس سره که مقارن با تأسیس حوزه علمیه قم به این شهر مهاجرت و از محضر آیه‌الله حائری (قده) استفاده کامل نموده و سپس به ابتکار و تحقیق مخصوص به خویش به تدریس خارج اشتغال، تا به فاصله اندکی فضلاء عظام به محضرش آشنا و تحقیقات علمی و فتاوی عمیق آن فقیه عالیقدر زبانه‌ها مراکز مهم اجتهاد و استنباط شد و با تدریس مداوم فقه و اصول و

اهتمام به تعلیم و تربیت فضلاء حوزه مقدسه رسالت علمی و دینی خویش را انجام داد و سرانجام روز چهارشنبه دوم ذی حجه سنه ۱۳۸۸ ختر فروزان آسمان تحقیق در سن شصت و پنج سالگی دعوت حق را لبیک گفته حشره الله مع اجداده و تغمّیده بغفرانه» .

علمای مدفون در این مرقد

در این مرقد منور عالمان بزرگوار دیگری نیز مدفونند که باعث عظمت و نورانیت بیشتر این مکان می باشند، مختصری از زندگی آنان چنین است:

۱ - آیه‌الله حاج آقا سید مرتضی علم الهدی جزایری که از عالمان

بزرگ مقیم اهواز بود و بعد از رحلتش او را به قم آوردند و در این مکان به خاک سپردند.

روی سنگ مرقدش چنین نوشته است:

بسمه تعالی

کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذی الجلال و الاکرام مرقد منور و آرامگاه علیین مکان عالم ربانی و فقیه صمدانی جامع المعقول و المنقول حاوی الاصول و الفروع قطب المجتهدین و فخر العلماء العالمین ابی المفاخر و المکارم و آیہالتقی و علم الهدی مرحوم آیہالله العظمی آقای حاج آقا سید مرتضی علم الهدی جزایری ابن العلامه الفهمه الحاج سید محمدرضا قدسی جزایری شوشتری قدس سرهما رحلت نابهنگام آن مرحوم روز یکشنبه هیجدهم ماه ربیع الاول سال ۱۳۹۳ قمری مطابق دوم اردیبهشت ۱۳۵۲.

۲ - آیہالله حاج میرزا علی آقا غروی علیاری (۱۴۱۷ - ۱۳۱۹ ه.ق) وی پس از تکمیل دروس سطح در زادگاهش شهر تبریز، در سال ۱۳۴۱ ه.ق عازم شهر مقدس نجف شد و از محضر اساتید بزرگ خوشه ها برگرفت.

بعضی از آنها عبارتند از:

۱ - آیہالله آقای ضیاء الدین عراقی (۱۳۶۱ - ۱۲۷۸)

۲ - آیہالله آقا شیخ محمد حسین نائینی غروی (۱۳۵۵ - ۱۲۸۲)

۳ - آیهالله آقا سید ابوالحسن اصفهانی (۱۳۶۵ - ۱۲۸۴)

۴ - آیهالله آقا سید محمد حجت کوهکمری (۱۳۷۳ - ۱۳۱۰) (۱)

...

وی پس از رسیدن به جایگاه رفیع اجتهاد و کسب اجازات علمی و فقهی از بزرگان و علمای دین به دیار خویش بازگشت و علاوه بر رسیدگی امور مختلف مردم؛ به توسعه امور فرهنگی اهتمام ورزید و با تشکیل حوزه درس و بحث به تربیت شاگردان علوم اسلامی پرداخت.

ایشان در فقه، اصول، کلام، تفسیر قرآن و دعا دارای تألیفات ارزشمندی است.

آیهالله میرزا علی آقا غروی بعد از یک قرن زندگی با برکت در اواخر اسفند ۱۳۷۵ ه.ش در حاشیه زدن بر کتاب غایهالتصوی در ترجمه عروهلوثقی مرحوم سید محمد کاظم یزدی با بروز سکتة مغزی، بستری گردید و در عصر روز دوشنبه دوم اردیبهشت ۱۳۷۶ ه.ش رحلت نمود، پیکر پاک آن عالم وارسته در همین مکان در جوار محقق داماد دفن گردید. (۲)

۳ - آیهالله حاج شیخ احمد پایانی (۱۳۷۵ - ۱۳۰۶ ه.ش)

وی مقدمات علوم دینی را در مدرسه علمیه ملاابراهیم شهرستان اردبیل فرا گرفت و در اوایل سال ۱۳۶۶ ه.ق برای ادامه تحصیل عازم حوزه علمیه قم گردید و در کنار تحصیل به تدریس پرداخت و از

۱- بقیهالسلف، با مقدمه هادی هاشمیان، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۲- همان و مجله آینه پژوهش، ش ۴۳ ص ۱۱۰ - ۱۱.

محضر عالمان بزرگواری چون آیه‌الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی (قده) مدفون در مرقد امام خمینی (ره)، آیه‌الله نجفی مرعشی (ره)، و آیه‌الله حاج سید محمد حجت کوه کمری، و آیه‌الله حاج آقا حسین بروجردی، و آیه‌الله سید محمد محقق داماد بهره مند گردید.

آیه الله پایانی در تدریس مکاسب مرحوم شیخ انصاری و کفایه مرحوم آخوند خراسانی ماهر بود و سالیانی متمادی به این امر پرداخت.

وی بر مکاسب آن مرحوم شرح و حواشی دقیقی دارد که دو جلد آن از اوّل مکاسب محرّمه تا آخر بیع ما یقبل التملیک و ما لا یقبل به چاپ رسیده است.

بر کفایه مرحوم آخوند نیز شرحی نوشته اند که هنوز مخطوط و ناتمام است. از وی تقریرات بحث بیع مرحوم آیه‌الله حجت و اصول آیه‌الله بروجردی نیز به صورت مخطوط به یادگار مانده است. رساله ای در احکام الاراضی و بیع الفضولی نیز به رشته تحریر در آورد. که در مجموعه مقالات کنگره مقدس اردبیلی و شیخ انصاری (ره) به چاپ رسیده است. [\(۱\)](#)

...

۱- گفتگو با حجه‌الاسلام محمد رضا پایانی فرزند آن مرحوم و یادداشتی که از زندگینامه پدر بزرگوارش در اختیار من گذاشت و مجله آینه پژوهش، ش ۴۳ ص ۱۱۱ - ۱۱۳.

حکیم میرزا مهدی الهی قمشه ای (حکیم قرآنی) / غلامرضا گلی زواره

مشعل نورانی

فرزانگان شیعه با توضیح و تبیین حقایق و انتشار مکارم به رشد جامعه و بالندگی و پویایی انسانها کمک شایان توجهی کرده و به رغم محرومیتها و مشقات فراوان عمر با برکت خود را در راه احیای فضایل صرف نموده اند. آنان مصداق این فرمایش حضرت امام صادق(ع) اند که:

« رحم الله قوما کانوا سراجا و منارا، کانوا دعاه الینا باعمالهم و مجهود طاقتهم ». (۱)

یعنی خداوند رحمت خویش را شامل حال افرادی نماید که چون چراغ فروزان و مشعل منور راه دیگران را روشن ساخته اند و با کردار خویش مردمان را به طریق ما فرا خواندند و با تمامی توان حق را معرفی کردند.

« حکیم میرزا مهدی الهی قمشه ای » از تبار چنین فرزانهگانی است

که از قله توحید و کوهستان یکتاپرستی جویبارهای با صفا و چشمه های پرطرواتی را به سوی دشت انسانیت جاری ساخت تا درستی و راستی و فضیلت در سرزمین تشنه معرفت به شکوفایی و باروری رسد.

این عارف ربانی و مفسر و مترجم قرآن که آیت حق و اسوه وارستگی و اخلاص شناخته می شود در آثار منظوم و منثورش الهام از معارف قرآنی و احادیث خاندان عصمت(ع) مشاهده می شود و نگاشته های نیکویش با پندها و مواعظ و حکم اخلاقی آمیخته و تشنگان اندیشه های ناب را به سوی مناقب اهل بیت(ع) و سیره سرشار از معنویت ایشان توجه می دهد و فرهنگ پرفروغ آن ستارگان آسمانی را با جانها و روان ها به صورتی جذاب در می آمیزد و خردها و فطرتها را با حکمتهای عالی تشیع آشنایی می دهد.

نیاکان، خاندان و خانواده

اجداد حکیم میرزا مهدی الهی قمشه ای از سادات بحرین و از بزرگان علم و معرفت و حافظان قرآن به شمار می رفته اند. (۱) گفته می شود که در دوران حکومت نادرشاه که سادات را تحت شکنجه و فشارهای شدید قرار می دادند نیاکان حکیم مخفیانه از بحرین به شهرستان قمشه از توابع استان اصفهان مهاجرت می کنند و سیادت خود را به دلیل اختناق حاکم مخفی می نمایند. عموزادگان آن حکیم

به سیادت صحیح معروفند اما ایشان احتیاط می کردند. (۱)

علامه حسن زاده آملی می نویسد: آن بزرگوار از سادات بحرین و از بیت علم و عرفان و زهد و تقوا بود. بارها به این بنده می فرمود: اصلاً از سادات بحرینم ولی چون در کسوت متعارف فعلی شناخته شده ام از تبدیل عمامه سفید به سیاه خودداری می کنم! (۲)

حکیم الهی قمشه ای در شرح حال منظومی که برای خود گفته به این مسأله اشاره دارد:

نیاکان بؤدم از سادات بحرین *** ز حفاظ قرآن قراء دفتر

زمانه خواندشان در شهر قمشه *** بدور نادر آن مرد دلاور (۳)

دست خطی از آن مرحوم بر جای مانده که سلسله شریف خاندانش را برای برادرزاده اش به صورت ذیل به نگارش در آورده است:

« میرزا مهدی بن حاج ملاابوالحسن بن حاج عبدالمجید بن حاج محمدرضا بن حاج عبدالملک بن حاج شیخ جعفر السید البحرینی رحمهم الله تعالی ». (۴)

پدر بزرگ حکیم الهی از افراد خوشنام شهرستان قمشه به شمار می رفت که در انجام امور خیر شهری به سزا داشت. آب انبار و پل حاج عبدالحمید و مدرسه علمیه حاج عبدالحمید از باقیات صالحات ایشان در شهر قمشه است.

وی قبل از آنکه میرزا مهدی الهی دیده به جهان گشاید طی

۱- خوشه ها، طیبه الهی قمشه ای (تربتی)، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲- نامه ها و برنامه ها، آیها لله حسن زاده آملی، ص ۸۰.

۳- نغمه عشاق الهی قمشه ای، ص ۳۶۷ و نیز نغمه حسینی، ص ۲۱۵.

۴- مجله پیام انقلاب، شماره مسلسل ۱۶۸ ص ۳۲.

رؤیایی صادق مشاهده کرده بود که ملامحمد مهدی ابن ابی الفتوح قمشه ای (از دانشوران در گذشته این دیار) از هودجی از آسمان بر زمین فرود می آید و به اتاق ایشان وارد می شود. از آن پس ایشان بارها نزد پدر میرزا مهدی آمده، از عیال وی که در انتظار مولود تازه ای بود عیادت می نمود و بی صبرانه در انتظار میلاد آن فرزند لحظه شماری می کرد و پیوسته می گفت: « این نوزاد نامش محمد مهدی است و در زمره علمای بزرگ خواهد گردید» .

سرانجام انتظاریها به سر رسید و در سال ۱۳۱۹ قمری و بنا به نقلی بهسال ۱۳۲۰ ستاره پرفروغ این خانواده هویدا گردید. (۱) و دوستداران و ارستگی را در موجی از شعف و سرور فرو برد. نامش را مهدی نهادند و بعدها که در خرد و حکمت و تدریس معارف دینی و فرهنگ تشیع سرآمد اقران گشت و فروغ ایمانش تاییدن گرفت به محی الدین (زنده کننده معارف دینی) ملقب گردید و در شرع و ادب تخلص الهی برای خود برگزید. چنانچه خود در بیتی بدین الفاظ اشاره دارد:

« الهی» طبع و « مهدی» نام و در عشق *** لقب گردید « محی الدین» منور

در محضر اساتید قمشه، اصفهان، مشهد و تهران

میرزا محمد مهدی در پنج سالگی به مکتب خانه رفت و تا هفت سالگی مقدمات ادبیات فارسی و عربی را آموخت و سپس نزد پدر و ادبای شهر قمشه به پیگیری تحصیلات و فراگیری علوم دینی

۱- الذریعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۲۴ ص ۲۳۷ و نیز همین مأخذ، ج ۱۳ ص ۲۸۹.

پرداخت و با وجود خردسالی به دلیل هوش سرشار و برخورداری از حافظه ای قوی، کتب مهم و مشکل زبان و ادب پارسی و عربی را یاد گرفت و چون ده بهار را پشت سر نهاد « شرح نظام» را نزد پدر آموخته بود و در پانزده سالگی در ادبیات عرب به درجه ای از توانایی رسید که شرح نظام نیشابوری، مغنی اللیبب ابن هشام و مطول تفتازانی را تدریس می نمود.^(۱)

به موجب ذکاوتی که در وجودش نهفته بود کمتر نیاز می دید که به مرور درسها بپردازد و اوقات فراغت خویش را برای کمک به معاش خانواده سپری می کرد.

مقدمات فقه و اصول و حکمت را در شهرضا از ملا محمد هادی فرزانه قمشه ای (۱۳۸۵ - ۱۳۰۲ ه.ق) و دیگران بیاموخت. نامبرده در علوم عقلی و نقلی و بی اعتنایی به دنیا و زخارف آن معروف بود.^(۲) وی در حکمت، کلام و لسنه آثار مفیدی دارد.^(۳) حسین امین جعفری (۱۳۶۹ - ۱۲۹۵ ه.ق) از فضایی است که حکیم قمشه ای مجلس درس وی را غنیمت می شمرد.^(۴) او تحصیلات مقدماتی و بخشی از علوم اسلامی و آثار فقهی را در وطنش آموخت و در ضمن از تجربیات علم و دانش های پدری فاضل و مؤمن بهره برد. اما در فصل شکفتن و به

۱- مجله پیام انقلاب، شماره مسلسل ۱۶۸ ص ۳۲.

۲- حکمت عقلی یا اخلاق مرتضوی، استاد محی الدین الهی قمشه ای، مقدمه علامه حسن زاده آملی، ص ۳۳.

۳- تاریخ حکما و عرفا متأخرین صدر المتألهین، منوچهر صدوقی سها، ص ۸۲.

۴- زندگانی حکیم جهانگیر قشقایی، مهدی فرقانی، ص ۱۲۶.

سن چهارده سالگی، توفان حوادث و امواج بلا به سوی وی یورش آورد و پدر دانشمند و مادر پاک سرشت خود را از دست داد(۱) و در غم فقدان والدین سوگوار گردید.

با وجود ممانعت برادر بزرگش به شوق تحصیل در اصفهان راهی این شهر شد و در حجره طلبه های قمشه ای ساکن اصفهان در مدرسه صدر مسکن گزید. در آن جا از محضر شیخ محمد حکیم خراسانی (متوفای ۱۳۵۵.ه.ق) به مدت یک سال استفاده نمود.(۲) حکیم نامبرده از شاگردان خاص و وارث علم و اخلاق میرزا جهانگیرخان قشقایی (استاد شهید مدرس) به شمار می رفت.(۳) آیهالله سید حسن مدرس صبح ها در مدرسه جده کوچک درس فقه و اصول و عصرها در مدرسه جده بزرگ درس منطق و شرح منظومه می گفت. مجلس درس آن شهید در اصفهان بزم محبت و کلاس تدریس رشادت و استواری و شجاعت بود.(۴) حکیم الهی قمشه ای که از این محفل پرفیض برخوردار بوده است، می گوید: وقتی صبحگاه در محضرش حاضر شده، به بیانش گوش می دادیم هر لحظه در وجود ما نیرویی تازه دمیده می شد، به طوری که در پایان درس خود را پهلوانی شجاع حس می نمودیم. به طور کلی بیان درس در روحيات شاگردان اثر ویژه ای داشت که از

۱- مجله پیام انقلاب، شماره مسلسل ۱۶۸ ص ۳۲.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، ص ۵۳.

۳- نشریه جاویدان خرد، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۶۵ ص ۹.

۴- مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، عبدالعلی باقی، ص ۲۸.

وصف آن عاجزم. (۱)

حکیم الهی که سخت جویای حقیقت و مشتاق معارف قرآنی و فرهنگ اهل بیت بود بیش از یک سال در اصفهان نماند و این دیار را به قصد مشهد مقدس ترک نمود تا به مدد اساتید این جایگاه مبارک و سرشار از معنویت به کمالات فکری و عرفانی نایل آید. وی در مشهد به مدرسه نواب راه یافت و در این مکان حجره ای اختیار نمود و به تحصیل مشغول شد. برادر بزرگش حسینعلی، بخشی از مخارج زندگی و تحصیلات او را تأمین می کرد. با این حال، ایام اقامت در مشهد از لحاظ اوضاع مادی برای او با مشقت و مرارت توأم بود و در این مدت به قناعت می گذراند و ماه ها غذای پختنی نمی خورد. گاه به دشت های اطراف می رفت و در طول هفته از توت درختان ارتزاق می نمود.

وی در میان اساتیدش از مرحوم آقا بزرگ حکیم (میرزا عسکری شهید) بسیار سخن می گفت، آن بزرگوار در علوم نقلی و عقلی مهارت داشت و در خراسان مرجعیت و ریاست تامه را عهده دار بود و از نامبرده کراماتی نیز نقل کرده اند.

از اساتید دیگر الهی قمشه ای، آیه الله العظمی حاج آقا حسین قمی (۱۳۶۶ - ۱۴۲۲ ه.ق) می باشد که در دوران مرجعیت و زعامت این فقیه فرزانه رویدادهای مهمی رخ داد که با موضع گیری های به جا و قاطع

ایشان جایگاه و عظمت مقام مرجعیت بیش از پیش نمایان گردید. نامبرده در ماجرای کشف حجاب رضاخان با موضعگیری شجاعانه این توطئه شوم را رسوا نمود. (۱)

شیخ اسدالله یزدی مشهور به هراتی که در منطق و حکمت، هیئت و علوم ریاضی مهارت داشت و از دانشمندان و پرهیزگاران ارض قدس رضوی بود یکی از استادان میرزا مهدی الهی قمشه ای است. حکیم قمشه ای می فرمود: شرح نصوص قیصری را در محضر جناب عارف بزرگوار آقا شیخ اسدالله یزدی (متوفی به سال ۱۳۴۵ ه.ق) فرا گرفتم. ایشان به ما سفارش می کرد که بی وضو در درس حاضر نشوید. (۲)

مرحوم حاج ملامحمدعلی فاضل (متوفی ۱۳۴۲ ه.ق) که از مدرسان و حکمای معروف مشهد بوده جرعه هایی از حکمت و عرفان را به کام اندیشه حکیم الهی قمشه ای بریخت. این عارف محقق سال ها محضر قضاوت داشته و از شاگردان نامدار میرزای شیرازی بوده است. (۳)

حاج شیخ حسن مشهور به فاضل بُرسی که حوزه درسی با اهمیت و پرتحرکی داشت و بسیاری از علما از محضرش بهره گرفته اند، از دیگر کسانی است که حکیم الهی قمشه ای سعادت استفاضه از انوار علمی وی را یافت. او در فقه و اصول مهارت داشت و کتاب فوائد شیخ مرتضی انصاری را تدریس می کرد. چندی بر اثر کسالت در بُرس رحل اقامت افکند و بعد از مدتی با حالت بیماری به عتبات عالیات هجرت

- ۱- نک: حاج آقا حسین قمی، قامت قیام (از سری دیدار با ابرار) محمد باقر پورامینی .
- ۲- در آسمان معرفت، آیةالله حسن زاده آملی، ص ۲۵۷.
- ۳- میرزای شیرازی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ترجمه محمد دزفولی، ص ۱۷۵ - ۱۷۴.

نمود و در سال ۱۳۵۳ ه.ق در آن مکان مبارک رحلت نمود. (۱)

از دیگر کسانی که میرزا مهدی الهی از محضرش محظوظ گشت آیه‌الله حاج میرزا حسین فقیه سبزواری (متوفی ۱۳۸۶ ق) است. ایشان یکی از رؤسای روحانیت خراسان و نیز از زعمای حوزه علمیه مشهد به شمار می‌رفته و آثار خیری از خویش بر جای نهاده است. (۲)

پس از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش (۱۳۶۰ ه.ق) که با تغییرات عمده در دستگاه حکومت پهلوی تا حدودی فشار سیاسی از روی مظاهر دینی و روحانی برداشته شد زعامت حوزه مشهد را دو عالم بزرگ و معروف دینی حاج شیخ مرتضی آشتیانی و آقا میرزا مهدی اصفهانی در دست گرفتند و بار دیگر به بازسازی بنیادهای روحانی در این شهر مقدس پرداختند. فقه و اصول در حلقه درس این دو مدرس بزرگ طلایی را گرد آورد. (۳)

میرزا مهدی در تدریس خود مقید بود که مطالب خود را در چارچوب دستوره‌های ائمه اطهار (ع) بیان کند و بر این نکته تأکید داشت که سیر و سلوک در معارف الهی ضمن آنکه به تقوا نیاز دارد باید با استفاده از روایات معصومین (ع) صورت پذیرد. اصرار ایشان در کسب کمالات عرفانی و رسیدن به قله‌های معنوی بر انجام واجبات و

- ۱- جشن نامه مدرس رضوی، گروهی از نویسندگان، ص ۷ ضمیمه‌های تاریخی علمای خراسان، میرزا عبدالرحمن، ص ۲۶۰.
- ۲- گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۵ ص ۲۲۲ و نیز همین مأخذ، ج ۷ ص ۱۵۲.
- ۳- گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، آیه‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، ص ۲۸.

ترک محرمات بود و با هر ریاضتی که مستلزم سماع و کردار خانقاه نشینان توأم بود، مخالفت می کرد. (۱)

حکیم الهی پس از طی مدارج علمی و حکمت و کسب دانش قرآنی و روایی در مشهد مقدس بر آن شد تا به تهران سفر کند و از آنجا به ری و قم و سپس به حوزه نجف اشرف برود ولی زمانه خیمه اش را به تهران زد و خاک ملک ری دامنگیرش ساخت.

برگرسی تدریس

ایشان در تهران به مدرسه میرزا حسین سپهسالار (شهید مطهری کنونی) وارد شد. در آن ایام شهید آیه الله سید حسن مدرس سخت مشغول تعمیرات این مدرسه بود. حکیم الهی در ضمن بیان خاطره ای اظهار داشته است: مدتی در آنجا ماندم و به درس کفایه اصول جناب مدرس می رفتم و ایام اقامت در آن مدرسه به درازا کشید. ایشان روزی از من پرسید: مسافرت شما به کجا انجامید؟ عرض کردم:

چشم مسافر چو بر جمال تو افتد *** عزم رحیلش بدل شود به اقامت

من ضمن اینکه به درس ایشان می رفتم یک درس منطق و یک درس فلسفه را هم در مدرسه شروع کردم. (۲)

استاد الهی قمشه ای ضمن تدریس در این مدرسه از محضر حکیم و فیلسوف شهیر محمد طاهر فقیه نصیری طبری مشهور به آقامیرزا طاهر تنکابنی (۱۳۲۰ - ۱۲۴۲ ه.ش) فرزند فرج الله استفاده کرد. او از

۱- میراث ماندگار، مجموعه مصاحبه های سال چهارم کیهان فرهنگی، ص ۱۷۸ - ۱۷۷.

۲- مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، ص ۱۹۲ - ۱۹۱.

شاگردان برجسته میرزا ابوالحسن جلوه (۱۳۱۴ - ۱۲۳۸ ه.ق) است. (۱)

پس از تأسیس دانشگاه در کشور، مدرسه سپهسالار که محفل ادبا و مجلس حکما بود به دانشکده معقول و منقول تبدیل گردید. حکیم الهی قمشه ای ضمن تدریس منطق، حکمت و ادبیات در آن مکان به عنوان یکی از برجسته ترین اساتید دانشگاه تهران شناخته شده، با نوشتن کتاب «توحید هوشمندان» به درجه دکترا از دانشکده مزبور نایل آمد. همچنین به عنوان استاد زبان و ادبیات عرب در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول افاضه به مشتاقان معرفت گردید.

ایشان ضمن تدریس، با جملاتی شیوا، شیرین و پرجاذبه مفاهیم دشوار فلسفی را بیان می کرد و در تأیید اظهارات علمی خود از اشعار عرفانی شاعران بزرگ پارسی چون مولوی، حافظ و سعدی شاهد می آورد و در پایان با نهایت فروتنی خاصی سروده های خویش را برای شاگردان می خواند.

با وجود کهولت، آیات قرآن، روایات ائمه (ع) و عبارات کتاب اشارات بوعلی، اسفار ملاصدرا، شرح منظومه سبزواری، فصوص الحکم ابن عربی و دیگر کتب فلسفی و عرفانی را به خاطر داشت (۲) در تدریس فلسفه و حکمت به ظرفیت افراد توجه می کرد. روزی در محفلی چون می خواستند حکیم الهی را به شهید مدرس معرفی کنند، شهید مدرس می گوید: لازم نیست او را به من معرفی کنید چون پدر بزرگ

۱- نک: میرزا ابوالحسن جلوه حکیم فروتن، از نگارنده .

۲- یاد و خاطراتی از حکیم الهی قمشه ای، امیر محمد انوار، مجله یغما سال ۳۶ شماره ۱۲ اسفند ۱۳۵۲ ص ۷۵۲.

این شخص - مرحوم حاج ملک - موجب شد که من مدرس شوم.

پس از تبعید آن فقیه مبارز و مجتهد والامقام، طلاب مدرسه سپهسالار بر گرد حکیم الهی قمشه ای جمع شده، کتابی را به ایشان دادند و گفتند تا این زمان مدرس این کتاب را برای ما تدریس می کرد و اینک شما تنها کسی هستید که ما می توانیم از محضرش استفاده کنیم. ایشان بعد از این واقعه به یاد خواب خویش که چند سال قبل در مشهد دیده بود، افتاد و تعبیر آن را همین ماجرا دانست. (۱)

استاد علامه حسن زاده آملی که به مدت یازده سال خوشه چین خرمن خرد حکیم الهی قمشه ای بوده می گوید: از محضر این عارف ربّانی تمام حکمت منظومه سبزواری و مبحث نفس اسفار و حدود نصف شرح خواجه نصیر الدین طوسی بر اشارات شیخ الرئیس را تلمذ نمودم و نیز در مجلس قرآن آن جناب خوشه چین بودم. (۲)

در معرفی الهی قمشه ای همین بس که چون یکی از فضیلابی تهران از محضر علامه طباطبایی استاد طلبید، آن مفسّر نامی خطاب به وی گفته بود: الهی قمشه ای غیر از این ظاهر است، از محضرش استفاده کنید. (۳)

دیگر از فضیلابی که حوزه درسی حکیم الهی قمشه ای را درک نموده و از ابعاد اندیشه اش محظوظ گشته حضرت آیه الله عبدالله

۱- این رؤیای صادقانه در فصل دوم کتاب آشنای عرشیان به قلم نگارنده آمده است .

۲- پاسداران اسلام (استاد حسن زاده آملی) مجله پیام انقلاب، شماره مسلسل ۱۱۲ ص ۲۱.

۳- حکم عملی یا اخلاق مرتضوی، ص ۴۱ - ۴۰.

جوادی آملی (متولد ۱۳۱۲ ه.ش) است. وی بخشی از شرح منظومه و نیز الهیات و بخش عرفان شرح اشارات خواجه نصیر طوسی را نزد حکیم الهی آموخته است. (۱)

ایشان می گوید: درس مرحوم الهی نسبت به درس دیگر اساتید با روح تر و پرورنده تر بود... بین نماز مغرب و عشاء، اشارات تدریس می نمودند و اصرار داشتند نمازشان در اول وقت شرعی اقامه گردد. (۲) فضلالی چون: ربّانی تربتی، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، دکتر محمود انوار، کاظم مدیر شانه چی، سید محمدباقر حجتی، محمدباقر محقق، و حاج شیخ عبدالرحیم ملکان که تخلص « ناصح » دارد از شاگردان حکیم الهی قمشه ای بوده اند. (۳)

آثار و تألیفات

حکیم الهی قمشه ای در جای جای مباحث فلسفی، عرفانی و کلامی ضمن تشریح مباحث متنوع برای اثبات گفتارهای علمی خود آیه ای از قرآن را شاهد می آورد تا هر گونه شک را از ذهن افراد برطرف سازد و اهمیت موضوع را روشن نماید. وی ضمن آنکه در اشعار به شدت تحت تأثیر قرآن و حدیث بود در سروده هایی ویژه تحت عنوان « قصیده قرآنی » از کلام حق سخن گفته است.

۱- گفتگوی نشریه صحیحفه با آیهالله جوادی آملی، شماره ۳۰ ص ۵.

۲- مجله کیهان فرهنگی، شماره ۹ سال ۱۳۶۴ گفتگو با آیهالله جوادی آملی با تغییر در عبارات و جملات .

۳- آشنای عرشیان، به قلم نگارنده، ص ۸۷ - ۸۶.

طی سالهای ۱۳۲۲ - ۱۳۲۰ ه.ش تفسیر ابوالفتوح رازی به اهتمام شادروان الهی قمشه ای در ده جلد انتشار یافت که در سال های ۱۳۲۴ و ۱۳۳۵ ه.ش تجدید طبع گشت. وی در این طبع، حواشی ارزنده ای بر تفسیر یاد شده نوشته که از نظر اهل فن دور نیست. (۱)

سرآغاز ترجمه قرآن به زبان امروزی به همت حکیم الهی قمشه ای صورت گرفته است. وی بدون آنکه در اصل معنا دخل و تصرفی کند تفسیر خلاصه ای با بیان ساده و در خور فهم برای عموم ارائه کرد، به طوری که مرحوم آیه‌الله العظمی سید حسین بروجردی (ره) که در تفسیر قرآن تبحر خاصی داشتند در مقام مقایسه با دیگر ترجمه ها فرموده بودند، هیچ ترجمه ای را با ترجمه الهی قمشه ای مقایسه نکنید. کاری که ایشان کردند بسیار فوق العاده است. (۲)

ترجمه تفسیر گونه الهی قمشه ای که بعدها اصطلاحات فراوانی از سوی وی بر آن صورت گرفت نخستین بار در سال ۱۳۲۳ ه.ش به چاپ رسید و با وجود انتقادهایی که برخی بر آن داشته اند و بعد از دهها ترجمه دیگر هنوز در تیراژهای بسیار وسیع و گسترده از سوی ناشران متعدد تهرانی و شهرستانی تجدید طبع گردیده، در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

عرض ارادت به پیشگاه رسول اکرم (ص) و خاندان آن سرور در اخلاق و رفتار و آثار علمی و عرفانی این عالم ربّانی کاملاً مشهود است

۱- الذریعه، ج ۷ ص ۹۶ - ۹۵.

۲- مجله پیام انقلاب، شماره ۱۶۹ ص ۳۰.

و بخش مهمی از سروده هایش در واقع ترجمان سخنان معصومین(ع) می باشد.

گزیده ای از سخنان حضرت علی (ع) تحت عنوان « حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی» در ده مقاله به انضمام خاتمه مقالات از سوی حکیم الهی قمشه ای تنظیم شده که برای برخی فرموده های امام شرحی اجمالی اما دقیق و پرمحتوا نوشته است.

اثر مزبور برای بار نخست در زمان حیات استاد در خاتمه کتاب « حکمت الهی» به طبع رسید و به تازگی با مقدمه، تصحیح و تعلیقات آیةالله حسن زاده آملی به پیشگاه مبارک عاشقان معارف و حکم و تشنگان آب حیات کوثر ولای علوی تقدیم گردیده است.

سروده زیبا و شیوای وی که تحت عنوان « نغمه الهی» چاپ شده شرح منظومی است از خطبه همّام حضرت علی (ع) در این اثر حکیم الهی قمشه ای خطبه مزبور را به چندین بخش تقسیم نموده و هر بخش را با اشعار توضیح داده است.

یکی از گنجینه های حقایق الهی و معارف اهل بیت (ع) صحیفه سجادیّه امام چهارم است که در زمره نهج البلاغه می باشد و آن را « زبور آل محمد (ص) و « انجیل اهل بیت(ع)» نامیده اند. استاد میرزا مهدی الهی این اثر قدسی را با ترجمه ای زیبا به زبان فارسی برگردانیده و در مقدمه ای زیبا به معرفی اجمالی آن پرداخته است. ضمناً برخی دعاها نیز توضیح داده شده است.

از افاضات علمی و پژوهشهای ارزشمند آن نامدار میدان معرفت

مجموعه نسبتاً مفصل « حکمت الهی » در دو مجلد می باشد، که خود در معرفی آن می نویسد: این کتابی است در حکمت الهی فقه اکبر، کلام و فلسفه اسلامی از قرون اول حکمت تا عصر حاضر، حاوی اقوال بزرگان و خردمندان الهی عالم و مطالب همه با ادله عقلی، منطقی و قرآن، مبرهن گردید یا به وجدان ذوق اهل معرفت و کمال مستند است.

کتاب فصوص الحکم فارابی در الهیات خاص، عرفان و معرفت نفس به نگارش در آمده که حکیم الهی قمشه ای با دیدگاه های استوار خود که بر قرآن و حدیث مبتنی است به شرح این اثر پرداخته است. شرح مذکور در خاتمه با توضیح « خطبه توحیدیه » حضرت علی (ع) تزیین شده است.

آثار دیگر آن حکیم به شرح ذیل می باشند:

- فلسفه معلم ثانی ابونصر فارابی که در تهران همراه با کتاب « توحید هوشمندان » از آثار دیگر مرحوم الهی و در سال ۱۳۲۲ ه.ش به صورت سربی و در قطع جیبی انتشار یافته است.

- مشاهدات العارفين فی احوال السالکین الی الله، که نسخه خطی آن نزد اخوی ایشان بوده و مرحوم الهی این کتاب را با خط خود نوشته و امضا کرده است.

- مناسک حج عاشقان، اثری است منظوم که در سال ۱۳۸۱ ه.ق در تهران چاپ گردید و نیز در آخر دیوان آن حکیم درج شده است.

- رساله ای در فلسفه کلی

- رساله ای در سیر و سلوک

- رساله ای در مراتب ادراک

- حاشیه بر مبدأ و معاد ملاصدراى شیرازی

- رساله ای در مراتب عشق

- نغمه حسینی در احوالات حضرت سیدالشهداء (ع) و واقعه کربلا که در این اثر تاریخ زندگانی حضرت امام حسین (ع) و قیام آن حضرت به نظم در آمده و سعی بر این بوده است که بر طبق کتب مستند تنظیم شود.

- ترجمه مفاتیح الجنان که بارها در تیراژ بالا چاپ شده و به تازگی انتشارات اسوه به طرزی جالب و با حروفچینی کامپیوتری به طبع آن مبادرت نموده است.

- دروس عرفانی از مکتب علوی، چاپ تهران به سال ۱۳۳۷ ه.ش

- تصحیح دو بیتى های باباطاهر عریان

- کلیات دیوان حکیم الهی قمشه ای. (۱)

سخنور پرهیزگار

الهی قمشه ای از دوران نوجوانی با احساسات ظریف شاعران انس و الفت داشت. در آینه شعر تواناییهای خود را بروز داد و معارف

۱- در تنظیم فهرست آثار آن حکیم سخنور از این منابع بهره گرفته شده است: الذریعه مجلّدات ۱۹ ۵ معجم مؤلفین شیعه، علی فاضل قاینی نجفی، ص ۳۶۷ - ۳۶۱ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۳ سخنوران نامی معاصر ایران، ج ۱ ص ۱۱ بهار و ادب فارسی ج ۱ ص ۲۲۲ نامه ها، برنامه ها، ص ۸۱ - ۸۰.

دینی، باورهای شیعی، مضامین قرآن و روایی و نیز محبت توأم با معرفت به پیشگاه اهل بیت (ع) را با ذوق لطیف خویش ممزوج ساخت و از زبان شعر به تشریح مباحث اعتقادی، کلامی و معرفی ستارگان درخشان آسمان امامت و ولایت پرداخت.

رگه هایی از عرفان اسلامی در اشعارش به جهان بینی وی رنگ و بوی حکمت عملی بخشیده است. معارف قرآنی، حکمت های عالی و براهین فلسفی را با هم آشنایی داده و از آنها نتایج اخلاقی می گیرد و می کوشد تا خواننده را از خواب غفلت بیدار نموده، جان و خرد خفته اش را حیات روحانی و ابتهاج معنوی بخشد.

مناجات با خداوند در اشعار این حکیم سخنور به وفور دیده می شود. علامه حسن زاده آملی نوشته است: از اول تا آخر دیوانش یک کلمه لغو نمی یابی، دیوانش از فاتحه تا خاتمه شور و نوا و سوز و گداز است از طلعت دیوانش فروغ آن آن من الشعر لحکمه ساطع و از صداقت بیانش شروق آن من البیان لسحرا طالع است. نازکی اشعارش خود برهان ناطق و تقریظ مرحوم ملک الشعراء بهار بر اشعارش شاهی صادق است. این بنده گوینده ای از

معاصرین را نمی شناسد که آن همه مضامین رفیع حکمت و معانی منیع عرفان را به این سبک روان به رشته نظم کشیده باشد:

دقیقه های معانیش در سواد حروف چو در سیاهی شب روشنی پروین بود. (۱)

دیوان « الهی » مجموعه گرانباری است که پاره ای از درّهای

شاهوارش در شرح خطبه امیرالمؤمنین (ع) در نشانه های پارسایان به نام نغمه الهی می باشد. قسمت دیگرش در ذکر حاسه پرشور کربلا- با عنوان نغمه حسینی است و بخشی از آن شامل قصایدی متین حاوی پندهای نغز حکیمان و روشن ضمیران است و ختامش با غزلهایی وزین و عالی مضامین، قطعات و رباعیاتی دلپذیر صورت گرفته است. ملک الشعراء بهار در خصوص سروده هایش می گوید: «... گوینده این اشعار... عروض را دماغ موزون او پیدا کرده و قافیه را ذوق فطری او تشخیص داده (است) ... و آنچه با ذوق خاص او راست آمده درست یافته و به کار بسته است. از هیچ کس مدح ننموده و به کلی از مدح و اسلوب قصاید مدیحه که در ادبیات پارسی بابتی بزرگ است کناره گرفته و در غزل نیز به مذاق اهل حال - حالی بین فلسفه و عرفان و شریعت - برگزیده است...» (۱)

نمونه ای از سروده مناجات گونه او:

همی گفتم الهی یا الهی *** به عالم، بی پناهان را پناهی

تویی یارب ز حال زارم آگاه *** بر آور یوسف جان من از چاه

تو دانی خوار و زار و خسته جانم *** تو دانی انتظار کودکانم

به جان نیکوان بر جانم ای دوست *** ترحم کن ز غم برهانم ای دوست

به رحمت از گناهانم چشم در پوش *** به مسکینان متاع عدل مفروش

چو خواهی از من و خون خوردن من *** به رنج و درد هجران مردن من...

۱- از مقدمه ملک الشعراء بهار بر نغمه عشاق که در سال ۱۳۲۱ هـ ش به طبع رسیده است .

اخلاق و رفتار

حکیم الهی قمشه ای در مسیر تلاشهای علمی به خواسته های متعالی و گرایشهای والا توجه داشت و بدین سبب حالاتی چون صداقت، وارستگی اخلاق و زهد در اخلاق و رفتارش متجلی بود و از طریق ارتباط با خدا، ذکر، عبادت و تهجد و تصفیه اعمال، این خصوصیات را در خویشتن تقویت می نمود.

در برابر اوامر الهی و تأکیدهای ائمه (ع) از امیال و خواسته های فردی صرف نظر می کرد و از دام خودخواهی رهایی یافت و در سروده ای زیبا چنین گفته است:

دریغا که در دام نامم هنوز اسیر خیالات خامم هنوز *** ز بعد ریاضات و درس و سلوک نشد توسن نفس رامم هنوز

تن سفله طبع از تمنای شهید کند دمبدم تلخ کامم هنوز *** دل من اگر خلوت خاص هوست چرا در غم خاص و عامم هنوز...

استاد حسن زاده آملی که از پرورش یافتگان مکتب این عارف متشرع بوده می گوید: متجاوز از ده سال با او حشر داشتم، یک کلمه حرف ناروا و یا یک جمله بیهوده از او نشنیدم. چه گریه ها و زاریها از او دیده ام و چه اندرزها از وی به یادگار دارم. (۱)

همسرش طیبه الهی (تربتی) در ضمن خاطراتی گفته است: در خانه، در امور داخلی کمک می کردند، بسیار بشاش و خوش صحبت بودند. اگر نصف روز متوالی تدریس می نمود، کسی اظهار خستگی

نمی کرد. نیمه شب از خواب برمی خاست و پس از نوافل و نماز شب در صحن خانه قدم می زد و به سیارات و ستارگان آسمان چشم می دوخت و از شگفتی های جهان هستی لذت می برد. ناملايمات را تحمل می نمود و می گفت: بلاهای این جهان همه از جانب حق است. بارها فقیری به در خانه می آمد که چیزی به او بدهیم، اثاثیه ای همچون ظروف مسی و مانند او به او می دادند و می گفتند برو بفروش و خرج کن. امر به معروف و نهی از

منکر ایشان با ملایمت و از روی دلسوزی بود. روحی شجاع داشت و کینه کسی را در قلب خویش جای نداده بود.

بسیار قانع و با لباسی عادی و مسکنی ساده زندگی می کرد و چون بیمار می شد می گفت: داروی من هفت بار قرائت سوره حمد است. در زمستان ها در اتاق درسش که در منزل منعقد می گشت نه کرسی بود و نه بخاری؛ تنها یک چراغ لامپای گردسوز و فرش فرسوده. و برخی شب ها که هوا بسیار سرد می شد منقل زیر کرسی اتاق دیگر را که عائله اش در آن بودند به اتاق درس می آورد و خاکستر رویش را کنار می زد و بدان حال می گذراند. (۱)

حکیم الهی قمشه ای به سبب کمالاتی که از طریق تزکیه و تهذیب، عبادت و اخلاص کسب کرده بود، لیاقت هم نوایی و نغمه سرایی با قدسیان را داشت و از کرامات و حالات فوق العاده هم بی بهره نبود. (۲)

۱- در آسمان معرفت، ص ۲۶۵ - ۲۶۴.

۲- نک: خوشه ها، ص ۱۲۸.

بعد از اقامت ایشان در تهران و دوستی بسیار نزدیک و همکاری تنگاتنگ با شهید مدرس و پس از آنکه حکومت غاصب و رضاخانی مدرس را دستگیر و تبعید نمود، الهی قمشه ای هم روانه زندان گردید که به سفارش ذکاءالملک فروغی (نخست وزیر وقت) به دلیل ارتباط علمی که با ایشان داشت آزاد شد. گویا زمانی وی را به فشار سیاسی یا تطمیع از سوی دستگاه منحوس پهلوی تهدید کرده بودند که در غزلی با این مطلع گفته بود:

من نه آن دیوانه عشقم که زنجیرم کنند *** یا به جز در دام زلف یار، تسخیرم کنند

من نه آن مرغم که صیادان عالم بافسون *** دانه افشانند و در دامی به تزویرم کنند

در سروده ای دیگر گویا به رضاخان ملعون طعن می زند و می گوید:

دین عزیز است و رجال دین شریف و بزرگ *** تف به آن ابله که قدر و شوکت دین کاستی

از کلاغ زشت خوی ژاژخای هرزه طبع *** چند در باغ طبیعت نعره و غوغاستی (۱)

سرانجام در حالی که آن حکیم نامدار به اصلاح خلاصهالتفاسیر خود مشغول بود در شب سه شنبه ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۹۳ ه.ق (۱۲۵ اردیبهشت) ۱۳۵۲ دعوت حق را لبیک گفت و به سرای باقی شتافت، پیکر پاکش از تهران به قم انتقال یافت و در جوار بارگاه حضرت معصومه (س) در وادی السلام (اتاق شماره) ۱۹ این شهر به خاک سپرده شد.

حاج شیخ محمد فکور یزدی (فقیه وارسته) / احمد محیطی اردکانی

اشاره

شیخ محمد فرزند آقا حسین یزدی در سال ۱۳۲۴ ه.ق، (۱) در احمد آباد اردکان و در خانواده ای مذهبی و مستضعف دیده به جهان گشود.

کمتر از ۶ سال داشت که جهت فراگرفتن قرآن مجید پای به مکتب گذاشت. به زودی کلام خدا را آموخت. چون درآمد مالی پدرش کفاف مخارج خانواده اش نمی کرد، نزد شخصی به نام حاج عبدالصمد و کیلی به شاگردی رفته و همزمان با کار، خواندن و نوشتن را نیز فراگرفت. بیشتر شبها با اجازه صاحب مغازه در همان مغازه می ماند تا با فراغت بیشتر به مطالعه ادامه دهد. (۲)

استعداد سرشار و شوق آموختن سبب شد تا سرانجام به مدرسه علمیه اردکان راه بیابد و پس از طی تحصیلات مقدماتی، جهت ادامه

۱- گنجینه دانشمندان، ج ۲ ص ۲۲۳ در تاریخ اردکان، علی سپهری، ج ۱ ص ۲۵۵ سال تولد وی را ۱۳۲۵ ه.ق ذکر کرده است و در فتوکپی شناسنامه اش ۱۲۷۸ ه.ش برابر با ۱۳۱۷ ه.ق می باشد .

۲- گفتگو با حجهالاسلام محمود محمدی، عضو دفتر استفتائات مقام معظم رهبری در قم و از بستگان وی .

تحصیل راهی یزد شود.

با مستمری اندکی که حاج عبدالصمد در اختیارش قرار می داد، توانست در مدرسه عبدالرحیم خان یزد که رونق خاصی داشت، به تحصیل پردازد. پس از گذشت حدود بیست بهار از زندگیش، رهسپار حوزه علمیه قم شد (۱) و در مدرسه فیضیه اقامت گزید و با اشتیاق فراوان به تحصیل و تهذیب نفس پرداخت.

استادان

طی سالهای متمادی که او در حوزه پربرکت قم مشغول تحصیل بود، از محضر استادان زیادی بهره مند گردید. بعضی از آن آیات عظام عبارتند از:

۱ - حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم

۲ - سید محمد حجت کوه کمری

۳ - سید محمدتقی خوانساری

۴ - سید صدرالدین صدر (۲)

۵ - امام خمینی (ره)

۶ - محمد علی قمی

۷ - سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۸ - سید محمدرضا گلپایگانی.

۱- مکتب اسلام، شماره ۱۶ ص (۵ در تاریخ اردکان، ج ۱ ص ۲۵۵ آمده است: وی در سن ۲۵ سالگی عازم قم شد).

۲- گنجینه دانشمندان؛ ج ۲ ص ۲۲۳.

۹ - سید حسین بروجردی طباطبایی.

وی در حدود ۱۸ سال از محضر آیه‌الله العظمی بروجردی بهره برد و به درجه اجتهاد نایل آمد. در دوران تحصیل بیشتر اوقات با شهید محراب آیه‌الله حاج شیخ محمد صدوقی مباحثه می کرد. (۱) تا اینکه از مدرسین عالی رتبه حوزه علمیه شد و در صحن بزرگ حضرت معصومه (س) شروع به تدریس کرد. (۲)

شاگردان

این بزرگمرد به امر تدریس خیلی اهمیت می داد. از این روی شاگردان زیادی در مکتبش تربیت شدند که اکثر آنان هنوز در قید حیات و مایه افتخار حوزه های علمیه اند. بعضی از شاگردان ایشان عبارتند از:

آیه‌الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی (ره) که بخشی از دروس فلسفه و حکمت را از وی فراگرفت. (۳) حاج سید عباس خاتم یزدی، محمدتقی مصباح یزدی، شیخ حسین راستی، غلامرضا رضوانی خمینی و حاج سید جعفر کریمی و...

۱- آینه دانشوران، سید علی رضا ریحان یزدی، ص ۳۹۶ - ۳۹۷.

۲- آینه دانشوران، سید علی رضا ریحان یزدی، ص ۳۹۶ - ۳۹۷.

۳- مجله حوزه، ش ۸۱ - ۸۲ ص ۳۵۷.

آیهالله فکور از زبان شاگردان و دوستان

آیهالله خاتم درباره استاد خود می گوید: « ما که در قم بودیم، قسمتی از کتاب رسائل مرحوم شیخ انصاری (ره) در علم اصول و منظومه مرحوم سبزواری در علم فلسفه را از محضر ایشان آموختیم. وی با اهتمام زیادی که به علم فقه و اصول داشت، هرگز فلسفه و عرفان را از نظر دور نمی داشت. تا جایی که می فرمود: من زمانی، آن قدر به مثنوی عارف بزرگوار، ملای رومی، علاقه داشتم، که سالیان درازی تمام اوقات فراغتم را به خواندن آن می گذراندم و لذت می بردم. وی بر اثر تفکر زیاد در تحقیق مطالب و فهم مسائل، به لقب « فکور » معروف بودند. آن گونه که مشهور است، حضرت آیهالله حائری (ره) ایشان را به این لقب خواندند. »

علاقه زیاد به امام خمینی (ره)

آیهالله فکور، نسبت به امام خمینی علاقه زیادی داشت. امام نیز نسبت به وی محبت خاصی ابراز می کرد. آیهالله خاتم می گوید:

« وقتی امام (ره) را از ترکیه به نجف اشرف تبعید نمودند، آقای فکور در منزل ما در نجف بود. تا شنید امام به نجف منتقل شده اند، بی درنگ به دیدن ایشان شتافتند و امام (ره) نیز برای دیدار ایشان به منزل ما آمد، بین آن دو انس و الفت خاصی وجود داشت. »

آقای فکور اگر احساس می کرد کسی نسبت به امام خمینی (ره) بی مهربی می ورزد، بسیار ناراحت و رنجیده می شد و می فرمود: امام امت کسی است که از طرف حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مؤید است و ما باید در

همه اعمال و رفتار، حامی و پشتیبان او باشیم.»

سخنرانی و منبر

با همه فضائل و کمالات و جایگاه بلند حوزوی، خطیب و سخنران خوبی بود.

سخنرانی های او، انقلاب روحی در مردم ایجاد می کرد و همه را مجذوب خود می ساخت. بدین جهت، با همه مشاغل علمی به امر تبلیغ دین بسیار اهمیت می داد. و تا سنین پیری، در حد امکان سعی می کرد، در مواقع مناسب برای ارشاد مردم به شهرها و بخش ها و روستاهای دور و نزدیک سفر کند و احکام و معارف روحبخش اسلام را به مردم برساند. نه تنها سخنان شیوا و جذاب او، آموزنده بود، بلکه رفتار و اخلاقش نیز الگو قلمداد می شد.

می گفت: « برای تبلیغ اسلام و دین به تویسرکان رفته بودم، شخص دیگری از برادران روحانی نیز در آنجا سخنرانی می کرد. سخنرانی و منبر من جلوه خاصی یافته بود. و بیشتر مردم را به خود جلب کرده بود.

آن آقا، در بیشتر مجالس به من ناسزا می گفت و توهین می کرد. گاهی می گفت تو ریاکار هستی، تو چاپلوسی می کنی؟!... امّا نه تنها من هیچ عکس العمل ناهنجاری نشان نمی دادم، بلکه بیشتر نسبت به وی اظهار علاقه می کردم و این رفتار ادامه داشت تا اینکه روزی به من گفت: فلانی تو چه آدمی هستی! با این همه ناسزاگویی هیچ *

عکس العملی نشان نمی‌دهی؟! همین رفتار و اخلاق باعث شد، او کم‌کم از دشمنیهایش دست بکشد و از دوستانم گردد.

دوستی اباعبدالله و اهل بیت (ع)

در ایامی که راه عتبات عالیات باز بود، آیه‌الله فکور سالی دو مرتبه به کربلا و نجف مشرف می‌شد، آنگاه هم که راه بسته شد، با زحمات زیادی از بیراهه‌ها با راهنمایی افراد خاصی خود را برای زیارت عتبات عالیات به نجف و کربلا می‌رساند و مدتی هم می‌ماند.

وقتی به حرم اباعبدالله (ع) مشرف می‌شد، ساعت‌ها از حرم بیرون نمی‌آمد، به گونه‌ای مجذوب حرم می‌شد که متوجه هیچ کس نمی‌شد. عشق و علاقه‌ای خاص به امام حسین (ع) داشت. گاه ساعت‌ها در صحن حرم می‌نشست و گنبد و بارگاه اباعبدالله را می‌نگریست و نمی‌توانست از آن دل بکند و به خانه برگردد.

خودش می‌گفت: «دوست روحانی متدینی داشتم که مدتی پیش از دنیا رفته بود، آرزو داشتم او را در خواب ببینم و از احوال عالم برزخ سؤال کنم و خبری بگیرم.

این را هم می‌دانستم که بر اساس روایات: در روز قیامت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) و... شیعیان را شفاعت می‌کنند و از آن مهلکه‌ها نجات می‌بخشند.

آنچه که خود آنها سفارش کردند، این است که برای عالم برزخ فکری بکنید. شفاعت مال روز قیامت است.

ه این جهت خیلی دلم می خواست بدانم که چه عملی در عالم برزخ به کار می آید و انسان را نجات می دهد؟ تا اینکه شبی او را در خواب دیدم؛ جلو رفتم، دستش را گرفتم و پرسیدم: در عالم برزخ چه عملی ارزش دارد و سبب نجات انسان می شود؟ ابتدا دستش را از من جدا کرد و عقب عقب رفت، دویدم گریبانش را گرفتم و گفتم تا جوابم را ندهی، رهایت نمی کنم. گفت: « برای عالم برزخ زیارت اباعبدالله الحسین (ع) را فراموش نکن ».

از دیگر خصوصیات بارز ایشان احترام بسیار به سادات بزرگوار و فرزندان اهل بیت (ع) خصوصا اهل علم آنها بود با تعظیم و تکریم زایدالوصفی با آنها روبرو می شد.

زهد و تقوا و احتیاط در مصرف بیت المال

آیهالله فکور در تمام کارهایش دقت و احتیاط داشت، به ویژه در مصرف وجوهات شرعی و اموال بیت المال بیش از اندازه احتیاط می کرد. (۱) بدین سبب با اینکه اموال زیادی از خمس و زکات و کفارات و هدایا به دستش می رسید، همه را با دقت خاصی جدا می کرد و به مصارفش می رساند؛ اما خود زندگی ساده و مختصری که از سطح یک طلبه متوسط نیز پایین تر بود، اختیار کرده بود.

لباسش نوعا از پشمی بود که خود تهیه می کرد، بسیار کم غذا می خورد، بیشتر به مطالعه و عبادت و شب زنده داری می پرداخت. تا

۱- گفتگو با حجهالاسلام حاج سید جعفر حسینی رکن آبادی .

آخر عمر در خانه اجاره ای به سر برد و به خود اجازه نداد که از وجوهات خانه ای تهیه کند. با این همه اگر کسی از جهت مادی یا معنوی احتیاجی داشت و به وی مراجعه می کرد، تا سر حد توان در انجام آن تلاش می کرد.

چون پدری دلسوز و مهربان، و برادری همدل و چاره ساز، با بلندنظری و احترام، نیاز مراجعین را برطرف می ساخت و هرگز شخصیت مؤمنین نیازمند را جریحه دار نمی کرد.

حجهالاسلام حاج سید محمد نجفی می گوید: « وقتی دخترش را به منزل شوهر بردند، مقداری «مهر نان» (۱) که سهمیه دخترش بود و هنوز مصرف نشده بود، به بیت المال برگرداند.

آقای محمدی میگوید: یک وقت طلبه ای از آشنایان ازدواج کرد، ایشان می خواست هدیه ای برای داماد ببرد. اما این کار ۷ یا ۸ ماه طول کشید. بعدها به من گفت: هنوز پولی ندارم که چیزی بخرم. کاملاً مشهود بود که مایل نیست از وجوهات چیزی بخرد و می خواست از اموال شخصی خودش باشد. بعد از یک سال پولی جمع کرد و یک روفرفشی به قیمت ۸ دینار عراقی معادل ۱۶۰ تومان خرید و برای وی هدیه برد.

آیهالله فکور با آن همه زهد و تقوا، مردی شیرین سخن بود و مجلس گرمی داشت. آن گونه نبود که چون برخی چهره در هم کشد و گوشه گیری اختیار کند. از نظر اجتماعی و برخورد با مردم به گونه ای بود که اگر کسی در جلسه ای با ایشان می نشست، مجذوب وی می شد.

۱- حواله ای که بوسیله آن نان تهیه می شد .

تواضع بی حد و دل دادن به حرفهای مردم، سبب محبوبیت وی در دلها شده بود، دیدارش انسان را به یاد خدا می انداخت.

استخاره

وی با روش خاصی برای مراجعین استخاره می کرد. نوعا جوابهایش درست بود. بدین سبب نیز شهره آفاق گردید و از خارج و داخل برای همین امر به وی مراجعه می کردند.

در این باره می فرمود: استخاره غیب نمی گوید ولی مصلحت را بیان می کند. (۱)

روزهای آخر عمر بر اثر عارضه سرطان در خانه بستری شد، فضلا و طلاب برای عیادتش می آمدند و از سخنان شیرینش بهره مند می شدند.

وی با صفا و معنویت، زهد و ورع زندگی را سپری کرد و از وی تنها یک فرزند دختر باقی ماند. بالاخره در روز جمعه هشتم ذیقعده سال ۱۳۹۴ دیده از جهان فرو بست و در مقبره شیخان قم، در جوار زکریا بن آدم اشعری، سمت شرقی شیخان، بدن مطهرش به خاک سپرده شد.

در حوزه علمیه قم و شهر اردکان، سه روز به مناسبت رحلت وی درسها و مغازه ها تعطیل شد.

۱- مصاحبه با آیهالله خاتم یزدی و حجهالاسلام و المسلمین حاج سید محمدنجفی و حجهالاسلام محمود محمدی و حجهالاسلام حاج سید جعفر حسینی رکن آبادی .

روی سنگ مزارش چنین حجاری شده است:

«العلماء باقون ما بقى الدهر»

قد اختلفى فى هذه الجثوه جثمان العلم و الحكمة و التقى، و اقل فيها شمس سماء الفقه و الورع و الهدى بعد ما استضاء به جم غفير من طلبه العلم و بغاه الحكمة و رواد الفضيله و هو العبد الشكور آيها الله الملك الغفور الحاج شيخ محمد الفكور اليزدى، حشره ربه مع مواليه فى جنات العلى و قد لحق روحه بالملاء الاعلى فى الرابع عشر من شهر ذيعقده الحرام من سنه ۱۳۹۴ هجرية قمرية، بعد مضي سبعين عاما من عمره الشريف. (۱)

...

۱- برابر است -۱۳۹۴ هجریا ۱۳۵۲ هـ (گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله، تألیف احمد بیرشک، ص ۱۰۶) بنابراین؛ چنانچه تاریخ تولد وی را آنگونه که در شناسنامه اش آمده (۱۲۷۸ هـ) برابر ۱۳۱۷ هـ قمری بدانیم، وی در حدود ۷۷ سالگی به لحاظ سالهای قمری و یا ۷۴ سالگی به لحاظ سالهای شمسی از دنیا رفته است و با نوشته روی سنگ قبر منافاتی ندارد چونکه در اینجا اینگونه آمده «بعد مضي سبعين عاما من عمره الشريف) یعنی بعد از ۷۰ سالگی از دنیا رفته اند.

سید محمد کاظم قزوینی (۱۳۷۳ - ۱۳۰۷ش) (پاسدار ارزشها) / غلامرضا گلی زواره

تبار پر بار

فرزندان حضرت امام موسی کاظم (ع) نمونه مجسم و عملی از تعالیم قرآنی و نشانگر ویژگیهای دودمان امامت بودند. سیر زندگی بازماندگان آن فروغ هفتم سرشار از فداکاری و مجاهدت در راه دین و اعتلای ارزشهای معنوی بود.

یکی از بهترین دلایل تسلیم ناپذیری آن وجودهای با برکت در مقابل ستم تلاطم روحی آنان در برخورد با آفات رشد و تعالی جامعه، پراکندگی و گوناگونی محلّ زندگی و اقامت آنان در جهان اسلام است. تبار دانشور «قزوینی» (۱) از لحاظ نسب به سالار پروا پیشگان و ستم ستیزان، حضرت امام موسی کاظم (ع) می رسند و از میان این سلسله با شرافت، واعظان اندیشمند، مفسران و فقیهان والامقام، نویسندگان ژرف اندیش و شاعران متعهد و دلسوز برخاسته اند که هر کدام خدمات

۱- - البته آل رفیعی که از ذریه میرزا محمد زمان طالقانی قزوینی هستند و آیهالله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی بدانها منسوب است در تیره سادات قزوینی موسوی قرار نمی گیرند (نک: منظومه معرفت از نگارنده: ص ۵۶).

ارزنده علمی، فرهنگی و تبلیغی به جامعه اسلامی نموده و صفحاتی از تاریخ تشیع را با تکاپوی علمی خود مزین ساخته اند و با پاسداری از دژ استوار خاندان وحی و رسالت پرداخته و چون مدافعانی آگاه و فداکار در صیانت از فرهنگ اصیل اهل بیت (ع) لحظه ای مضایقه ننموده اند.

قافله قزوینی

آل قزوینی که از تبار تلاش و تحقیق و طایفه جهاد و اجتهاد هستند، غالباً در شهر مقدس کربلا و در جوار بارگاه مطهر سالار شهیدان - حضرت امام حسین - (ع) اقامت داشته اند، ولی اصل آنان قزوینی است.

اقامت این خاندان در کربلای معلی در قرن دوازدهم هجری صورت گرفت و شخصیت مشهور آنان سید محمد باقر موسوی قزوینی ملقب به معلم السلطان است که نخستین کسی از این قبیله بود که به نجف اشرف در سال ۱۱۸۵ ه ق مهاجرت کرد. وی پس از سیزده سال اقامت در جوار مضع مطهر نخستین پیشوای شیعیان به سال ۱۱۹۸ ه ق همراه برادرش سید محمد علی (فرزند سید عبدالکریم موسوی قزوینی حائری) در کربلا رحل اقامت افکند. (۱) برخی طایفه مذکور را از نوادگان سید محمد علی موسوی قزوینی دانسته اند. (۲)

۱- - تراث کربلا، سلمان هادی الطعمه، ص ۱۴۹.

۲- - نک: دائرالمعارف تشیع، ج ۱ ص ۲۰۵.

یکی از شخصیت‌های برجسته این خاندان سید ابراهیم، فرزند سید محمد باقر قزوینی، (۱۲۶۲ - ۱۲۰۴ه ق) است که از بزرگ عالمان شیعه در اواسط قرن سیزدهم هجری می باشد. وی در اکثر مراتب علمی و حسن تحریر کم نظیر و در مکارم اخلاق و احاطه به مسائل فقهی و کلامی و حید عصر خویش به شمار می رفت.

نزدیک به یک هزار شاگرد داشت که سید حسین کوه کمری، شیخ زین العابدین مازندرانی، حاج سید اسدالله حجت الاسلام اصفهانی و صاحب قصص العلماء (تنکابنی) از جمله آنان است. معروفترین اثرش، ضوابط الاصول، تقریر دروس استادش، شریف العلماء مازندرانی است. مدفن او در نزدیکی بازار حضرت ابوالفضل (ع) از صحن مقدس حسینی واقع شده است. (۱)

خاندان قزوینی از طریق مادر به سید محمد مجاهد (صاحب ریاض المسائل) نسب می برند. در واقع آنان از جانب پدر به امام موسی کاظم (ع) و از سوی مادر به امام مجتبی (ع) منتهی می گردند. (۲)

این طایفه نقش بسیار مؤثری در تاریخ علمی، اجتماعی و سیاسی دیار مقدّس کربلا داشته اند و نامورانی از ایشان در طول اعصار و قرون در مقابله با نقشه های استعمارگران و حيله های استکبار جهانی مقاومت ورزیده و مانع بزرگی بر سر راه توطئه های استبدادی بوده اند

۱- - ریحانها الادب، مدرس تبریزی، ج ۳ ص ۳۷۷ - ۳۷۶ قصص العلماء، تنکابنی، ص ۳ هدايه‌الاحباب، محدث قمی، ص ۱۷۶ اعیان الشیعه، ج ۵ ص ۳۹۷.

۲- - هدی المله انّ فدک نحلّه، آیهالله سید محمد حسن قزوینی، مقدمه (تحت عنوان چهره ای از مؤلف).

و هم اینک نیز افرادی از آنان در زندانهای رژیم بعث عراق گرفتارند.

بگاہ پاکیزگی

سید محمد ابراهیم قزوینی یکی از فروغهای فروزان و از سادات اصیل و مشهور به زهد و وارستگی در شهر معطر کربلا بود. در روز دوازدهم ماه شوال سال ۱۳۴۸ق (۱۳۰۷ش) (۱) خداوند به این دانشور دیندار فرزندی عطا کرد که با تولدش صفای بیت شریف این انسان را دو چندان ساخت.

این فرزند، محمد کاظم نامیده شد، دوران کودکی این غنچه نورسته در دامن پر مهر و محبت مادری خوش طینت سپری گشت که خود از پرورش یافتگان مکتب سعادت بخش تشیع بود.

سایه مهر گستر پدری فاضل و محیطی آکنده از رایحه روان بخش ایمان و معنویت، بذر ایمان و آگاهی در وجود سید محمد کاظم می افشانیید. اما یکی از وقایع اسف انگیز برای خانواده سید محمد این بود که هر چه خداوند فرزندی به آنان عطا می کرد به دلایل گوناگون و در سن طفولیت رخ در نقاب خاک می کشید.

سید محمد ابراهیم و همسرش گر چه از چنین رخدادهایی به لحاظ پیوستگی عاطفی با فرزندان ناراحت می شدند، ولی این حقیقت را باور داشتند که بلاها و سختی ها، تحفه های الهی است و حکمتهایی در این حوادث به ظاهر ناراحت کننده نهفته که تنها خداوند از نهان

۱- - گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۹ ص ۲۷۶ و نیز تراث کربلا، ص ۱۵۰.

آنها آگاه است.

خواست خداوند بر این تعلق گرفت که سید محمد کاظم باقی بماند و از گزند حوادث مصون گشته، منشأ خدمات علمی و تلاشهای فرهنگی گسترده گردد.

چون سید محمد ده بهار را پشت سر گذاشت، در وفات مادر مهربان و وارسته اش سوگوار گردید. گویا مواجه شدن با سختیها و پیدایش آشفته‌گی در مسیر زندگی این کودک، می‌خواست گوهر کمالات او را آشکار نماید و روح وی را از وابستگی دنیوی جلا دهد. دو سال دیگر در سن دوازده سالگی فراق پدر را متحمل شد. این دو حادثه موقعیت بسیار سختی را برای نوجوان دوازده ساله پدید آورد. دشواری وقتی رو به تزاید رفت که به دلیل بدهی زیاد پدرش منزل مسکونی آنان نیز به فروش رفت. (۱)

گرچه این سبزه نورسته دوران نوجوانی را سپری می‌کرد، به موجب تربیت صحیح دینی، در لایه لای ابرهای متلاطم و تیره بلایا، آفتاب درخشان لطف خداوندی را مشاهده می‌کرد و سخن پدرش را فراموش نمی‌کرد که « محنتهای الهی بیانگر نزدیکی فرد به پروردگار است و هر چه خداوند کسی را بیشتر دوست داشته باشد، آثار تعلقات دنیای فانی را بیشتر از چهره اش می‌زداید تا تکیه گاه محکمی برای خود برگزیند و به ریسمان استوار الهی چنگ زند.»

چنین آگاهیهایی سبب شد تا نهال نوپای سید محمد با توفانهای

حوادث به لرزه در نیاید و در جزر و مدهای زندگی، آرامش روحی خویش را حفظ کند و خود را برای کسب کمالات و تحصیل دانش دینی مهیا سازد.

تحصیل کمال

سید محمد کاظم پس از آن که کشتی طوفان زده دل را به ساحل شکیبایی و آرامش هدایت کرد و با یاد و نام سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) و خواندن اشعاری در رثای آن حضرت چشمه اشک در کویر غم جاری ساخت، دروس مرحله مقدمات و سطح را در حوزه پر فیض کربلا آموخت. در دوره سطح از فروغ اندیشه آیات و عظام و حجج الاسلام سید میرزا هادی خراسانی، سید محمد حسن قزوینی، شیخ محمد خطیب، شیخ جعفر رشتی و سید محمد صالح قزوینی محظوظ گشت.

سید میرزا هادی که مرجع عالیقدر محسوب می گشت، در کنار تدریس دوره عالی در حوزه علمیه کربلا- تدریس کفایه الاصول، رابه طور خصوصی برای برخی از شاگردان برجسته اش دایر کرد که آیه الله سید محمد کاظم قزوینی افتخار حضور در این جمع نورانی را داشت.

قله های فرزانی

سید محمد کاظم پس از پایان رسانیدن دوره سطح، در دروس عالی حضرات آیات سید میرزا مهدی شیرازی، شیخ یوسف خراسانی و سید هادی میلانی شرکت نمود.^{۱۰}

آیه الله العظمی حاج سید مهدی حسینی شیرازی علاوه بر رابطه شاگردی و استادی، پیوند عاطفی نزدیکی با سید محمد کاظم داشت. بعدها این ارتباط به وصلتی مبارک شد. زیرا دختر آیه الله میرزا مهدی شیرازی به عقد ازدواج وی در آمد. ثمره این پیوند پاک پنج فرزند فاضل و برومند شد که همگی در حوزه علمیه و مراکز علوم اسلامی و تبلیغات شیعی اشتغال داشته و به تدریس در سطوح عالی مبادرت ورزیده اند. اسامی ایشان عبارتند از:

حاج سید محمد ابراهیم، حاج سید محمد علی، حاج سید محمد مصطفی، حاج سید محسن و حاج سید جعفر قزوینی (۱)

آیه الله میرزا مهدی شیرازی از خاندانی است که شخصیتی چون آیه الله سید حسن شیرازی، احیاگر قدرت فتوا، در بین آنان چون خورشیدی فروزان می درخشد. (۲) بیش از یک قرن است که در این قبیله، قله مرجعیت همچنان استمرار یافته است.

برادر همسر آیه الله قزوینی، شهید بزرگوار آیه الله سید حسین شیرازی، است که پس از یک ربع قرن مبارزه بی امان بر ضد استبداد و

۱- - گنجینه دانشمندان، ج ۹ ص ۲۷۷.

۲- - نک: میرزای شیرازی احیاگر قدرت فتوا، سید محمود مدنی .

استعمار و تحمل انواع نامالایمات و شکنجه های جانفرسا در بهار ۱۳۵۹ ه ش در بیروت به دست عوامل بعثی به شهادت رسید.

(۱)

خطیب نکته پرداز

آیه الله سید محمد کاظم قزوینی پس از بهره مند شدن از محضر اساتید در دانش فقه، حدیث، کلام و تفسیر قرآن، مهارتها به دست آورد و موفق گردید در حوزه علمیه کربلای معلی تفسیر قرآن و فقه را به شاگردان خویش بیاموزد.

ایشان در خطابه و سخنوری نیز ممتاز بود و ذوق او استعداد ذاتی وی در این موهبت الهی دخالت موثری داشت و توانایی او مصداق علمه البیان بود. (۲) و چون در بیانات پر جاذبه و شیرین خویش از صمیم قلب سخن می گفت، بر دلها تأثیر می گذاشت، نرمی و تأثر در قلبها پدید می آورد، روآنها و اندیشه ها را جلا می داد و شنوندگان را از خواب غفلت بیدار می کرد. دانش دینی و تسلط بر منابع قرآن و روایی و آگاه بودن بر روح تعلیمات اسلامی و شناخت مقتضیات زمان و اوضاع روزگار و مصالح جامعه اسلامی و چگونگی موضع گیری در مقابل جریانهای موجود، وعظ و خطابه او را تقویت کرده بود. خصوصیت وی راستگویی و یت خالصانه اش بود. او می کوشید در تشریح مباحث دینی و معرفی سیره اهل بیت (ع) با استمداد از منابع معتبر و مستند

۱- - درباره وی بنگرید به کتاب آیهالله سید حسن شیرازی شهیدانقلاب اسلامی عراق، علی کاظمی .

۲- - سوره الرحمن، آیه ۳.

به صورتی صحیح و با پرهیز از نقل قول سست به سخنوری پردازد و به خطابه ها و مواعظ خود غنا بخشد.

آراستن سخن به معانی گوناگون و ایجاد هیجان و حالات عاطفی و احساس در شنوندگان از هنرهای این خطیب نکته پرداز است.

در وعظ و ارشاد دینی، غالباً بر قرآن و تعالیم انبیا و اولی (ع) تکیه می کرد و با کمک گرفتن از تاریخ و حوادث گذشته و نتیجه گیری جالب شنوندگان را نسبت به امور جاری آگاه و در خصوص آینده خود ارشاد و هدایت می کرد. محبت ائمه را در دل شیفتگان و کینه دشمنان قرآن و عترت را در قلبها مستحکم می نمود و معنویتی که چون رایحه ای معطر از وجود شریفش در فضا پراکنده می شد، سازندگی سخنان او را افزون می کرد.

چه گناهکارانی که بر اثر بیانات این خطیب ماهر راه توبه پیش گرفته و فطرت آنان بیدار گشت و چه پایمال کنندگان حقوقی که به ادای حقوق دیگران اهتمام ورزیدند. (۱) کم نبودند افرادی که با گوش فرا دادن به سخنان این سید والا گهر نسبت به مبانی تشیع خوش بین شده و از بدگمانی و تهمت‌های نابه جا دست برداشته و بذر محبت به خاندان عترت در قلبهای آنان کاشته شد.

فضلابی چون، شیخ مرتضی شاهرودی، سید عبد الحسین قزوینی، شیخ ضیاء زبیدی، شیخ عبدالحمید مهاجر و شیخ محمد مجاهد فن

۱- با استفاده از مقدمه علی کرمی بر کتاب فاطمه (س) از ولادت تا شهادت به قلم . آیه‌الله سید محمد کاظم قزوینی .

خطابه را نزد آیه الله قزوینی آموختند. آن انسان وارسته به منظور تربیت خطیب و سخنور ماهر برای گروههایی از طلاب حوزه علمیه کربلا دوره آموزش عالی خطابه را آغاز کرد.^(۱)

مؤسسه ای پر ثمر

آیه الله سید محمد کاظم قزوینی به منظور شناساندن مذهب تشیع، در سال ۱۳۸۰ه ق، مؤسسه ای با عنوان « رابطه النشر الاسلامی» در کربلا تأسیس کرد، بنیان نهادن چنین مرکزی در آن زمان و شرایط اختناق آمیز کشور عراق نظیر نداشت. برنامه این مؤسسه ارتباط با کشورهای اسلامی، مکاتبه با شخصیت‌های سیاسی - مذهبی دنیای اسلام و ارسال کتب و نشریات شیعی به صورت رایگان برای افراد و مراکز فرهنگی بود. محور این تلاش

فرستادن کتاب به برخی کشورهای آفریقایی چون الجزایر و مراکش بود که هزاران سید علوی در این دو کشور زندگی می کردند، ولی در اثر تبلیغات مسموم در ادوار تاریخی و سمپاشی دشمنان شیعه و دوری از مراکز تبلیغی، ناآگاهانه نسبت به نخستین امام شیعیان که جد آنان نیز است، اعتقاد نداشتند.^(۲)

در آغاز، محدوده فعالیت این تشکیلات منحصر به چند کشور عربی بود ولی بعد از آن، برنامه های مؤسسه گسترش یافت و

۱- - صفحاتی، ص ۱۰.

۲- - اسلام و تعلیمات تربیتی، سید محمد کاظم قزوینی، مقدمه مترجم (ذکر الله احمدی)، ص ۱۳ - ۱۲.

کشورهای دیگر آفریقایی، آسیایی، اروپای غربی و کشور استرالیا را زیر پوشش قرار دادند.

ارسال کتاب به نقاط مزبور آثار ژرفی بر تفکرات مردم آن سرزمینها نسبت به تشیع و «خاندان عصمت و طهارت گذاشت و صدها نفر را به تشیع معتقد ساخت.

مؤسسه « رابطه النشر الاسلامی » بعدها دو شیعه در بیروت (مرکز حکومت لبنان) و کویت افتتاح کرد. پس از به قدرت رسیدن حزب پوشالی و منحوس بعث در کشور عراق مزاحمتهایی برای این تشکیلات آغاز گردید و دستور داده شد که به صورت اجباری مکان مؤسسه تخلیه شود و سرانجام چند سال بعد ساختمان جدید و کلیه لوازم فرهنگی و کتابهای آن از سوی رژیم بعثی مصادره و برای گردانندگان آن تزییقاتی فراهم گردید.

بعد از هجرت آیه الله قزوینی به کشور کویت فعالیتهای شیعه مستقر در این سرزمین گسترش افزونتری یافت و تا چند سالی پس از اقامت ایشان در ایران برنامه های آن مؤسسه با تحرک شایان توجهی استمرار داشت. طی این مدت حدود یک میلیون جلد کتاب با موضوعات اسلامی و دیدگاههای شیعی برای علاقه مندان در حدود سی کشور ارسال گردید.

کم نیستند تعداد کسانی در کشورهای عربی، شمال آفریقا و حتی اروپا که با مطالعه کتب ارسالی نسبت به اهل بیت (ع) علاقه پیدا کرده و دلها را از کینه ای که نسبت به عترت پیامبر و خصوصا فاطمه

زهر را داشتند، خالی کردند. امواج تشیع گرایی که هم اکنون کشورهای شمال آفریقا را در بر گرفته هرگز بی تأثیر از فعالیتهای آیه الله قزوینی نیست. (۱)

در حدود سال ۱۴۰۹ ق ایشان تصمیم گرفت مرکزی به منظور پژوهشهای گسترده و عمیق پیرامون تاریخ زندگانی اهل بیت (ع) تأسیس کند و سرانجام در ماه ربع الثانی سال ۱۴۱۰ ق این مرکز با عنوان مؤسسه نشر علوم امام صادق (ع) به همت ایشان بنیان نهاده شد و خود با همکاری عده ای از دوستان فاضل و پژوهشگران حوزوی به تالیف کتابی در پیرامون امام صادق (ع) مبادرت کردند که حاصل این تلاش تدوین «موسوعه الامام الصادق»

است. ایشان تا واپسین روزهای حیات دنیوی با حضور در مؤسسه مزبور فعالیتهای تحقیقاتی مربوط به دایره المعارف مورد اشاره را انجام می داد. این اثر که تا کنون هشت جلد از آن به چاپ رسیده، نزدیک به سی جلد خواهد شد که شرح زندگانی امام صادق (ع) از جنبه های گوناگون، احادیث ایشان، تألیفات شاگردان آن پیشوای پاک شرشت که املای خود حضرت است و دهها موضوع دیگر را در بر دارد. (۲)

۱- - صفحاتی از زندگی، ص ۱۳.

۲- - رک: مقدمه کتاب فاطمه زهرا(س) از ولادت تا شهادت، ترجمه دکتر علی کرمی، ص ۲۶.

کوشش در مراکش

زمانی بصیرت و آگاهی، ایشان را بر آن داشت تا برای رسانیدن پیام رهایی بخش تشیع به گوش جهانیان بار سفر بسته، مهاجرت کند و در کشورهای دیگر پایگاهی برای مبارزه اعتقادی تشکیل دهد و کینه ها را از دلها نسبت به خاندان پیامبر کاسته، بذره‌های عطف در دلها بکارد.

هدف از این سفرها رساندن پیام دو حقیقت جدانشدنی از یکدیگر یعنی قرآن و عترت، به گوشهای شنوا بود.

در مراکش نیز اکثر مردم سنی مذهب هستند. (۱) متأسفانه گروهی سادات علوی زندگی می کنند که به تشیع به دیده نفرت می نگرند. در این کشور اسلامی به استناد خبری جعلی مبنی بر اینکه کشتی حضرت نوح در روز عاشورا بر ساحل نشست و توبه حضرت آدم در چنین روزی پذیرفته شد، به جای مراسم سوگواری برای حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) برنامه های جشن و سرور بر پا می گردید و صدها مجلس ازدواج به راه انداخته و شیرینی پخش می کردند و در واقع این روز خونین عید رسمی و زمان شادی آنان گشته بود.

آیه الله قزوینی چون از بر پای چینی رسوم ناگوار آگاه شد، به منظور تحقیق و چاره جویی راهی مراکش گردید و ضمن دیدار با دانشمندان علوم دینی، سردبیران و صاحبان امتیاز نشریات و متفکران و اهالی شهرهای گوناگون با مطرح کردن این مسأله خواستار

ریشه کنی این سنت مذموم شد، و سرانجام پس از چهار ماه تلاشهای علمی و تبلیغات اصولی و تالیف و انتشار کتابی درباره حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) مجالس جشن و سرور در عاشورای حسینی تبدیل به مجلس عزا و ماتم گردید و سنت پوسیده ای که امویان مؤسس آن بودند ریشه کن شد. (۱) بعلاوه چندین کتابخانه با کتب شیعی تأسیس شد تا اهل سنت به منابع دسترس داشته باشند. همچنین در این سفر گروهی به مذهب تشیع مشرف شدند. تمامی این فعالیتها با امکانات شخصی آیه الله قزوینی صورت می گرفت و ایشان اظهار می داشت اگر بودجه کافی و تجهیزات لازم در اختیار داشتم چنان در مراکش فعالیت می کردم که فریاد فرحزا و ملکوتی « اشهد ان علیا ولی الله » در اذان از رادیو مراکش پخش شود.

این سفر به قدری مردم آن سامان را شیفته بیانات شیوا و اخلاق پرجاذبه اش کرده بود که با وجود اکثریت سنی، آنان اجازه نمی دادند آیه الله قزوینی به وطن مألوف باز ۰ گردد و اصرار داشتند برای همیشه در آنجا بماند. (۲)

مسافرت به استرالیا

حدود سال ۱۳۹۶ه ق گروهی از شیعیان استرالیا نامه مبسوطی خطاب به آیه الله قزوینی نوشتند که در آن آمده بود: وضع شیعیان

۱- - مقدمه دکتر حسین فریدونی بر کتاب فاطمه زهرا(س)، قزوینی، ص ۱۵.

۲- - از مقدمه ذکرالله احمدی بر کتاب اسلام و تعلیمات تربیتی، سید محمد کاظمی. قزوینی، ص ۱۱ - ۱۰.

استرالیا بسیار اسف انگیز است و تشکیلاتی جز دو انجمن ضعیف در آنجا وجود ندارد. از مسجد و حسینیه خبری نیست و در گذشتگان شیعه یا سوزانیده می شوند یا بر طبق سنت مسیحیان در گورستان مسیحی ها دفن می گردند و آنان در برابر امواج کفر و تفکرات ضد مذهبی بی دفاعند.

آیه الله قزوینی در سال ۱۳۹۸ از آن کشور دیدار کرد و در شهر «سیدنی»، (مرکز شیعیان) برای آموزش علوم اسلامی مدرسه، مسجد و یک باب غسلخانه تاسیس کرد و در شهر کانبرا (مرکز حکومت استرالیا) تشکیلاتی تحت عنوان «الجمعیة الاسلامیة الجعفریة» برای شکل شیعیان و انسجام بخشیدن به فعالیتهای تبلیغی آنان تأسیس کرد.

همچنین طی بیش از یک ماه سخنرانی برای طبقات مختلف و گفتگو با آنان حجاب را که تقریباً در میان زنان شیعه مفهومی نداشت، رواج داد و بسیاری از جوانان که در رفتار و اعمال خویش ارزشهای دینی و باورهای مذهبی را ترک کرده بودند به مذهب خویش باز گشته، انجام شعائر دینی و برنامه های مذهبی را مشی خویش قرار دادند. (۱)

آیه الله قزوینی برای پیگیری برنامه های شیعیان استرالیا و تبلیغ و ارشاد در این منطقه چهار مرتبه به کشور مزبور مسافرت نمود. (۲)

۱- - صفحاتی ز، ص ۱۶ - ۱۶.

۲- - گنجینه دانشمندان، همان مجلد، همان صفحه .

همچنین ایشان از کشورهای مصر، اندونزی، تایلند، ژاپن، پاکستان و هند دیدار داشته و هر کدام از این سفرها برکات و آثار مفیدی به دنبال داشته است.

دانشمند پر تلاش

عالم ربانی و خطیب توانا آیه الله قزوینی عمر پر برکت خود را در راه احیای فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (ع) صرف نمود.

ذکرالله احمدی که کتاب «الاسلام و التعالیم التربویه» آیه الله قزوینی را به زبان فارسی برگردانیده، در معرفی ایشان می نویسد:

« زهد و تقوا و ملکات نفسانی ایشان زبانزد مردم کربلاست. مردی متین و با استقامت و هدف دار است. درد دین دارد و از مفساد اجتماع و ضعف مسلمانان رنج می برد...» (۱)

وی چون احساس کرد دشمنان اسلام دست به تبلیغات مسموم زده و کتابهای منحرف کننده ای که با ایمان و عقیده مردم نسبت به مبدأ و معاد سازش ندارد، در دسترس مردم قرار داده اند کوشید تا مناسب شرایط و مقتضیات جامعه و خصوصا جوانان، مطالبی در مباحث گوناگون اسلامی به رشته تحریر در آورد و با اسلحه قلم این تهاجم فرهنگی و یورش مخرب اندیشه ها را خنثی کند. در آثار وی بخوبی پژوهشهای عمیق، نکات علمی و مضامین استوار و برخواسته از قرآن و عترت دیده می شود. تلاش وی بر این واقعیت بنیاد نهاده

۱- - اسلام و تعلیمات تربیتی، مقدمه مترجم، ص ۱۰ - ۹ ضمنا این مقدمه در هنگام حیات . آیهالله قزوینی نوشته شده است .

شده که قوانین و احکام اسلام به عبادات منحصر نمی شود و تعلیمات اسلامی و دستوره‌های پیامبر و خاندانش تمام جوانب زندگی فرد و اجتماع را در بر می گیرد.

در کتاب «اسلام و تعلیمات تربیتی» اندیشه های روان شناسی و نکات تربیتی جالبی دیده می شود که با قلمی روان و سبکی جذاب به نگارش در آمده است.

«... وضع روحی و اخلاقی و کیفیت رفتار و گفتار مردم هر عصری محصول بذره‌های تربیتی است که در ایام کودکی در مغز آنان افشاند شده است، خوبی و بدی، پاکی و پاکیزگی، قوت و ضعف ملت فردا را باید در روش تربیتی کودکان امروز جستجو کرد... اولین شرط تربیت صحیح و پرورش شخصیت و استقلال کودک آن است که پدران و مادران فرزندان خود را بشناسند و ارزش حقیقی آنها را از نظر دور ندارند...» (۱)

مبارزات مستمر

آیه الله قزوینی به موازات پژوهشهای کلامی و اعتقادی و پاسبانی از حریم ولایت و نیز تبلیغ، از راه تحقیق و تألیف و آگاه ساختن مسلمانان برخی کشورها برای ستیز با استبداد حاکم بر عراق مبارزات گسترده ای را آغاز کرد زیرا به عقیده وی رژیم حاکم از دیر باز سعی در محو هویت مذهبی شهرهای مقدس عراق از جمله کربلا داشت و برای

رسیدن به این مقصد شوم از طرفندهای گوناگون استفاده می کرد.

آن دانشمند دلسوز از طریق سخنرانی های افشاگرانه رژیم حاکم بر عراق را افشا می نمود و طی بیاناتی مردم را از تلاشهای مذبحخانه آنان آگاه می ساخت. نظر به تأثیر عمیق سخنان وی در روحیه مردم، دستگاه حکومتی معمولاً- عکس العملهای شدیدی از خود بروز می داد و یک بار در حال سخنرانی بر فراز منبر، او را دستگیر نمودند.

از شعبان سال ۱۳۹۱ ه ق رهبری مذهبی شهر مقدس کربلا به وی رسید و رژیم بعثی آن را امری ناخوشایند تلقی می کرد، زیرا سابقه مبارزاتی ایشان را می دانستند.

مدتی بعد نیروهای امنیتی نامبرده را دستگیر کردند و به زندان الشعبة الخامسة واقع در بغداد منتقل کردند و ایشان را به مدت ۱۱۴ روز تحت شکنجه های وحشیانه قرار دادند.

از آنجا که فعالیتهای سیاسی - اجتماعی ایشان و دیگر علمای کربلا مانع بسیار بزرگی بر سر راه نقشه های پلید رژیم سفاک عراق در این شهر بود، در سال ۱۳۹۳ ه ق تنی چند از شخصیتهای مذهبی کربلا را دستگیر کردند اما وقتی به منزل آیه الله قزوینی آمدند تا وی را به زندان ببرند، ایشان از دسترس آنان دور شده و فرصت چنین حرکتی را از عوامل رژیم گرفته بود. مدت هیجده ماه مأموران در تلاش بودند که آیه الله قزوینی را دستگیر کنند و نیز برای مدت نسبتاً طولانی منزل ایشان در محاصره شدید بود و تمامی رفت و آمدها به شدت کنترل می شد.

پس از هیجده ماه، به دلیل شرایط سخت و محدودیتهایی که برای ایشان و خانواده اش ایجاد کرده بودند، در ماه شعبان سال ۱۳۹۴ ق به همراه اهل خانه به طور شگفت انگیزی عراق را ترک گفته، وارد کشور کویت گردیدند.

چند سال پس از آن، رژیم بعثی دستور مصادره اموال ایشان را صادر کرد و ضمن تصاحب منزل مسکونی و کلیه لوازم آن، تمامی کتب چاپی و مخلوط متعلق به کتابخانه غنی ایشان را نابود ساختند.

در این کتابخانه آثار خطی منحصر به فردی نظیر مجلدات سوم تا آخر کتاب کم نظیر «الامامه الکبری و الخلاقه العظمی» تألیف آیه الله سید محمد حسن قزوینی قدس سره نگاهداری می شد و به همین دلیل آیه الله قزوینی تا واپسین روزهای حیات از نابود شدن تألیفات خطی و سایر مخطوطات ارزنده موجود در کتابخانه خویش به شدت اظهار ناراحتی می کرد و بر این حادثه ناگوار تأسف می خورد.

آری او به موجب حقوقی و ایستادگی در برابر خود کامگیها بارها طعم تلخ زندان، تبعید و شکنجه را چشید و تا مرز شهادت پیش رفت و آخرین بار از سوی رژیم عراق به اعدام محکوم گردید و پس از ماهها زندگی مخفی به یاری خداوند از عراق خارج شد و از آنجا به کویت و سپس به لبنان و ایران آمد. (۱) ایشان در سال ۱۳۹۳ ق به کویت وارد شد و مدت هفت سال به خدمات تبلیغی و فعالیتهای تحقیقی مبادرت

۱- - عاشورا غمبارترین روز تاریخ، مقدمه دکتر علی رضا کرمی، ص ۱۴۵ اسلام و تعلیمات . تربیتی، مقدمه مترجم، ص ۱۰ مقدمه دکتر فریدونی بر کاب فاطمه (س) از ولادت تا شهادت . مرحوم قزوینی، ص ۱۵ صفحاتی از زندگی آیه الله قزوینی، ص ۲۶ - ۲۴.

اوراق ارادت

خطیب شهید و مجاهد بصیر آیه الله سید محمد کاظم قزوینی (ره) علاوه بر فداکاری در راه احیای میراث تشیع و صیانت از فرهنگ قرآن و عترت از راه زبان و نطق در راه ترویج ارزشهای مذهبی و امر به معروف و نهی از منکر آثار قلمی شیوا و شیرینی از خود به یادگار نهاد. در ذیل معرفی آنها از نظر علاقه مندان می گذرد:

۱ - سیره الرسول الاعظم (ص) بخشی از این کتاب که زندگانی حضرت رسول اکرم (ص) در دوران قبل از بعثت را در بر می گیرد، از سوی هیأت قرآن کریم کربلای معلی به زیور طبع آراسته شد بقیه کتاب در ماجرای مصیبت بار حمله به منزل مؤلف در شهر کربلا از بین رفت.

۲ - الامام علی (ع) من المهد الی اللحد؛ اصل این کتاب سی سخنرانی در تاریخ زندگانی امیرالمؤمنین (ع) است که در شهر کربلا در ماه رمضان ایراد شده در نوار ضبط گردید و بنا به تقاضای مسلمانان علاقه مند، خصوصاً مراکشی ها، به صورت کتاب در آمد. کتاب تحت عنوان «علی (ع) از ولادت تا شهادت» به قلم علی کاظمی به فارسی برگردانیده شد در رمضان سال ۱۳۹۷ه ق در قم به چاپ رسیده است.

۳ - فاطمه الزهراء (س) من المهد الی اللحد؛ در سال ۱۳۲۹ه ق

نیروهای امنیتی بعث عراق، آیه الله قزوینی را دستگیر کرده، در جایی - حوالی بغداد - برده، قصد تیرباران آن سید والا تبار را داشته اند. ایشان از آن خفاشان شب پرست خواسته اند تا فرصت تحریر وصیتنامه ای را به وی بدهند ولی مورد قبول واقع نمی شود. آنگاه نذر کردند که اگر خداوند ایشان را نجات دهد، کتابی پیرامون حضرت فاطمه زهرا(س) بنویسند. بعد از این نذر تیرباران صورت نگرفت و ایشان به زندان «الشعبه الخامسة» در بغداد برده شدند و بعد از چهار ماه آزاد گردیدند. وی در مقدمه کتاب به همین امر اشاره کرده است.

کتاب حاضر در ایران از سوی دو نفر ترجمه و چاپ شده است. دکتر حسین فریدونی در سال ۱۳۶۲ه ش و حجه الاسلام والمسلمین علی کرمی به سال ۱۳۷۵

۴ - الامام الحسین (ع) من المهد الی اللحد؛ این کتاب به صورت مخطوط است و بخشهایی از آن مفقود گردیده است.

۵ - فاجعه الطف او مقتل الحسین (ع) این مقتل مختصر اما پر محتوا را آیه الله قزوینی در روز عاشورای سال ۱۳۸۴ه ش در کربلا و در جوار مرقد مقدس پیشوای شهیدان حضرت امام حسین (ع) در جامع حسینی برای هزاران شیفته آن حضرت با شور و اخلاص خوانده و پس از تنقیح و اصلاح بدین صورت در آمده و به طور مکرر چاپ شده است. کتاب حاضر با ترجمه فارسی «عاشورا غمبارترین روز تاریخ» و ملحقات کرمی در قم به سال ۱۳۷۴ه ش توسط نشر مرتضی به زیور

طبع آراسته گردید.

۶ - زینب الكبرى (س) من المهد الى اللحد؛

۷ - موسوعه الامام الصادق (حدود سی جلد)؛

۸ - الام الجواد (ع) من المهد الى اللحد؛

۹ - الام الهادی (ع) من المهد الى اللحد؛

۱۰ - الامام العسکری (ع) من المهد الى اللحد؛

۱۱ - الامام المهدي (عج) من المهد الى الظهور؛ (۱)

۱۲ - شرح نهج البلاغه؛ سه جلد اول آن به چاپ رسیده و بقیه طی مصادره منزل آن سید دانشمند نابود شده است.

۱۳ - الاسلام الصحيح يتجلى في مذهب اهل البيت؛ این اثر در مورد اثبات خلافت بلا فصل حضرت علی (ع) و حقانیت مذهب تشیع به نگارش در آمده است. تنها نسخه خطی در ماجرای تصاحب اموال آن فرزانه وارسته از بین رفت.

۱۴ - الاسلام و تعالیم الترویبه؛ که به زبان فارسی از سوی ذکراالله احمدی به فارسی ترجمه شده و توسط انتشارات قرآن در قم چاپ شده است.

۱۵ - الفقه الواضح؛ حاوی شرح استدلالی بر «شرائع الاسلام» است که در هنگام مصادره منزل مسکونی ایشان تنها نسخه خطی آن از بین

۱- - چهار کتاب اخیر به دستور حضرت امام رضا (ع) و طی رؤیایی راستین تألیف شده است. ایشان در شب جمعه برابر ۱۷ ربیع ۱۴۰۲ هجری را در عالم رؤیا دیدند که به ایشان گفت. امام رضا (ع) می فرمایند، چهار امام بعد از مرا هم بنویس، مرحوم قزوینی ماجرای این رؤیا را در مقدمه کتاب امام جواد از ولادت تا شهادت آورده است.

رفته است.

۱۶- روابط زناشویی یا ازدواج در اسلام؛ ترجمه ذکراالله احمدی و نشر بیان قم.

به سوی سرای جاوید

در اواخر سال ۱۴۱۲ ه ق آیه الله سید محمد کاظم قزوینی احساس می کند که قسمتهایی از بدنش بی حس شده و متعاقب آن در نطق و سخن گفتن دچار اشکال می گردد. زبان سنگین می شود و پس از چندی تحریک ارادی این حس به طور کامل از بین می رود و از این زمان اشکالاتی در تغذیه ایشان پدید می آید.

پزشکان ایرانی و اطبای خارجی از شناخت این بیماری عاجز می مانند و داروهایی که در استرالیا برای وی تجویز می شود، تأثیر چندانی محسوس در بهبود ایشان نمی کند. با پیشرفت افزونتر بیماری در بلعیدن غذا دچار اشکال جدی و دست راست نیمه فلج و قدرت تکلم دشوار می گردد، و بعد از گذشت هیجده ماه وی برای معالجه به کویت و آلمان سفر کرده، تحت درمان قرار می گیرد. در آلمان با بافت برداری از ماهیچه پای راست، وجود ایرادی در شبکه اعصاب محرک و خشک شدن یک گروه شیکه ای از آن مشخص می شود. سیستم اعصاب محرک محیطی ایراد جدی داشت و دو رگ مهم در منطقه میانی مغز مسدود شده بود.

به رغم تلاش پزشکان و مصرف داروهایی که برای وی تجویز

گردیده بود، بیماری وی رو به بهبودی نمی رفت تا آنکه بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۶ جمادی الاول سال ۱۴۱۵ حالشان وخیم می گردد و وی از درد شدید و تنگی نفس رنج می برد و در آن شب هر یک از نمازهای مغرب و عشا را با یک تسبیح به جای می آورد و به دلیل شرایط بحرانی ایشان را به بیمارستانی در تهران می برند و با بهبودی نسبی به قم باز می گردد ولی دیگر بار در ۹ جمادی الثانی ۱۴۱۵ در بیمارستان آیه الله گلپایگانی تحت مراقبتهای ویژه قرار می گیرد، سرانجام پس از ۹۰ ساعت بیهوشی در ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر پنجشنبه ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۷۳ (۱۴۱۵ ه ش) قلب این انسان شیفته اهل بیت از تپش باز می ایستد و زندگی جاودانه را آغاز می کند.

بعد از مراسم تغسیل، تکفین و تشیع با شکوه و عبور دادن جنازه از صحن حضرت معصومه (س) و اقامه نماز میت از سوی حجه الاسلام والمسلمین حاج سید محمد ابراهیم قزوینی، پیکر آن انسان پاک نهاد در مقبره ای داخل حسینیه کربلایی ها در مکانی واقع در زیر منبر به خاک سپرده می شود. (۱)

...

حاج شیخ مرتضی حائری یزدی (شیدای عترت) / احمد محیطی اردکانی

اشاره

حاج آقا مرتضی فرزند ارشد آیه الله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، روز چهاردهم ذی حجه سال ۱۳۳۴ ه.ق در اراک به دنیا آمد. (۱)

تباری پاک

پدر بزرگوارش مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم در سال ۱۲۸۰ ه.ق در مهرجرد میبد دیده به جهان گشود و پدر بزرگش مرحوم محمد جعفر مهرجردی، فردی صالح، پرهیزکار و متقی بود، مادرش از اهالی اردکان می باشد که پس از ازدواج با آقای محمد جعفر به مهرجرد که در دو فرسخی اردکان می باشد نقل مکان کرد.

آیه الله مؤسس با ارشاد آقای میر ابو جعفر، نزد ملا علی اصغر مجدالعلماء اردکانی صاحب کتاب «هدیه المهدویه» در اردکان به تحصیل پرداخت. سپس به یزد و از آنجا به کربلا و سامرا و نجف رفت

۱- کتاب الخمس، حاج شیخ مرتضی حائری، تحقیق حاج شیخ محمد حسین امراللهی، ج ۱ ص ۶.

و به درجات عالی علمی دست یافت. تا اینکه در سال ۱۳۳۳ یا ۱۳۳۲ هـ ق به اراک (۱) مهاجرت نموده و بیش از هشت سال در آن شهر عهده دار حوزه علمیه و تربیت طلاب و فضلا گردید. و بالاخره در ماه رجب ۱۳۴۰ هـ ق همراه با آیه الله سید محمد تقی خوانساری (متوفای ۱۳۷۱ هـ ق) و آیه الله حاج میرزا مهدی بروجردی (متوفی ۱۳۸۸ هـ ق) و شیخ احمد مهرجردی یزدی و فرزندش آقا مرتضی که در این ایام بیش از شش سال نداشت به قم آمدند و با اصرار علما و اهالی قم در این شهر مقیم گردید. (۲)

اولین اقدام مهم مرحوم آیه الله حائری در این سال تأسیس حوزه علمیه قم در شرایط دشوار آن روز، که تقریباً با کودتای انگلیسی رضاخان مصادف بود، می باشد.

رضاخان بعد از تحکیم پایه های قدرت خود، تلاش گسترده ای برای انحلال حوزه نوپای قم داشت، و اگر لطف خدا و عنایت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و همت و پشتکار و مقاومت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم نبود بی تردید اثری از آن زحمات باقی نمی ماند. (۳)

آن فقیه بزرگوار سرانجام در شب ۱۷ ذیقعده سال ۱۳۵۵ مطابق ۱۳۱۵ هـ ش در سن ۸۳ سالگی به دیار باقی شتافت، و پیکر مطهرش، در رواق بالای سر حضرت معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد.

۱- در کتاب الخمس، آمده: وی در سال ۱۳۳۲ هـ ق به اراک رفتند .

۲- آیه الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سره الشریف، علی کریمی . جهرمی، ج اول، ص ۵۶.

۳- مجله نور علم، شماره مسلسل ۱۱ ص ۱۰۹.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد. (۱)

ویژگیهای اخلاقی، فعالیت های اجتماعی، استادان و شاگردان و آثار باقیمانده و دیگر خصوصیات آن عالم وارسته در این مختصر نمی گنجد، تنها به سخن بنیانگذار جمهوری

اسلامی ایران امام خمینی (ره) در این باره بسنده می کنیم:

« من خود در علمای زمان خود کسانی را دیدم که ریاست تامه یک مملکت، بلکه قطر شیعه را داشتند و سیره آنها تالی تلو سیره رسول اکرم (ص) بود. جناب استاد معظم و فقیه مکرم حاج شیخ عبدالکریم یزدی حائری که از هزار و سیصد و چهل و پنجاه و پنج ریاست تامه و مرجعیت کامله قطر شیعه را داشت، همه دیدیم که چه سیره ای داشته، با نوکر و خادم خود هم سفره بود و هم غذا بود. روی زمین می نشست و با اصاغر طلاب مزاح های عجیب و غریب می فرمود، اخیرا که کسالت داشت بعد از مغرب بدون ردا یک رشته مختصری دور سرش پیچیده بود و گیوه به پا کرده، در کوچه قدم می زد، وقعش در قلوب بیشتر می شد و به مقام او از این کارها لطمه ای وارد نمی آورد.»

امام راحل (ره) در جای دیگر نیز فرمودند:

« آیا ما مفت خوریم که مرحوم حاج شیخ عبدالکریم ما وقتی که از دنیا می رود همان شب آقازاده هایش شام نداشتند؟! » (۲)

۱- رک: ریحانها لادب، محمد علی مدرس، ج ۱ ص ۶۶ آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، ص ۲۲ تاریخ اردکان، علی سپهری، ج ۱ ص ۲۱۳.

۲- آیهالله مؤسس، علی کریمی جهرمی، ص ۵۴.

استادان

حاج آقا مرتضی در خاندان علم و فضیلت و تقوا رشد نمود و در تحصیل علم و دانش بسیار کوشا بود، بعد از اتمام دروس مقدماتی، فقه و اصول و فلسفه را نزد استادان شایسته و آیات عظام فرا گرفت.

بعضی از استادان وی عبارتند از:

۱ - آیهالله سید محمدرضا گلپایگانی:

وی می فرمود: پدر بزرگوارشان مرحوم آیهالله مؤسس (ره) به من فرمود: فرائد الاصول را برای ایشان درس بگو، و به او اجازه بده که حرف بزند و مطلبی که به ذهنش می آید بیان کند.

کاملاً معلوم است که مرحوم پدرشان بسیار عنایت داشتند که فقاقت و اجتهاد فرزندشان شکوفا شود و به مراتب عالی علمی نایل گردد. (۱)

۲ - آیهالله سید محمدتقی خوانساری (متوفای ۱۳۷۱ ه.ق)

۳ - آیهالله سید محمد محقق داماد (متوفای ۱۳۸۸ ه.ق) داماد حاج شیخ عبدالکریم حائری.

۴ - پدرشان آیهالله حاج شیخ عبدالکریم حائری (متوفای ۱۳۵۵ ه.ق)

۵ - آیهالله سید محمد حجت کوه کمره ای (متوفای ۱۳۷۲ ه.ق) پدر خانم حاج آقا مرتضی حائری.

۶ - آیهالله حاج سید حسین بروجردی (متوفای ۱۳۸۰ ه.ق)

۱ - آیهالله مؤسس، علی کریمی جهرمی، ص ۱۲۸.

۷- آیهالله امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (متوفای ۱۳۶۸ ه.ش). (۱).

تدریس

آیهالله حاج آقا مرتضی، بیش از چهل سال در حوزه علمیه قم به تدریس سطح و خارج فقه و اصول پرداخت و شاگردان ممتازی تربیت و تحویل جامعه داد.

وی در نحوه تدریس کمتر به نقل اقوال دیگر علما می پرداخت، ولی در تقسیم بندی مطالب و تبیین ادله آن و انتخاب نظر خویش بسیار دقیق و ممتاز بود. (۲).

بعضی از شاگردان

۱- آیهالله حاج سید عباس خاتم یزدی

۲- آیهالله حاج شیخ حسین شب زنده دار

۳- آیهالله شهید محمد مهدی ربانی املشی

۴- آیهالله محمد محمدی ری شهری

۵- حجهالاسلام حاج شیخ محمد حسین امراللهی، که فعلا مسؤول تحقیق و تنظیم و نشر آثار استاد می باشد.

۱- آیهالله مؤسس، علی کریمی جهرمی، ص ۱۲۸ کتاب الخمس، حاج آقا مرتضی حائری، ص ۷ و زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع. آیهالله بروجردی، علی دوانی، ص ۲۶۵.

۲- گفتگو با حجهالاسلام آ میرزا محمد پیشوایی که در حدود چهل سال در درس ایشان شرکت . نموده و با ایشان محشور بوده است .

۶- حجهالاسلام حاج میرزا محمد پیشوایی ترک آبادی. (۱)

۷- حجهالاسلام حاج شیخ محمد حسین بهجتی، « شفق » امام جمعه اردکان

۸- حجهالاسلام حاج سید علی آقا محقق داماد، خواهرزاده حاج آقا مرتضی حائری

۹- حجهالاسلام محمد حسین اشعری

۱۰- حجهالاسلام سید حسن آل طه

۱۱- حجهالاسلام سید صادق حسینی مآب یزدی. (۲)

ویژگیهای اخلاقی

اشاره

مرحوم حاج آقا مرتضی فرزندی برومند و خلف صالح مرحوم آیهالله مؤسس (ره) می باشد که زهد و تقوا، ساده زیستی، دوری از مظاهر فریبنده دنیا، نادیده گرفتن تشریفات ظاهری، پرهیز از خلاف گویی و تملق و دیگر صفات نیکو را از آن پدر بزرگوار به ارث برده بود.

با آنکه فقیهی ماهر و مجتهد و استادی ژرف اندیش بود، رساله عملیه نوشت و هیچ گاه دنبال مرجعیت نبود، حتی برای درس گفتن بر منبر می نشست با آنکه جمعیت شاگردان وی کم نبود، باز پای منبر روی زمین می نشست و درس می گفت. (۳)

۱- - ترک آباد، روستایی در ۵ کیلومتری اردکان است .

۲- - گفتگو با حجهالاسلام حاج شیخ محمد حسین امراللهی، مسؤول تحقیق و تنظیم و نشر . آثار استاد و آقای پیشوایی .

۳- - آیهالله مؤسس، جهرمی، ص ۱۳۰ - ۱۳۱.

عدالت

به مرحوم آیه‌الله مؤسس گفتند، شما پولهای سهم امام (ره) و سهم سادات را در منزل نگهداری نکنید ممکن است اتفاقی بیفتد.

ایشان فرمودند:

« ما کسی در خانه نداریم، جز آقا مرتضی که عادل است و مهدی که پسر خوبی است.» (۱)

پرهیز از دروغ

مردی که خدمتکار آقا مرتضی بود گفت: یک روز آقای آمد در منزل و از آقا مرتضی کمکی می خواست که در توان آقا نبود. کسی از اهل خانه به من گفت: برو و بگو آقا در منزل نیست. ایشان برآشفتم و گفتم یعنی دروغ بگوییم! هرگز! سپس خودشان آمدند و با احترام عذر شخص را خواستند.

هرگاه می خواست کسی را تأیید کند می گفت: تا به حال از او دروغ نشنیدم. (۲)

احترام به شخصیت دیگران

بارها می فرمود: من به خانواده سفارش می کنم که خادم خانه را با تجلیل نام ببر و خود هرگاه می خواست خادم را که نامش رحمت الله بود، صدا زند، می فرمود: آقا مشهدی رحمت الله.

۱- آیه‌الله مؤسس، جهرمی، ص ۱۳۰ - ۱۳۱ و گفتگو با حجج اسلام، پیشوایی و امراللهی .

۲- آیه‌الله مؤسس، جهرمی، ص ۱۳۰ - ۱۳۱.

سپس می فرمود: هر کس پیش خودش شخصیتی دارد و شخصیت اشخاص محترم است. (۱)

زهد و پرهیز از اسراف

وی تا آخر عمر در خانه پدریش که با خشت و گل ساخته شده بود زندگی کرد، بدون اینکه آن را نوسازی کند یا تغییر دهد. یک وقت سقف یکی از ساختمانهای منزل مشرف به خراب شدن بود، معماری حاضر شد با خرج خودش بدون اینکه از سهم مبارک امام (ع) باشد آن را بازسازی کند. اول حاج آقا مرتضی پذیرفت، اما چند روز بعد پشیمان شد و فرمود: هنوز ساختمان محکم است و برای عمر ما کافی است.

دیگری خواست همه خانه را خراب کند و در چند طبقه بازسازی کند تا جوابگوی حوائج و رفت و آمدها را بدهد، اما ایشان نپذیرفتند.

وی آن قدر مراعات وجوه و اموال عمومی را می کرد که پاکت نامه ها و تلگراف ها که برای ایشان می آمد، نگه می داشتند و درس خارج فقه و اصول را روی آن می نوشتند. (۲)

۱- - آیهالله مؤسس، جهرمی، ص ۱۳۰ - ۱۳۱.

۲- - آیهالله مؤسس، جهرمی، ص ۱۳۰ - ۱۳۱.

خدمات اجتماعی و کمک به درماندگان

اهتمام به رفع گرفتاری های مردم درمانده، برطرف کردن مشکلات زندگی آنها از دیگر خصوصیات بارز این مرد بزرگ بود. درب خانه اش به روی مردم باز بود، حاجتمندان به راحتی می توانستند نیازهای خود را با وی در میان بگذارند و مشکلات خود را به وسیله او حل کنند.

تعدادی از بازاریان محترم و تجار و بازرگانان متدین و کسبه علاقمند به امور خیر، به سرپرستی حاج آقا مرتضی حائری، برای رفع نیازمندیهای یتیمان و درماندگان جلساتی داشتند و یتیمان زیاد و خانواده های بی سرپرست بسیاری زیر پوشش داشتند و به شکل آبرومندانه به وضع آنها رسیدگی می کردند و به زندگی بی رونق آنان سامان می بخشیدند. نان، غذا، لباس و گاهی جهیزیه دختران بی سرپرست و مخارج ازدواج و عروسی آنها را با احترام تأمین می کردند. (۱)

تلاوت قرآن

این فقیه بزرگوار، بسیار قرآن تلاوت می کرد به گونه ای که می توان گفت بیشتر آیات آن را حفظ شده بود. بدین سبب گاهی سه جزء قرآن را در یک ساعت تلاوت می کرد و در سه روز تمام قرآن را ختم می نمود.

بارها می فرمود: وقتی در آیات قرآنی تأمل و دقت می کنم، هر آیه ای از آن به اندازه ای جامعیت دارد که به نظر معجزه آسا است و هر آیه ای عصای موسی است.

در حاشیه قرآنی که تلاوت می نمود نظریات تفسیری خودشان را نیز نوشته اند که هنوز مخطوط باقی است. (۱)

عشق به علی بن موسی الرضا (ع)

وی علاقه خاصی به اهل بیت (ع) بویژه حضرت امام رضا (ع) داشت و به گونه ای که اگر در درس هم نام علی بن موسی الرضا (ع) را می شنید اشک از دیدگانش سرازیر می گشت. بدین جهت بیشتر تعطیلات حوزه در مشهد مقدس در جوار آن امام همام (ع) بسر می برد. بنابر اظهار خودشان بیش از شصت سفر به خراسان رفتند و هر بار مدتها در آنجا بودند و عنایت خاصی به زیارت امام رضا (ع) داشتند. به سادات و ذریه پیامبر اکرم (ص) علاقه خاصی داشتند و برای آنها احترام ویژه ای قائل بودند. (۲)

زیارت حضرت معصومه (س)

صبح پنج شنبه ۱۶ صفر ۱۴۰۵ داخل حرم مطهر حضرت معصومه (س) نزدیک درب ایوان طلا، به فاصله حدود دو متری ضریح

۱- - آیهالله مؤسس، جهرمی، ص ۱۳۰ - ۱۳۱.

۲- - آیهالله مؤسس، جهرمی، ص ۱۳۰ - ۱۳۱.

مطهر ایستاده، زیارت آن حضرت را تمام کرده بودم که آیه‌الله حاج آقا مرتضی حائری آمدند و در همان نزدیکی ایستاده مشغول زیارت شدند.

پس از اتمام زیارت، دو روحانی از شاگردان آن بزرگوار آمدند و راجع به مکان زیارت در این حرم و معنای این جمله که باید زیارت « عند رأسها » باشد سؤال کردند.

وی در جواب آن دو روحانی اینگونه فرمود: « عند رأسها » غیر از « فوق رأسها » است. و در اینجا که من ایستاده‌ام (نزدیک درب ایوان طلا) هم « عند رأسها » صدق می‌کند و هم رو به قبله ایستاده‌ام.

سپس فرمودند: من در خواب، دیدم که حضرت ولی عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و دو نفر دیگر با هم در همین جا که من ایستاده‌ام مشغول زیارت خواندن بودند. (۱)

ایشان اضافه فرمودند: افرادی که بالاسر حضرت رو به قبله می‌ایستند و زیارت می‌خوانند، در حقیقت پشت به رأس آن حضرت کرده‌اند.

آیه‌الله حاج آقا مرتضی پس از اتمام جواب آمدند بالای سر آن حضرت و توقف کوتاهی کردند و بعد در گوشه‌ای از مسجد بالاسر مقداری نشستند و دعا خواندند. سپس نزد قبر پدر بزرگوارشان رفته مشغول تلاوت قرآن و دعا شدند.

۱- - آیه‌الله حاج شیخ حسین شب زنده دار نیز این خواب را در درس اخلاقشان در فیضیه . روز ۱۷/۸/۶۹ از مرحوم حاج آقا مرتضی بیان کردند .

مکاشفات و صفای باطن

آن عارف فقیه، دارای مقامات معنوی بالایی بودند، خوابهای صادق و مکاشفات عجیبی داشتند، بعضی از آنها را در یادداشت های خودشان ذکر کرده اند. یک نمونه آن چنین است که خود نگاشته اند: « در سفر دوم که به مشهد مقدس در خدمت صدیق محترم آقای حاج آقا مجتبی اراکی رفتم، ایشان حقیر را به خانه برد و نگذاشت با جناب آقای محمدی در مدرسه سلیمان خان زندگی کنم و در خانه ایشان خوابیدم. قبل از آن از حضرت ابی الحسن الرضا - علیه آلاف التحیه و الثناء - حاجتی خواسته بودم. از خواب که بلند شدم دیدم به دیوار جواب آن به طریق اجمال که موکول به اراده حق متعال نموده بود، نوشته شده است پس از دیدن محو شد.» (۱)

ذوق شعری

حاج آقا مرتضی علاوه بر مقام بالای علمی و فقهاتی، ذوق شعری نیز داشتند، نمونه ای از اشعارش که متضمن فضیلت زیارت امام هشتم (ع) و التجاء سوزان وی به دربار آن امام همان می باشد و در جمادی الثانی ۱۳۸۹ در مشهد مقدس سروده اند و در حرم مطهر قرائت گردیده است چنین است:

در خصال (۲) آمد که نور هشتمین *** آفتاب آسمان علم و دین

۱- - زیرا کس یادداشتهای حاج آقا مرتضی، ص ۳۲.

۲- - مقصود، کتاب خصال شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱هـ) است که در آنجا آمده: قال الرضا . (ع) من زارنی علی بعد داری ایتیه یوم القیامه فی ثلاث مواطن حتی اخلصه من اهلها: اذا تطایرت الکتب یمینا و شمالا و عند الصراط و عند المیزان الخصال باب الثلاثه، ح . ۲۲۰.

لابس خلعت ز خلوتگاه دوست *** آنکه راز علم الاسماء در اوست

مظهر اسماء خلاق مبین *** جانشین ذات رب العالمین

گفت هر کس کو بیاید سوی من *** ترک کوی خود کند در کوی من

من به دیدارش روم دیگر سرا *** وا رهانم زائرم را از بلا

او اگر یک بار آید نزد من *** من سه بار او را بیابم در محن

اندر آن هنگامه پر هیمنه *** که گهی از میسره گه میمنه

نامه های بندگان از خوب و بد *** سوی صاحب نامه ها پزان شود

واندر آن معبر که می باید عبور *** از صراط و رفتن از ظلمت به نور

واندر آن موقف که وقت سنجش است *** گاه سنجش غیر گاه بخشش است

اندر این هنگامه های پرخطر *** که نباشد عفو و بخشش در نظر

می دهم سرمایه ها از نور خود *** از گران سرمایه موفور خود

تا که میزان عمل سنگین شود *** نامه ها چون بوستان رنگین شود

با همان سرایه با اذن اله راه *** را سازم برایش شاهراه

ای علیّ عالی ای نور خدا *** ای که باشی بر رضای حق رضا

من به دیدارت مکرر آمدم *** لطف ها باید بیایم دم بدم

هم به دنیا هم به عقبی بایدت *** لطفهایی که تو را می شایدت

در پناه خود همی گیری مرا *** با جمیع دوستان و اقربا

در دلم نور معارف افکنی *** و از خرافات جهات دورم کنی

از خواهم ای ولیّ اتقیاء *** ای مهین سبط امیرالاصیاء

وقت مردن کلبه ام روشن کنی *** از قدومت گلخن گلشن کنی

روی مهر تو بهشت است ای رضا *** بلکه باشد از بهشت، اکبر، رضا(۱)

مبارزات

از خصوصیات آشکار آن عالم وارسته این بود که هیچ گاه در مبارزه با انحرافات و کجروی ها سستی نشان نمی داد و در مقام نهی از منکر و دفع بدعتها و خلافها شجاع بود.

در زمان حکومت طاغوت، با قوانین ضد خدایی شاه معدوم به طور محسوس مخالفت می نمود و رسماً در صف مبارزان و مخالفان رژیم قرار داشت.

گاهی در مجلس عمومی، علیه نظام ستم شاهی سخنرانی می کرد. (۲) تا اینکه جریان انجمن های ایالتی و ولایتی پیش آمد؛ اولین جلسه مراجع بزرگ قم در رابطه با مقابله با همین قوانین باطل، در منزل ایشان تشکیل شد. (۳)

روزنامه های عصر تهران که تصویب نامه دولت قم بود و قیود تغییر یافته آن را منتشر ساختند، نزدیک غروب به قم رسید، و به دنبال آن طوفانی از خشم و ناراحتی در میان عموم طبقات خاصه جامعه روحانیت پدید آمد، آن روز بعد از نماز مغرب و عشاء تقریباً سه ساعت بعد از رسیدن جرائد به قم، در منزل آیه الله حائری چند تن از علما و آیات عظام قم، چون آیه الله خمینی (ره) و آیه الله گلپایگانی... با حضور

۱- آیه الله مؤسس، جهرمی، ص ۱۳۹ - ۱۴۲ به نقل از مکتب اسلام سال ۲۶ ش ۲.

۲- آیه الله مؤسس، جهرمی، ص ۱۵۳.

۳- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی در ایران، سید حمید روحانی، ص ۱۴۹.

حاج آقا مرتضی فرزند بزرگوار حاج شیخ عبدالکریم حائری، به طور فوق العاده جلسه ای تشکیل شد و تا پاسی از شب پیرامون تصویب نامه دولت و نحوه اقداماتی که می باید انجام گیرد به مذاکره پرداختند.

بعد از صدور اعلامیه مراجع بزرگ قم، تلگراف دیگری صادر شد که آقایان علما و آیات عظام مرحوم سید احمد زنجانی و محقق داماد و حاج شیخ هاشم آملی و حاج آقا مرتضی حائری آن را امضاء کرده بودند و در روز ۱۷ مهرماه ۱۳۴۱ که فقط یک شب از اعلام آن در جراید شهر تهران می گذشت مخابره گردید. (۱)

حاج آقا مرتضی بعد از دستگیری امام خمینی (ره) نیز همراه علمای دیگر قم اعلامیه های مشترکی در تأیید نهضت آن قائد عظیم الشان امضا نمود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد و در آن مجلس حضور یافت.

امام خمینی (ره) نیز برای این عالم بزرگوار احترام ویژه ای قائل بود و در پیامی وی را چنین ستود:

« این بزرگوار، علاوه بر مقام فقاہت و عدالت از صفای باطن به طور شایسته برخوردار بودند و از اوائل نهضت اسلامی ایران از اشخاص پیشقدم در این نهضت مقدس بودند. فجراه الله عن الاسلام خیرا». (۲)

۱- آیهالله مؤسس، جهرمی، ص ۱۵۵ و بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی در ایران، روحانی، ص ۱۵۰.

۲- آیهالله مؤسس، جهرمی، ص ۱۶۸.

آثار باقیمانده

کتابهای چاپ شده

- ۱- ابتغاء الفضيله في شرح الوسيله، که محور بحثشان در این کتاب مکاسب محرمة از کتاب وسيله النجاه زعيم بزرگ مسلمين آسید ابوالحسن اصفهانی (ره) است و جلد اول آن به چاپ رسیده.
- ۲- رساله ای در نماز جمعه.
- ۳- کتاب الخمس، با تحقیق حجهالاسلام شیخ محمدحسین امراللهی.
- ۴- پرتوی از انوار آسمانی، تحت عنوان « علوم قرآن » درباره اعجاز قرآن است.
- ۵- مباحثی در تفسیر سوره حمد که در مجله کتابخانه مسجد اعظم به چاپ رسیده است.

کتابهای چاپ نشده

- ۱- رساله ای در نماز مسافر.
- ۲- رساله ای در طهارت.
- ۳- رساله ای در خلل صلاه.
- ۴- دوره کامل اصول در سه جلد.
- ۵- یادداشتهایی به خط خودشان در ۱۳۵ صفحه.
- ۶- مجموعه چند سخنرانی در ایام فاطمیّه (۱).

وفات

مرحوم آیه‌الله حاج آقا مرتضی حائری پس از عمری تلاش و کوشش در راه احیای دین مبین اسلام و تربیت شاگردانی والامقام دچار کسالت قلبی شده و این موجب گردیده بود گاهی در کار تدریسشان وقفه ای به وجود آید. خصوصاً در ماههای اخیر عمرشان که با سختی تدریس می فرمود، اما عنایت و توجه و اهمیت درس برای ایشان به اندازه ای بود که با همان حال مریضی به خود اجازه نمی دادند که درس را تعطیل کنند.

بالاخره در شب ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۰۶ مصادف با ۲۵ اسفند ۱۳۶۴ روح پاکش به ملکوت اعلی پیوست.

صبح روز بعد، جنازه آن زاهد عالم را از مدرسه روبروی منزلشان تشییع کردند و به صحن حرم مطهر حضرت معصومه (س) آوردند. آیه‌الله حاج سید محمدرضا گلپایگانی بر پیکر پاک آن مرحوم نماز خواندند و جنازه را به سوی مسجد بالاسر آن حضرت بردند و پایین پای پدر بزرگوارش به خاک سپردند.

امام خمینی (ره) پیام تسلیتی برای حوزه های علمیه و خانواده وی ارسال کردند که متن آن چنین است:

« رحلت اسف انگیز حضرت آیه‌الله حاج آقا مرتضی حائری (رحمه‌الله علیه) موجب کمال تأثر و تأسف گردید. ایشان در علم و عمل، به حق، خلف بزرگوار مرحوم آیه‌الله العظمی استاد معظم حضرت آقای شیخ عبدالکریم رضوان الله تعالی علیه بودند و کفی به شرفا و سعاده.

اینجانب از اوائل تأسیس حوزه علمیه پربرکت قم که به دست مبارک پدر

بزرگوارشان تأسیس شد و موجب آن همه برکات شد، آشنایی با ایشان داشته و پس از مدتی از نزدیک، معاشر و دوست صمیمی بودیم و در تمام مدت طولانی معاشرت جز خیر و سعی در انجام وظیفه علمیه و دینیه از ایشان مشاهده نمودم. این بزرگوار علاوه بر مقام فقاہت و عدالت از صفای باطن به طور شایسته برخوردار بودند و از اوائل نهضت اسلامی ایران از اشخاص پیشقدم در این نهضت مقدس بودند فجزاه الله عن الاسلام خیرا.

اینجانب به ملت محترم به ویژه اهالی وفادار قم و حضرات علمای اعلام مدرسین معظم حوزه علمیه قم تسلیت عرض می کنم و برای خاندان معظم ایشان و فامیل محترمشان خصوصا حضرت حجهالاسلام آقا حاج آقا مهدی حائری (اعزه الله) از خداوند تعالی طلب صبر جمیل و اجر جزیل می نمایم.

امید است عنایت حضرت بقیهالله (روحی و ارواح العالمین لمقدنا الفداء) شامل حال همه آنان و همه ملت مسلمان باشد و السلام علی عبادالله الصالحین. ۱۵ اسفند ۶۴ برابر با ۲۴ جمادی الثانی سال ۱۴۰۶ هجری قمری.

روح الله الموسوی الخمینی.

در همین تاریخ پیام تسلیتی را آیهالله سید محمدرضا گلپایگانی هم به همین مضامین صادر گردید و تسلیت آن بزرگوار نیز ابلاغ شد. (۱)

...

میرزا علی آقا غروی علیاری (آموزگار فضیلت) / مجید محبوبی

ولادت و تحصیل

در سپیده دم جمعه، دوازدهم رمضان المبارک سال ۱۳۱۹ هجری قمری، در تبریز و خانواده تقوا و فضیلت قدم به عرصه هستی نهاد.

در سه سالگی پدرش، مرحوم آیهالله میرزا محسن غروی علیاری، را از دست داد و از آن پس زیر نظر جدّ بزرگوارش، مرحوم آیهالله میرزا حسن علیاری، قرار گرفت.

پس از فراگیری مقدمات در مکتب خانه به پیروی از نیاکانش که از پیشگامان دین بودند، به تحصیل علوم دینی پرداخت.

آنگاه وارد محافل علمی شد و به حوزه درسی برخی بزرگان و علما راه یافت.

اساتید وی در حوزه تبریز عبارتند از آیات عظام:

۱- میرزا رضی نوروزی، (از اکابر و فقهای نامدار تبریز)

۲- سید محمد حجّت، (مرجع تقلید مشهور)

۳- میرزا حسن غروی علیاری، (جد امجد معظم له).

عزیمت به نجف اشرف

حاج میرزا علی غروی علیاری پس از تکمیل دروس سطح در سال ۱۳۴۱ هجری قمری، عازم شهر مقدس نجف اشرف شد و موفق به درک محضر بزرگانی شد که یگانه عصر خود بودند. برخی از آن بزرگان و آیات عظام عبارتند از:

۱- آقای ضیاءالدین عراقی، (۱۳۶۱ - ۱۲۷۸)

۲- شیخ محمد حسین نائینی غروی، (۱۳۵۵ - ۱۲۸۲)

۳- سید ابوالحسن اصفهانی (۱۳۶۵ - ۱۲۸۴)

۴- سید ابوتراب خوانساری (۱۳۴۶ - ۱۲۸۱)

۵- سید محمد حجت (۱۳۷۳ - ۱۳۱۰)

۶- میرزا علی آقا ایروانی (۱۳۵۳ - ۱۳۰۱)

۷- حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی (۱۳۷۸ - ۱۲۹۷)

۸- میرزا اسدالله زنجانی (۱۳۷۸ - ۱۲۸۲)

۹- میرزا ابوالحسن مشکینی (۱۳۵۸ - ۱۳۰۵)

۱۰- شیخ اسدالله رشتی (۱۳۵۴ - ۱۲۸۲)

۱۱- شیخ احمد آشتیانی (- ۱۳۰۰)

مراحل سیر و سلوک

نزدیک به هفتاد سال سالک راه حقیقت بود، صفای روح و کمال نفسانیش گواه بر این مدعی است. آیه‌الله غروی تکامل در اخلاق و عرفان عملی را مرهون زحمات و هدایت های معنوی استاد بزرگوارش،

مرحوم حاج میرزا علی قاضی، عارف عظیم الشأن، مفسّر عالیقدر، صاحب کاشفات و کرامات فراوان، می دانست. که در آن عصر استاد اخلاق و هادی سالکان و عاشقان سیر و سلوک به شمار می آمد.

همدرسان معظم له

برخی از آیات عظام و بزرگانی که با آیهالله میرزا علی غروی علیاری همدرس بودند، عبارتند از:

سید عبدالله شیرازی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، شیخ عبدالحسین غروی تبریزی، میرزا کاظم دینوری، سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی و سید جواد خامنه ای .

بازگشت به وطن

آیهالله غروی پس از سالها تحصیل و تفقه به جایگاه رفیع اجتهاد و کسب اجازات علمی - فقهی از بزرگان دست یافت. او در میان مردم بودن و برای مردم تلاش کردن را به اقامت در حوزه علمیه نجف و تشکیل کرسی درس و بحث در حالی که شایستگی آن را داشت، ترجیح داد و به تبریز بازگشت.

آیهالله غروی علاوه بر رسیدگی به امور مردم، به توسعه امور فرهنگی اهتمام ورزیده، با تشکیل حوزه درس و بحث به تربیت محصلین علوم اسلامی پرداخت.

صفات پسندیده آیه‌الله غروی زبانه‌زد خاص و عام بود. تواضع، سعه صدر، مدارا و خوش برخوردی، احترام به کوچک و بزرگ، احساس مسؤولیت، دستگیری از فقرا و محرومان حتی در بدترین شرایط اقتصادی، مواسات با مردم، حمل مشکلات و رنج‌ها در راه خدا و صبر و بردباری در برابر حوادث ناگوار، تلاش پی‌گیر و فعالیت خستگی‌ناپذیر، کثرت مطالعه و نوشتن و برخورداری از حافظه قوی و ذوق سرشار، علاقه وافر به علم و عمل از جمله صفاتی است که وجود آن بزرگوار جمع شده بود.

در خانه اش همواره به روی مراجعین باز بود، محفل او مجلس قرآن و حدیث و موعظه بود، کمتر کسی بود که در محضرش بنشیند و شیفته مکارم اخلاق و سجایای حمیده اش نشود.

آن بزرگوار، علم را با عمل توأم کرده بود و آن را همواره به عنوان بزرگترین توشه آخرت به مردم توصیه می‌کرد، هر چند خانه اش آراستگی نداشت، ولی هر دل شکسته التیام دل خود را از آن خانه می‌جست و هر بال شکسته‌ی پناهی، به آنجا پناه می‌برد.

او در طول زندگانی پربرکتش، قناعت پیشه کرد و از لذایذ زندگی چشم پوشید و خانه و پولی را مالک نشد.

عشق وافر به قرآن

حفظ تمامی قرآنی یکی دیگر از ویژگیهای آن مرحوم به شمار می رفت و با عنایت به این که ایشان مفسری گرانقدر بود، ارزش این امر روشن تر می گردد.

او قرآن را با زندگی آمیخته، در سلوک فردی و اجتماعی اش آنرا راهبر قرار داده بود. در ماههای مبارک رمضان با سوز دل به تلاوت آن مشغول می شد و تا حدود دوازده بار قرآن را ختم می کرد.

عشق و علاقه به عبادت، تهجد و دعا رابطه ای ناپیدا میان خداوند و بنده اش است. شخص موحد و مؤمن در همه حال خدا را عبادت می کند و به یاد خداست. او در لحظه لحظه عمر خویش تسبیح گوی خدای جهان است، ویژه اگر عالمی مجتهد و فقیهی زاهد باشد که عمری را در عبادت و نیایش گذرانده باشد.

نیایشهای نیمه شب سنت همیشگی وی بود، شبهای بسیاری را با دعا و نیایش به صبح می رساند. چه بسا شبهایی که با هوای سرد زمستانی در کتابخانه اش از اول شب تا اذان صبح مشغول راز و نیاز با معبود خود بود و خود به این نکته اشاره می کرد که صدای اذان، اعلام وقت نماز صبح را به وی گوشزد می کرد. در شبهای خاص مانند، نیمه شعبان، رجب، شب غدیر و شبهای تاسوعا و عاشورا، تا اذان صبح خواب به چشمانش راه نمی یافت.

روزهای پنجشنبه برای رفتگان، اساتید، هم دوره های تحصیل و علما بزرگ، به نام هر یک، مشغول تلاوت قرآن می شد. جمعه ها اول

صبح به استغاثه برای ظهور امام زمان (عج) می پرداخت، در یک کلام « او انیس دعا و دعا انیس او بود» .

علاقه ویژه به خاندان رسالت و ولایت

محبت فوق العاده اش به خاندان رسالت و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بر کسی پوشیده نیست. خصوصاً عشق سرشارش به سیدالشهداء و شهیدان واقعه کربلا، چنان شوری در او ایجاد می کرد که سر از پا نمی شناخت، با صدای بلند می گریست.

شخصیت علمی

در کتاب « زندگانی و شخصیت مرحوم شیخ مرتضی انصاری» می خوانیم:

« حفیدش حاج میرزا علی بن میرزا حسن علیاری غروی از شاگردان سید ابوالحسن اصفهانی، ولی بیشترین استفاده اش از آقا ضیاءالدین عراقی بوده و هم اکنون از اجله علما، معروف و مقدس ساکن تبریز و از مردم منزوی و به تدریس و تألیف اشتغال دارد و در سفری که سه سال قبل به اهواز داشتند، گذشته از مراتب علمی، وی را مردی زاهد و با ورع که به مکارم اخلاق آراسته بود، یافتیم» .^(۱)

شیخ محمد رازی از وی به عنوان « یکی از علما اعلام و مؤلفین کرام معاصر شهرستان تبریز»^(۲) یاد می کند، و محمد هادی امینی « عالم فقیه،

۱- زندگانی و شخصیت مرحوم مرتضی انصاری، ص ۱۵۴.

۲- گنجینه دانشمندان، ج ۴ ص ۱۶۲.

اصولی متتبع جلیل» می داند. (۱)

و هدایه‌الله مسترحمی در شرح حال آیه‌الله علیاری در مقدمه کتاب منجزات مریض معظم له می نویسد:

« و كان من جمله من هاجر الى الله تعالى في تحصيل هذا المعنى: الفاضل المحقق، و الزاهد المدقق، العلامة الفهامة، صاحب محامد الخصال، و خصال المحامد، و المترقی فی مدارج الكمال، آیه‌الله العظمی الحاج الشیخ علی الغروی العلیاری مدظله العالی». (۲)

خاطرات

آیه‌الله غروی از دقت استادش در مصرف بیت المال اینگونه سخن می گوید:

« استاد ما مرحوم آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیرازی بود که بعد از فوت مرحوم اصفهانی، در نجف ریاست تامه به او منتقل شد. در مصرف سهم امام خیلی دقت داشت، خانه ای داشت کهنه و مخروبه. هر چند مقلدان وی، اصرار کردند بر تعمیر آن، حاضر نشد. در آن زمان، حدود چهل هزار تومان، شهریه می داد، آن هم بالسویه، بدون تفاوت بین عرب و عجم و طلبه ای که به درس حاضر می شد، یا نمی شد. فرزندان طلبه خود را، به همان مقدار سایر طلبه ها، شهریه می داد. اگر اعتراض می کردند که شهریه، کفایت معاش و اجازه منزل ما را نمی کند، می فرمود: « مال پدرم که نیست، سهم امام است. مردم مرا امین قرار داده اند که آن را به طلبه های درس خوان و مستحق بدهم.

۱- معجم رجال الفكر و الادب، ص ۸۹.

۲- منجزات مریض، ص ۸.

خود من هم، فقط به مقدار معاش، در قبال خدمتی که می‌کنم و درسی که می‌دهم و استفتائاتی که جواب می‌دهم، بر می‌دارم، نه بیشتر» .

آیت الله غروی گاه از مرحوم حضرت آیه‌الله سید محمد حجت یاد می‌کرد و می‌گفت:

« در نجف اشرف آیه‌الله آقا سید محمد حجت به بنده لطف خاصی داشتند و اکثراً در مسافرت‌های کربلا و کوفه در خدمت ایشان بودم، در یکی از این سفرها به کربلا- بنده مشتاق بودم که زودتر به حرم مطهر مشرف و نماز شب را در آن مکان مقدس اقامه نمایم. مرحوم آیه‌الله حجت سلیقه شان این بود که صبح‌ها چای خورده، بعد مشرف به حرم می‌شدند. بنده اصرار نمود که آقا زودتر عازم شویم. فرمودند: بنده از آن مقدس نماها نیستم، اگر چای نخورم حضور قلب پیدا نمی‌کنم. بعد از میل چای در حضور مرحوم آقای حجت به حرم حضرت سیدالشهداء مشرف شدیم، حضرت ایشان به زیارت جامع کبیر که از حفظ داشتند مشغول شدند و بعد از اتمام ادعیه و نماز از حرم خارج می‌شوند که بنده چون مشغول ادعیه بودم متوجه نشدم. چون بیرون آمدم، متوجه شدم که آقای حجت در درب بیرونی منتظر من است. همین که چشمش به من افتاد با عصبانیت فرمودند: تو کجا هستی؟ چرا طول در ادعیه می‌دهی؟ کبوتر حرم شدی؟»

آیه‌الله غروی از مرحوم آیه‌الله سید جواد خامنه‌ای (پدر گرامی مقام معظم رهبری) نیز خاطره‌ای به یاد داشت، او می‌گفت:

« با مرحوم آیه‌الله سید جواد خامنه‌ای هم دوره تحصیل در نجف اشرف بودیم. با هم در محضر درس حضرات آیات آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا شیخ ضیاء عراقی شرکت می‌کردیم. ایشان سید صحیح نسب و به تمام معنی

روحانی بودند. آن مرحوم مظهر متانت، طمأنینه، اخلاص، تواضع، عطوفت، عزت نفس و دیگر مکارم اخلاقی بودند. قبل از عزیمت ایشان به مشهد مقدس در تبریز مقیم و در مسجدی که در چهار راه شهید بهشتی (مسجد کریم خان) است، اقامه نماز جماعت می نمودند. حقیر هر وقت به مشهد مقدس مشرف می شدم، با آن مرحوم دید و بازدید می شد.»

تألیفات

مرحوم حضرت آیه الله علیاری از همان زمان که در درس خارج شرکت کرد، به تألیف پرداخت. فهرست آثارش در نه رشته علمی عبارتند از:

۱- فقه: الرهن، الوصیه، الوقف، الرضاع، النکاح، الصلح، الخیارات، الشروط، مسقطات الخیار، الاجاره، القضاء المنجزات المریض، الغصب، الزکوه (تقریرات دروس مرحوم آیه الله ضیاء الدین عراقی - ره -) و الصلاه، البیع، الخیارات، (تقریرات دروس مرحوم آیه الله شیخ محمد حسین نائینی) ...

۲- کلام: اصول دین و عقاید - رساله فی الرجعه.

۳- تفسیر: تفسیر قرآن مجید، رساله مفردات قرآن، حروف تهجی.

۴- تاریخ: المهجه فی شرح حال الحججه (عج) - کواکب حسینه.

۵- دعا: شرح دعای کمیل، شرح دعای سمات، شرح دعای صباح، شرح زیارت جامعه کبیره، شرح دعای افتتاح، شرح دعای ابو حمزه ثمالی.

۶- حدیث: شرح چهل حدیث از احادیث مشکله - شرح فرمایش

حضرت ختمی مرتبت - (ص) شرح فرمایش حضرت امیرالمؤمنین در نهج البلاغه - حل مشکلات الاخبار -

۷- اخلاق: رساله در مواعظ، منهاج الرشاد.

۸- رجال: حاشیه بر رجال وحید بهبهانی، تقریرات رجال بحث مرحوم آیهالله ابوتراب خوانساری.

۹- اصول: تقریرات اصول بحث مرحوم آیهالله ضیاءالدین عراقی، الاصول من مباحث الالفاظ تقریرات بحث مرحوم آیهالله شیخ محمد حسین نائینی...

وفات

سرانجام حضرت آیهالله حاج میرزا علی غروی علیاری بعد از یک قرن عمر با برکت در اواخر اسفندماه ۱۳۷۵ بعد از ادای فریضه مغرب و عشاء، هنگام نوشتن حاشیه بر کتاب عروها لوثقی آقا سید کاظم یزدی، با بروز سکنه مغزی در بیمارستان امام خمینی تبریز بستری گردید و پس از یک ماه و اندی که معالجات پزشکان سودی نبخشید، مرغ روحش در قفس تن آرام نگرفت و عصر روز دوشنبه - دوم اردیبهشت سال - ۱۳۷۶ اوائل اذان مغرب به سوی فضای بیکران رضوان الهی پر کشید. با اعلام خبر درگذشت آن عالم جلیل القدر شهر تبریز در ماتم و عزا فرو رفت.

مراسم تشییع پیکر آن فرزانه یگانه روز چهارشنبه از مسجد جامع تبریز با حضور انبوهی از مردم و روحانیت تا مصلاهی امام خمینی (ره)

صورت گرفت و بنا به اصرار فرزندش آیه‌الله جواد علیاری، حضرت آیه‌الله آقا سید ابوالحسن مولانا - از علمای سرشناس تبریز - بر پیکر آن بزرگوار نماز خواند.

پیکر مطهرش جهت دفن در شهر مقدس قم، به تهران انتقال یافت و روز پنج‌شنبه با شرکت انبوهی از مردم و علمای بزرگوار تهران از مسجد جامع فاطمیه تا بیت فرزند برومندش میرزا جواد علیاری مشایعت شد و عصر روز پنج‌شنبه با حضور مراجع عالیقدر تقلید، اساتید و روحانیت معظم، از مسجد امام حسن عسکری (ع) تا حرم مطهر تشییع شد.

مراسم نماز در قم به امامت عارف سالک، حضرت آیه‌الله آقا شیخ محمد تقی بهجت، در صحن حرم مطهر بزرگوار گردید و بعد از آن پیکر پاک آن عالم وارسته در صحن حرم مقدس حضرت معصومه (س) در کنار یاران سفر کرده خود، آیه‌الله سید مرتضی جزایری، آیه‌الله سید احمد زنجانی، آیه‌الله سید محمد محقق داماد در آرامگاه ابدی قرار گرفت.

حاج شیخ مهدی امامی امیری (فقیه آزاده) / عبدالرحمن باقرزاده آملی

اشاره

شهر بابل از دیر باز ملجأ و مأوای جویندگان و طالبان علم و معرفت از سراسر مازندران و خاستگاه علما نام آور بوده است.

در قرون اخیر، خصوصاً در قرن گذشته مدارس علمی در بابل از رونق فراوانی برخوردار بود، و به خاطر حضور اساتید برجسته، مجتهدین و فرهیختگانی والا مقام از حوزه های علمی بابل برخاسته و چون ستارگانی فروزان در جهان علم و فقاہت درخشیدند.

سعید العلماء بار فروشی؛ (۱۸۷ - ۱۲۷۰ق)، شیخ زین العابدین بن مسلم بارفروشی؛ (۱۲۲۷ - ۱۳۰۹ق)، شیخ عبدالله مازندرانی؛ (۱۲۵۶ - ۱۳۳۰ق)، از رهبران مشروطیت، سید عبدالغفار مازندرانی؛ (متوفی ۱۳۶۵ق) ملا محمد اشرفی؛ (۱۲۱۹ - ۱۳۱۵ق)، شیخ کبیر مازندرانی؛ (۱۲۴۰ - ۱۳۴۵ق)، علامه کبیر شیخ محمد صالح علامه مازندرانی (۱۲۹۷ - ۱۳۹۱ق) تنها چند تن از بزرگان این دیار هستند.

از دیگر ستاره های پر فروغ این شهر می توان از حضرت آیه الله حاج شیخ مهدی امامی امیری (ره) نام برد که مقاله حاضر نگاهی گذرا به زندگی و شخصیت ممتاز آن عالم فرزانه دارد.

ولادت

آیه الله حاج شیخ مهدی امامی امیری (ره) در سال ۱۳۰۲ قمری در امیر کلای بابل (۱) و در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود. از همان دوران کودکی به خاطر روح پاک و علاقه سرشار با قرآن آشنا شد و سنین نوجوانی به حوزه علمیه بابل راه یافت و به تحصیل علوم مقدس دینی پرداخت.

تحصیلات و اساتید

وی پس از ورود به مدرسه آستانه بابل و اقامت در آن، علوم مقدماتی و سطوح عالی را از محضر اساتید گرانقدر فرا گرفت، برخی از استادان او عبارتند از:

۱- آیه الله شیخ علی اصغر مجتهد مازندرانی (۱۲۴۵ - ۱۳۳۰ ق)؛ او از فقهای بزرگ و از شاگردان میرزا حبیب الله رشتی (ره) ، میرزا حسین میرزا خلیل تهرانی و مرحوم آخوند خراسانی (ره) بود.

یکی از علمای بابل برای نگارنده اظهار داشت؛ استفتائاتی از مازندران به نجف اشرف می رفت، ولی مراجع بزرگ نجف آن را برگردانده و می فرمودند: «از شیخ علی اصغر مجتهد استفتاء کنید».

۲- شیخ اسماعیل بن حداد، متوفی ۱۳۲۷ قمری، وی از بزرگان و شاگردان مرحوم سعید العلماء و مرحوم ملا محمد حمزه شریعتمدار بابلی (ره) و هم عصر با ملا محمد مقدس اشرفی (ره) بود. بنا بر نقل

۱- رازی، محمد، آثار الحجه، ج ۲ ص ۷۷.

بزرگان معاصر، مرحوم اشرفی برای مقام والای علمی و فقهی ایشان احترام زیادی قائل بود.

۳- آیه الله شیخ محمد حسین شریعتمدار (ره) (۱۲۴۰ - ۱۳۲۰ق)؛ از علماء بزرگ بابل بود و در نقباء البشر (۱) از وی تمجید شده است.

۴- آیه الله سید احمد استاد (ره) (۱۲۸۰ - ۱۳۶۵ق)؛ از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی (ره)، آقا سید محمد کاظم یزدی (ره) و ملا فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی (ره) و از علمای با نفوذ بابل بود.

مرحوم حاج شیخ مهدی امامی (ره) با آنکه از این اساتید استفاده فراوان برد، اما روح بلندش همچنان از عطش علم در التهاب بود و در پی چشمه های دیگر می گشت، لذا راهی تهران شد و از محفل علمی استادان مختلف بهره های وافری در سطوح عالی و دروس استدلالی برد و در زمره زبده ترین شاگردان آن بزرگواران در آمد. استادان والا گهر او در تهران عبارتند از:

۱- شهید حاج شیخ فضل الله نوری (ره) .

۲- آقا سید علی اکبر لاهیجانی (ره) .

۳- آخوند ملا محمد (ره)؛ صاحب حواشی بر شرح شمسیه. (۲)

معظم له پس از چند سال اقامت در تهران، عازم عتبات عالیات گشته و در نجف اشرف از خرمن پر فیض بزرگان فقاقت استفاده کرد و از اساتید بزرگ، به اخذ اجازه اجتهاد مفتخر گشت. اساتید وی در

۱- - رازی، محمد، آثار الحجّه، ج ۱ ص ۲۹۷.

۲- - رازی، محمد، آثار الحجّه، ج ۲ ص ۷۷.

عراق عبارتند از:

۱- حضرت آیه الله شیخ عبدالله مازندرانی (۱۲۵۶ - ۱۳۳۰ق) ؛ از رهبران مشروطه که در کتابهای رجال از ایشان به عنوان « علامه محقق، فقیه اصولی و یکی از اعظم و اکابر علماء امامیه» یاد شده است.

۲- آخوند خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ق) ؛ صاحب کفایه.

۳- آقا سید محمد کاظم یزدی، صاحب عروه.

۴- شیخ الشریعه اصفهانی. (۱)

مدت اقامت ایشان در حوزه علمی نجف اشرف از پر بارترین دوران زندگی این عالم فرزانه به شمار می رود. شخصیت علمی و معنوی وی در این دوره شکل گرفت، روح تشنه اش سیراب گردید و به قله رفیع اجتهاد دست یافت، ه و با کوله باری از علم و معنویت رانی بابل گشت، شیخ مهدی در امیرکلا ساکن گشت و به ارشاد مردم و ترویج شریعت مقدس نبوی پرداخت. او با هوشیاری و تحمل سختی های مردم منطقه را در امور دینی و اجتماعی رهبری می کرد، به این ترتیب قلوب زیادی به سوی او جذب شدند و او توانست ضمن پراختن به امور علمی و اشتغال به تدریس، سرآمد رجال علمی منطقه گردد.

۱- - رازی، محمد، آثار الحججه، ج ۲ ص ۷۷.

هجرتی دیگر

شیخ مهدی پس از چند سال اقامت در وطن، یک بار دیگر در سال ۱۳۴۸ قمری، عازم شهر مقدس قم (۱) گردید و به بهره گیری از ذخایر سرشار علمی خود، به تدریس دروس عالی در فقه و اصول و همچنین تفسیر قرآن و فلسفه و علوم معقول پرداخت. (۲)

مدت چندانی از اقامت آن مجتهد عالی مقدار در قم نگذشت، که به خاطر جذابیت بیان و بهره مندی از قدرت ممتاز علمی، مورد توجه علما، فضلا و طلاب قرار گرفته و شاگردان فراوانی در محفل علمی او گرد آمدند.

شیخ در قم از مدرسین عظام حوزه علمیه قم به حساب می آمد، چنانچه در نجف اشرف نیز بر کرسی تدریس می درخشید و شاگردان ورزیده ای از محضرش بهره مند گشتند.

حضرت آیه الله محفوظی از علمای معاصر قم برای نگارنده نقل فرمود:

« چند جلسیه ای از دروس ایشان را درک کردم، واقعا جامعیت داشتند و مخصوصا در تراجم و رجال خیلی مهارت داشت، درس تفسیر و اسفار ایشان، آمیزه ای از تفسیر و حدیث و رجال و فلسفه و حتی روضه بود. معظم له ارادت شدیدی به شیخ فضل الله شیهید داشت و معمولا از ایشان یادآوری می کرد و خود اشک می ریخت.»

صفت بر جسته آن استاد فرزانه، جدیت و خستگی ناپذیری وی در

۱- رازی، محمد، آثار الحججه، ج ۲ ص ۷۷.

۲- رازی، محمد، آثار الحججه، ج ۲ ص ۷۷.

امر تدریس و همت بلندشان در راه تربیت شاگردانی وارسته و ممتاز بوده است. بطوری که طبق نقل بعضی از تلامیذ معظم له که در حکمت و علوم معقول افتخار شاگردیشان را داشتند، وی از صبح تا ظهر در مسجد سلماسی بر کرسی تدریس تکیه زده و شاگردان را از مباحث مختلف بهره مند می ساختند.

به هر حال مقام بلند علمی و معنوی آن رادمرد، مورد قبول و عنایت همه علما و مجتهدین بود.

مرحوم حضرت آیه الله حاج سید ابوالحسن حسینی (ره)، متوفی ۱۳۷۶ش؛ برای نگارنده حکایت کرد:

« پس از ارتحال مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره)، آن بزرگوار به خاطر برخورداری از امتیازات لازم، کانون توجه علماء اعلام برای احراز مقام مرجعیت و زعامت حوزه علمیه قم گردید. اعظام حوزه علمیه چون مرحوم آیه الله سید صدر الدین صدر (ره) و مرحوم آیه الله حجت (ره) و دیگران از ایشان دعوت کردند تا زعامت حوزه را ره عهده بگیرند، ولی معظم له از قبول مسؤولیت امتناع کرده و بر تکیه بر کرسی تدریس را ترجیح دادند و از همین راه دانشوران برجسته ای را تربیت نمودند» .

ارادت علما

مرحوم حاج شیخ مهدی (ره) با وجود امتناع از زعامت و مرجعیت عامه، به خاطر مقام و منزلت علمی و معنوی، همواره مورد احترام علمای طراز اول قم و مراجع عظام تقلید بود، چنانکه بین ایشان و آیه الله العظمی بروجردی (ره) صمیمیت فراوانی وجود داشت. طبق

فرموده حاج شیخ مهدی (ره)، آقای بروجردی (ره) هر ماه به منزل ایشان می آمد.

مرحوم حضرت آیه الله میرزا هاشم آملی نیز می فرمود:

« آیه الله بروجردی (ره) که از درس تا منزل و از منزل تا حرم مطهر با درشکه رفت و آمد می کرد، هر وقت از چندین متری آقا شیخ مهدی امیری (ره) را می دید، از درشکه پیاده شده و از جلوی ایشان سواره ردّ نمی شد، آنها با هم دوست صمیمی و وصیّ یکدیگر بودند...»

مرحوم آیه الله حسینی (ره) بابلی متوفی ۱۳۷۶ش هم برای نگارنده نقل کرد:

« زمانی مرحوم آقای بروجردی (ره) جلوی حرم مطهر حضرت معصومه (س)، مرحوم آقای شیخ مهدی را دید که عبا به سر کشیده و طّیّ مسیر می کردند، آقای بروجردی (ره) جلوتر آمد و به ایشان سلام کرد، ولی آقا شیخ مهدی متوجه نشد. پس از توجه، ضمن عذر خواهی از آقای بروجردی، فرمود ببخشید که متوجه نشدم، چون ما از اموات هستیم.

آقای بروجردی (ره) فرمود: نه شما از احیاء هستید و ما از اموات هستیم» .

البته روشن است که مراد هر دو بزرگوار حیات معنوی و روحانی است و داستان نشان دهنده عمق تواضع و فروتنی آن بزرگان است.

نمونه دیگر از ارادت علماء قم، مخصوصاً حضرت امام خمینی قدس سره به ایشان داستانی است که یکی از روحانیون بزرگوار برای راقم این سطور نقل کرد:

« زمانی مرحوم حاج شیخ مهدی از سفر مشهد مقدّس برگشته بود. علماء زیادی به دیدار ایشان آمده بودند. در منزل ساده شیخ مهدی، از خادم و کارگر

خبری نبود، کسی هم نبود که از علماء پذیرایی کند، حضرت امام خمینی که در آن زمان شهرت فراوانی نیز پیدا کرده بود و در جمع علماء دیدار کننده حضور داشت، وقتی وضع را چنین دید، شخصا بلند شده و به آشپزخانه رفت و چای آماده کرد و از علماء حاضر پذیرایی کرد» .

این امر از طرفی گویای بزرگواری و تواضع حضرت امام خمینی قدس سره و از طرف دیگر بیانگر مقام والای مرحوم حاج شیخ مهدی و ارادت علماء قم به ایشان است.

ویژگیها

اشاره

بیان ویژگیهای عالی فرهیخته، چون مرحوم حاج شیخ مهدی (ره) کاری بس مشکل است از این روی تنها به بعضی از آن ویژگیها به طور گذرا مرور می کنیم.

صراحت و قاطعیت

در بیان حقایق ابائی نداشت و علماء و مردم کهنسال منطقه خاطره های فراوانی از این ویژگی شیخ مهدی به یاد دارند. دوران زندگی ایشان مصادف با حکومت رضاخان بود که به فرمان اربابان خارجی خود، کیان اسلام را هدف گرفته بود و به رواج فساد و بی بند و باری دامن می زد. از این رو، عالمان شجاع و دانشمندان بزرگ به مبارزه با طاغوت و پاسداری از حریم ارزشهای اسلامی و دین و عفاف پرداختند. در این میان مرحوم حاج شیخ مهدی نیز ساکت ننشست. در سخنرانیها، با قاطعیت و صراحت لهجه، اقدامات رضاخان از جمله،

بی حجابی و طرح متحد الشکل کردن لباس را محکوم و در منابع علنا از گناهان رایجی چون، رباخواری و ریش تراشی به شدت انتقاد می کرد.

وقتی در منازل افراد برای افطار، شرکت می کرد و مجلس را خالی از فقراء و مساکین و محلّ اجتماع اغنیاء می یافت، به میزبان اعتراض می کرد و می فرمود:

« چرا فقرا و مساکین را دعوت نکرده ای؟ این مهمانها که همه شان از اغنیاء و تأمین شده هستند. باید افرادی را دعوت کنید که محتاج حضور بر سر این سفره ها هستند» .

هر گاه گناهکاری را می دید هر چند شخص مهمی باشد، بی پرده به او تذکر می داد، یکی از علماء بابل در این رابطه داستان زیر را برای نگارنده نقل فرمود:

« در یک مجلس مهمانی، در تهران که مرحوم حاج شیخ مهدی حضور داشتند، یکی از صاحب منصبان ارتش در حالی که انگشتی از طلا به دست داشت، حاضر بود، آن بزرگوار به او رو کرده و فرمود: مگر نمی دانید انگشت طلا حرام است؟! چرا به دست گذاشتید؟!»

او هم وقتی این قاطعیت را دید، بدون درنگ انگشت را بیرون آورده و در جیب خود گذاشت. بعد از صرف غذا و رفتن مهمانان، صاحب منزل رو به آقا کرد و گفت: « آقا ایشان از صاحب منصبان - مقامات عالی رتبه - ارتش بود، چرا این حرف را زدید؟! آبروی ما را بردید».

معظم له فرمود: اگر قبل از نهار این حرف را می زدی، در منزل شما غذا نمی خوردم، چرا که از « نهی از منکر» جلوگیری می کنید» .

داستاتی دیگر از قاطعیت ایشان را یکی از ملازمین شیخ مهدی برای نگارنده نقل فرمود:

در زمان حاج شیخ مهدی (ره)، دو تن از روحانیون مبارز را دستگیر و به کلانتری بردند. او شخصا به کلانتری رفته و با عصا به فرمانده پاسگاه اشاره کرد و فرمود: «اینها را آزاد کنید و با من بفرستید و گرنه هر چه دیدید از چشم خودتان دیدید» فرمانده پاسگاه هم در مقابل این قاطعیت، بدون مقاومت در همان وقت آنها را آزاد کرد.

تبعید

در نتیجه مبارزه با رضاشاه، به کاشان تبعید شد. ماجرا از این قرار بود که؛ پس از اجرای ننگین کشف حجاب و سایر اقدامات رژیم طاغوتی، مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره)، پیامی اعتراض آمیز خطاب به شاه نوشتند، و مراتب انزجار خود را از این اقدامات ضد دین اعلام داشت. رضاخان با بی ادبی تمام پاسخ داد «حجه الاسلام حاج شیخ عبدالکریم؛ این حرف از اراجف است و کسانی که شما را محرک بوده اند، تعقیبشان می کنیم».

پس از آن چند نفر به کاشان تبعید شدند، که یکی از آنها مرحوم حاج شیخ مهدی مازندرانی (ره) بود. یکی از نویسندگان معاصر، ضمن معرفی معظم له به عنوان یکی از «مشروطه خواهان اصیل» به تبعید وی اشاره کرده می نویسد:

«تعدادی از رجال سرشناس مشروطه خواه اصیل، بعد از آنکه پرده ها از روی واقعه مشروطه به کنار رفت... جمعی از مشروطه خواهان اصیل مانند... حاج

میرزا مهدی مازندرانی (ره) یکی از شاگردان بنام مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری (ره) شهید، که در ماجرای کشف حجاب نیز به اتهام تحریک آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) در ارسال تلگراف اعتراض به رضاشاه توسط او از قم به کاشان تبعید شد و... از همه جریان‌های سیاسی سخیف آن روزگار زده شدند و به نحوی خود را به جریان فکری و فرهنگی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری در قم منسوب ساختند...» (۱).

مرحوم آیه الله العظمی اراکی (ره) در خاطرات خود، ضمن بیان این مطلب می فرماید:

« نتیجه آن (نامه شیخ عبدالکریم حائری) این بود که ؛ رضاخان گفته بود: این حرف اراجف است، محرّکین شما تعقیب خواهند شد، عده ای از جمله شیخ مهدی مازندرانی را که در قم ساکن بود و از بزرگان و اساتید محسوب می شد و آدم موقّری بود و از خصّیصین مرحوم شیخ فضل الله نوری بوده است که به دارش زدند، او نیز به کاشان تبعید شد...» (۲).

سخنوری

از دیگر ویژگی‌های معظّم له جذابیّت کلام و اقتدار و توانمندی در سخنرانی بود. سخنان وی در اعماق جان مستمع نفوذ می کرد و افراد را به شدّت منقلب می کرد. علت این نفوذ کلام، قاطعیّت و صراحت در گفتار و طهارت نفس و قداست روح بود، چرا که وی مجسمه تقوا و صداقت و پاکی و پای بندی به فضایل انسانی بود و در تهذیب نفس و

۱- - شکوری، ابوالفضل، سیره صالحان، ص ۳۲۹.

۲- - شکوری، ابوالفضل، سیره صالحان، ص ۳۳۴.

سیر در میادین عشق و معرفت بی نظیر و الگوی بزرگی برای سالکان و پویندگان طریق هدایت محسوب می گشت. به خاطر عظمت معنوی، سخنانی که از اعماق جانش تراوش کرده و از انفاس قدسی و مسیحایی اش بیرون می آمد، تا اعماق جان شنوندگان نفوذ می کرد. البته قبول مسئولیت سخنانی و منبر برای عامه مردم با وجود آن مقام شامخ علمی و شهرت عظیم، خود حاکی از روح متواضع و فروتنی آن بزرگوار و قبول رنج و مشقت فراوان، برای ترویج شریعت و تهذیب نفوس مردم بود. شیخ موعظه مردم را به عنوان دستور و وظیفه شرعی تلقی می کرد و به آن اهمیت زیاد می داد.

طبق نقل مرحوم آیه الله حاج سید ابوالحسن حسینی، پس از فوت مرحوم سید محمد باقر (ره)، معروف به امام جمعه (در سال ۱۳۲۶ شمسی)، که فردی نافذ و منصوب از طرف حکومت بود و در مسجد کاظم بیگ نماز جمعه و جماعت اقامه می کرد، مردم بابل از مرحوم حاج شیخ مهدی دعوت کردند تا بار دیگر به بابل مراجعت کرده، در مسجد کاظم بیگ به اقامه جماعت و رتق و فتق امور پردازند.

پس از این دعوت، هر چند ایشان از مراجعت دائمی امتناع کرد اما در ماه مبارک رمضان به بابل آمد و در مسجد کاظم بیگ به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج معارف دین پرداخت. البته پس از چند سال به اصرار مردم امیر کلا، ماه مبارک رمضان را در مسجد جامع امیر کلا به اقامه جماعت و احیاء شعائر دینی پرداخت. قدرت خطابه ایشان که با صفای درون همراه بود زبانزد خاص و عام بود و

اهل معرفت پای سخنانش به شدت می گریستند.

شیفتگان معارف دین برای درک حضور ایشان و استفاده از بیانات شیوا و جذّاب وی، از روستاهای دور و نزدیک، خود را به مسجد جامع «امیر کلا» می رساندند تا از انفاس قدسی ایشان بهره مند گردند.

آری، نفس قدسی آن مرد خدا در تبلیغ و ترویج شعائر دین و ایجاد روحیه دینی و مذهبی در آن منطقه نقش بسزایی داشته و با وجود سپری شدن حدود چهل سال از رحلت ایشان، هنوز هم یاد و سخنان دلنشین وی در بین مردم آن سامان زنده است.

زهد و اقامه سنتها

بارزترین ویژگی مرحوم حاج شیخ مهدی امامی زهد بی مانندش بود.

وی از مناعت طبع بالایی برخوردار بود. با آنکه در موقعیتی بود که می توانست از زندگی خوبی بهره مند باشد، ولی هرگز زندگی خود را به مظاهر مادی نیاراست. او همواره فقیرانه می زیست و در تنگی معیشت بسر می برد، آنچنان که همیشه زهدش بین علماء و بزرگان مشهور بود.

در رابطه با زندگی سخت و عنایت ویژه حق تعالی به ایشان، یکی از ملازمین موثق آن بزرگوار برای نگارنده نقل کرد: شخصی هر چند وقت، مقداری از ما یحتاج عمومی آنها را به منزلشان می آورد، تا آنکه روزی تقاضای ناروایی از معظم له کرد که ایشان هم از قبول آن امتناع

کرد. همسر مکرمه ایشان، ضمن اعتراض گفت: چرا تقاضای ایشان را برآورده نکردی؟ چرا که دیگر همین مقدار ما یحتاج را نخواهد آورد.

ایشان فرمود: این آقا نیست که اینها را می آورد، اینها از جای دیگر می رسد.

چندی نگذشت که از آن شخص خبری نشد و اتفاقاً کس دیگری می آمد و چیزهایی برای آنها می آورد.

او به سنتهای اسلامی، ادعیه، اذکار و توسلات به محضر اقدس خاندان عصمت و طهارت (ع) و بر پایی و شرکت در مجالس سوگواری اهل بیت (ع) سخت پای بند بود و دیگران را نیز به این امور سفارش می فرمود. در ایام مخصوص عزاداری، در بیت شریف خویش محافلی برگزار کرده و به سوگ می نشست.

یکی از نزدیکان موثق وی می گوید: هر وقت معظم له در ماه مبارک رمضان برای امور تبلیغی وارد بابل می شد، مقید بود که به منزل بستگان نزدیک و حتی وابستگان دور و درجه دوم و سوم رفته و صله رحم کند و این امر نیز از بزرگواری و فروتنی آن شخصیت ممتاز عالم اسلام حکایت دارد.

تالیفات

از آن استوانه فقه و فضیلت، آثار ارزشمندی نزد بازماندگان وی باقی مانده است. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد هنوز تالیفات گرانسنگ آن فقیه فرزانه به چاپ نرسیده و آن همه میراث ذی قیمت فرهنگی

به جامعه علمی عرضه نگشته است، غیر از رساله علمیه معظّم له که در زمان حیات ایشان برای عمل مقلّدین به چاپ رسید.

حاج شیخ مهدی امامی (ره) در اواخر عمر شریف خود، به بیماری سختی مبتلا گشته، و در یکی از بیمارستانهای تهران بستری شد و سرانجام پس از عمری سرشار از همت و تلاش، در دهم جمادی الثانی سال ۱۳۷۸ ق اقمری، دیده از جهان فرو بست. خبر ارتحال وی به سرعت در بابل پیچید و هاله ای از غم و اندوه سراسر منطقه را فرا گرفت، عدّه زیادی از مؤمنین و مریدان معظّم له برای مراسم تشیع راهی قم شدند.

پیکر پاک وی با احترام به قم منتقل شد و پس از تجلیل فراوان و باشکوه خاص تا حرم حضرت معصومه (س) تشیع شد.

در این مراسم با شکوه علماء و بزرگان زیادی چون حضرت آیه الله العظمی بروجردی (ره) و حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) حضور داشتند و مرحوم آقای بروجردی آنچنان از این مصیبت تحت تأثیر قرار گرفتند که طبق گفته شاهدان عینی، آن بزرگوار پابرنه در تشیع حاضر شد و بر پیکر مطهر آن بزرگوار نماز خواند. پیکر پاک آن مرحوم پس از انجام تشریفات مذهبی در قبرستان شیخان (جنب در ورودی غربی شیخان) به خاک سپرده شد. والسلام علیه یوم ولد و یوم مات.

شیخ محمد رضا طبسی (نگهبان نور) / حسین روحانی نژاد

اشاره

به مناسبت سیزدهمین سالگرد ارتحال ملکوتی عالم عامل و محقق فرزانه و مدافع مخلص حریم ولایت، حضرت آیه الله شیخ محمد رضا طبسی قدس سره نگاهی می افکنیم بر سیمای درخشان او و قبسی بر می گیریم از حیات سرشار از کوشش و اخلاص او.

در هجدهم شعبان سال ۱۳۲۲ هجری قمری آنگاه که پدر و مادرش به زیارت ثامن الحجج مشرف شده بودند پا به عرصه حیات نهاد. پدرش که از صالحان و تقوای پیشگان و ارادتمندان امام هشتم (ع) بود، نامش را محمد رضا گذاشت. دوران کودکی و نوجوانی را در طبس گذرانید و مبادی علوم را نزد پدر و سید محمد علی معروف به میرزا جعفر فرا گرفت. به سال ۱۳۲۷ هجری قمری به فرمان پدر به مشهد مهاجرت کرد. در آن هنگام، او پانزده بهار را

پشت سر نهاده و با شور و شوقی زاید الوصف برای ادامه تحصیل در حوزه مشهد رحل اقامت افکنده بود. مقدمات و بخشی از مرحله سطح را نزد اساتید معروف حوزه مشهد آموخت: ادبیات عرب را نزد ادیب نیشابوری، اصول را نزد شیخ کاظم دامغانی، قوانین را نزد میرزا محمد حسین شهرستانی و

شرح لمعه را نزد سید محمد باقر مدرس. اما حوزه مشهد نمی توانست عطش او را برای فراگیری علوم مختلف اسلامی فروشانند. از این رو به حوزه علمیه قم هجرت کرد. در آغاز به تکمیل مرحله سطح پرداخت: مکاسب شیخ انصاری و کفایه الاصول آخوند خراسانی را نزد عالم فرهیخته، آیت حق، سید علی یشربی کاشانی، رسائل شیخ انصاری را نزد آیت الله العظمی مرحوم سید محمد تقی خوانساری و ریاض المسائل را نزد جمال السالکین، عارف و فقیه نامور آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی فرا گرفت. سپس به درس خارج فقه و اصول را یافت. در این مرحله هفت سال از محضر حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم، بهره گرفت. فلسفه و علوم عقلی را از محضر فیلسوفان فرزانه میرزا علی اکبر یزدی و سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و فصوص الحکم محیی الدین عربی را نزد عارف و عالم بلند آوازه حضرت آیه الله العظمی محمدعلی شاه آبادی فرا گرفت. وی در مدت اقامت خود در قم همواره ملازم استاد و مراد و محبوب خود میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (ره) بود و از آن استاد الهی اخلاق و سیر و سلوک می آموخت.

محقق جوان ما در حالی که مجتهدی توانا بود و به دریافت چندین اجازه اجتهاد نائل آمده بود، باز هم از طلب علم علوم باز نایستاد و پس از چند سال اقامت در قم به نجف اشرف مهاجرت کرد. در حوزه نجف در درس فقه و اصول اعلام و بزرگانی چون میرزا محمد حسین نائینی، آقا ضیاءالدین عراقی، شیخ محمدحسین اصفهانی معروف به

کمپانی، میرزا علی ایروانی و سید ابوالحسن اصفهانی شرکت جست و بهره ها گرفت. او از اصحاب مورد اعتماد و از اعضای دفتر استفتائات آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی - مرجع مقتدر و مورد توجه خاص امام عصر - ارواحنا فداه - بود و حدود پانزده سال از محضر پر فیض او استفاده نمود. وی در همین زمان از مباحث کلامی و تفسیری عالم عامل و محقق مشهور آیه الله شیخ محمد جواد بلاغی نیز بهره ها گرفت و ذخیره ها اندوخت. استاد طبسی در تمام این مراحل به عنوان عالمی جدی و پر کار و خستگی ناپذیر مطرح بود و همگان به او به دیده عظمت می نگریستند.

محقق بزرگوار ما به تواضع، سعه صدر، خلق نیک، علو همت، بلندی اندیشه، ورع، تقوا، عفت و حیاء آراسته بود، چنانکه سیمای ظاهری او نیز پرجاذبه بود. او به بزرگان تعظیم می کرد و با خردسالان با مهر و عطوفت برخورد می نمود. همواره در سلام بر دیگران اعم از صغیر و کبیر، وضع و شریف سبقت می گرفت. ساده زیستی و بی اعتنایی به زخارف دنیا شیوه او بود. او تا پایان عمر در خانه ای قدیمی و محقر زیست و از دنیا جز به قدر ضرورت برنگرفت و قناعت را همواره پیشه خود ساخت.

طبسی از دیدگاه علما و بزرگان

اشاره

تعداد زیادی از مراجع و شخصیت های بزرگ علمی معاصر محقق طبسی درباره مقام شامخ و علمی و عملی او سخن گفته اند، که در این مقال، فقط سخن تنی چند از آنان را می آوریم:

۱- مرحوم محقق نایینی

« جناب عالم عامل، فاضل کامل، تکیه گاه عالمان تقوای پیشه و فضلا، ثقه الاسلام حاج شیخ محمدرضا طبسی - که همواره خدا او را تأیید کند - از جمله کسانی است که تمام توان خود را در طلب علم و عمل به کار گرفته تا به درجه والای اجتهاد نائل آمده و به صلاح و ارشاد قرین گردیده است. او می تواند به احکامی که به شیوه متداول میان مجتهدان بزرگ استنباط می کند، عمل می کند.» (ماه صفر سال ۱۳۴۹)

۲- آقا ضیاء عراقی

« عالم عامل و فاضل کامل، تکیه گاه و پشتیبان فقهای راشدین و عماد فضلا و مجتهدین، شیخ بزرگوار و پاک سرشت، رکن مورد اعتماد، غوّاص دریای دانش و محور تقوا و حلم، افتخار اعلام، شخصیت مورد وثوق و سربلند و ستوده همگان، کنز عرفان و تحریر زمان، دانشور راه یافته (به قله کمال)، شیخ محمد رضا طبسی که از وطن خود به نجف مهاجرت کرد و با جدیت و کوشش فراوان در محضر بزرگان و بهره گیری از عنصر زمان چنان کوشید

که به مقصود نائل آمد و مجتهدی عادل گردید، پس او را سزد که به آنچه استنباط کند، عمل نماید

و در مسائلی که اجتهاد کند، تقلید بر او حرام است و او از همان اختیاراتی برخوردار است که مجتهدان در زمان غیبت امام عصر (عج) از آن برخوردارند و او را به تقوای الهی توصیه می‌کنم که بهترین زاد راه آدمی است.»

(سال ۱۳۴۹ق)

۳- سید ابوالحسن اصفهانی

«... جناب عالم و عامل و فاضل کامل، صاحب اندیشه قوی و سلیقه مستقیم، صفی و زکی (دوست صمیمی و برگزیده و نیکوکار) مورد اطمینان، ثقه‌الاسلام شیخ محمدرضا طیبی - دامت تأییداته - از کسانی است که عمر خود را در تحصیل علوم شرعی و تنقیح مبانی نظری آن صرف کرده و در محضر جمعی از بزرگان و بر این حقیر، مدت زیادی افاده و استفاده و تحقیق و تدقیق و جدّ و جهد پرداخته تا آنکه از عالمان برجسته گردیده، از آنان که

مشارالیه بالبنان (آنکه همگان او را با انگشتان به یکدیگر نشان می‌دهند و زبانزد خاص و عام است) گردیده است؛ پس او را سزد که به احکامی که به روش متداول میان اعلام استنباط می‌کند، عمل کند، و به او اجازه دادم که آنچه را روایت آن از طریق من به صحت پیوسته است روایت کند...» (سال ۱۳۴۸ق)

۴- شیخ عبدالکریم حائری

۴- شیخ عبدالکریم حائری، بنیانگذار حوزه علمیه قم

«آیه‌الله طیبی) مدتی طولانی در درس من حاضر شده و با جدیت و کوشش فراوان به تنقیح مسائل شرعی از مبانی نظری آن به انسان که در میان عالمان عامل متداول است، پرداخته است، پس خدای را بر این نعمت عظمی و عطیه کبری (نعمت و بخشش بزرگ) شکر کند و سپاس گوید...»

۵- مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی

۵- فرزانه فرهیخته و کتابشناس بزرگ، صاحب کتاب گرانسنگ الذریعه، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی

« چون در روز مبعث خاتم پیامبران (ص) از سامراء به نجف اشرف برای زیارت سرور اوصیاء امیرالمؤمنین (ع) شرفیاب گشتم، از حسن اتفاق برخورد کردم به دانشور مورد اعتماد بزرگان و دست پرورده مجتهدان بزرگوار، عالم عامل و فاضل کامل، دارای مزایای ارجمند و آثار زیبا و ارزشمند، محقق مدقق، صاحب تألیفات ممتع و آثار کم نظیر، فخر شیعه و مایه قوام شریعت، علامه پارسای تقوایشه، مولانا حاج شیخ محمدرضا مشهور به مروج

طبسی قمی - که خدای امثال وی را فراوان کند و شریعت محمدی را به وجود او تأیید نماید...» (سال ۱۳۵۱ق)

۷- محمدباقر بیرجندی خراسانی

۷- محمدباقر بیرجندی خراسانی، صاحب کبریت الاحمر که عالمی بسیار دقیق و محدثی خبیر بوده است در ضمن اجازه ای که به محقق طبسی داده است از او این گونه تعبیر کرده است:

« جناب مؤید یگانه، عالم کامل فرزانه، پیشتاز فضلالی متبحر و زبده عالمان مکرم محترم، فخر اعلام و مروج احکام، شیخ جلیل نبیل (استاد بزرگ شریف) ...» (سال ۱۳۴۹ق)

۸- شیخ محمدعلی شاه آبادی

۸- حکیم متأله و عارف بی بدیل، شیخ محمدعلی شاه آبادی

« و از جمله کسانی که در خلوت و جلوت، و در شب و روز به کشف حقایق و دقایق دانش دین پرداخته و مسائل دینی را بر بنیادهای آن استوار ساخته و حلال و حرام دین را از آن استنباط کرده تا آنکه مدال افتخار « انتم افقه الناس اذا عرفتم معانی کلامنا» را دریافت کرد. آنکه در راه صدق و صفا و سلوک کرده و مراتب قرب و کمال را نور دیده و به آسمان دانش و تقوا عروج کرده، همانام مولای ما و امید ما حضر رضا (علیه آلا ف التحیه و الثناء)، حاج شیخ محمدرضا طبسی است...»

۶- مرحوم آیت الله سید محسن جبل عاملی

۶- صاحب دائرالمعارف عظیم اعیان الشیعه، مرحوم آیت الله سید محسن جبل عاملی

در ضمن اجازه ای از علامه طبسی این گونه تعبیر می کند:

« ... برادر الهی، عالم عامل، فاضل کامل، زبدهالعلماء و عمدهالفضلاء، مولانا الشیخ محمدرضا مشهور به مروج طبسی...» (سال ۱۳۵۲ق)

آثار و کتب محقق طبسی

مرحوم آیةالله طبسی از جمله دانشمندانی بود که در سنگر دین با حربہ قلم، دلسوزانه به دفاع از دین می پرداخت. حاصل این مرزبانی، سی و پنج کتاب و رساله است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

• ۱- گاه با عزمی استوار از حریم پدر ولایت، مدافع مؤحد خاتم پیامبران (ص) یعنی حضرت ابوطالب دفاع می کرد و در اثری ماندگار و

ممتع به معرفی آن یگانه مدافع رسول اکرم (ص) در سخت ترین شرایط می پرداخت و پرده های ابهام را که از سوی دشمنان فرزندش علی (ع) پدید آمده است، کنار می زد و به این هم بسنده نمی کرد و هر ساله در روز رحلت

غمبار جناب ابوطالب به سوگ می نشست و مجلس ذکر مصیبت ترتیب می داد. کتاب منیهالراغب فی ایمان ابی طالب که تحت عنوان «ابوطالب یگانه مدافع اسلام» ترجمه شده است.

• ۲- گاه مشعل هدایت به دست می گرفت و به بیرون راندن دیو سیرتان و اندیشه های ناباب آنها از حوزه دین همت می گماشت:

الف) مصباح الهدی فی الرد علی القادیانیه

ب) قادیانی چه می گوید؟

ج) الصوفیه المبتدعه

• ۳- گاه به تشیید پایه های دین می پرداخت و اصول عقاید را می نگاشت:

۱- الاعتقادات

۲- دروس فی العقیده و العقائد

۳- تبصره المتعلمین فی عقائد المؤمنین

۴- عقد الفرائد فی اصول العقائد

۵- القول الفصیح فی اصول الدین الصحیح

۶- الشیعه و الرجعه

۷- اثبات الرجعه

۸- الامام الغائب

۹- ذخیره العباد فی ما يتعلق بالمعاد

و...

• ۴- گاه در محضر بزرگان زانوی تلمذ به زمین می زد و از خرمن دانش آنها خوشه های فقه و اصول می چید:

۱- تقریرات بحث آیةالله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی

۲- تقریرات بحث آیةالله العظمی شیخ محمد حسین نایینی

۳- تقریرات بحث آیةالله العظمی شیخ ضیاءالدین عراقی

• ۵- گاه خود دامن همت به کمر می زد و برای افزایش بصیرت دانشجویان و متعلمان یا برای راهنمایی بندگان خدای سبحان، قلم می زد:

۱- ذخیره الصالحین فی شرح تبصره المتعلمین (دوره فقه استدلالی)

۲- رساله فی الحج

۳- رساله فی المعاطاه

۴- مباحث فی علم الاصول

۵- طریق النجاه (رساله عملیه ایشان)

• ۶- گاه به قرآن روی می آورد و به تفسیر آن می پرداخت

۱- جامع البیان فی تفسیر القرآن

۲- تفسیر سوره عمّ

• ۷- و در پایان به سوی مشعل هدایت و سفینه نجات روی آورد

۱- مقتل الامام الحسین (ع)

همراه با امام، همگام با انقلاب

۱- یکی از اهداف شوم رژیم مستبد شاهنشاهی از تبعید امام خمینی (ره) از ترکیه به نجف اشرف به خیال خام او کوچک کردن امام و محو کردن شخصیت ایشان در پرتو شخصیت های بزرگ علمی حوزه نجف بود. محقق طبسی از جمله کسانی بود که برای تعظیم و تکریم هر چه بیشتر امام و ناکام گذاشتن دشمنان اسلام، تا چهل کیلومتری نجف اشرف به استقبال امام شتافت و با آگاهی و بصیرت می گفت و بر این گفته پای می فشرد که باید از زحمات این مرد (یعنی امام خمینی) تقدیر به عمل آورد.

۲- در همان راستا حرکت زیبای دیگری را از محقق طبسی شاهد هستیم. ایشان پس از ورود امام به نجف اشرف و تشکیل نماز جماعت ایشان در مسجد شیخ انصاری (ره) به منظور تأیید و تجلیل و تثبیت موقعیت امام، نماز جماعت خود را در حرم مطهر امیرمؤمنان (ع) تعطیل کرد و در نماز جماعت امام شرکت می نمود.

۳- همچنین ایشان از جمله عالمان آگاه و بزرگواری بودند که برای خنثی کردن حرکت کور دشمنان اسلام، در تأیید و حمایت از امام خمینی اعلامیه صادر کردند و تلگرام فرستادند.

۴- این رجل الهی و شیر بیشه علم و تقوا و کیاست در دفاع از اسلام و امام در ضمن تلگرافی که حاکی از قوت ایمان و فراستی

مؤمنانه است خطاب به عَلم نخست وزیر وقت رژیم شاهنشاهی می نویسد: « کاری نکن که عَلم بر تو سنگین گردد.»

۵- ایشان حمایت از امام خمینی (ره) را حمایت از امام زمان (ع) می دانستند.

۶- در جریان دفاع مقدس، دیگران را به شرکت فعال در جبهه تشویق می کرد و همواره آرزو می کرد که ای کاش پیری و ضعف قوا مانع ایشان از رفتن به جبهه نبود و می توانست دوشادوش رزمندگان اسلام از حریم کشور امام زمان - ارواحنا فداه - دفاع کند.

۷- ایشان به این اکتفا نکرد و فرزند رشیدش آقا محمدصادق را در جریان دفاع مقدس تقدیم انقلاب کرد و افتخار پدر شهید بودن را نیز به دست آورد.

عروج به سوی معبود

مرحوم آیهالله طبسی پس از سال ها رنج و زحمت طاقت فرسا در راه اعتلای دین، رو به افول نهاد. در سال ۱۳۹۹ ه. ق به بیماری جانکاهی که از کثرت اشتغال به تألیف و اهتمام در امر دین پدید آمده بود مبتلا گردید و سرانجام در بیست و پنجم ماه ربیع الاول سال ۱۴۰۵ ه. ق را لبیک گفت و رخ در نقاب خاک کشید. پیکر پاک و مطهر این عالم ربانی در جوار حضرت فاطمه معصومه (س) در حجره ۳۸ صحن بزرگ به خاک سپرده شد.

عاش سعیدا و مات سعیدا

...

عبدالعزيز بن مهتدي قمی (امین روایت) / سید جعفر ربانی**اشاره**

معرفی راویان علاوه بر این که زوایایی از زندگی ائمه (ع) را واضح می سازد، تلاش آن پروانه های عاشق را در راه نشر معارف شیعی، و جهت اصلی خط سرح تشیع آشکار می نماید.

این بار به معرفی یکی دیگر از آن شاگردان مکتب وحی و رهپویان راه حقیقت می پردازیم که او نیز مانند بسیاری، اشعری تبار و اهل سرزمین فقه و اجتهاد، قم بوده است.

وی « عبدالعزیز بن مهتدی » اشعری قمی است که علاوه بر مقرب بودن در پیشگاه امامان معصوم (ع) از راویان نیز به شمار می آید.

زمان حیات

روش رجال نویسان که متخصصان در شناخت راوی بوده اند بر ذکر تاریخ زندی راویان نبوده است (به جز مواردی اندک). ولی از آنجا که آنان، اصحاب هر یک از ائمه (ع) را مشخص نموده اند زمان زندگی نقل کنندگان حدیث تا حدی معلوم گردد. عبدالعزیز بن مهتدی نیز مشمول همین قانون است. زمان زندگی وی

برای ما معلوم نیست ولی دانشمندان رجال او را از اصحاب امام رضا (ع) دانسته اند. بنابراین او بین نیمه آخر قرن دوم و نیمه اول از قرن سوم می زیسته است.

صحابی انوار

بیشتر دانشوران، وی را فقط از اصحاب امام رضا (ع) دانسته اند ولی احتمال اینکه از اصحاب امام کاظم (ع) به حساب آید نیز وجود دارد چه این که خود نقل میکند: از « ابالحسن (ع) سوال کردم: آیا در پنبه و زعفران زکات وجود دارد؟ حضرت فرمود: نه. (۱)»

معمولا مقصود از ابالحسن، امام کاظم (ع) است.

و امّا در مورد امام جواد (ع) احتمال اینکه او از اصحاب آن حضرت باشد بسیار قوی است چرا که وی نامه ای خدمت آن حضرت نوشته و در مورد وجوهات شرعی و اموالی که در اختیار داشته توضیح خواسته است. (۲)

اینکه شیخ طوسی هم او را جزء اصحاب (راویان) امام رضا (ع) دانسته (۳) و هم جزء کسانی که از ائمه (ع) روایت نکرده اند (۴)، جای بسی تعجب است.

۱- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳ ص ۵۱۲ دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷ هجری شمسی .

۲- رجال الکشی، ابو عمر و الکشی، ج ۲ ص ۷۹۵ مؤسسه آل البیت ۱۴۰۴ (ع) ه ق الغیبه، شیخ طوسی، ص ۳۴۹ مؤسسه المعارف الاسلامیه ۱۴۱۱ ه ق .

۳- رجال الطوسی، شیخ طوسی، ص ۳۸۰ دار الذخائر، چاپ دوم، ۱۴۱۱ ه ق .

۴- رجال الطوسی، شیخ طوسی، ص ۴۸۷.

در نگاه قدسیان

اشاره

تاریخ و احادیث، نشانگر آن است که عبدالعزیز بن مهتدی مورد توجه و عنایت امام علی بن موسی الرضا (ع) و امام جواد (ع) بوده است.

اما در مورد امام هشتم (ع) دو مطلب شاهد گفتار ماست:

۱- وکالت

دوران امام هشتم (ع) و بعد از آن به دلیل برخورداری از حساسیت های زیاد، تشکلی منظم تحت عنوان « وکالت » را ایجاد می کرد. این حساسیت ها عبارت بودند از:

سرعت فزاینده فعالیت های علمی، پیدایش گروه های فلسفی و کلامی کنترل شدید و جو خفقان از سوی عباسیان، پیدایش بعضی از افکار انحرافی به نام شیعه مانند تصوّف و غلو، لزوم تغذیه فکری و تأمین مسائل اقتصادی شیعیان.

و کلا، نمایندگان ائمه (ع) بودند که ضمن دریافت حقوق شرعی مربوط به مقام امامت (معصوم) وظایف سنگین فرهنگی را نیز بر عهده داشتند و خود از موقعیت سیاسی خاص برخوردار بودند. (۱)

افتخار وکالت علی بن موسی (ع) شامل عبدالعزیز بن مهتدی نیز گردید و او به دلیل لیاقت های خاص به این مقام نائل آمد (۲).
گر چه حدود

۱- - ر، ک، حیات فکری و سیاسی امان شیعه، رسول جعفریان، ج ۲ ص ۱۵۴ نشر سازمان تبلیغات اسلامی .

۲- - رجال الکشی، ج ۲ ص ۷۹۵.

اختیارات و اینکه در کدام ناحیه و کالت آن حضرت بر عهده وی بوده معلوم نیست.

آری، ملاک گزینش، در فرهنگ امام معصوم و اولیای خدا همانا ارزشهای والای انسانی و الهی است و عبدالعزیز به همین جهت به این جایگاه بلند دست یافت و مورد انتخاب امامانش قرار گرفت.

۲ - صحابی خاص

اصحاب ائمه (ع) در یک رتبه قرار نداشتند. برخی از آنان از شاگردان ضعیف محسوب می شدند و تعدادی در حد متوسط و جمعی از یاران خاص به شمار می آمدند. در نتیجه، امامان معصوم (ع) نیز به گونه های متفاوت با آنان برخورد می کردند و برای هر کس با توجه به مرتبه علمی و منزلتی که در تقوا و عرفان الهی داشت جایگاه ویژه ای در نظر می گرفتند. از این روی از یاران ائمه (ع) عنوان « صحابی خاص » اطلاق شده است.

عبدالعزیز مهتدی نیز از زمره اصحاب خاص امام هشتم (ع) به شمار می رود.

فضل بن شاذان بزرگ فقیه و راوی شیعه در این مورد می گوید: عبدالعزیز بن مهتدی از اصحاب خاص امام، علی بن موسی الرضا (ع) بود. (۱)

این، در شرایطی است که بعضی از شیعیان آشنا به مقام

اهل بیت (ع) به مجرد اینکه نامشان در شمار شیعیان باشد بسیار خرسند بودند. نمونه آن، مرزبان بن عمران قمی است که به امام هشتم (ع) عرض می کند: سؤالی دارم که پاسخ آن برای من بسیار اهمیت دارد آیا نام من در شمار شیعیان شما قرار دارد؟ حضرت فرمود: آری. (۱)

با وجود این دیدگاه، صحابی خاص امام معصوم بودن از جایگاه بلند برخوردار بوده و نشانه اوج کمال و معرفت الهی است. و اما نظر امام جواد (ع) در مورد عبدالعزیز بن مهتدی از نامه ای که آن حضرت در پاسخ وی نوشتند معلوم می شود:

« نامه تو به دستم رسید خداوند گناهان تو را بخشید و ما و تو را مورد رحمت خودش قرار دهد و همان گونه که من از تو راضی هستم او نیز از تو راضی باشد. (۲)»

این جملات، بیانگر احترام خاص امام (ع) نسبت به وی و حاکی از تقوا و عدالت و مقام قدسی اوست علاوه بر اینکه می تواند دلالت کننده بر تدبیر و سیاست او در جهت پیشبرد اهداف آن حضرت تلقی گردد.

ویژگی ها

اشاره

فرزند مهتدی، خصوصیتی را در روح و روان خویش جای داد که هر کدام آنها برای پیروان اهل بیت (ع) قابل توجه و عنایت است.

۱- رجال الکشی، ج ۲ ص ۷۹۴.

۲- رجال الکشی، ج ۲ ص ۷۹۵ رحمننا و ایاک و رضی الله عنک برضای عنک .

الف) تسلیم امام(ع)

او با اینکه وکالت هشتمین اختر آسمان امامت و ولایت را بر عهده داشت اما بعد از شهادت آن بزرگوار، نامه ای به امام جواد (ع) نوشت و در مورد صرف اموال و بیت المال که در اختیار داشت راهنمایی خواست. (۱)

این در حالی بود که بعضی از وکلای امام کاظم (ع) به سبب اموالی که در اختیار داشتند امامت حضرت رضا (ع) را انکار کردند و مدعی شدند موسی بن جعفر (ع) برای همیشه زنده هستند. این انکار بدان جهت بود که بیت المال را به امام هشتم تحویل نداده خود مصرف کنند.

اینان، بنیانگزاران واقفیه بودند که علاقه به دنیا آنها را از مسیر حق منحرف کرد. آنها عبارت بودند از: علی بن حمزه بطائنی، زیاد بن مروان قندی و عثمان بن عیسی رواسی. (۲)

ب) صراط مستقیم

ابن مهتدی، هدایت یافته بود و بعد از شهادت امام کاظم (ع) هیچ گونه تردیدی در امامت حضرت رضا (ع) نکرده بر صراط مستقیم پا بر جای ماند. در حالی که عده ای از شیعیان (و بعضی بلندمرتبه) به علت تبلیغات واقفیه حداقل برای مدتی در امامت آن حضرت دچار

۱- تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۲۰۳ با مقدمه و تصحیح استاد علی دوانی .

۲- الغیبه، ص ۴۲ و ۴۳ نشر بصیرتی، ۱۳۸۵ ه ق .

شک و تحیر گردیدند. از این روست که نمی بینیم کسی از دانشمندان رجال و تاریخ وی را جزء واقفیان به شمار آورد.

ج) احتیاط در دین

دین، امری حساس و بس خطیر است پس در فراگیری معارف آن اعتماد به هر کسی نمی توان کرد.

عبدالعزیز با یکی از اصحاب بزرگ امام رضا (ع) و امام جواد (ع) به نام « یونس بن عبدالرحمان » ارتباط داشت. جلالت و مقام یونس بر همگان آشکار بود ولی فرزند مهتدی با این همه، جانب احتیاط را از دست نداده نامه ای خدمت امام رضا (ع) نوشت و سؤال کرد: من همه اوقات نمی توانم خدمت شما برسم. آیا یونس بن عبدالرحمان موثق (مورد اطمینان) است تا از او مطلب دینم را سؤال کنم؟ حضرت فرمود: آری. (۱)

د) نواضع

مطلب دیگری که از حدیث ذکر شده به دست می آید اینکه عبدالعزیز بن مهتدی با اینکه از اصحاب خاص و وکیل امام رضا (ع) و

۱- - وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۲۷ ص ۱۴۷ مؤسسه آل البیت ۱۴۰۹ (ع) ه ق، بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ح ۲ ص ۲۵۱ داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه ق دانشمندان علم اصول و از جمله شیخ اعظم، انصاری قدس سره در مورد حجیت خبر واحد به این حدیث استدلال کرده اند به این بیان که او از مؤثق بودن یونس سؤال می کند و این بدان معنی است که اگر کسی موثق باشد سخن او پذیرفتنی است (فرائد الاصول، شیخ انصاری، ص ۸۵ نشر مصطفوی، ۱۳۷۴ ه ق).

دارای موقعیت و مقام سیاسی و اجتماعی بود اما برای کسی معارف دینی سراغ یونس بن عبدالرحمان را گرفت و در مورد آنچه نمی دانست به اهل دانش مراجعه کرد. این نیز درسی برای طالبان حقیقت و شیفتگان علم می باشد.

مهر یاران

ابن مهتدی در پیشگاه دانشمندان شیعه جایگاهی خاص داشته و همه او را امین در نقل حدیث، بزرگوار و علاقه مند به اهل بیت (ع) می دانند شاهد گفتار ما این است که همه نقد کنندگان حدیثی و رجالی و اصولی روایت او را در مورد یونس بن عبدالرحمان نقل کرده اند و به آن در موارد مختلف استدلال کرده اند و حدیث را به سبب وجود عبدالعزیز در سند مخدوش ندانسته اند. این، حاکی از مقبول بودن او نزد همگان است.

علاوه بر این، دانشوران مذکور به تصریح در جلالت وی سخن گفته اند:

فضل بن شاذان عالم و راوی بزرگ که دارای یکصد و شصت کتاب بوده در مورد او می گوید: عبدالعزیز بن مهتدی بهترین اهل قم است. من هیچ قمی را به مانند وی ندیده ام او و کیل حضرت رضا (ع) و از اصحاب خاص آن بزرگوار بود. (۱)

این سخن فضل بن شاذان دارای اهمیت زیاد است چه اینکه او

خود دارای عظمت بسیار و با عده بیشماری از راویان آشنا بوده است.

رجالی سترگ، نجاشی می گوید: عبدالعزیز بن مهتدی اشعری مورد اعتماد است و از امام رضا (ع) روایت کرده است. (۱)

شیخ طوسی که صاحب دو کتاب از کتابهای چهارگانه معتبر شیعه است او را مورد اطمینان دانسته طریق خود را به کتاب وی

ذکر می کند. (۲) سید بن طاوس نیز او را توثیق کرده سخن فضل بن شاذان را در مورد وی یاد آور می شود. (۳)

علامه حلی، عبدالعزیز را در بخش اول کتاب خود (کسانی را که مورد اعتماد می داند) قرار داده و از او تمجید کرده

است. (۴)

دودمان

نجاشی تبار وی را بدین گونه یاد می کند: عبدالعزیز بن مهتدی بن محمد بن عبدالعزیز (۵). هیچ یک از پدران وی را جزء

راویان و علمای قم نیافتیم گر چه بدون شک همه آنها شیفتگان و علاقه مندان به اهل بیت (ع) بوده اند.

تنها کسانی را که از بستگان او جزء راویان می توان به شمار آورد،

۱- رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی النجاشی، ص ۲۴۵ مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ ه ق .

۲- الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۱۹ انتشارات رضی .

۳- تحریر الطاوسی، شیخ حسن بن زین الدین، ص ۴۴۵ نشر مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۱۱ ه ق .

۴- رجال العلامه الحلی، حسن بن یوسف الحلی، ص ۱۱۶ نشر رضی، ۱۴۰۲ ه ق .

۵- رجال النجاشی، ص ۲۴۵.

دو تن از نوه های وی می باشند:

۱- حسن بن حسین بن عبدالعزیز:

علامه مجلسی او را نوه عبدالعزیز معرفی کرده و هرگاه در کتاب پر ارزش بحارالانوار از «ابن المهتدی» یاد می کند مقصودش هموست. (۱)

حسن بن حسین بن عبدالعزیز این روایت را از امام صادق (ع) با چند واسطه روایت کرده است.

روز اول ماه رجب حضرت نوح (ع) سوار بر کشتی شد و به همراهان خود دستور داد این روز را روزه بگیرند و فرمود: کسی که این روز را روزه بدارد به مقدار یک سال از آتش جهنم دور می گردد و کسی که هفت روز را روزه بگیرد درهای هفت گانه جهنم به روی او بسته خواهد شد و کسی که هشت روز را روزه داشته باشد درهای هشتگانه بهشت به روی او باز خواهد شد و کسی که پانزده روز روزه بگیرد حاجتش عنایت می شود کسی که بیشتر روزه

بگیرد خداوند نیز پاداش بیشتر عطا می فرماید. (۲)

۲- محمد بن حسین بن عبدالعزیز:

بنا به گواهی نجاشی، محمد بن حسین، نوه عبدالعزیز می باشد. (۳) و بعضی از اسناد نیز آن را تأیید می نماید.

۱- بحار الانوار، ج ۱ ص ۶۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰ ص ۴۷۲.

۳- رجال النجاشی، ص ۲۴۵.

بنابراین آنچه در یکی از سندهای کتاب کافی آمده و محمد بن حسین را جد عبدالعزیز معرفی کرده (۱) ناتمام به نظر می‌رسد و صحیح آن این است: عن عبدالعزیز بن مهتدی جد محمد بن الحسین. (۲)

محمد بن حسین نقل‌کننده کتاب « دعوات الایام » محمد بن عیسی طلحی است ولی توثیق خاص نشده است.

دانش

عبدالعزیز بن مهتدی در زندگی علمی خود موفق به گردآوری مجموعه روایی گردید و از صاحبان، « کتاب » به شمار می‌آید بدین جهت است که ابوالعباس نجاشی از وی نام می‌برد چرا که قصد او معرفی صاحبان کتاب است.

روایت او هر چند زیاد نیست اما در بیشتر کتابهای معتبر شیعه احادیثی از وی به چشم می‌خورد.

در کتابهای چهارگانه معتبر شیعیان پانزده حدیث، در وسائل الشیعه هفده و در بحارالانوار نوزده مورد از او حدیث نقل شده است. مجموع روایات وی بدون تکرار به بیست و یک مورد بالغ می‌گردد. بیشتر احادیث عبدالعزیز بن مهتدی از امام هشتم (ع) و به صورت شفاهی و کتبی است. و از امام صادق (ع) نیز روایاتی با واسطه نقل کرده است.

۱- - کافی، ج ۷ ص ۶۴.

۲- - معجم رجال الحدیث، آیه الله خویی قدس سره، ج ۱۱ ص ۴۲ چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ه ق .

اساتید او در حدیث عبارتند از:

۱- سعد بن سعد

۲- سیف بن مبارک بن یزید

۳- عبدالله بن ابی یعفر

۴- عبدالله بن جندب

۵- محمد بن نصیر

۶- یونس بن عبدالرحمان

و شاگردان او بدین ترتیب می باشد:

۱- ابراهیم بن هاشم

۲- احمد بن محمد بن خالد

۳- احمد بن محمد بن عیسی

۴- بکر بن زیاد

۵- حسن بن حسین

۶- حسن بن محبوب

۷- علی بن مهزیار

۸- عبدالله بن صلت قمی

۹- فضل بن شاذان

۱۰- محمد بن عیسی بن عبید

۱۱- نوح بن شعیب نیشابوری

در يك تقسيم بندي كلي رواياتي كه عبدالعزيز بن مهتدي نقل کرده پيرامون اين محورهاست:

مقام ائمه (ع) عظمت شیعیان، مسائل فقهی و اخلاقی، موثق بودن یونس بن عبدالرحمان، علاج بعضی امراض به وسیله صدقه و دعا و خواص بعضی از میوه ها.

یادآوری چند حدیث از آنچه او نقل کرده و می تواند زینت بخش سخن و چراغی فرا راهمان باشد:

وارثان انبیاء

عبدالعزیز بن مهتدی از عبدالله بن جندب نقل می کند که امام رضا (ع) ضمن نامه ای خطاب به عبدالله نوشتند:

اما بعد، همانا محمد (ص) امین خدا در میان خلق بود و چون رحلت فرمود ما اهل البیت وارث او شدیم پس ما هستیم امین های خدا در زمین. علم بلاها و مرگها و نژاد عرب نزد ماست. ما هستیم که کافر و مسلمان را می شناسیم. ما هستیم که وقتی مردی را ببینیم می دانیم حقیقتاً مؤمن است یا منافق.

اسامی شیعیان ما و پدرانشان نوشته شده و خداوند در مورد امامت ما از آنها پیمان گرفته و آنها مطیع ما می باشند. جز ما و ایشان کسی در کیش اسلام نیست. مائیم نجیب و رستگار، ما هستیم بازماندگان پیامبران و فرزندان اوصیاء، ما در کتاب خداوند عزوجل خصوصیت داریم و سزاوارتر به کتاب خدا و رسول او هستیم.

و ما چنان کسانی هستیم که خداوند دینش را برای ما مقرر داشته آنجا که می فرماید:

آنچه به نوح و ابراهیم و موسی و عیسی (ع) سفارش کردیم و آنچه به تو ای پیامبر وحی کردیم همه برای شما (آل محمد) (ص) مقرر کردیم. آن سفارش این بود که ای آل محمد دین را بیادارید و متفرق نشوید و این بر (مشرکان ولایت علی) (ع) گران آمد. ای محمد (ص) خداوند کسی را که ولایت علی (ع) را بپذیرد هدایت می کند. (۱)

توحید

عبدالعزیز بن مهتدی می گوید: از امام رضا (ع) در مورد توحید سؤال کردم حضرت فرمود: هر کس (سوره) قل هو الله احد را بخواند و به آن ایمان داشته باشد توحید را شناخته است. عرض کردم: چگونه بخواند؟ فرمود: همان گونه که مردم می خوانند و بعد سه مرتبه بگوید: کذلک الله ربی (۲) (خدای من این چنین است)

حضور قلب

عبدالعزیز بن مهتدی از عبدالله بن ابی یعفر نقل می کند که امام صادق (ع) خطاب به ابن ابی یعفر فرمودند: یا عبدالله اذا صلیت صلاه فریضه فصلها لو قتلها صلاه مودع یخاف ان لا یعود الیها ثم اصرف ببصرک الی موضع سجودک فلو من عن یمینک و شمالک لا حسنت صلاتک و اعلم انک بین یدی من یراک و لا ترأه. (۳)

-
- ۱- اصول کافی، ج ۱ ص ۳۲۴ و ۲۸۴ دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع).
 - ۲- التوحید، شیخ صدوق، ص ۲۸۴ نشر جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ه ق.
 - ۳- وسائل الشیعه، ج ۵ ص ۴۷۵.

یعنی ای عبدالله، نماز واجب را در وقت خود به جای آور بدان گونه که آخرین نماز توست و چشمت را به محل سجده ات متوجه ساز. اگر بدانی چه کسی بر تو احاطه دارد نمازت را کامل به جای می آوری. بدان که تو در پیشگاه کسی هستی که تو را می بیند ولی تو او را نمی بینی.

دعای مستجاب

عبدالعزیز با یک واسطه از امام کاظم (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: هر گاه یک نفر از شما مریض شد اجازه دهد که مردم به عیادت او بیایند (تا در حق او دعا کنند) زیرا هر کسی یک دعای مستجاب دارد. (۱)

قرض الحسنه

ابن مهتدی با یک واسطه از امام کاظم (ع) نقل می کند که آن حضرت در تفسیر این آیه قرآن (کیست که به خدا قرض الحسنه دهد تا خداوند آن را چند برابر کند و اجر زیادی عنایت فرماید). (۲) فرمودند: مقصود خداوند کمک به امام (معصوم) است در دوره فاسق. (۳)

۱- - کافی، ج ۳ ص ۱۱۷- و سائل، ج ۲ ص ۴۱۴.

۲- - حدید، آیه ۱۱ من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً یضاعفه له و له اجر کریم .

۳- - کافی، ج ۸ ص ۳۰۲ تفسیر نور الثقلین، عبدالعلی بن جمعه، ج ۵ ص ۲۳۹ با تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی .

خواص بعضی از میوه ها و خوراکی ها

فرزند مهتدی با یک واسطه از امام صادق (ع) نقل می کند: در هر کسی ریشه ای از مرض جذام وجود دارد پس شلغم را در زمان خودش بخورید تا آن و هر درد دیگر را از بین ببرد. (۱)

و نیز در حدیث دیگری که با یک واسطه از امام صادق (ع) نقل کرده آن حضرت فرمودند: چهار چیز مزاج را تعدیل می کند. انار سورانی، خرمای نارس، به پخته شده و بنفشه و کاسنی. (۲)

...

۱- - المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج ۲ ص ۳۳۳ نشر مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۱۶ هـ ق بحار الانوار، ج ۶۶ ص ۲۲۰ کافی، ج ۶ ص ۷۲. سوران سرزمینی است در عراق و جزء بابل به حساب می آمده (معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۳ ص ۲۷۸ دار صادر و بیروت).

۲- الخصال، شیخ صدوق، ج ۱ ص ۲۴۹ نشر جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۴ هـ ق بحار الانوار، ج ۶۶ ص ۱۲۴.

محمد ابراهیم آیتی (آیت پژوهش) / محمد جواد نورمحمدی

اشاره

« حرفی که این مرد (آقای محمد ابراهیم آیتی) بگوید، سند است»

(شهید مطهری)

تولد

در سال ۱۳۳۳ هجری قمری در قریه گازار از توابع بیرجند در خانواده ای روحانی و شیعه متولد شد و اهل خانه را از قدوم خویش شاد کرد این فرزند محمد ابراهیم نام گرفت.

پدرش شیخ محمد قاننی پیشنماز روستای گازار بود که به امور شرعی مردم رسیدگی می کرد. او در سلک روحانیت و در امور دینی خود و مردم کوشا بود.

تحصیلات و استادان

محمد ابراهیم که توفیق تربیت در دامن مادر متدین پیدا نموده بود رشد کرد و به سن تحصیل رسید.

شروع تحصیلات و استادان ایشان در نوشته ای که از ایشان بر جای مانده به خوبی روشن می گردد و زیباتر آنکه به همان بسنده کنیم. ایشان می نویسد:

« هفت ساله بودم که پدرم مرحوم شیخ محمد قاننی مرا برای فراگیری قرآن مجید و خواندن کتابهای فارسی مذهبی و اخلاقی از قبیل عین الحیات و جلاء

العیون و حلیه المتقین مرحوم مجلسی نزد « آخوند ملا عبدالله گزاری » برد و به وی سپرد. مقدمات عربی را از مرحوم پدرم فرا گرفتم، نه ساله بودم که پدرم در سوم ماه رمضان سال ۱۳۴۲ قمری مرحوم شد. پس از آن شرح « قطرانندی » و « القیه » ابن مالک « سیوطی » و « شرح جامی » را نزد همان ملا عبدالله و « محمد ابراهیم بویکی » خواندم. سیزده ساله بودم که با اجازه مادرم برای ادامه تحصیل به شهر بیرجند رفتم و مدت پنج سال در مدرسه معصومیه کتابهای « حاشیه » ملا عبدالله یزدی و « شرح شمسیه » در منطق، « شرح نظام » « مغنی البیب » در صرف و نحو و قسمتی از « مطوّل » در معانی و بیان و بدیع و « معالم » و قسمتی از « قوانین الاصول » میرزای قمی در اصول، « تبصره » علامه حلّی و « شرح لمعه » شهید ثانی در فقه و مختصری حساب و هیأت و مقداری از شرح « سبعة معلقه » را خواندم. در این مدت پنج سال در شهر بیرجند از محضر مرحوم حاج شیخ محمد باقر آیتی بیرجندی و آیهالله حاج شیخ محمد حسین آیتی و مرحوم شیخ غلامرضا فاضل و آقای حاج شیخ محمد علی ربّانی و مرحوم حاج ملا محمد دهکی استفاده بردم و شاگردی آنها را نمودم.

هیجده ساله بودم که برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس مشرف و در مدرسه باقریه ساکن شدم و بقیه شرح لمعه و مطول و قسمتی از فصول و قسمت منطق شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری و آنگاه تمام سطح مکاسب، رسائل شیخ انصاری و کفایه آخوند خراسانی را در محضر استادان فرا گرفتم. ضمناً هیئت قدیم را نزد مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و آقا شیخ مجتبی قزوینی و آیهالله میرزا حسین فقیه سبزواری و آیهالله ادیب نیشابوری و مرحوم حاج شیخ حسن پایین خیابانی و برخی اساتید دیگر خواندم. در همان حال با درس خارج فقه و معارف مرحوم آقا میرزا مهدی اصفهانی آشنا شدم و با ذوق فراوان در حدود دو سال به درس پر بهره ایشان می رفتم و در همین اوقات به درس شرح

منظومه آقا میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم می رفتم و از این راه با فلسفه قدیم آشنا شدم. آشنایی من با متون عالی فلسفه قدیم از قبیل شرح اشارات، شفای بوعلی و اسفار مرحوم آخوند ملاصدرا در خارج از محیط طلبگی بود.» (۱)

زندگی طلبگی و دوران تحصیل استاد آیتی

استاد محمد ابراهیم آیتی در شرایط سخت دوران تحصیل علوم اسلامی را گذراند و با سختکوشی و مقاومت این مسیر را پیمود. چند نکته از آن ایام را او در نوشته ای که نگاشته از آن جهت که عبرت آموز است در اینجا می آوریم تا شیوه تحصیل و کسب کمال را در دوران نوآموزان این خاک آن چنانکه مردان رفتند زنده کنیم:

« حوزه های درس هر گاه محدود به چند نفر و کم جمعیت بود غالباً در اطاقهای مسکونی مدارس و درسهای سطوح عالی و خارج که جمعیت بیشتری در آن شرکت می داشت بیشتر در مدارس های نسبتاً وسیع مدارس که فرش آن در تابستان و زمستان منحصر به حصیر بود و یا در شبستان های مساجد که نیز در تابستان و زمستان حصیر فرش و بسیار سرد بود و هرگز بخاری نمی دید، تشکیل می گردید.

کسانی که اهل کار و تحصیل بودند تقریباً تمام وقتشان به درس خواندن و مطالعه کردن و مباحثه کردن همان درسها و (اگر خود از فضیلتی حوزه بودند) به درس گفتن برگزار می شد و فقط در هفته ای دو روز پنجشنبه و جمعه تعطیل

۱- تاریخ پیامبر اسلام، دکتر محمد ابراهیم آیتی با تعلیقات دکتر ابوالقاسم گرجی، ص. «ز» و «ح» از مقدمه، چاپ دانشگاه تهران ۱۳۶۱ با اندکی دخل و تصرف.

بود، که آن هم احیانا با درسهای تعطیلی از قبیل ریاضیات و هیئت و تفسیر و حدیث و جز اینها می گذشت.

زندگی طلبگی بسیار ساده و در عین حال پرنشاط برگزار می شد. در آن تاریخ کمتر افکار اجتماعی به محیط طلبگی راه داشت و گیر و داری هم اگر پیش می آمد از حدود حجره های مدارس تجاوز نمی کرد. تا در بیرجند بودم با اینکه مدرسه معصومیه اوقاف زیادی داشت، به طلبه مدرسه چیزی نمی رسید و متصدیان اوقاف تمام درآمد موقوفه را می خوردند و زندگانی ساده طلاب منحصر از کمکهای پدران و مادرانشان می گذشت.

اما در مشهد مقدس چون از طرفی موقوفات مدارس سرشارتر بود و از طرف دیگر متصدیان اوقاف آنجا مانند متصدیان اوقاف بیرجند نبودند مختصر حق السکوت و قوت لایموتی به طلاب داده می شد و روزی که وارد مشهد شدم متصدی اوقاف مدرسه باقریه آقا شیخ جواد شیخ الاسلامی اصفهانی به دیدن من آمد و از همان روز مبلغ سی ریال (که شهریه کامل آن مدرسه بود) حقوق ماهیانه برای من قرار ساخت و این مبلغ در آن تاریخ برای زندگی طلبگی متوسط یک نفر به خوبی کفایت می کرد.» (۱)

تحصیل و تدریس در دانشگاه

مرحوم آیتی پس از فراگیری دروس حوزه های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و در کنار تدریس به تحصیل نیز پرداخت. در سال ۱۳۳۴ شمسی در دانشکده علوم معقول و منقول مشغول به تدریس شد و درسهای تاریخ اسلام، تاریخ تمدن اسلام، فقه (دوره لیسانس) و

۱- - تاریخ پیامبر اسلام، محمد ابراهیم آیتی، ص «ح» و «ط» از مقدمه .

فقه الحدیث (دوره دکتری) را درس می داد. (۱) او در همان دانشکده معقول و منقول تهران تحصیل کرده بود و موفق به اخذ درجه دکتری شده بود. ایشان علاوه بر علوم اسلامی و ادبیات عرب به زبان انگلیسی نیز احاطه کامل داشت و از این راه با اندیشه های غربی و متون و روش تحقیق آنان آشنا گردید. (۲)

از امتیازات بسیار ارزنده حیات علمی مرحوم آیتی این است که او هرگز خود را در علوم متداول حوزه ها و مجامع علمی محدود نساخت. گو اینکه راز موفقیت هر اندیشه ور دلسوز و تلاشگر و کاوشگر پر توفیق این است که خودجوش و زیرکانه بیابد چه چیزی را باید بخواند و کدام راه را برود. بدینسان او در تاریخ دوره اسلامی و تاریخ پیامبر و اهل بیت نیز تلاش فراوان کرد و یکی از متخصصان این رشته در آمد و از تألیفات ایشان نیز این نکته آشکار خواهد شد. شهید مطهری در تمجید از مقام علمی و زحمات ایشان چنین یاد می کند:

« آقای آیتی یک مورّخی است نسبت به تاریخ صدر اسلام، من به جرأت می توانم بگویم در همه تهران و شاید در همه کشور کسی نداریم که به تاریخ صد ساله اول اسلام مثل آقای آیتی احاطه داشته باشد. کسی مثل او نیست که به جزئیات این قسمت از تاریخ احاطه و اطلاع داشته باشد. این مرد بر تمام متون تاریخی این قسمت مسلط است و جزئیاتش را می داند. اگر مثلا از جنگ بدر پرسید، یک یک آدمهایش را

۱- - «مقدمه کتاب اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا»، دکتر محمد ابراهیم آیتی، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.

۲- - با استفاده از مقاله آقای محمد بدیعی در کیهان اندیشه، ش ۳۷.

می شناسد. حتی گاهی می گوید پدرش کیست، مادرش کیست، خویش و تبارش کیستند. حرفی که این مرد بگوید سند است... ایشان آخرین اثری که تألیف کرده اند و دانشگاه چاپ کرده است کتابی است در تاریخ اندلس. کتاب بسیار خوبی است و درباره حادثه اسلامی بزرگی است که ما مسلمانان و بالخصوص ایرانیها در موضوع این حادثه خیلی تقصیر کرده ایم. این تاریخ را بگیرید و بخوانید.» (۱)

از دیگر خصوصیات او تحقیق های نو و بدیع است. او در تاریخ به بررسی و کنکاشی ارزنده پرداخت و نکات ابهام و نقاط کور را شناسایی کرد و به بحث و بررسی در آن پرداخت. این خصلت او در کتاب بررسی تاریخ عاشورا به خوبی ظهور کرده است یعنی او در این قضیه مطیع و دنباله رو هیچ کس نیست و آزادانه و زیبا بر اساس مبانی اصیل و اساسی قرآن و عترت و با عقل سلیم و ذهل جوال خویش به میدان آمده و به راستی به نقد احیاگری در

جریان عاشورا دست زده است. ترجمه های او نیز از کارهای اصیل و بدیع به حساب می آید که از آن جمله «البلدان» و «تاریخ یعقوبی» هر دو از ابن واضح یعقوبی است.

یکی از نویسندگان درباره روش و شیوه او در تحقیق گوید:

«در تحقیق و تجسس علمی مردی دقیق و جویا بود. مزیت او در کارهای علمی بر این بود که علم قدیم را با روش جدید آن چنانکه پسند طبع ابناء روزگار باشد جمع داشت و نیک دریافتن بود که جامعه علمی کنونی چه حاجت و نیازی دارد و چگونه باید در عرضه کردن مسائل قدیم قدم برداشت. نمونه کامل اثر او که بدین شیوه تدوین شده است رساله اجتهادی دکتری او را به نام

« مقولات » (مبحثی از منطق) باید نام برد که با توجه به اصول به جا گفتن و به اندازه گفتن و به زبان روشن گفتن و مبتنی بر مآخذ قدیم و کتب اروپایی تدوین کرده است. ^(۱)

صفای ضمیر استاد آیتی

یکی از دوستان و ارادتمندان حضرت استاد آیتی از حالات و روحیه های زیبای ایشان اندک سخنی گفته اند پرمغز و ارزشمند که نشان از روحی لطیف و ضمیری روشن دارد که در اینجا نقل می شود:

« دوست دانشمند ما دکتر محمد ابراهیم آیتی نمونه ای کامل از مردان راه خدا و برگزیده ای از مردم پرهیزکار روزگار ما بود.

مرحوم دکتر آیتی انسانی وارسته و سلیم النفس، بسیار صبور و سلیم، کم گوی و گزیده گوی و به حقیقت از مردان با کمال راستین در عهدی بود که از این خصایص و صفات نمونه های بسیار دیده نمی شود. ^(۲)

یکی از نویسندگان درباره ایشان می گوید:

« اندیشمند و محقق اسلامی فرزند حوزه و دانشگاه مرحوم حجهالاسلام و المسلمین دکتر محمد ابراهیم آیتی دانشمندی باتقوا، استادی کثیرالاطلاع، سخنوری متبحر و مورخی با حقیقت بود. او در همه عمر با کمال اخلاص مشغول خدمت به دین و علم بود و همانند سربازی فداکار و از خود گذشته انجام وظیفه می نمود و همواره پاسدار مرزهای عقیده و ایدئولوژی اسلام بود. ^(۳)

۱- تاریخ پیامبر اسلام، دکتر محمد ابراهیم آیتی، مقدمه ایرج افشار، ص «د» .

۲- مجله راهنمای کتاب، شماره ۷ مقاله ایرج افشار تحت عنوان وفات دکتر محمد ابراهیم . آیتی ؛ مقدمه کتاب تاریخ پیامبر اسلام، اثر مرحوم آیتی، ص «د» .

۳- کیهان اندیشه، ش ۳۷ ص ۱۹۵ مقاله یاد، از آقای محمد بدیعی .

استاد احمد آرام در مقدمه کتاب آئینه اسلام درباره او می گوید:

« مرحوم آیتی از مردانی بود که به گزاف سخن نمی گفت. اهل تحقیق و تتبع بود و آنچه را که نمی دانست یا در دانسته خود شک داشت برای آنکه فقط چیزی گفته یا نوشته باشد بر زبان یا قلم نمی آورد. در مجلسی که دست کم هفته ای یکبار با هم بودیم کمتر از دیگران سخن می گفت ولی هرگاه کسانی را می دید که به مکابره می خواهند حقی را پایمال کنند و باطلی را بر کرسی بنشانند آنگاه دیگر خاموشی را روا نمی داشت و آنچه را که گفتنی بود بی کم و زیاد می گفت». (۱)

اقدامات اجتماعی و فرهنگی

حضرت حجه الاسلام مرحوم محمد ابراهیم آیتی از آنگاه که دست مایه ای در علوم به هم زد و توانی در خویش احساس نمود از پای نشست و تلاش شبانه روزی خویش را برای احیای فکر دینی در این قرن بکار بست.

او از دوستان شهید مطهری، آیهالله بهشتی و آیهالله طالقانی بود و با هم مراوده علمی و مباحثه داشتند. در آن زمان نوای بیداری در بعضی از مجامع علمی و فرهنگی برخاسته بود و حرکت های خودجوش ارزشمندی برای شناخت درست اسلام ایجاد شده بود. کار مهم اندیشه وران آن روز تغذیه فکری این مجامع بود و استاد آیتی یکی از کسانی بود که در انجام این مهم کوشا بود. در انجمن اسلامی

۱- - آئینه اسلام، اثر دکتر طه حسین مصری، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، مقدمه استاد . آرام، ص «هفت» .

مهندسان، جلسات ماهانه دینی که شهید مطهری نیز سخنرانی داشت شرکت داشت و به سخنرانیهای ارزشمندی می پرداخت و این سخنرانیها بلافاصله تایپ و تکثیر می شد و با استقبال فراوانی نیز روبرو گشت.

او همچنین در پرداختن به برخی موضوعات اسلامی و پیراستن نقص ها و خرافه ها متون اصیل و استواری را عرضه کرد که از آن جمله « بررسی تاریخ عاشورا» که ابتدا در رادیو ایران آن زمان پخش گردید و نیز « سیمای امیرالمؤمنین از مسجد الحرام تا مسجد کوفه» و برخی مباحث دیگر که به صورت مقاله ارائه شده است.

کتاب « سرمایه سخن» را که در مناسبت های اسلامی طول سال می باشد برای واعظان و اهل منبر نوشت تا در مناسبت های گوناگون مطالب صحیح در دسترس افراد باشد و بتوانند با تکیه بر متون مطمئن معارف دین را طرح کنند.

یکی از تلاش های تحسین برانگیز ایشان تلاش در راه انتشار کتابهای مذهبی بود که از آن جمله تلاش گروهی ایشان و همراهانش منشأ ایجاد « شرکت انتشار» گردید. باری او در راه اصلاح ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه خویش از هیچ خدمتی فروگذار نکرد و با قلم و زبان و دست خویش هر آنچه کرد برای احیای فکر دینی و اندیشه الهی بود.

او یکی از کسانی بود که آرزوی آقایی و سربلندی اسلام و مسلمین را در سر می پروراند و امیدوار به بازگشت امپراتوری پهناور اسلام بود.

او این اندیشه اصلاح گرانه را در ابتدای کتاب آئینه اسلام آنجا که از کتاب تعریف و تمجید کرده است آورده است.

« امید است در این عصر که گویی مقدمات بیداری مسلمین فراهم گشته است این گونه کتابها بتواند مردم را تکان دهد و نهضت‌های ثمربخش فکری و مذهبی بوجود آورد و مسلمانان را برای سروری جهان آمده سازد.» (۱)

و این سخن هنگامه ای بر دل صفحه نشسته است که قیام سال ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی آغاز گشته بود.

تألیفات

زندگی حضرت استاد محمد ابراهیم آیتی سراسر تلاش و کوشش و تحقیق و جستجو بود. او در تمام مدت عمر خویش دمی آرام ننشست و همواره به کار مشغول بود. حاصل این حیات مبارک تألیفات و آثار قلمی ارزشمندی است که از آن فرزانه بر جای مانده است و ما در این مقال به بررسی آنها می پردازیم.

۱- تاریخ پیامبر اسلام

این کتاب تحقیقی است مستند، گسترده و دقیق بر اساس متون کهن در پیرامون حیات اشرف مخلوقات هستی حضرت رسول اکرم (ص) که مؤلف در تنظیم آن زحمات فراوانی را متحمل شده اند. این کتاب با تعلیقات و اضافاتی از دکتر ابوالقاسم گرجی از طرف دانشگاه تهران چاپ شده و چندین بار تجدید چاپ گردیده است.

۱- - مقدمه کتاب آئینه اسلام، ص ۲ چاپ سوم .

۲ و ۳- ترجمه تاریخ یعقوبی

این کتاب در دو جلد ضخیم چاپ شده است و از ترجمه های ارزشمند متون تاریخی به حساب می آید به طوری که در سال ۱۳۴۲ این ترجمه به عنوان کتاب سال شناخته شد. متخصصان ترجمه نسبت به ترجمه های دقیق و اصولی مرحوم آیتی اعتماد خاصی دارند. این اثر نیز چندین بار تجدید چاپ شده است.

۴- آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا

به طوری که ایشان در مقدمه کتاب ذکر می کنند این اثر حاصل تحقیق و تدریس سال های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ دوره لیسانس دانشکده معقول و منقول تهران است و ایشان در این کتاب تاریخ حوادث مهم هشت قرن حکومت مسلمین در اروپا را به تفصیل بیان کرده اند که شامل تاریخ حکومتها، دست نشاندهگان حکام عباسی و غیر آن می باشد. این کتاب در سال ۱۳۴۰ در ۳۵۷ صفحه چاپ شده است.

۵ و ۶- سرمایه سخن

این کتاب به انگیزه تقویت و غنی سازی سخنرانیهای اسلامی تهیه شده است و مجموعه ۸۰ مقاله درباره مناسبت های مذهبی است که سی مجلس آن درباره ماه مبارک رمضان، بیست و پنج مجلس درباره ماه محرم و صفر و بیست و پنج مجلس دیگر در مناسبت های دیگر سال می باشد. این اثر به همت مرحوم آیتی و یکی از دوستانش به نام سید محمد باقر سبزواری تهیه و تنظیم شده و در سال ۱۳۳۹ به چاپ

رسیده است.

۸- بررسی تاریخ عاشورا

خمیر مایه این کتاب را مجموعه هفده سخنرانی دکتر آیتی در رادیو ایران در سال های ۱۳۴۳ - ۱۳۴۲ تشکیل می دهد. این اثر به همت استاد علی اکبر غفاری تنظیم و چاپ شده و تاکنون در حدود ۱۰ نوبت تجدید چاپ شده است.

۹ و ۱۰- تصحیح تفسیر شریف لاهیجی

مرحوم استاد آیتی جلد ۳ و ۴ این تفسیر را به صورت زیبا و اصولی تصحیح نموده اند و در سال ۱۳۴۰ از طرف اداره اوقاف تهران به چاپ رسیده است.

۱۱- ترجمه البلدان یعقوبی

این کتاب نیز به وسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۵۶ در ۲۱۱ صفحه چاپ شده است.

۱۲- افکار جاوید محمد

این کتاب ترجمه ای از متن انگلیسی

۱۳- اصل کتاب به زبان انگلیسی بوده و ایشان آن را ترجمه نموده است.

۱۴- آئینه اسلام

ترجمه ای است از متن عربی آن اثر نویسنده توانای مصری دکتر طه حسین که در تهران وسیله شرکت انتشار به چاپ رسیده است.

۱۵- سیمای امیرالمؤمنین از مسجدالحرام تا مسجد کوفه این کتاب سخنرانی استاد در جلسه ماهانه دینی است که ابتدا در کتاب گفتار ماه، ج ۳ ص ۱۶۴ - ۱۲۹۶ چاپ شده و سپس به صورت جداگانه به زیور طبع آراسته گردیده است.

۱۶- راه و رسم تبلیغ

مقاله ای است که در کتاب گفتار ماه جلد دوم، ص ۱۷۴ - ۱۴۹ به چاپ رسیده است.

۱۷- کتاب و سنت

در کتاب گفتار ماه جلد اول، ص ۲۲۵ تا ۲۵۲ به چاپ رسیده است.

۱۸- همه مسؤول یکدیگریم مقاله ای است در کتاب همه مسؤول یکدیگریم که بحث زیبایی درباره امر به معروف و نهی از منکر نموده است. کتاب توسط انتشارات تشیع در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسیده و مقاله در کتاب گفتار ماه، ج ۱ ص ۷۶ - ۴۵ نیز چاپ شده است.

۱۹- فهرست ابواب و فصول اسفار

این مقاله در یادنامه ملاصدرا به چاپ رسیده است.

۲۰- تصحیح و تنقیح مثنوی مقامات الابرار

این کتاب در سال ۱۳۳۷ چاپ شده است.

۲۱- مقولات عشر

این کتاب رساله تز دکترای آن مرحوم می باشد و در روزنامه ۱۳۷۱ / ۶ / ۵مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

۲۲- گفتار عاشورا

با همکاری عده ای از اندیشه وران.

۲۳- مرجعیت و روحانیت

این کتاب را نیز با همکاری عده ای از نویسندگان تألیف کرده است.

۲۴- شهدای اسلام

به عربی است و تاکنون چاپ نشده است.

۲۵- خطبه های رسول اکرم(ص)

به زبان عربی نگارش یافته و تاکنون چاپ نشده است.

۲۶- مجموعه سخنرانیها در مورد شخصیت های برجسته عالم اسلام

و مقالات و سخنرانیهای علمی و تحقیقی ارزشمندی که براستی شایسته است در یک مجموعه

ارزشمند گرد آید.

فرازهایی از اندیشه استاد آیتی

دین داری و دین شناسی

دین داری غیر از دین شناسی است. برخی از مردم به خدا و رسول دین و آئین عقیده دارند و در انجام مراسم مذهبی کوشش به سزا می کنند، اما دین شناس نیستند و کوششهای آنان غالباً جاهلانه و عامیانه است. همین مردم که گاهی به قصد قبت با خدا می جنگند و برای خاطر دین به دین و دینداران حمله می کنند... اینطور نیست که هر مسلمانی بفهمد مسلمانی چیست، بسا می شود شخص در عین آنکه مسلمان و متدین باشد فکری یا افکاری ضد دین داشته باشد و به نام توحید و خداشناسی، شرک ورزد و به نام اخلاص ریاکاری کند... مردم دیندار باید بیش از هر چیز به فکر دین شناسی باشند تا هم آبروی دین را نبرند و هم آنچه به نام دین انجام می دهند مورد رضای خدا و رسول باشد...

یکی از افکار خطرناک ضد دین آن است که انسان تصور کند هر کاری که قیافه مذهبی پیدا کرد خوب است و ثواب دارد، اگر چه

روح دین از آن بیزار و بی خبر باشد... برای همین خطرها بوده که برخی از بزرگان دین و دانشمندان مذهبی با آن که خود شایستگی تعلیم و تربیت دیگران را داشته اند باز دین و عقاید و افکار مذهبی خود را بر امام زمان خود عرضه می داشتند تا مبادا به نام دین چیزی را بر خلاف دین معتقد باشند یا به حساب دین کاری را بر خلاف دین انجام دهند. از جمله اینان یکی حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) است.

تدبّر در قرآن

این فکر که قرآن مجید از حدود فهم مردم خارج است و کتابی است مقدس که باید آن را فقط به عنوان تیمن و تبرک در خانه های خود داشته باشیم... فکری است بی اساس و ضد قرآنی و ضد دین... خدای متعال از بندگان خواسته است که در قرآن تدبّر کنند... چه خوب است که هر مسلمانی هر روز چند آیه از قرآن را به این نظر بخواند و در آن نیک بیندیشد و اگر عربی نمی داند لااقل به ترجمه آن توجه کند و از کلام پروردگار خویش که هیچ سخنی نمی تواند جای آن را بگیرد کسب فیض نماید. اگر ده آیه برای ثواب می خواند یک آیه هم برای تربیت شدن بخواند با اینکه روح ثواب همان اثر نیکی است که تلاوت قرآن در نفس انسان ایجاد می کند و اگر خواندن قرآن یا هر عمل نیکی در نفس انسان هیچ اثر نکند ثواب داشتن این عمل معنی ندارد... بیگانه بودن از قرآن و نشناختن قرآن و عاجز بودن از خواندن و فهمیدن قرآن برای مسلمان سزاوار نیست. قرآن مجید را خدای متعال نازل کرده تا مسلمانان دنیا با همین قرآن آشنا شوند، قرآن را

بخوانند و از آن دستور بگیرند و در اثر انس با قرآن با فضایل اخلاقی خو گرفته از رذایل اخلاقی پاک و منزّه شوند، ثواب بردن از تلاوت قرآن هم جز آن نیست که روح انسان را تربیت کند و پیش ببرد. اگر کار خوبی می کنید و خدا به شما ثواب می دهد، روح ثواب دادن خدا همان است که نفس شما، روح شما در این عمل مرحله ای بالاتر برود و در مراحل کمال قدمی فراتر نهد و به تعبیر دیگر چیزی بر شما افزوده شود تا کار نیک چیزی بر آدمی نیفزاید و او را از آن که بوده بهتر نکند و از مقامی که داشته است بالاتر نبرد معنی ندارد که بگوییم آن کار ثواب دارد. (۱)

حکایت رحلت

باری استاد فرزانه دکتر محمد ابراهیم آیتی پس از سالیانی که خدمات شایسته ای به جامعه خویش کرد در یک سانحه تصادف جان خویش را از دست داد و در حالی که سنی در حدود ۵۱ سال داشت این سرای خاکی را بدرود گفت. ضایعه رحلت او همه دلسوزان و دینداران و اندیشمندان را متأثر کرد. جنازه اش را با تجلیل فراوان به قم آوردند و در قبرستان ابوحسین قم دفن کردند. بر لوح قبر آن بزرگ چنین آمده است:

هو الحی الذی لا یموت

مضجع شریف فقید سعید حجهالاسلام آقا شیخ محمد ابراهیم آیتی بیرجندی این مرحوم ثقهالاسلام آقا شیخ محمد که در سوم جمادی الثانیه ۱۳۸۴ قمری مطابق هفدهم مهرماه یکهزار و سیصد و چهل و سه شمسی دعوت حق را اجابت کرد. معظم له دارای ملکات نفسانیه و جامع علوم عقلیه نقلیه، مروج طریقه جعفریه بود. آثار و تألیفاتی بس گرانبها از خود باقی گذاشت.

عمر بسیار بیاید پدر پیر فلک را تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

طوبی له و حسن مآب

روانش شاد و سرایش جنت باد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتاهای خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

